

آدمی

مهر علی

نور محمدی

یاد محمدؐ

علیه السلام

محمد خادمی شیرازی



آثار مجتهد صاحب الزمان
قم جبکران



نام کتاب : یاد مهدی «علیه السلام»

مؤلف : محمد خادمی شیرازی

ناشر : انتشارات مسجد مقدس صاحب الزمان «عج» (قم - جمکران)

سال نشر : ۱۳۷۱

چاپخانه : چاپخانه باقری

لیتوگرافی : تیزهوش (۲۷۳۷۶) قم

تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه

بهای هر نسخه : ۳۰۰۰ ریال

« کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۲۵	کتاب حاضر
۲۶	مؤلف گرانقدر
۳۱	مقدمه مؤلف
۳۲	واسطه فیض
۳۴	انتخاب رهبر
۳۷	سیمای پیشوایان در قرآن
	بخش اول
۴۳	مهدی(ع) از دیدگاه دیگران
۴۶	زبور
۴۷	تورات
۴۸	انجیل

۴۹ کتب مقدسه هندوها

۵۰ کتب مقدسه مانویّه

۵۰ کتب مقدسه زردشتیان

۵۱ جین ها

۵۱ برهائیان

۵۱ چینیان

۵۲ ملل مختلف جهان

بخش دوم

۵۳ مهدی (ع) از دیدگاه قرآن

بخش سوم

۷۹ مهدی (ع) از دیدگاه پیامبر اکرم (ص)

بخش چهارم

۹۷ مهدی (ع) از دیدگاه امیر مؤمنان (ع)

بخش پنجم

۱۱۱ مهدی (ع) از دیدگاه حضرت زهرا (ع)

بخش ششم

۱۲۱ مهدی (ع) از دیدگاه امام حسن مجتبی (ع)

بخش هفتم

۱۲۹ مهدی (ع) از دیدگاه امام حسین (ع)

بخش هشتم

۱۴۱ مهدی (ع) از دیدگاه امام زین العابدین (ع)

بخش نهم

مهدی (ع) از دیدگاه امام باقر (ع) ۱۵۳

بخش دهم

مهدی (ع) از دیدگاه امام صادق (ع) ۱۷۳

بخش یازدهم

مهدی (ع) از دیدگاه امام کاظم (ع) ۲۰۵

بخش دوازدهم

مهدی (ع) از دیدگاه امام رضا (ع) ۲۱۷

بخش سیزدهم

مهدی (ع) از دیدگاه امام جواد (ع) ۲۳۱

بخش چهاردهم

مهدی (ع) از دیدگاه امام هادی (ع) ۲۴۳

بخش پانزدهم

مهدی (ع) از دیدگاه امام حسن عسکری (ع) ۲۵۵

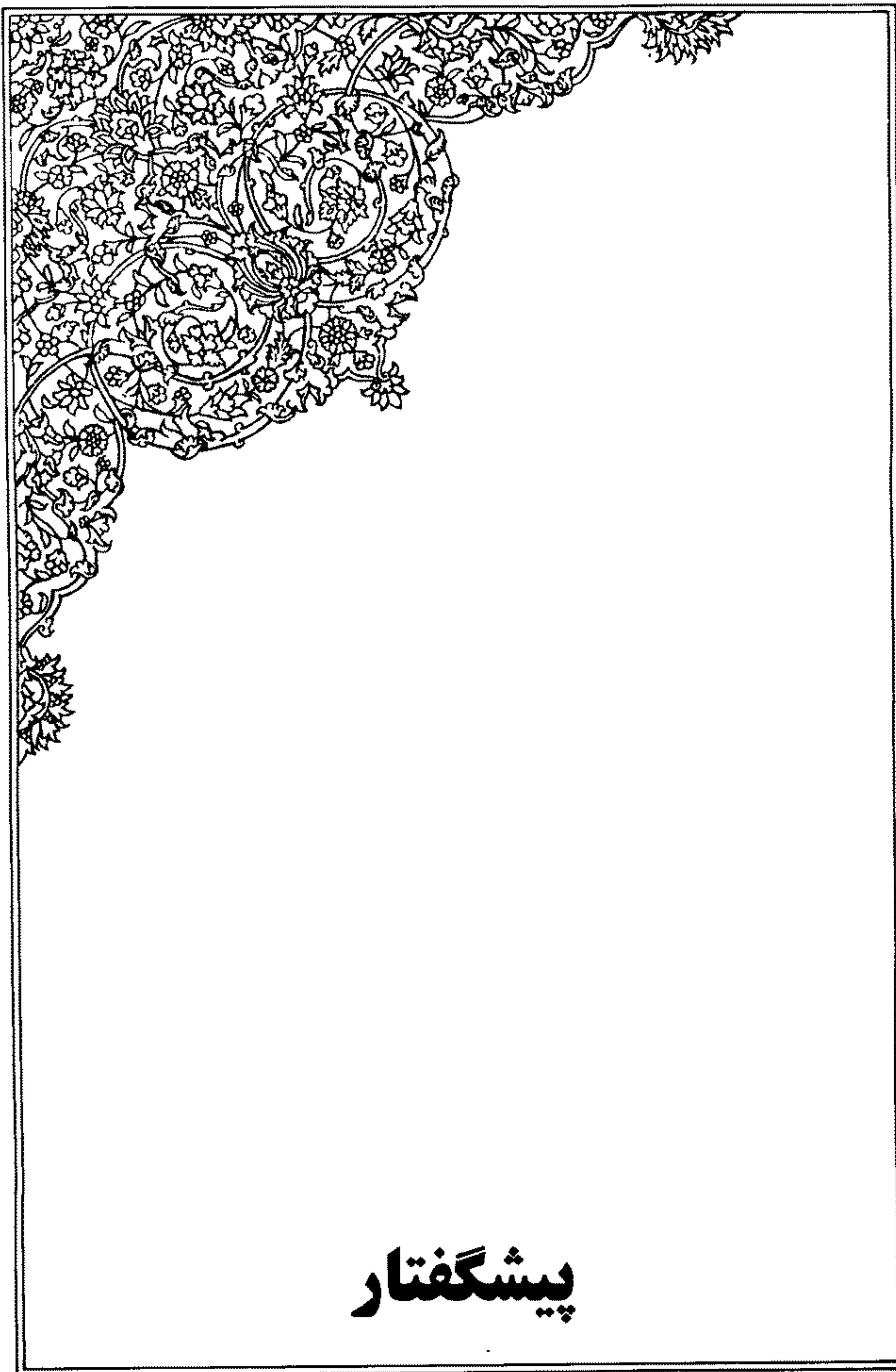
بخش شانزدهم

مهدی (ع) از دیدگاه خویشان ۲۸۱

بخش هفدهم

مهدی (ع) از دیدگاه اهل سنت ۲۹۹

منابع و مآخذ ۳۴۳



پیشگفتار

پیشگفتار

مرزهای جغرافیائی در هم ریزد، دنیا رنگهای دیگر گیرد، مصلح کل جهان، حامی مستضعفان، ویرانگر کاخهای ستمگران، بنیانگذار حکومت واحد جهانی، حضرت حجة بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء ظهور کرده، کاخهای ظلم و استبداد را بر سر ستمگران فرو ریزد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی استوار سازد. برفراز کره خاکی دیگر ستمی روی ندهد و در زیر آسمان نیلی از تبعیض و بی عدالتی نشانی نماند. فساد و تباهی از جهان رخت بر بندد و معیارهای برجسته انسانی، ارزش واقعی خود را باز یابد. و اینک یک هزار و یکصد و پنجاه سال است که دست نیرومند الهی در آستین «غیبت» فرو رفته، تا روزی پس از سپری شدن دوران غیبت، ظهور کرده، آفتاب عدالت را بر هر کوی و برزنی بتاباند و بر جنایتهای انسانی خاتمه دهد.

نوید ظهور آن مصلح بزرگ جهان، علاوه بر قرآن مجید، در تمام کتابهای آسمانی، چون انجیل، تورات و زبور آمده است. اگر چه به جز قرآن کریم، همه کتابهای آسمانی دستخوش تحریف شده‌اند، لکن باز جملاتی از دستبرد تحریف‌گران مصون مانده، که در آنها از ظهور مصلح کل جهان گفتگو شده است. نظر به اینکه این نویدها به صورت پیشگوئی و در ارتباط با حوادث آینده بیان شده، و مضامین آنها در قرآن کریم و اخبار متواتر و مسلم اسلامی وارد شده است، هیچ تردیدی نمی‌ماند در اینکه این عبارتها از منطق وحی سرچشمه گرفته، و در طول زمان از دستبرد انسانها مصون مانده است.

پیروان همه ادیان، اعم از ثنویت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و اسلام، به استناد نویدهای کتب مقدسه‌شان، در انتظار ظهور آن مصلح الهی به سر می‌برند. که قسمتی از این نویدها در بخش اول این کتاب آمده است. (۱)

سیری گذرا در نمونه‌های یاد شده در این کتاب برای اثبات اصالت مهدویت و جهانی بودن اعتقاد به ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداء کافی است.



اعتقاد به ظهور حضرت مهدی یکی از مسائل بنیادی و حیاتی اسلام به شمار می‌رود و با دیگر عقاید و احکام اسلامی پیوند ناگسستنی دارد. بیش از یکصد و بیست آیه در قرآن کریم وارد شده که پیشوایان

۱ - برای توضیح بیشتر به کتابهای: بشارتهای عهدین، او خواهد آمد، و سیمای امام زمان (ارواحنا فداء) در آئینه ادیان، مراجعه شود.

معصوم علیهم السّلام آنها را به ظهور حضرت بقیّة الله تفسیر نموده‌اند، از آن در بخش دوّم این کتاب آمده است. (۲)

در لابلای روایات متواتری که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و سایر پیشوایان دین صادر شده است، کلیّة اوصاف و تمام جزئیات زندگی، ظهور، نهضت جهانی و قیام همگانی آن مصلح الهی و پایه‌گذار حکومت واحد جهانی بیان شده است.

احادیث وارده در پیرامون حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه از طریق شیعه و سنی بیرون از شمار است. از این رهگذر ما فقط فهرست قسمتی از آنها را در ذیل از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم:

۱ - در ۲۹۳ حدیث تصریح شده که او فرزند امام حسن عسکری علیه السّلام است.

۲ - در ۹۰ حدیث گفته شده که او نوه امام هادی و نبیره امام جواد علیه السّلام است.

۳ - در ۹۵ روایت وارد شده که او چهارمین فرزند امام رضا علیه السّلام است.

۴ - در ۱۹۹ روایت وارد شده که او پنجمین فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام است.

۵ - در ۲۰۲ حدیث وارد شده که او ششمین فرزند امام صادق

۲ - برای تحقیق بیشتر به کتابهای: المحجّة فیما نزل فی القائم الحجة (علیه السّلام) المهدی فی القرآن، موعود قرآن، شواهد التنزیل و سیمای امام زمان (ارواحنا فداه) در آئینه قرآن مراجعه شود.

علیه السلام است.

۶- در ۱۰۳ روایت وارد شده که او هفتمین فرزند امام باقر علیه السلام است.

۷- در ۱۸۵ حدیث آمده که او هشتمین فرزند حضرت سجاد علیه السلام است.

۸- در ۳۰۸ روایت وارد شده که او نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است.

۹- در ۲۱۴ حدیث آمده است که او از تبار امیر مؤمنان علیه السلام است.
۱۰- در ۱۹۲ روایت وارد شده که وی از اولاد حضرت زهرا سلام الله علیها است.

۱۱- در ۴۸ روایت تصریح شده که وی همان رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است.

۱۲- در ۱۳۶ حدیث تصریح شده که او دوازدهمین امام و آخرین پیشوا است.

۱۳- در ۹۱ روایت از غیبت طولانی او گفتگو شده است.

۱۴- در ۷ حدیث از کیفیت انتفاع مردم از آن حضرت در زمان غیبت سخن رفته است.

۱۵- در ۵۱ حدیث سیرت و صورت او توصیف شده است.

۱۶- در ۴۷ روایت تصریح شده که در عصر او اسلام دین جهانی خواهد شد، و آیه شریفه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» به دست او تحقق خواهد یافت.

۱۷- در ۱۲۳ روایت آمده که او شخصاً عدالت اجتماعی را در پهنه گیتی

برقرار خواهد کرد.

۱۸ - در ۲۹۳ حدیث از تولّد آن مهر تابان گفتگو شده است.

۱۹ - در ۳۱۸ روایت عمر طولانی آن حضرت مطرح شده، و در برخی از آنها تصریح شده که عمر شریفش به قدری طولانی می‌شود که جز مؤمنان راستین، کسی در اعتقاد خود استوار نمی‌ماند.

۲۰ - در ۶۵۷ حدیث در باره ظهور و علایم ظهور بحث شده است. (۳)

متن ۳۶۹۲ روایتی که فهرست آنها در بالا گفته شد، به اضافه ۲۵۱۵ روایت دیگر در پیرامون آن حضرت در منابع شیعه، از پیشوایان معصوم به دست ما رسیده است و در کتاب پر ارج «منتخب الأثر» جمع‌آوری شده است. در این کتاب جمعاً ۶۲۰۷ روایت با ذکر مأخذ از ۱۵۴ کتاب معتبر و دست‌اول شیعه استخراج و گردآوری شده است.

روایاتی که پیرامون نهضت جهانی حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه) در منابع معتبر اهل تسنّن آمده است، دست‌کمی از روایات شیعیان نمی‌باشد، و حتّی در «صحاح ستّة» که معتبرترین کتابهای روایتی اهل تسنّن است، روایات قائم آل محمد علیه‌السلام به شرح زیر آمده است:

۱ - صحیح بخاری: کتاب الأحکام و باب نزول عیسی بن مریم علیه‌السلام.

۲ - صحیح مسلم: باب الفتن، اشرط الساعة، و باب نزول عیسی بن مریم علیه‌السلام.

۳ - سنن ابن ماجه: باب خروج المهدی ارواحنا فداء.

۴ - سنن ابی داود: کتاب المهدی ارواحنا فداء.

۵ - سنن ترمذی: باب ما جاء فی المهدی ارواحنا فداء.

در مسند احمد، پیشوای حنبلی ها و دیگر سنن و جوامع اهل تسنن، روایات حضرت مهدی علیه السلام مشروحاً آمده است.

استاد «علی محمد علی دخیل» اسامی ۲۰۵ کتاب از بزرگان اهل سنت را در کتاب پر ارج «الامام المهدی» آورده است که تعداد ۳۰ نفر آنها مستقلاً در باره حضرت ولی عصر ارواحنا فداء کتاب نوشته اند، و ۳۱ نفرشان فصلی را در کتابهای خود به روایات حضرت مهدی ارواحنا فداء اختصاص داده اند و تعداد ۱۴۴ نفرشان به تناسبات مختلف روایات حضرت مهدی روحی له الفداء را در کتابهای خود آورده اند.

اگر بخواهیم اسامی همه این کتابها را نقل کنیم، سخن به درازا می کشد، از این رهگذر فقط از کتابهایی که مستقلاً در پیرامون حضرت ولی عصر ارواحنا فداء از بزرگان اهل سنت به رشته تحریر آمده، به ترتیب حروف تهجی نام می بریم:

۱ - ابراز الوهم من کلام ابن حزم، تألیف: احمد بن صدیق بخاری.

۲ - الاحادیث القاضیه بخروج المهدی، تألیف: محمد بن اسماعیل امیریمانی، متوفی ۷۵۱ هـ.

۳ - احادیث المهدی، تألیف: ابوبکر بن خثیمه.

۴ - أحوال صاحب الزمان، تألیف: سعدالدین حمویی، متوفی ۷۲۲ هـ.

۵ - أخبار المهدی، تألیف: حماد بن یعقوب رواجنی.

۶ - أربعین حدیث فی المهدی، تألیف: ابونعیم اصفهانی، متوفی ۴۳۰ هـ.

- ۷ - أربعين حديث في المهدي، تأليف: ابوالعلاء همداني.
- ۸ - ارشاد المستهدى في نقل بعض الاحاديث و الآثار الواردة في شأن الامام المهدي، تأليف: محمد علي حسين بكرى مدني.
- ۹ - البرهان في علامات مهدي آخر الزمان ارواحنا فداء، تأليف: ملا علي متقي هندی، متوفى ۹۷۵ هـ.
- ۱۰ - البرهان، تأليف: محمد بن عثمان كراچكى.
- ۱۱ - البيان في اخبار صاحب الزمان عليه السلام، تأليف: محمد بن يوسف گنجى شافعى، متوفى ۶۵۸ هـ.
- ۱۲ - تحديق النظر في اخبار المهدي المنتظر عليه السلام، تأليف: محمد بن عبدالعزيز بن مانع.
- ۱۳ - تلخيص البيان في علامات مهدي آخر الزمان عليه السلام، تأليف: ابن كمال پاشا حنفى، متوفى ۹۴۰ هـ.
- ۱۴ - تلخيص البيان في اخبار مهدي آخر الزمان روحى له الفداء، تأليف: ملا علي متقي هندی، متوفى ۹۷۵ هـ.
- ۱۵ - التوضيح في تواتر ما جاء في المنتظر والدجال والمسيح، تأليف: شوكانى.
- ۱۶ - الجواب المقنع المحرر، في الرد على من طغى وتبحر، بدعوى انه عيسى او المهدي المنتظر (ارواحنا فداء)، تأليف: محمد حبيب الله بن مايابى جكنى شنقيطى.
- ۱۷ - الرد على من حكم وقضى، ان المهدي (ارواحنا فداء) جاء و مضى، تأليف: ملا علي قارى هروى، متوفى ۱۰۱۴ هـ.
- ۱۸ - الرد على من كذب الأحاديث الصحيحة الواردة في المهدي

- (ارواحنا فداء)، تأليف: محسن بن عباد.
- ١٩ - رسالة في المهدي (عليه السلام) تأليف: ابن حجر مكي، متوفى ٩٧٣ هـ.
- ٢٠ - رسالة مهدي آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) تأليف: ملا علي متقي هندی، متوفى ١٠١٤ هـ.
- ٢١ - صاحب الزمان (عليه السلام) ابوالعنبس محمد بن اسحاق بن ابراهيم كوفى، قاضى صميره، متوفى ٢٧٥ هـ.
- ٢٢ - صفة المهدي (ارواحنا فداء)، ابونعيم اصفهاني، متوفى ٤٣٠ هـ.
- ٢٣ - العرف الوردى في اخبار المهدي (ارواحنا فداء)، تأليف: جلال الدين سيوطى، متوفى ٩١٠ هـ.
- ٢٤ - العرف الوردى في اخبار المهدي (ارواحنا فداء)، تأليف: يوسف بن يحيى دمشقى شافعى، متوفى ٦٨٥ هـ.
- ٢٥ - العرف الوردى في دلائل المهدي (ارواحنا فداء)، تأليف: عبدالرحمن بن مصطفى.
- ٢٦ - العطر الوردى، في شرح القطر الشهدى، فى اوصاف المهدي (ارواحنا فداء)، تأليف: محمد بن محمد بن احمد بلبيسى، متوفى بعد از ١٣٠٨ هـ.
- ٢٧ - عقد الدرر في اخبار المهدي المنتظر (ارواحنا فداء)، تأليف: يوسف بن يحيى دمشقى شافعى، متوفى ٦٨٥ هـ.
- ٢٨ - عقيدة اهل السنة والأثر، في المهدي المنتظر (ارواحنا فداء)، تأليف: محسن بن عباد.
- ٢٩ - علامات المهدي (ارواحنا فداء)، تأليف: جلال الدين سيوطى،

متوفی ۹۱۰ هـ.

۳۰ - الفتوی فی مسئلة المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف: رابطه

العالم الاسلامی مکّه، زیر نظر: شیخ محمد منتصر کتّانی.

۳۱ - فرائد الفوائد، تألیف: مرعی بن یوسف مقدسی، متوفی ۱۰۳۱ هـ.

۳۲ - فوائد الفكر فی ظهور المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف: نامبرده.

۳۳ - القطر الشّهدی فی اوصاف المهدی (ارواحنا فداه)، تألیف: احمد

ابن احمد حلوانی شافعی، متوفی ۱۳۰۸ هـ.

۳۴ - القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)،

تألیف: شهاب الدّین احمد بن محمد، ابن حجر مکی، متوفی ۹۷۳ هـ.

۳۵ - مرآة الفكر فی المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف: مرعی بن

یوسف مقدسی، متوفی ۱۰۳۱ هـ.

۳۶ - المشرب الوردی فی مذهب المهدی (ارواحنا فداه)، تألیف: ملا

علی قاری هروی، متوفی ۱۰۱۴ هـ.

۳۷ - مناقب المهدی، تألیف: ابونعیم اصفهانی، متوفی ۴۳۰ هـ.

۳۸ - المهدی، تألیف: ابن قیم جوزیه، متوفی ۷۵۱ هـ.

۳۹ - المهدی، تألیف: ابو داود (صاحب سنن)، متوفی ۲۷۵ هـ.

۴۰ - المهدی، تألیف: ادريس عراقی مغربی.

۴۱ - مهدی آل الرّسول (صلی الله علیه وآله وسلّم)، تألیف: علی بن

سلطان محمد هروی حنفی.

۴۲ - المهدی الی ما ورد فی المهدی (ارواحنا فداه)، تألیف: محمد بن

طولون.

- ۴۳ - المهدی والمهدویّه، تألیف: احمد امین مصری، معاصر.
- ۴۴ - النجم الثاقب فی بیان أنّ المهدی من اولاد علی بن ابی طالب.
- ۴۵ - النّظم الواضح المبین، تألیف: عبدالقادر بن محمّد سالم.
- ۴۶ - نعت المهدی (علیه السّلام)، تألیف: ابو نعیم اصفهانی، متوفی ۴۳۰ هـ.

۴۷ - الوهم المکنون فی الرّد علی ابن خلدون، تألیف: ابوالعبّاس بن عبدالمؤمن مغربی.

۴۸ - الهدیّة المهدویّة، تألیف، ابوالرجا محمّد هندی.

- ۴۹ - الهدیّة النّدیّة، للامّة المحمّدیّة فیما جاء فی فضل الذات المهدیّة، تألیف: قطب الدین مصطفی بن کمال الدین حنفی، متوفی ۱۱۶۲ هـ.
- ۵۰ - ینابیع المودّة، تألیف: حافظ سلیمان قندوزی. (۴)

در اینجا یادآوری این نکته لازم است که در کتابهای اهل سنت به نقل روایات کلی حضرت مهدی روحی له الفداء اکتفا نشده بلکه از اوصاف و خصوصیات آن حضرت به تفصیل گفتگو شده است، مثلاً در ۳۵ کتاب از دانشمندان سنی، تصریح شده که مهدی موعود علیه السّلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (علیه السّلام) می باشد. (۵)

از زمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم تا عصر اصحاب و تابعین، در هر عصری مسائل مربوط به حضرت مهدی ارواحنا فداه، در

۴ - او خواهد آمد، ص ۷۹ - ۸۴.

۵ - اسامی آنها را در کتاب «موعودی که جهان در انتظار اوست»، ص ۵۱ - ۶۸ بخوانید.

میان توده مردم مشهور و زبانزد خاص و عام بود و در هر بُعدی از ابعاد آن کتابهای مستقلی نوشته شده است. اگر روزی بتوانیم کتابهایی را که در هر عصری پیرامون حضرت مهدی ارواحنا فداء نوشته شده، احصا کنیم، خود یکی از مستدلترین راههای اثبات «اصالت مهدویت» خواهد بود.

نگارنده این سطور کتابی در دست تألیف دارد که در آن مشخصات بیش از یک هزار جلد کتاب را گرد آورده که از سوی علمای بزرگ در پیرامون حضرت بقیة الله روحی له الفداء استقلالاً نگارش یافته است. در اینجا به عنوان نمونه از چند دانشمند بزرگ شیعه نام می‌بریم که پیش از ولادت حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در پیرامون غیبت آن حضرت کتاب نوشته‌اند:

۱ - ابواسحاق، ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی، از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد، که کتابی در «غیبت» نوشته، و ابن قولویه این کتاب را با یک واسطه از او روایت کرده است. (۶)

۲ - ابوالحسن، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی شاطری، معاصر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، که کتابی بنام «الغیبة» نوشته است. (۷)

۳ - ابو الحسن، علی بن عمر اعرج کوفی، از یاران حضرت موسی بن

۶ - رجال نجاشی، ص ۲۸ و فهرست شیخ طوسی، ص ۷۵.

۷ - فهرست شیخ طوسی، ص ۱۱۸، رجال نجاشی، ص ۱۹۳ و رجال شیخ طوسی، ص ۳۵۷.

جعفر علیه السلام و مؤلف کتابی بنام «الغیبة».^(۸)

۴ - حسن بن علی بن ابی حمزة بطاینی، که در عصر امام رضا علیه السلام می زیسته، و کتابی در پیرامون «غیبت» نوشته است.^(۹)

۵ - ابوالفضل عباس بن هشام ناشری، از اصحاب امام رضا علیه السلام و متوفی ۲۲۰ هجری و صاحب کتاب «الغیبة».^(۱۰)

۶ - ابو محمد، فضل بن شاذان آزدی، از اصحاب امام رضا علیه السلام و متوفی ۳۶۰ هجری، و صاحب ۱۸۰ جلد کتاب ارزنده در حمایت از حریم مقدس ولایت، که یکی از آنها کتاب «الغیبة» است.^(۱۱)

۷ - همچنین کتابهای فراوانی از معاصرین امام حسن عسکری علیه السلام مانند «ابراهیم بن اسحاق»^(۱۲) و معاصرین نوّاب اربعه، مانند «محمد بن قاسم بغدادی» متوفی ۳۳۲ هـ به نام «الغیبة» به یادگار مانده است.^(۱۳)

فهرست بالا مربوط به کسانی است که پیش از ولادت حضرت مهدی کتاب مستقّلی در موضوع «غیبت» نوشته اند. وگرنه در صدها کتاب پیش

۸ - رجال نجاشی، ص ۱۹۴.

۹ - قاموس الرجال، ج ۳، ص ۱۹۳، رجال نجاشی، ص ۲۸ و فهرست شیخ طوسی، ص ۷۵.

۱۰ - رجال نجاشی، ص ۲۱۵، رجال شیخ طوسی ص ۳۸۴ و فهرست شیخ طوسی، ص ۱۴۷.

۱۱ - رجال شیخ طوسی، ص ۴۲۰، فهرست شیخ طوسی، ص ۱۵۰ و رجال نجاشی، ص ۲۳۵.

۱۲ - رجال نجاشی، ص ۱۵ و فهرست شیخ طوسی، ص ۲۹.

۱۳ - الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۱۶، ص ۸۰.

از ولادت آن حضرت موضوع غیبت مطرح شده است. مثلاً «حسن بن محبوب» یکی از محدثین مورد اعتماد، صد سال پیش از ولادت حضرت مهدی ارواحنا فداء، احادیث مربوط به غیبت را در مشیخة خود آورده است. (۱۴)

کتاب حاضر

کتابی که در پیش رو دارید نخستین جلد از مجموعه آثار مؤلف عالیقدر، در پیرامون نهضت جهانی مصلح غیبی حضرت حجة بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء است، که مؤلف گرانقدر جلد اول را به سبک کتاب پر ارج «کمال الدین و تمام النعمة» تألیف کرده، و به پیروی از شیخ بزرگوار مرحوم صدوق، روایات رسیده از هر معصومی را در یک بخش قرار داده است. یکی از مزایای این شیوه، امکان بررسی سیر تکاملی احادیث مهدی موعود ارواحنا فداء در عصر معصومین علیهم السلام می باشد. این شیوه در کتابهای عربی معمول بود ولی در کتابهای فارسی معمول نبود و شاید این کتاب، نخستین کتاب فارسی باشد که بر این شیوه استوار است.

از دیگر مزایای این کتاب، آوردن متن عربی احادیث، و اعراب گذاری آنهاست که هر طبقه‌ای را سودمند خواهد بود و گفتار معصومین علیهم السلام دل‌های مؤمنان را نورانی خواهد نمود، که کلامشان نور، رشد و هدایت است.

در ترجمه احادیث تلاش بر این بود که با حفظ امانت در ترجمه، ترجمه‌ها ساده و روان باشد.

ناشر محترم ادیت کردن این کتاب را به نگارنده پیشنهاد نمود، نگارنده برای عرض ادب به پیشگاه حضرت بقیة الله روحی له الفداء و برای ادای قسمتی از حقوق فراوانی که مؤلف بزرگوار برگردن او داشت، با اشتیاق فراوان پذیرا شد و تا جائیکه بضاعت علمی محدودش اجازه می‌داد در تهذیب و تنظیم آن کوشید و اینک این خدمت ناچیز را به پیشگاه یکتا بازمانده از حجت‌های پروردگار، حضرت حجة بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء تقدیم می‌نماید.

مؤلف گرانقدر

مؤلف بزرگوار یکی از خدمتگزاران صدیق آستان مقدس پیشوای انس و جان، حضرت بقیة الله امام زمان ارواحنا فداء می‌باشد، که چون عاشقی دلسوخته از درد هجران می‌نالد و دو چشم انتظار با یکدنیا امید به کوی معشوق دوخته، در انتظار فرا رسیدن لحظه موعود ثانیه شماری می‌کند.

مؤلف جلیل‌القدر از پرورش یافتگان مکتب والای اهل بیت علیهم السلام، و دست‌پرورده استاد گرانقدری چون مرحوم آیت الله حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی (قدس سرّه) می‌باشد، که عمری را در شهر ادب پرور شیراز به ارشاد و هدایت مردم در سنگر محراب و منبر سپری نموده، عاشقان شیدائی تربیت نموده، که شعاع تربیت او از محدوده شیراز تجاوز کرده، شاگردانی را در قم و تهران به سوی خود جذب کرده است.

آنانکه از نزدیک با مؤلف بزرگوار آشنا هستند به خوبی می دانند که در شبانه روز بیشترین ساعات عمر با برکتشان با «یاد مهدی» سپری می شود و چه قدر متناسب است که عنوان سری آثار خود را «یاد مهدی» نامیده اند، و به همین دلیل مطالب کتاب از کشش و جذبه خاصی برخوردار است، زیرا این مطالب از قلبی سرشار از عشق مولا، و دلی خونبار از درد هجران سرچشمه گرفته، و همراه با قطرات اشک بر روی صفحات کاغذ نقش بسته است. که امیدواریم خواننده گرامی نیز در وضع مشابهی حقایق مندرج در آن را مطالعه نماید و با مطالعه هر سطر بر مراتب ولایتی او افزوده شود و با مطالعه هر سطر گامی به مولا و پیشوای خود نزدیکتر شده، از عوامل بازدارنده دورتر گردد، تا در حومه مغناطیسی او قرار گیرد و همراه دیگر ذرات عالم در پیرامون هسته مرکزی جهان آفرینش، خورشید فروزان امامت، و هدف اعلای جهان خلقت به گردش درآید.

و اینک دامن سخن فرا می چینم و همراه دیگر خوانندگان گرامی پای سخنان مؤلف گرانقدر می نشینم. امید آنکه پیش از پایان یافتن این کتاب، فرمان ظهور فرا رسد و خلعت ظهور به اندام رسای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء پوشانیده شود و دیدگان نگران ما با دیدار آن جمال الهی منور گردد و پرچم حق بر فراز کره خاکی به اهتزاز درآید و توفیق جهاد در محضر آن پیشوای دادگستر نصیبمان گردد.

دهم شوال المکرم ۱۴۰۴ هـ. ق.

علی اکبر مهدی پور

بیا بیا که سوختم ز هجر روی ماه تو
تمام عمر دوختم دو چشم خود به راه تو

این ران ملخ به پیشگاه تو

- ای سلیمان جهان هستی!

- ای آخرین سفیر اعظم الهی!

- ای جان جانان!

- ای بنیانگذار عدل و داد آسمانی!

- ای پرچمدار تقوی و بنیانگذار سعادت نوین بشر!

- ای منتقم ستمدیدگان و شهیدان!

- ای یادگار احمد مختار!

- ای آئینه جمال و کمال همه انبیاء و اوصیاء و اولیاء!

- ای پیاده کننده حکومت «الله» و درهم کوبنده حکومت ستمگران!

- ای مهدی! ای مظلوم! ای اسیر آل محمد! ای زندانی فاطمه!

- ای امید بیچارگان و ریشه کن ساز فقر و تهیدستی!

- ای منتظر! ای غائب!

- ای زنده کننده حقّ علی و دیگر معصومین!

با امید قبول تقدیم می گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ
أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيُلَمَّ بِهِ الشُّعْثُ، السَّلَامُ عَلَى الْحُجَّةِ
الْمُنْتَظَرِ، الْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ، رُوحِي وَأَزْوَاجِ الْعَالَمِينَ
لِثَرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ.

نیاز به وجود یک قائد و رهبر الهی که برپا دارنده عدالت در سرتاسر گیتی باشد، بر هیچ انسانی پوشیده نیست. جهان هستی منهای آن قائد الهی و بدون قوانین حیاتبخش اسلام، روی آرامش و آسایش نخواهد دید. دنیای متمدن و مترقی کنونی با آنهمه رهبران پیشتاز سیاسی، مغزهای متفکر جهانی، مجامع بین‌المللی، از سازمان ملل گرفته تا سازمان عفو جهانی، همه و همه با طرحها و برنامه‌های گسترده خود، که با تلاشی طاقت فرسا و کوششی بی‌نظیر برای بازگردانیدن آرامش و آسایش به جهان، مشغول فعالیت هستند، میزان موفقیتشان در ایجاد سعادت و امنیت جهانی برای همگان روشن است و نیازی به توضیح ندارد.

جنگهای خانمانسوز الجزائر، ویتنام، اعراب و اسرائیل، آوارگی ملت فلسطین اشغال افغانستان و جنایات رژیم پلید بعث، همه و همه سند

رسوایی سازمانهای بین‌المللی و ناتوانی آنها از بازگردانیدن صلح و آرامش در جهان امروز است.

بررسی جنایتها و خیانت‌های زمامداران ممالک اسلامی و تجاوز آنها به حقوق ملت خود، برای منافع شخصی و یا تأمین مصالح ابر قدرتها، هر انسان هشیار و با انصافی را از اصلاح جهان به دست این اصلاح طلبان مأیوس و ناامید می‌کند و او را مطمئن می‌سازد که مصلح باید آسمانی باشد، از طرف خداوند دانا و توانا تعیین گردد، و به قدرت ناپیدا کرانه حضرت احدیت متکی باشد. و او کسی جز ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد، بنیانگذار عدل و داد «مهدی منتظر ارواح العالمین له الفداء» نمی‌باشد.

سلام بر مهدی منجی انسانها.

سلام بر مهدی زنده کننده شرایع آسمانی.

سلام بر مهدی منتقم خون شهیدان.

سلام بر مهدی احیاء کننده تعالیم عالیّه اسلام.

سلام بر مهدی برپا دارنده حق در سراسر جهان.

واسطه فیض

خداوند از دیده‌ها پنهان است و انسان خاکی توانائی گرفتن فیض از آن فیاض علی‌الاطلاق را ندارد. از این رهگذر نیاز مبرمی به یک واسطه فیض هست که فیوضات الهی توسط آن واسطه فیض به جهان آفرینش سرازیر شود. از این رهگذر قانون لطف ایجاب می‌کند که گروهی از بندگان شایسته خدا عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بشوند. پیامبران

عظیم الشان و جانشینان والاقدر آن سفیران الهی، یکی بعد از دیگری این مسئولیت حیاتی را به عهده گرفتند و چون مشعل فروزانی گمگشتگان وادی ضلالت را به شاهراه سعادت رهنمون شدند.

پیامبران سلف یکی پس از دیگری همه رنجها و ناملایمات را به جان خریدند و رسالت سنگین خود را به نحو احسن به پایان بردند - که درود حق بر آنان باد - و اینک نوبت به اشرف کائنات و مفخر موجودات حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه وآله وسلم) رسیده است، که همه رنجها را تحمل کرده و بیش از هر پیامبری شکنجه و آزار دیده، و از زبان مبارکش این جمله صادر شده که «مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُوذِيَ» (هرگز پیامبری چون من آزار ندید).

پس از تحمل رنجهای فراوان، پیک اجل فرا رسیده، دیدگان نگرانش از این جهان فرو بسته می شود. دیدگان مبارکش نگران امت نوپای اسلام است که این امانت الهی را چگونه پاسداری خواهند کرد، این آئین پاک را که ضامن خوشبختی انسان در دوسراست به چه کسی باید سپرد، که شایستگی تربیت این طفل نوزاد را داشته باشد؟! کدام دامن پاکی است که بتواند این تازه مولود را در آغوش خود پرورش دهد؟! مگر هر دامن آلوده و بشر فرومایه ای می تواند چنین در گرانمایه ای را قدر بشناسد و دست اهریمنان را از حریم پاکش کوتاه نماید و سرپرستی آن را به عهده گیرد؟! نه، هرگز.

این خداست که باید برای سرپرستی آئین مقدسش، اتمام رسالاتش، و ایصال فیوضاتش، رهبرانی را برگزیند که شایستگی پرورش آئین مقدس و قطع دست بیگانگان از حریم شریعت اقدس و ایصال فیوضات الهی به

جهان آفرینش را داشته باشند.

انتخاب رهبر

برنامه بعثت انبیاء با نهضت جهانی خاتم انبیاء حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله وسلم) پایان یافت. دیگر پیامبری برانگیخته نخواهد شد و پس از قرآن کتابی نازل نخواهد شد، که این کتاب آسمانی، زنده جاوید است و پاسخگوی نیازمندیهای انسان در تمام قرون و اعصار. دیگر پرسشی در مسائل اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی و اخلاقی برای جهان بشریت پیش نخواهد آمد، جز اینکه پاسخ آن را در این کتاب مقدس خواهد یافت، تنها چیزی که لازم است پیشوایان معصومی است که جاه و مقام این جهان آنان را فریب ندهد و در برابر زور و زور و تزویر تسلیم نشوند، تا رهبری امت را به عهده گرفته، این قوانین عالیه را پیاده کنند، و سعادت واقعی هر دو جهان را برای جهان بشریت تأمین نمایند.

آیا بشر می تواند برای خود رهبری انتخاب کند؟!

آیا انسان با بینش محدود و دانش ناچیز خود قادر است رهبری انتخاب کند که بتواند جهان را اداره کند و در برابر تمایلات نفسانی و پستهای فریبنده جهانی از خود ضعف نشان ندهد، حق را بشناسد و از آن چشم نپوشد، باطل را بشناسد و هرگز در برابرش تسلیم نشود؟! یا برای این منظور انسانی لازم است که از دانش نامحدود حضرت احدیت برخوردار باشد و به قدرت بیکران او متکی باشد و همه جهان هستی با تمام فریبندگی هایش در دیدگان او بی فروغ نماید و همه قدرتهای

اهریمنی در نزد او بی مقدار باشد و اگر جهان را از کران تا کران در اختیار او بگذارند که خسی را از مورچه‌ای بگیرد، نپذیرد. با اطمینان بتواند ادعا کند که هرچه می‌خواهید از من بپرسید که من به راههای آسمان آشناترم تا راههای زمین؟!!

طبیعی است که گزینشهای بشری هرگز نمی‌تواند این منظور را تأمین کند. اگر تاریخ را ورق بزنیم، قسمت اعظم صفحات تاریخ پر از جنایات رژیمهای خون آشامی است که بشر به خیال خود آنها را برای تأمین صلح و صفا برگزیده است. اگر گفتارها و نوشته‌های مردم را در رابطه با ندامت و پشیمانی خود جمع کنیم که چرا فلانی را به فلان سمت برگزیدم، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. برگزیدگان حضرت موسی (علیه السلام) همگی دچار عذاب الهی شدند. انتخابات سقیفه ضربه‌های جبران‌ناپذیری را به پیکر اسلام فرود آورد که هم‌اکنون نیز زخمهای آن را بر پیکر امت مسلمان لمس می‌کنیم. و اگر تاریخچه انتخابات جهان را بررسی کنیم با نتایج مشابهی روبرو می‌شویم.

با این مقدمه کوتاه و در عین حال مستدل، به سراغ انتخاب خدائی می‌رویم، که عملکرد انبیا و اوصیای منتخب الهی صفحات زرین تاریخ بشری را به خود اختصاص داده‌اند.

تاریخ پیشوایان منتخب بشری، مملو از مکر، حيله، چپاول، خونریزی، تجاوز، سوء استفاده، اختلاس، و... می‌باشد.

ولی تاریخ پیشوایان منتخب الهی، پر از ایثار، مساوات، موااسات خدمت، از خودگذشتگی، صفا، مهر و عواطف انسانی است. پیروان ادیان آسمانی هیچ اختلافی ندارند در اینکه باید پیامبر از طرف خدا

تعیین شود و هرگز مردم حق انتخاب پیامبر را ندارند.

ما بر اساس مطالب گذشته و به دلایل دیگری که همه پیروان ادیان آسمانی در مورد انتخاب پیامبر گفته‌اند، معتقدیم که باید امام نیز از طرف خداوند متعال تعیین شود که امامت امتداد رسالت است. و امامی که از طرف مردم و به استناد اکثریت آراء برگزیده شود از برگزیدگان حضرت موسی (علیه السلام) بهتر نخواهد بود. و بر اساس دهها آیه و صدها روایت قطعی و متواتر معتقدیم که دوازده تن امام معصوم، از طرف خدا تعیین و توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) اعلام شده‌اند که اول آنها پیشوای پرهیزکاران و امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنها بنیانگذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی حضرت حجة بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء می‌باشد. که یازده تن از آنها عمری را با فضیلت و تقوی سپری کرده، دیده از جهان فرو بسته‌اند و واپسین آنها که یکتا بازمانده از حجت‌های حضرت پروردگار است یک‌هزار و یکصد و پنجاه سال پیش در پگاه نیمه شعبان ۲۵۵ هجری دیده به جهان گشوده در پشت پرده غیبت انتظار فرا رسیدن فرمان الهی را می‌کشد تا از پرده برون آید و بر جنایتها و خیانتها خاتمه دهد و حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان نهد. (انشاء الله)

و اینک به امید اینکه این ران ملخ در پیشگاه سلیمان زمان مقبول افتد و عاشقان راه او را مفید باشد، به پیشگاه آن کعبه مقصود و قبله موعود، تقدیم می‌گردد.

سیمای پیشوایان در قرآن

صدها آیه از قرآن کریم به پیشوایان معصوم از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام تأویل و تفسیر شده است که حتی فهرست آن نیز از حوصله این کتاب بیرون است. عبیدالله حسکانی دانشمند معروف اهل سنت در قرن پنجم هجری، کتابی در این رابطه تألیف کرده و آن را «شواهد التّنزیل» نام نهاده است. وی ۲۱۰ آیه از قرآن، در حق امامان معصوم علیهم السّلام آورده، که به استناد ۱۱۶۳ حدیث از طریق علمای خودشان اثبات کرده که آیه‌های یاد شده در حق علی بن ابیطالب علیه السّلام و یازده فرزند آن بزرگوار نازل شده است. ما در اینجا فقط به چند نمونه از آنها برای تبرک اشاره می‌کنیم و علاقمندان را به مطالعه کتاب گرانقدر «شواهد التّنزیل» توصیه می‌کنیم:

۱- «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ».

یعنی: «ای پیامبر! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده تبلیغ کن، اگر انجام ندهی، رسالت او را تبلیغ نکرده‌ای، خداوند ترا از مردم محافظت می‌فرماید. به راستی خداوند قوم کافر را هدایت نمی‌فرماید».^(۱)

در این آیه شریفه به پیامبر امر شده که فرمان خدا را برساند و اگر انجام ندهد همه زحمات ۲۳ ساله‌اش تباه شده است. و به او وعده داده شده که از گزند مردم بدخواه در امان خواهد بود و خبر داده شده که قوم کافر شایستگی هدایت را پیدا نخواهند کرد.

در این آیه نکاتی چند به چشم می‌خورد که در خور اهمیت است:

- ۱- تهدید بی‌سابقه نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که حاکی از اهمیت بی‌نظیر مورد مأموریت است.
- ۲- تضمین حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر خطرات احتمالی.

۳- سلب شایستگی هدایت از کافران.

این آیه به اتفاق مفسران در «حجّة الوداع» یعنی آخرین سال زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در حدود ۷۰ روز پیش از رحلت آن حضرت نازل شده است. آنچه مسلم است این است که همه احکام شریعت تا به آن روز ابلاغ شده بود و چیزی از احکام عالیّه اسلام ناگفته نمانده بود. پس چه مطالبی باقی مانده بود که برای اسلام سرنوشت‌ساز باشد و جنبه حیاتی داشته باشد، که اگر آن ابلاغ نمی‌شد، همه زحمات ۲۳ ساله پیامبر تباه می‌شد؟!.

علمای اهل سنت نیز چاره‌ای نداشتند جز اینکه اعتراف کنند که این آیه مربوط به مسئله رهبری است و متعلق «بَلَّغ» چیزی جز خلافت و ولایت مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام نمی باشد.^(۲)

۲ - «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».

یعنی: (امروز دین شما را کامل نمودم و نعمتم را برای شما به اتمام رسانیدم، و اسلام را به عنوان دین برای شما برگزیدم).^(۳)

این آیه کی نازل شده؟! چه روزی دین کامل شد و نعمتها به اتمام رسید؟! آن روز چه چیزی بر احکام قبلی اسلام افزوده شد که با افزایش آن دین خدا کامل گردید و بدون آن ناقص بود؟!، جای تردید نیست که این آیه در روز غدیر خم نازل شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم پس از نزول آن، خلافت بلا فصل امیرمؤمنان علیه السلام را اعلام نموده است.^(۴) مشروح داستان غدیر خم را مرحوم علامه امینی

۲ - از جمله مدارک و منابع مهم اهل سنت که تصریح می کند این آیه در مورد امامت و ولایت امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده، کتابهای زیر است:

- ۱ - الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ ۲ - الخصائص، ص ۲۹؛ ۳ - اسباب النزول، ص ۱۵۰؛ ۴ - فتح القدير، ج ۲، ص ۵۷؛ ۵ - تفسير كبير، ج ۳، ص ۶۳۶؛ ۶ - الفصول المهمة، ص ۲۷؛ ۷ - روح المعاني، ج ۲، ص ۳۴۸؛ ۸ - تفسير المنار، ج ۶، ص ۴۶۳؛ ۹ - ينابيع المودة، ص ۱۲۰؛ ۱۰ - شواهد التنزيل، ص ۱۷۸ - ۱۹۳.
- ۳ - مائده: ۳.

۴ - در صدها کتاب معتبر اهل سنت آمده است که این آیه روز عید غدیر خم، در سرزمین غدیر (جحفه امروز)، و در رابطه با اعلام خلافت حضرت علی علیه السلام نازل شده است. و اینک به چند نمونه اشاره می شود:

(رضوان الله علیه) در دائرة المعارف بزرگ «الغدير» در بیش از ۲۰ جلد از منابع معتبر اهل سنت گرد آورده است.

۳ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

یعنی: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا اطاعت کنید، از پیامبر و صاحبان امر که از شمایند، اطاعت نمائید). (۵)

مطابق صدها روایتی که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رسیده است واژه «اولی الامر» در این آیه مخصوص دوازده امام معصوم است، و خرد نیز به آن داوری می‌کند، زیرا در این آیه به صراحت به اطاعت «اولی الامر» امر شده، و اطاعت اولی الامر با اطاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم مقرون گشته است، که از همین اقتران و عدم تکرار کلمه «أَطِيعُوا» نسبت به «اولی الامر» معلوم می‌شود که اطاعت «اولی الامر» مثل اطاعت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به طور مطلق واجب است. لذا از این لحاظ و از جهت اینکه امر به اطاعت «اولی الامر» مطلق است، استفاده می‌شود که مراد از «اولی الامر» اختصاص به معصوم دارد و شامل غیر معصوم نمی‌شود. (۶)

۱ - الاتقان، ج ۱، ص ۳۱؛ ۲ - الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹؛ ۳ - تاریخ بغداد، ج ۸،

ص ۲۹۰؛ ۴ - العمدہ (ابن مغالزی)، ص ۵۲؛ ۵ - شواهد التنزیل، ص ۱۵۶ - ۱۶۰؛

۶ - المناقب، ص ۸۰ - ۹۴؛ ۷ - تذکرۃ الخواص، ص ۱۸؛ ۸ - فرائد السمطين، ج ۱،

ص ۷۳؛ ۹ - تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۱۰؛ ۱۰ - تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴.

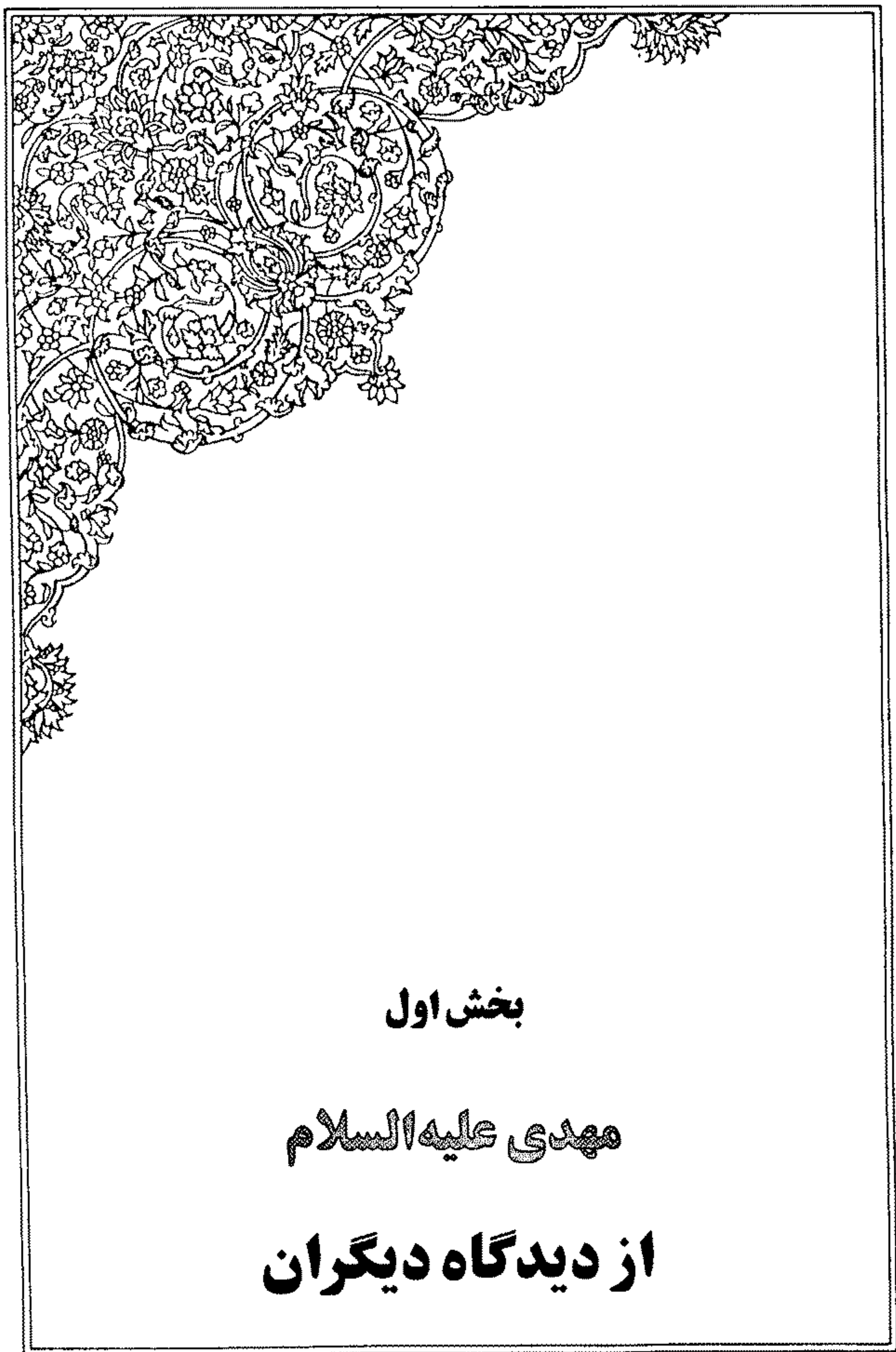
۵ - نساء: ۵۹.

۶ - آیه الله صافی (دبیر فقهای نگهبان) می‌نویسد: تفسیر اولی الامر در این آیه بر غیر

در میان صدها آیه‌ای که طبق روایات شیعه و سنی به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تأویل و تفسیر شده، به سه نمونه یاد شده بسنده می‌کنیم و علاقمندان را به کتب تفسیر و حدیث ارجاع می‌کنیم. و اینک وقت آن فرارسیده است که سیمای تابناک آخرین خورشید امامت، یکتا بازمانده از حجت‌های حضرت احدیت، واپسین وصی حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله وسلم، حجة بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء را از دیدگاه قرآن و دیگر ادیان آسمانی مورد مطالعه قرار دهیم.

شیراز - محمد خادمی

ایشان هر کس باشد حتی «فقها» تفسیر به رأی و مورد تهدید «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ» می‌باشد. (معرفت امام، ص ۵۹).



خوشر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

سیری گذرا در کتب مقدسه ادیان و مذاهب مختلف جهان، هر پژوهشگر با انصافی را به پذیرش این حقیقت ناگزیر می سازد که اعتقاد به ظهور مصلحی که در آخرالزمان ظهور کرده، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، یک اعتقاد جهانی و همگانی است و همه پیامبران از طرف آفریدگار توانا به قوم خود نوید داده اند که سرانجام مصلحی غیبی ظهور کرده، طومار جنایتها و خیانتها را درهم پیچیده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیاد خواهد نهاد.

از این رهگذر پیروان راستین همه ادیان آسمانی در انتظار آن مصلح بزرگ دقیقه شماری می کنند و نوید ظهور آن انقلابگر پیروز در همه کتابهایی که از نظر پیروانشان «کتاب آسمانی» شناخته می شود، یافت می شود، که در اینجا به چند نمونه کوتاه اشاره می کنیم:

۱- زبور

قرآن کریم تعبیری را از زبور نقل می‌کند که در زبور فعلی عیناً موجود است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»:

«علاوه بر ذکر - تورات - در زبور نیز نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.»^(۱) و اینک متن زبور:

«زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند. خداوند روزهای کاملان را می‌داند و میراث آنها خواهد بود، تا ابد الابد.»^(۲)

و در جای دیگر می‌فرماید:

«قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرّش نمایند. صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترّثم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می‌آید. زیرا که برای داوری جهان می‌آید. رُبع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد.»^(۳)

نویدهای مصلح غیبی در زبور بسیار فراوان است، طالبین می‌توانند به متن «مزامیر» که در ضمن «عهد عتیق» چاپ شده، مراجعه فرمایند.

۱- انبیاء: ۱۰۵.

۲- مزامیر، مزمور ۳۷، جمله‌های ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸.

۳- مزامیر، مزمور ۹۶، جمله‌های ۱۰-۱۳.

۲- تورات

نویدهای مصلحی که در آخرالزمان ظهور کرده جهان را پراز عدل و داد کند. در تورات و دیگر کتابهای مندرج در «عهد عتیق» بسیار فراوان است که به سه نمونه کوتاه بسنده می‌کنیم:

در کتاب اشعیا نبی می‌خوانیم: «مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد... گرگ با بزّه سکونت خواهد کرد، پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و در تمامی کوه مقدّس من، ضرر و فسادى نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد». (۴)

و در کتاب دانیال نبی می‌خوانیم که خداوند خطاب به حضرت دانیال می‌فرماید: «و در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران قوم تو «ایستاده» (قائم) است خواهد برخاست... و بسیاری از آنانکه در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد... آنانکه بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالاباد. اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن. بسیاری به سرعت تردّد خواهند نمود... خوشا به حال آنانکه انتظار کشند». (۵)

و در کتاب حبقوق نبی آمده است: «اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قوم‌ها را برای خویشان فراهم می‌آورد». (۶)

۴- کتاب اشعیا نبی، فصل ۱۱، جمله‌های ۴-۱۰.

۵- کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، بندهای ۱-۵ و ۱۰-۱۳.

۶- کتاب حبقوق نبی، فصل ۲، جمله‌های ۳-۵.

۳- انجیل

بیشتر نویدهای انجیل به تعبیر «پسر انسان» است، که این تعبیر طبق نوشته مسترهاکس آمریکائی، بیش از ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق است.^(۷) و ۵۰ مورد دیگر آن از نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخر زمان ظهور خواهد کرد. عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد. و اینک چند نمونه از متن اناجیل:

«همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کند و پسر انسان را ببینند که برابری آسمان با قوت و جلال می‌آید... اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان... لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.»^(۸)

«در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر باشید و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود.»^(۹)

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید... خوشا به حال آن

۷- قاموس مقدّس، ص ۲۱۹، ماده «پسرخواهر».

۸- انجیل متی، فصل ۲۴ جمله‌های ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷ و ۴۵.

۹- انجیل مرقس، فصل ۱۳، جمله‌های ۲۶، ۲۷، ۳۱ و ۳۳.

غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید». (۱۰)

۴ - کتب مقدسه هندوها

در کتب مقدسه‌ای که در میان هندوها به عنوان «کتاب آسمانی» شناخته شده، اشارات فراوانی به مصلح آسمانی منتظر هست که به چند نمونه بسنده می‌کنیم: «کالکی، مظهر دهم و یشنو، در انقضای کلی با عصر آهن سوار بر اسب سفیدی در حالیکه شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود. و شریران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد». (۱۱)

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق و راستی با او باشد. آنچه در دریاها و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر می‌دهد. از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید». (۱۲)

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلایق در دو جهان (کشن) تمام شود و کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان‌کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند، جن و انس در خدمت او شوند و از «سودان» که زیر خط استوا است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است، و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد. و نام او «ایستاده» (قائم) باشد و خداشناس

۱۰ - انجیل لوقا، فصل ۱۲، جمله‌های ۳۵ و ۳۶.

۱۱ - اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۱۲ - باسک، از کتب مقدسه هندوها.

باشد». (۱۳)

۵- کتب مقدسه مانویّه

در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس مانویّه، نام «خردشهر ایزد» آمده که باید در آخرالزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده. همچنین در تعالیم مانی از مرد بزرگواری بحث شده که دوازده جانشین دارد و به وسیله آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت راه می یابند. (۱۴)

۶- کتب مقدسه زردشتیان

موعود آخرالزمان در اوستا «استوت ارت» یا «سوشیانت» نامیده می شود، که در پهلوی «سوشیانس» گویند.

سوشیانس به معنای سودمند است و درگاتها به معنای رهاننده یا نجات دهنده ذکر شده است.

در منابع زردشتی هرکجا سوشیانت مطلق آمده، آخرین موعود اراده شده است. نویدهای مربوط به موعود آخرالزمان در متن اوستا موجود است و در میان منابع زردشتی در کتاب هفتم دینکرد بیش از همه از ظهور سوشیانت بحث شده است: «چاره و درمان جمیع دردها و رنجها با اوست، رنج و بیماری و پیری و ظلم و بیدینی و فساد را ریشه کن سازد. مردمان ناپاک را نابود سازد و همه آنها را براندازد». (۱۵)

۱۳- شاکمونی، از کتب مقدسه هندوها.

۱۴- شابوهرگان، ترجمه «مولر».

۱۵- سوشیانت، ص ۱۰۴.

«سوشیانت (نجات دهنده بزرگ) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد. ایزدان را از دست اهریمنان نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار سازد». (۱۶)

۷- جین ها

در کتب مقدسه جین ها آمده است: «هنگامی که فساد و انحطاط و تباهی جهان را فرا گیرد، شخص کاملی که آن را «تیرتنگر» (نوید دهنده) گویند، ظهور کرده، تباهی را از بین می برد و پاکی و صافی را از نو برقرار می سازد». (۱۷)

۸- برهمنیان

در کتب مقدسه برهمنیان از ظهور «ویشنو» نویدهای فراوانی هست: «ویشنو در میان مردم ظاهر می گردد... او از همه کس قویتر و نیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و در دست دیگر انگشتری درخشانده دارد. هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید». (۱۸)

۹- چینیان

در «مهابهارت» یک فصل تمام به «کریشنا» اختصاص داده شده، و «بهگود گیتا» شرح و بسط همان فصل است. در «مهابهارت» پس از تقدیس فراوان از «کریشنا»

۱۶- جاماسب نامه، ص ۱۲۱.

۱۷- اوپانیشاد، مقدمه، ص ۵۴.

۱۸- ریک ودا، ماندالای ۴، ۱۶ و ۲۴.

چنین آمده است:

«کریشنا ظهور کرده جهان را نجات می دهد» (۱۹)

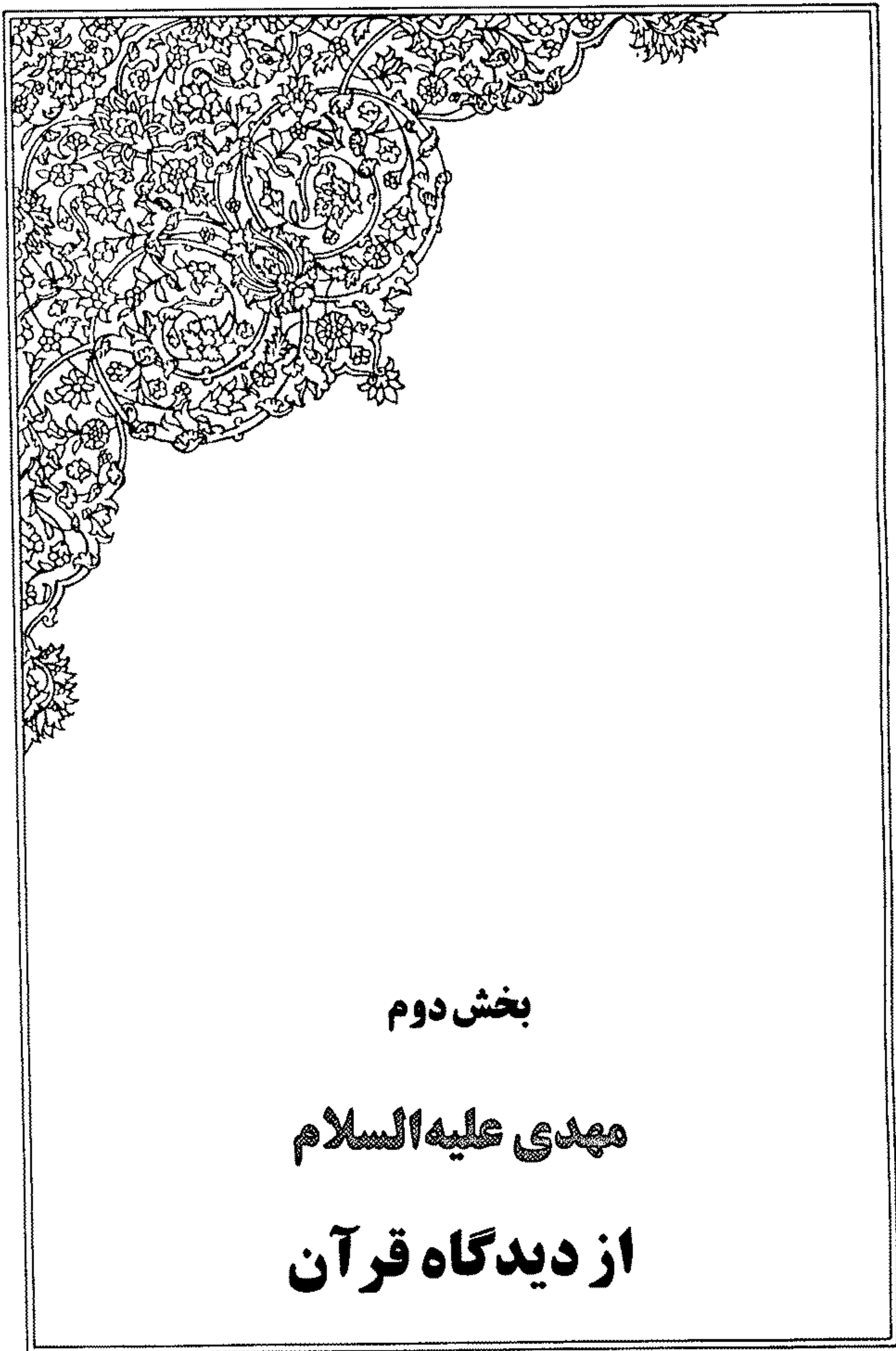
۱۰ - ملل مختلف جهان

پس از یک بررسی عمیق در تاریخ زندگی و اعتقادات ملل مختلف جهان به این نتیجه می رسیم که همه ملل مختلف براساس اعتقاداتی که از کتابهای مذهبی یا رجال دینی خود فراگرفته اند، در انتظار مصلحی هستند که در آخرالزمان ظهور کرده جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود:

اسن ها، اسلاوها، سلت ها، ژرمنها، اهالی صربستان و اقوام اسکاندیناوی در انتظار ظهور موعودهایی به نامهای مختلف، چون: «آرتور»، «اودین»، «کالویبرک»، «مارکوکرالیویچ»، «بوخص»، «بوریان بورویهم» و عناوین دیگر، می باشند که معتقدند موعودهایشان روزی ظهور کرده، به جنایتها و خیانتهای جهان خاتمه داده، عدالت و داد را در جهان گسترش خواهند داد. (۲۰)

۱۹ - اوپانیشاد، ص ۶۴۷.

۲۰ - مشروح این نویدها را در کتاب «او خواهد آمد» چاپ هشتم، ص ۵۸ - ۷۳ بخوانید.



بخش دوم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه قرآن

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»

(بازمانده خدا بهتر است برای شما، اگر
مؤمن باشید). (هود: ۸۶)

بیش از یکصد آیه از قرآن کریم به مصلح کل حضرت بقیة الله ارواحنا فداء تفسیر و تأویل شده است، که علامه بزرگوار، ملا محمد باقر مجلسی در دائرة المعارف بزرگ شیعه «بحار الانوار» ۷۰ آیه را به استناد احادیث وارده از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در پیرامون ظهور یکتا بازمانده از حجتهای حضرت احدیت نقل کرده است.^(۱) و برخی از بزرگان کتابهایی را در این رابطه به رشته تحریر در آورده‌اند که از آن جمله است:

۱ - المحجة فيما نزل في القائم الحجة (عليه السلام)

شامل ۱۲۰ آیه از آیات تفسیر شده به ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء به استناد احادیث وارده از معصومین علیهم السلام.^(۲)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۴ - ۶۴.

۲ - تألیف: محدث بزرگوار، سید هاشم بحرانی، متوفی ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ هـ.

۲- المهدی فی القرآن

شامل ۱۱۰ آیه از آیات تأویل شده به ظهور حضرت بقیة اللہ به استناد احادیث وارده از طریق شیعه و سنی. (۳)

۳- موعود قرآن

ترجمه فارسی «المهدی فی القرآن»

۴- سیمای امام زمان (علیه السلام) در آینه قرآن

شامل بیش از ۱۴۰ آیه از آیات قرآن کریم که در روایات فریقین (شیعه و سنی) به ظهور قبله موعود و کعبه مقصود تفسیر شده است. (۴)
و ما در اینجا به نقل چند آیه در این رابطه بسنده می‌کنیم:

۱- «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

یعنی: (و ما اراده کرده‌ایم به آنانکه در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند منت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم). (۵)

طبق روایات بیشماری این آیه در حق مصلح جهان حضرت بقیة اللہ ارواح العالمین له الفدا نازل شده که در آخر الزمان قیام کرده، بساط ننگین ظلم و بیدادگری را درهم خواهد پیچید و پرچم عدالت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در خواهد آورد. و به تکتازی فرعونیان خاتمه خواهد داد. (۶)

۳- تألیف: سید صادق شیرازی.

۴- نگارش: علی اکبر مهدی‌پور.

۵- قصص: ۵.

۶- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۰ و ینابیع المودة، ص ۴۵۰ و بحار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۲ - «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ».

یعنی: (بازمانده خدا بهتر است برای شما، اگر مؤمن باشید).^(۷)

مطابق روایات فراوانی، هنگامی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ظهور می کند پشت خود را به دیوار کعبه تکیه داده، نخستین چیزی که به زبان می آورد، این آیه شریفه است، آنگاه همه آنها که در آنجا گرد آمده اند با عنوان «السَّلام علیک یا بقیة الله» به پیشگاه آن حضرت عرض ادب می کنند.^(۸)

۳ - «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

یعنی: (او خدائی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق برانگیخت تا آن را بر همه ادیان پیروز بگرداند، اگر چه مشرکان نخواهند).^(۹)

پیشوای ششم شیعیان در تفسیر این آیه فرمود: مهدی ما ظهور می کند و دین مقدس اسلام را بر همه ادیان پیروز می گرداند، اگر چه دشمنان راضی نباشند. که منظور از این پیروزی، سیطره نظامی و پیروزی ظاهری است و گرنه از نظر دلیل و برهان، اسلام در هر زمانی بر همه ادیان غلبه داشت. و مکتبهایی که ریشه آسمانی دارد (چون مسیحیت و کلیمیت) چون از یکسو تحریف شده، و از سوی دیگر به هنگام تشریع از طرف خداوند متعال به عنوان برنامه موقت تشریع شده بود، پاسخگوی نیازمندیهای قرون بعدی نبودند، از این رهگذر از نخستین روز ظهور اسلام، دلیل و منطق اسلام بر همه ادیان پیروز بود ولی غلبه ظاهری آن با هنگام

۷ - هود: ۸۶

۸ - نورالابصار، ص ۱۷۲.

۹ - صف: ۸

ظهور آن یکتا بازمانده از حجّتهای پروردگار تحقق خواهد یافت. (۱۰)

۴- «اغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّى الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».

یعنی: (بدانید که خدا زمین را پس از مرگ آن زنده می سازد. به راستی نشانه های قدرت - خدا را برای شما بیان کردیم، باشد که عقل خود را بکار بندید). (۱۱)

پیشوای پنجم شیعیان می فرماید: مهدی ما قیام می کند و به وسیله گسترش عدالت در سراسر گیتی، جهان را زنده می کند، پس از آنکه در زیر کابوس ظلم و ستم مرده باشد. (۱۲)

پیشوای هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود: خداوند زمین را به وسیله عدل و داد زنده می کند، نه بارش باران. (۱۳)

آری اگر جامعه ای در زیر فشار ظلم و ستم باشد جامعه مرده است و تنها موقعی زنده می شود که ظلم و ستم از آن جامعه رخت بربندد و نعمت عدالت در آن جامعه گسترش یابد. از اینجاست که امیرمؤمنان علی علیه السلام عدالت را زیربنای زندگی مردم دانسته می فرماید: «الْعَدْلُ قِوَامُ الرَّعِيَّةِ».

۵- «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا».

یعنی: (زمین به نور پروردگارش منور گردید). (۱۴)

۱۰- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۰، المحجّة، ص ۲۲۷ و ینابیع المودّة، ص ۵۰۸.

۱۱- حدید: ۱۷.

۱۲- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۹۱.

۱۳- همان مدرک.

۱۴- زمر: ۶۹.

امام رضا علیه السلام در تأویل این آیه می فرماید: او چهارمین فرزند من، پسر بهترین کنیزان است که زمین را از هر جور و ستمی پاکیزه می کند. مردم در ولادت او دچار تردید می شوند. او را غیبتی طولانی است چون ظاهر شود زمین با نور پروردگارش روشن می گردد. (۱۵)

۶- «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ».

یعنی: (بگو اگر ببینید که آب شما فروکش کند، چه کسی برای شما آب گوارا باز آورد). (۱۶)

همه موجودات زنده از آب آفریده شده و قوام آنها با آب است ولی منظور از آب گوارائی که در آیه فوق مطرح شده، مقام ولایت کبرای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء است که پس از دوران فروکش (غیبت) یکبار دیگر به فرمان خدا ظاهر شده، تشنگان دانش و فضیلت، و شیفتگان تقوی و عدالت را، از آبشخور اقیانوس بیکران آب حیات و معادن حکمت، سیراب فرموده، به سعادت دنیا و آخرت نائل می گرداند. به دلیل نقش حیاتی حضور امام علیه السلام در زندگی توده ها، قرآن کریم وجود اقدس امام علیه السلام را آب گوارا تعبیر نموده است.

علی بن جعفر از برادر بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیه السلام، از تفسیر این آیه می پرسد، امام علیه السلام می فرماید: «هنگامی که امامتان از دیدگان شما ناپدید شود و نتوانید او را ببینید چه خواهید کرد». (۱۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به عمار می فرماید: ای عمار!

۱۵- ینابیع المودة، ص ۴۴۸.

۱۶- ملک: ۳۰.

۱۷- کمال الدین، ص ۳۶۰ و غیبت نعمانی، ص ۹۲.

خداوند با من عهد کرده که از تبار حسین (علیه السلام) ۹ امام پدید می آید که نهمی آنها از دیدگان ناپدید می شود و این است معنای آیه شریفه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا»، برای او یک غیبت طولانی است که گروهی از عقیده خود برمی گردند و گروهی بر آن ثابت می مانند، چون آخر الزمان فرا رسد، او ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد کند، چنانکه از جور و ستم پر شده است» (۱۸).

۷- «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ».

یعنی: (هدایت است برای پرهیزکاران که به غیب ایمان آورند). (۱۹)
طبق احادیث فراوانی منظور از غیب در این آیه امام غائب علیه السلام است: امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «پرهیزگاران» شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام هستند و اما «غیب» پس آن حجت غائب است. (۲۰)
جابر بن عبد الله انصاری در ضمن یک روایت طولانی که از ۱۲ پیشوای معصوم و قائم آنها بحث کرده، از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند که فرمود: خوشا به حال آنانکه در زمان غیبت او شکیبائی پیشه کنند و بر محبت آنها استوار بمانند، که آنها را خداوند متعال در آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» ستوده است. (۲۱)

۸- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

۱۸ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۶۶.

۱۹ - بقره: ۳ و ۲.

۲۰ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲ و کمال الدین، ص ۳۴۰.

۲۱ - المحجّه، ص ۱۷.

یعنی: (گذشته از ذکر - تورات - در زبور نیز نوشتیم که به راستی زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث می‌برند). (۲۲)

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که منظور از بندگان صالح در آیه شریفه، حضرت قائم (ارواحنا فداء) و یاران او می‌باشد. (۲۳)

جالب توجه اینکه متن این بشارت در زبور فعلی موجود است. چنانکه در بخش پیشین متن آن گذشت.

طبق وعده قطعی خدا در همه کتابهای آسمانی، روزی بندگان صالح خدا وارث زمین خواهند شد، و پرچم توحید را در سراسر کره خاکی به اهتزاز در خواهند آورد. دیگر از ظلم و ستم و تبعیض و تجاوز و حق‌کشی نشانی نخواهد بود. روح صفا و صمیمیت و برادری و برابری بر تمام دلها حکومت خواهد کرد. به امید آن روز.

۹ - «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً».

یعنی: (هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه - تسلیم او شده - بر او اسلام آورده‌اند). (۲۴)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، نقطه‌ای در روی زمین نمی‌ماند جز اینکه به یکتائی خدا و رسالت حضرت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) گواهی می‌دهند. (۲۵)

ابن بکیر می‌گوید: از ابوالحسن (علیه السلام) در مورد آیه «وله اسلم» پرسیدم،

۲۲ - انبیاء: ۱۰۵.

۲۳ - عقد الدرر، ص ۲۱۷، مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۲۴ - آل عمران: ۸۳.

۲۵ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳ و ینابیع المودة، ص ۵۰۶.

فرمود: در حق قائم (علیه السلام) نازل شده است، هنگامیکه ظاهر شود اسلام را بر یهود، نصاری، صابئین ملحدین، مرتدین و کافرین شرق و غرب، عرضه می کند هر کس (پس از شناخت حقایق اسلام) از روی رغبت اسلام آورد، او را به نماز و زکات و دیگر وظائف اسلامی امر می فرماید. و هر کس نپذیرد گردن می زند تا در شرق و غرب جهان احدی جز موحد باقی نباشد. (۲۶)

۱۰ - «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ، كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا».

یعنی: (خداوند آنها را که از شما ایمان آورده، و عمل شایسته انجام داده اند، وعده داده است که در روی زمین جانشین سازد، چنانکه پیشینیان را جانشین ساخت. و آنان را از دینی که برای آنها پسندیده، متمکن سازد. و آنها را پس از خوف و وحشت به امنیت برگرداند). (۲۷)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: در باره قائم (علیه السلام) و یاران او نازل شده است. (۲۸)

امام زین العابدین علیه السلام آیه شریفه را تلاوت کرده فرمود: به خدا سوگند مقصود از آنها شیعیان ما اهل بیت است. خداوند آنها را به دست مردی از ما که «مهدی» این امت است جانشین قرار می دهد و متمکن می سازد و به امنیت

۲۶ - همان مدرک.

۲۷ - نور: ۵۵.

۲۸ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۶.

می‌رساند. (۲۹)

نظیر این روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز نقل شده است. (۳۰)

۱۱ - «قُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ، فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ».

یعنی: (بگو غیب از آن خداست، پس منتظر باشید که من نیز همراه شما از منتظرانم). (۳۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: غیب در این آیه حُجَّت خدا حضرت قائم (علیه السلام) است. (۳۲) و چون از آن حضرت معنای آیه شریفه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» را پرسیدند، فرمود: «غیب» همان حُجَّت قائم (علیه السلام) است و گواه آن آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ» می‌باشد. (۳۳)

آری او غیب است و از دیدگان ما غائب است و دیدگان نگران ما، در انتظار آن یگانه منجی جهان بشریت است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز همراه امت انتظار ظهور او را می‌کشد، تا با ظهور او شریعت مقدس اسلام جامه عمل پوشد و قوانین عالیه و تعالیم حیاتبخش آن پیاده شود.

۱۲ - «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى».

یعنی: (سوگند به شب، هنگامی که فراگیرد. و سوگند به روز هنگامی که جلوه گر

۲۹ - تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۳۶.

۳۰ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲.

۳۱ - یونس: ۲۰.

۳۲ - ینابیع المودة، ص ۵۰۸.

۳۳ - کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۴۰.

سازد). (۳۴)

وہ چه شب ظلمانی و تاریکی که از غیبت خورشید امامت دچارش شده ایم، وہ چه روز روشن و نورانی که در انتظار دمیدن فجرش دقیقه شماری می کنیم. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: منظور از «شب فراگیرنده» در این آیه چیست؟ فرمود: دولتهای باطل که در برابر ولایت کبرای مولای متقیان علی (علیه السلام) عرصه گیتی را جولانگاه خود قرار داده اند و خورشید امامت با بی صبری انتظار می کشد که دولتشان سرآید. فرمود: و منظور از «روز جلوه گر» روز ظهور قائم اهل بیت است که به هنگام طلوع دولتش، دولتهای باطل از صفحه هستی ریشه کن می شوند. (۳۵)

از روزی که حق را از مسیر خود منحرف کردند و خورشید خلافت به در خانه پسر ابی قحافه زانو زد، حکومت «یلدای فراگیر» آغاز گردید، حتی در حکومت حقّه مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز افق خلافت از تیرگی ابرهای تیره و تاری چون طلحه و زبیر و عمرو عاص خالی نشد، از این رهگذر دوران خلافت پنجم ساله آن حضرت لحظاتی نورانی از یک شب ظلمانی بود، که انشاء الله با درخشش خورشید فروزان امامت، تیرگی ها از افق زندگی زدوده خواهد شد و هرگز قدرت خودنمایی نخواهد یافت.

۱۳ - «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَّا مِنْ قَبْلُ، أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، قُلْ إِنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ».

یعنی: (روزی که برخی از آیات پروردگارت بیاید، احدی را ایمان آوردنش

۳۴ - اللیل: ۱ و ۲.

۳۵ - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

سودی نبخشد، اگر پیش از آن ایمان نیاورده باشد، یا در ایمانش خیری کسب نکرده باشد. بگو: منتظر باشید که ما نیز از منتظرانیم». (۳۶)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: آیات پروردگار امامان هستند و آیه منتظره، قائم (عجل الله فرجه) می باشد. که اگر کسی تا روز قیام او به شمشیر، ایمان نیاورد، دیگر ایمان آوردنش سودی نبخشد، اگر چه به امامان پیشین ایمان داشته باشد. (۳۷)

و در همین رابطه فرمود: یعنی: روز ظهور قائم منتظر از ما. پس فرمود: ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، که در دوران غیبت انتظار ظهور بکشند و به روز ظهور فرمان ببرند. که آنها اولیای خدایند برای آنها ترسی نیست و آنها اندوهناک نمی گردند. (۳۸)

۱۴ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا».

یعنی: (ای کسانی که ایمان آورده اید شکیبا باشید، بردبار باشید و مُرباط باشید). (۳۹)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: برای انجام فرائض شکیبا باشید و در برابر دشمنان بردبار باشید و با امام منتظر (علیه السلام) در ارتباط باشید. (۴۰)

۳۶ - انعام: ۱۵۸.

۳۷ - کمال الدین، ص ۳۳۶.

۳۸ - کمال الدین، ص ۳۵۷.

۳۹ - آل عمران: ۲۰۰.

۴۰ - غیبت نعمانی، ص ۱۰۵ و المحجة، ص ۵۲ و اثبات الهداة، ج ۱، ص ۲۶۳.

امام زین العابدین و امام باقر علیهما السلام می فرمایند: این آیه در حق ما نازل شده است، ولی آن «مُرابط» بودن که به ما امر شده، هنوز تحقق نیافته است و در تبار «مُرابط» ما خواهد بود. (۴۱)

تردیدی نیست که منظور از آن، حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است، چنانکه خود آن بزرگوار در توقیع شریف خود خطاب به شیخ مفید می نویسد: «مِنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَاطِ فِي سَبِيلِهِ»: (از بنده خدا که مُرابط در راه اوست). (۴۲)

که امام علیه السلام از خود به عنوان «مُرابط» تعبیر فرموده اند. برای ارتباط با امام غائب ارواحنا فداه راههای فراوان هست که از آن جمله است:

- ۱ - خودسازی در پرتو انجام وظیفه.
- ۲ - انتظار سازنده، برای تشریف فرمائی آن یکتا رهبر.
- ۳ - نیایش دائم برای تعجیل در امر فرج.
- ۴ - صدقه دادن برای سلامتی آن سرور.

۱۵ - «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ».

یعنی: (سوگند به عصر (عصر رسالت، یا عصر ظهور) که انسان در زیانکاری است. به جز آنانکه ایمان آورده، عمل شایسته انجام داده، توصیه به حق نموده، توصیه به صبر نمودند). (۴۳)

۴۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۳ و تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۵.

۴۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۴۳ - العصر: ۱ - ۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از عصر، دوران ظهور قائم علیه السلام است زیانکاران، دشمنان ما هستند، باورداران آنهایند که به آیات ما ایمان آورده‌اند. عمل شایسته انجام دهنده‌ها، کسانی هستند که با برادران خود مواسات نموده‌اند. توصیه به حق‌کنندگان، آنهایند که به امامت ما توصیه کرده‌اند. و توصیه به صبر کنندگان، آنهایند که در زمان غیبت، یکدیگر را به صبر و شکیبائی توصیه می‌کنند. (۴۴)

۱۶ - «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَاناً، فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً».

یعنی: (کسی که مظلومانه کشته شود برای خونخواه او فرمانروائی مقدر کرده‌ایم. در کشتار زیاده روی نکند که او یاری شده است). (۴۵)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: این آیه در حق قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) است که ظهور کرده انتقام خون امام حسین علیه السلام را می‌گیرد. (۴۶) او خونخواه خون مظلومان در راستای تاریخ است و به هنگام ظهور به خونخواهی جدّ بزرگوارش سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام برمی‌خیزد، که همواره در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

«أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا». (کجاست منتقم خون شهید کربلا)؟!!

۱۷ - «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً».

۴۴ - کمال‌الدین، ص ۶۵۶.

۴۵ - اسراء: ۳۳.

۴۶ - کامل‌الزیارات، ص ۶۳ و تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱۸.

یعنی: (بگو حق آمد و باطل نابود شد، که به راستی باطل نابود شدنی است). (۴۷)
 امام باقر علیه السلام در رابطه با آیه فوق فرمود: هنگامی که قائم علیه السلام قیام
 کند، دولت باطل نابود می شود. (۴۸) و در ضمن دعای شریف ندبه می خوانیم:
 «اللَّهُمَّ وَاقِمِ بِهِ الْحَقَّ وَأَذِخْصُ بِهِ الْبَاطِلَ»؛ (بار خدایا! به وسیله او حق را برپا کن و
 باطل را ریشه کن فرما).

۱۸ - «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً».

یعنی: (نعمتهای ظاهری و باطنی خود را به وفور بر شما فرو فرستاد). (۴۹)
 حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: نعمت ظاهری
 امام ظاهر، و نعمت باطنی امام غائب است که شخص او از دیده ها غائب می شود و
 معدنهای زیرزمینی برای او آشکار می گردد و راههای دور برای او نزدیک
 می شود. (۵۰)

۱۹ - «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

یعنی: (به سوی نیکی ها بشتابید - در کارهای خیر از یکدیگر پیشی بگیرید - هر
 کجا باشید خداوند شما را گرد می آورد که خداوند به هر چیزی تواناست). (۵۱)

۴۷ - اسراء: ۸۱.

۴۸ - روضة کافی، ص ۲۸۷ و تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۴۱.

۴۹ - لقمان: ۲۰.

۵۰ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۴.

۵۱ - بقره: ۱۴۸.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه می فرماید: این آیه در حق یاران حضرت قائم (عجل الله فرجه) است که تعدادشان سیصد و ده و اندی نفر است که به خدا سوگند آنها بندگان «امت معدودة»، که همچون قطعات ابر پائیزی در یک ساعت گرد می آیند. (۵۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از «أَيُّنَمَا تَكُونُوا...» اصحاب قائم (علیه السلام) هستند که شبانه از رختخوابهای خود ربوده می شوند و بامدادان در مکه گرد می آیند. و برخی از آنها در وسط روز در میان ابرها برده می شوند که اسم و وصف و نسب آنها شناخته شده است. (۵۳)

و در حدیث دیگر می فرماید: چون فرمان ظهور صادر شود ۳۱۳ نفر یاران او چون ابر پائیزی گرد می آیند، که آنها پرچمداران حضرت مهدی علیه السلام هستند، برخی از آنها شبانه از رختخوابهایشان ربوده شده، بامدادان در مکه گرد می آیند و برخی از آنها در روز روشن سوار بر ابر حرکت می کنند. و در پایان می فرماید: آیه «أَيُّنَمَا تَكُونُوا...» در حق آنها نازل شده است. (۵۴)

طبق روایات فراوان، تعداد یاد شده از یاران اولیّه حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء بدون تعیین وقت قبلی در مسجد الحرام گرد آمده، میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند.

۲۰ - «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

۵۲ - روضة کافی، ص ۳۱۳ و ينابيع المودة، ص ۵۰۵.

۵۳ - کمال الدین، ص ۶۷۲.

۵۴ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۸.

یعنی: (پس کسانی که به او - پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم - ایمان آوردند و گرمی اش داشتند و یاریش کردند و از نوری که همراه او نازل شده پیروی کردند، آنها را رستگاران). (۵۵)

امام باقر علیه السلام پس از تفسیر این آیه شریفه می فرماید: پاداش آنها «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» است، که پاداش آنها در دنیا بشارت قیام قائم (عجل الله فرجه) و ظهور او و ریشه کن ساختن دشمنان از صفحه گیتی، و بشارت آنها در آخرت، رهایی و رستگاری و ورود بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) در حوض کوثر می باشد. (۵۶)

۲۱ - «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا، قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي، لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ، ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً».

یعنی: (از تو در مورد ساعت - رستاخیز - می پرسند که کی واقع می شود؟ بگو آگاهی از آن، نزد پروردگار هست و بس. وقت آن را جز او آشکار نمی کند. در آسمانها و زمین بس سنگین شده، جز به طور ناگهانی نیاید). (۵۷)

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که در تفسیر این آیه فرمود: ساعت قیام قائم علیه السلام می باشد. (۵۸)

آری طبق روایات فراوانی ساعت ظهور آن منجی بشریت، همانند وقت رستاخیز مخصوص پروردگار است و خدای تبارک و تعالی هیچ پیامبر و یا فرشته ای

۵۵ - اعراف: ۱۵۷.

۵۶ - غیبت نعمانی، ص ۴۳.

۵۷ - اعراف: ۱۸۷.

۵۸ - ینابیع المودة، ص ۴۲۸.

را از آن آگاه نساخته است. از این رهگذر هنگامی که از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام در این رابطه سؤال شد، فرمودند: «پاسخگو چیزی بیش از پرسش کننده نمی داند». (۵۹)

۲۲ - «أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ».

یعنی: (آگاه باش، آنانکه در مورد ساعت تردید می کنند، در گمراهی آشکار هستند). (۶۰)

مفضل بن عمر می گوید: از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدم: معنای «يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ» چیست؟ فرمود: آنها که می گویند: کی متولد شده؟! چه کسی او را دیده؟! کجا هست؟! کی ظهور می کند؟! که این پرسشها ناشی از شتابزدگی در امر خدا، تردید در قضای خدا، و مداخله در قدرت اوست. اینها در دنیا زیانکارند و در آخرت بازگشت بسیار بدی دارند. (۶۱) پرسیدم: مگر نمی توان برای او وقتی تعیین کرد؟ فرمود: ای مفضل! من وقتی تعیین نمی کنم، و هرگز نمی توان وقتی تعیین کرد. هر کس برای مهدی ما ارواحنا فداء وقتی تعیین کند در علم خدا شرکت جسته است و ادعا نموده که بر غیب او آگاهی یافته است. (۶۲)

۲۳ - «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ».

یعنی: (همه سپاس و ستایش از آن خداوندیست که وعده اش را در حق ما تحقق

۵۹ - المهدی فی القرآن، ص ۵۴.

۶۰ - شوری: ۱۸.

۶۱ - ینابیع المودة، ص ۵۱۴.

۶۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳.

بخشید و زمین را به ارث ما در آورد». (۶۳)

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسید: از کجا و چگونه ظاهر می شود؟
فرمود: ای مفضل! به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام
می شود، به تنهایی قدم در کعبه می گذارد، شب را به تنهایی سپری می کند. چون
چشمها به خواب رفت و تاریکی همه جا را فرا گرفت، جبرئیل و میکائیل و
فرشتگان در صفهای فشرده به محضر آن حضرت می شتابند. جبرئیل عرضه
می دارد: ای سرور من! فرمان تو مطاع است، آنچه امر بفرمائی انجام می پذیرد. آنگاه
دست مبارک خود را به صورت خود می کشد و می گوید: «سپاس و ستایش از آن
خداوندی است که وعده اش را تحقق بخشید و زمین را به ارث ما در آورد». (۶۴)

۲۴ - «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ، وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالشَّمَرَاتِ، وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ».

یعنی: «هر آینه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در مالها، جانها و
میوه ها بیازمائیم، و مژده ده صبر پیشگان را». (۶۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: پیش از قیام قائم علیه السلام به ناگزیر سال
قحطی خواهد بود که مردم در آن گرسنه خواهند ماند و وحشتی شدید از کشته
شدن و کاهش اموال و میوه ها خواهند داشت و این در کتاب خدا به صراحت آمده
است. سپس آیه فوق را تلاوت فرمود. (۶۶)

۶۳ - زمر: ۷۴.

۶۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۶۵ - بقره: ۱۵۵.

۶۶ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۲ و دلائل الامامه، ۲۵۹.

و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت شده که فرمود: پیش از ظهور قائم ارواحنا فداه نشانه‌هایی هست. محمد بن مسلم گفت: آنها چیست؟ فرمود: آنها این آیه شریفه است که می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ...»: «شما (مؤمنان) را می‌آزمائیم با ترس (از پادشاهان) و گرسنگی (در اثر گرانی قیمت‌ها) و کاهشی در مالها (با تباهی تجارتها و کمی سود آن) و جانها (با مرگ و میر) و میوه‌ها (کمی محصول و کمی برکت) در آن هنگام مژده بده صبر پیشگان را (با ظهور حضرت قائم علیه السلام) سپس فرمود: ای محمد! این است تأویل آن آیه، که آن را جز خدا و راسخون در علم نمی‌دانند. (۶۷)

۲۵ - «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ».

یعنی: «با آنها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین تماماً از آن خدا باشد». (۶۸)

امام باقر علیه السلام فرمود: هنوز تأویل این آیه نیامده است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خود و اصحابش به آنها نیاز داشتند، از این رهگذر به آنها مهلت دادند، هنگامی که تأویل این بیاید، دیگر از آنها پذیرفته نیست، آنها کشته می‌شوند تا توحید را بپذیرند و شرکی در روی زمین باقی نباشد. (۶۹) و آن هنگامی است که قائم ما ارواحنا فداه قیام کند. (۷۰)

امام صادق علیه السلام فرمود: چون قائم ما ارواحنا فداه قیام کند، هر کس که زمان او را درک کند، تأویل این آیه را می‌بیند، آن روز آئین محمدی (صلی الله علیه

۶۷ - تفسیر برهان، ج ۱، ۱۶۷، غیبت نعمانی، ص ۱۳۲ و ینابیع المودة، ص ۵۰۵.

۶۸ - انفال: ۳۹.

۶۹ - روضة کافی، ص ۲۰۱.

۷۰ - ینابیع المودة، ص ۵۰۷.

وآله و سلم) به هر نقطه‌ای که تاریکی شب رسیده، می‌رسد. دیگر شرک و الحادی در روی زمین باقی نمی‌ماند. (۷۱)

۲۶ - «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ».

یعنی: (آیا جز دین خدا را می‌طلبند، در حالیکه آنکه در آسمانها و زمین است، خواه و ناخواه برای او اسلام آورده، و به سوی او بازگردانده می‌شوند). (۷۲)

امام صادق علیه السلام در مورد این آیه فرمود: هنگامی که قائم ما ارواحنا فداه قیام کند، در روی زمین نقطه‌ای نمی‌ماند جز اینکه در آن به یکتائی خدا و رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) گواهی داده می‌شود. (۷۳) و خطاب به مفضل فرمود: به خدا سوگند، ای مفضل! از میان ادیان و مذاهب اختلاف را برمی‌دارد و در سراسر جهان یک دین حکومت می‌کند، چنانکه خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و می‌فرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ». (۷۴)

۲۷ - «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ، لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ».

یعنی: (آنانکه ایمان آوردند به خدا و پیامبران، آنهاوند راستگویان و گواهان در

۷۱ - مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۴۳.

۷۲ - آل عمران: ۸۳.

۷۳ - ینابیع المودة، ص ۵۰۶.

۷۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴.

نزد پروردگارشان، برای آنهاست پاداش و نورشان). (۷۵)

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که از شما این امر را بشناسد و برای آن انتظار بکشد و خیر را در آن بداند، مانند کسی است که در رکاب قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) شمشیر بزند، بلکه به خدا سوگند مانند کسی است که در محضر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) جهاد کند، بار سوّم فرمود: نه، به خدا سوگند، مانند کسی است که در حضور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به شهادت برسد. و در این رابطه آیه‌ای است در قرآن کریم. پرسیدم: آن کدام آیه است؟ فرمود: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...» (۷۶) در روایات بسیاری تصریح شده که هرکس در حال انتظار ظهور قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بمیرد، شهید است، اگرچه در رختخواب از دنیا برود.

۲۸ - «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

یعنی: (می‌خواهند نور خدا را با دهانهای خود خاموش کنند، ولی خداوند نور خود را به اتمام می‌رساند، اگرچه کافران نخواهند). (۷۷)

در تفسیر علی بن ابراهیم می‌فرماید: این آیه در حق قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) است، که هنگامی که خارج شود، خداوند او را بر همه ادیان پیروز گرداند، که جز خدا پرستیده نشود، و این است معنای گفتار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم): «زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پراز جور و ستم شده است». (۷۸)

۷۵ - حدید: ۱۹.

۷۶ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۹۲.

۷۷ - صف: ۸.

۷۸ - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲۹ - «وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ».

یعنی : (بشارت دیگری که دوستش دارید، یاری خداوند و پیروزی نزدیک، می باشد. و مژده بده باورداران را). (۷۹)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود: نصرت و یاری خداوند، در فتح مکه، و پیروزی نزدیک، پیروزی جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است، که بشارت بزرگی بر اهل ایمان است. (۸۰)

۳۰ - «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ».

یعنی : (و یا کسی که مضطر را اجابت می کند هنگامی که او را بخواند، و اندوه را از او بر می دارد و شما را خلفای روی زمین می گرداند). (۸۱)

امام صادق علیه السلام در شأن نزول آن می فرماید: در حق قائم ارواحنا فداء نازل شده است. به خدا سوگند، او مضطری است که هر وقت دو رکعت نماز در مقام (مقام ابراهیم در مسجد الحرام) بگذارد و خدا را بخواند، خداوند دعایش را مستجاب فرماید و اندوهش را رفع نماید و او را در روی زمین جانشین قرار دهد. (۸۲)

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: به خدا سوگند او مضطری است که خداوند در حق او می فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ...». (۸۳)

۷۹ - صف: ۱۳.

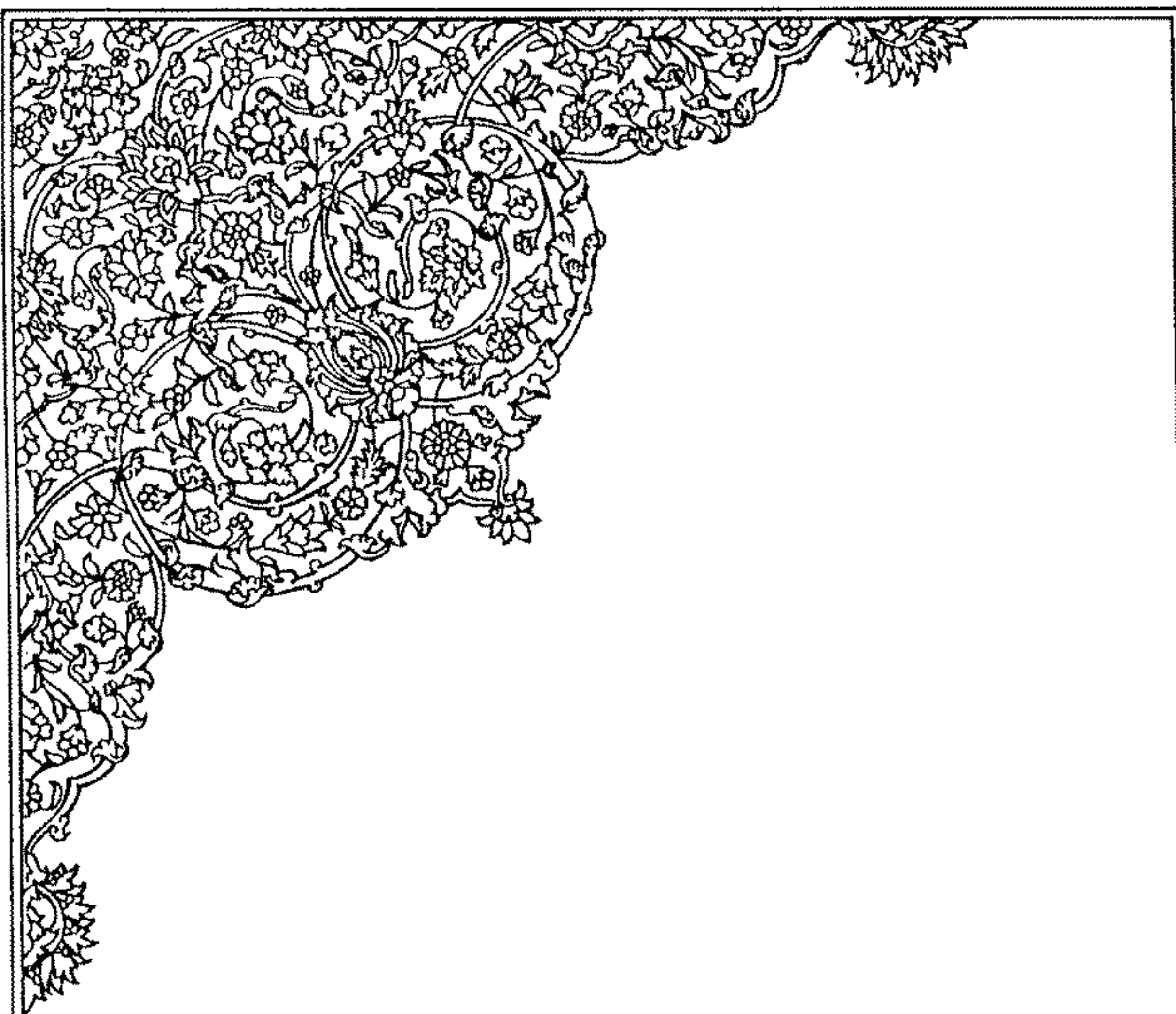
۸۰ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۳۰.

۸۱ - نمل: ۶۲.

۸۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸ و المحجة، ص ۱۶۵.

۸۳ - غیبت نعمانی، ص ۹۵.

بار خدایا ما نیز ترا به جان آن سرور سوگند می دهیم که هرچه زودتر جامه ظهور بر تن مبارکش بپوشان و همه اندوهها را به دست با کفایت او رفع بفرما، و ما را از بهترین خدمتگزاران درگاهش قرار بده.



بخش سوم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه پیامبر اکرم علیه السلام

«الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَلْنَا»

«مهدی (علیه السلام) کسی است که حق خدا را باز می ستاند و همه حقوق ما را باز می ستاند».

(رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم)*

مهدی (علیه السلام) آن دست انتقام خداوندی، همه حقوق ضایع شده را باز می ستاند، حقوق خداوندی را باز می ستاند، تعالیم فراموش شده را احیاء می کند، قوانین لگد مال شده را زنده می سازد همه حقوق تضییع شده اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را باز می ستاند و هر کجا خون به ناحق ریخته ای از آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم باشد، انتقامش را به فرمان خدا می گیرد. انتقام خون امام حسین علیه السلام و دیگر شهیدان پاکی که پروانه وار در گرداگرد شمع وجود امام حسین علیه السلام، مظلومانه به شهادت رسیدند از امویان خونخوار می گیرد و همه خونهای را که به ناحق از هابیلیان در راستای تاریخ ریخته شده، از قابیلیان می گیرد، که او دست انتقام خدا در روی زمین است. چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در خطبه معروف خود در روز عید غدیر در برابر ۱۲۰ هزار نفر از اصحاب در سرزمین «غدیر خم» می فرماید:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَالنُّوْرَ الَّذِيْ اُنْزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَّطْمَسَ وُجُوْهَاً فَتَرٰدَّهَا عَلٰى اَدْبَارِهَا».

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! اَلنُّوْرُ مِنَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فِیْ مَسْلُوْکٍ ثُمَّ فِیْ عَلَیٍّ ثُمَّ فِی النِّسْلِ مِنْهُ اِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِیِّ الَّذِیْ یَاْخُذُ بِحَقِّ اللّٰهِ وَبِکُلِّ حَقٍّ هُوَلْنَا».

- «ای گروه مردمان! به خدا و رسول خدا و نوری که همراه او نازل شده ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهائی را واژگون کرده به طرف پشت بازگردانیمشان».^(۱)

- «ای گروه مردمان! آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفته، سپس در وجود علی (علیه السلام) قرار گرفته، و پس از او در نسل او تا «قائم مهدی» که حق خدا را بازستاند و همه حقوق از دست رفته ما را بازستاند».^(۲)

و اینک به فرازهایی از خطبه بسیار ارزنده فصیح ترین و بلیغ ترین انسان روی زمین، حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله وسلم در خجسته روز عید سعید غدیر، در حجة الوداع و در سرزمین غدیر خم (جحفه) توجه فرمائید:

﴿۱﴾

«اَلَا وَاِنَّ خَاتَمَ الْاَوْصِیَاءِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِیُّ».

«آگاه باشید که خاتم اوصیاء مهدی قائم (علیه السلام) از ماست».

﴿۲﴾

«اَلَا اِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلٰی الدِّیْنِ کُلِّهِ».

«آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می شود».

۱ - اشاره به آیه های: ۱۵۷ اعراف، ۸ تغابن و ۴۷ نساء.

۲ - بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱.

﴿۳﴾

«أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

«آگاه باشید که او انتقامگر از ستمگران است».

﴿۴﴾

«أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا».

«آگاه باشید که او گشاینده و درهم کوبنده مرزهاست».

﴿۵﴾

«أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ».

«آگاه باشید که او کشنده هر تیره‌ای از مشرکان است».

﴿۶﴾

«أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

«آگاه باشید که او خونخواه و خون همه بندگان صالح خداست».

﴿۷﴾

«أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنَ الْبَحْرِ الْعَمِيقِ».

«آگاه باشید که او نهری خروشان از اقیانوسی بیکران است».

﴿۸﴾

«أَلَا إِنَّهُ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

«آگاه باشید که او یاور دین خدای تبارک و تعالی است».

﴿۹﴾

«أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ».

«آگاه باشید که او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می شناسد».

﴿۱۰﴾

«أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ».

«آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب شده خداست».

﴿۱۱﴾

«أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ».

«آگاه باشید که او وارث هر دانش، و دربرگیرنده آن است».

﴿۱۲﴾

«أَلَا إِنَّهُ هُوَ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ الْمُنَبِّئُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ».

«آگاه باشید که او آنچه بگوید از پروردگارش می گوید و به امر ایمان هشدار می دهد».

﴿۱۳﴾

«أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ».

«آگاه باشید که او رشید و کامل و نیرومند و متین است».

﴿۱۴﴾

«أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ».

«آگاه باشید که فرمانروائی جهان هستی به او واگذار شده است».

﴿۱۵﴾

«أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ».

«آگاه باشید که هر کس - از پیامبران و امامان - پیش از او بودند، نوید او را داده‌اند».

﴿۱۶﴾

«أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقٌّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ».

«آگاه باشید که او تنها حجت بازمانده است و بعد از او حجّتی نیست، حقّی جز با او، و نوری جز در پیش او نیست».

﴿۱۷﴾

«أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ».

«آگاه باشید که احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد».

﴿۱۸﴾

«أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ».

«آگاه باشید که او ولیّ خدا در روی زمین، و داور او در میان مردم، و امین او در آشکار و نهان است».(۳)

و بدینگونه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در روز عید غدیر، که روز اعلام امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام است، پرده از برنامه جهانی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء برداشته از پیاده شدن تعالیم عالیّه اسلام به دست آن حضرت، درهم ریختن مرزهای جغرافیائی و تشکیل حکومت واحد جهانی، ویرانگری کاخهای ظلم و استبداد، خونخواهی خونهای به ناحق ریخته در راستای تاریخ، و دیگر گامهای برجسته‌ای که توسط آن یکتا رهبر و تنها سرور برداشته خواهد شد، سخن گفته است.(۴)

نگارنده معتقد است همین فرازهای یاد شده از خطبه غزای رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در روز عید سعید غدیر، و در برابر ۱۲۰ هزار مستمع، برای شناخت اجمالی برنامه‌های جهانی، و شخصیت والای قبله موعود و کعبه مقصود حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء کافی است، ولی برای آرامش بیشتر دلهای دوستان، و کشش بیشتر قلبهای عاشقان، و استواری بیشتر گامهای رهروان راه او، و انس بیشتر شیفتگان کوی او، روایات دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را در این

۳ - بحارالانوار، ج ۳۷ ص ۲۱۳.

۴ - متن کامل خطبه گرانقدر رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را در کتاب پیر ارج «مدینه البلاغه» تألیف: آیه الله حاج شیخ موسی زنجانی (طاب ثراه) مطالعه فرمائید. (ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۴۸).

رابطه، زینت صفحات کتاب قرار می دهیم:

﴿۱۹﴾

«لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا».

«اگر یک لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد». (۵)

طبق این روایت و دهها روایت دیگری که به این مضمون از معصومین علیهم السلام رسیده است، امام علیه السلام علت غائی آفرینش است و اگر یک لحظه در روی زمین نباشد، همه موجودات جهان هستی محکوم به فنا می باشند، و رمز بقای جهان و تداوم گردش زمین و زمان در عصر ما وجود اقدس حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء می باشد. (۶)

و اینک روایاتی چند از کتب اهل سنت:

﴿۲۰﴾

«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي».

«دنیا سپری نمی شود، تا مردی از اهل بیت من که همنام با من است زمام امور عرب را به دست بگیرد». (۷)

۵ - علامه مجلسی ۱۱۸ حدیث به این مضمون در بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱ - ۵۶ نقل کرده است.

۶ - در مورد نقش امام زمان ارواحنا فداء در جهان هستی رجوع شود به «او خواهد آمد» ص ۱۵-۲۶.

۷ - سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، حدیث شماره ۲۲۳۰.

﴿۲۱﴾

«لَوْ لَمْ يَنْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي».

«اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن را به قدری طولانی می‌گرداند، که مردی از اهل بیت من و همنام با من به فرمانروائی جهان برسد».^(۸)

﴿۲۲﴾

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي».

«رستاخیز بپا نمی‌شود، تا هنگامی که مردی از اهل بیت من که همنام با منست، فرمانروا شود».^(۹)

﴿۲۳﴾

«لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامُ وَلَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ، حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، إِسْمُهُ يُوَاطِيءُ إِسْمِي».

«روزها سپری نمی‌شود و روزگار به پایان نمی‌رسد، تا اینکه مردی از اهل بیت من و همنام با من، فرمانروای عرب شود».^(۱۰)

۸ - سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، حدیث شماره ۲۲۳۱.

۹ - مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۷۶.

۱۰ - مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۷۶.

﴿۲۴﴾

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي وَخُلُقُهُ خُلُقِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا».

«مردی از اهل بیت من خارج می شود که نامش همنام من و خویش هم خوی منست، زمین را پر از عدل و داد می نماید» (۱۱).

﴿۲۵﴾

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي».

«اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را طولانی سازد، و مردی از تبار من و همنام با من برمی انگیزاند».

سلمان پرسید: از کدامین فرزندان ای رسول خدا؟ فرمود: «از این پسر» و با دست مبارکش به شانه امام حسین علیه السلام زد. (۱۲)

﴿۲۶﴾

«يَلْتَفِتُ الْمَهْدِيُّ وَقَدْ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عَلَيْهِ السَّلَام) كَأَنَّمَا يَقْطُرُ مِنْ شَفَرِهِ الْمَاءُ، فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمْ صَلِّ بِالنَّاسِ، فَيَقُولُ: إِنَّمَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ لَكَ فَيُصَلِّي خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وَلَدِي».

«حضرت مهدی (علیه السلام) متوجه می شود و می بیند که حضرت عیسی (علیه السلام) فرود آمده است، گوئی از موی مبارکش قطرات آب فرو می ریزد.

۱۱ - عقد الدرر، ص ۳۱.

۱۲ - ذخائر العقبی، ص ۱۳۶.

حضرت مهدی (علیه السلام) می فرماید: جلو بیا و با مردم نماز بخوان. حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: نماز برای تو اقامه شده است. آنگاه حضرت عیسی (علیه السلام) پشت سر مردی از فرزندان من نماز می خواند». (۱۳)

﴿۲۷﴾

«مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عليه السلام) خَلْفَهُ».

«آنکه عیسی بن مریم (علیه السلام) پشت سرش نماز می خواند، از ماست». (۱۴)

﴿۲۸﴾

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَفْتَحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ وَجَبَل الدَّيْلَمِ. وَلَوْ لَمْ يَنْقُ إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَفْتَحَهُمَا».

«قیامت برپا نمی شود، تا مردی از اهل بیت من به پادشاهی برسد، و قسطنطنیه (استانبول) و کوههای دیلم را فتح کند. اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن را به قدری طولانی کند که آنها را فتح نماید». (۱۵)

﴿۲۹﴾

«لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوَّلِهَا وَعِيسَى فِي آخِرِهَا وَالْمَهْدِيُّ (عليه السلام) فِي وَسْطِهَا».

«هرگز هلاک نمی شود امتی که من در اوّل آن، عیسی (علیه السلام) در آخر آن، و

۱۳ - الصّواعق المحرقة، ص ۹۸ و عقد الدّرر، ص ۱۷.

۱۴ - عقد الدّرر، ص ۲۵.

۱۵ - البیان، گنجی شافعی، ص ۱۴۱.

مهدی (علیه السلام) در وسط آن باشد». (۱۶)

﴿۳۰﴾

«الْمَهْدِيُّ (عليه السلام) طَاوُوشُ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

«مهدی (علیه السلام) طاووس اهل بهشت است». (۱۷)

﴿۳۱﴾

«يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا».

«پس از من دوازده امیر خواهد بود».

جابر بن سمره می گوید: سپس وجود مقدس خاتم انبیاء صلی الله علیه وآله وسلم چیزی فرمود که من متوجه نشدم. از پشت سری پرسیدم که حضرت چه فرمود؟! گفت: فرمود: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»: «همه آنها از قریش است». (۱۸)

و در پایان این بخش به روایاتی چند از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم از طریق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام توجه فرمائید:

﴿۳۲﴾

«الْأُيُمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوَّلُهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَأَخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا».

«امامها و پیشواها پس از من دوازده تن می باشند که اولی آنها تو هستی ای علی

۱۶ - البیان، گنجی شافعی، ص ۱۲۷ و عقدالذکر، ص ۱۴۶.

۱۷ - عقدالذکر، ص ۱۴۸.

۱۸ - سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۱.

(علیه السلام)! و آخر آنها، آن قائمی است که خداوند به دست او شرق و غرب جهان را فتح خواهد فرمود». (۱۹)

﴿۳۳﴾

«إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَمِنَ اللَّيَالِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَمِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَاخْتَارَنِي مِنَ الرُّسُلِ وَاخْتَارَ مِنِّي عَلِيًّا، وَاخْتَارَ مِنْ عَلِيٍّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَاخْتَارَ مِنْهُمَا تِسْعَةَ تَاسِعَهُمْ قَائِمُهُمْ، وَهُوَ ظَاهِرُهُمْ وَهُوَ بَاطِنُهُمْ».

«خداي تبارک و تعالی از روزها روز جمعه را برگزید، و از شبها شب قدر، و از ماهها ماه رمضان را برگزید، و مرا از میان پیامبران برگزید، و علی (علیه السلام) را از من، و حسن و حسین را از علی (علیه السلام) برگزید، و از حسن و حسین نه تن (پیشوا) برگزید که نهمین آنها «قائم» آنهاست (علیه السلام)، که ظاهر و باطن آنان است». (۲۰)

﴿۳۴﴾

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنْ عِثْرَتِي، مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ تُنْزِلُ لَهُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ بَذْرَهَا، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَهَا الْقَوْمُ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

«مهدی (علیه السلام) از عترت و اهل بیت من است، در آخر الزمان ظاهر می شود، آسمان باران رحمتش را فرو می ریزد و زمین گیاه خود را بیرون می فرستد. زمین را پر

۱۹ - کمال الدین، ص ۲۸۲.

۲۰ - اثبات الوصیة، ص ۲۲۵.

از عدل و داد کند، چنانکه مردم آن را از جور و ستم پر کرده‌اند». (۲۱)

﴿۳۵﴾

«... التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي، وَمَهْدِيُّ أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ، يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَةِ طَوِيلَةٍ وَخَيْرَةٍ مُضِلَّةٍ، فَيُغْلِنُ أَمْرَ اللَّهِ، وَيُظْهِرُ دِينَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا، يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ، وَيُنْصِرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلْتِ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«... نهمین آنها قائم اهل بیت من، و مهدی امت من است، که در رفتار، گفتار و کردار شبیه‌ترین مردم است به من، پس از یک غیبت طولانی و سرگردانی سردرگمی، ظاهر می‌شود و امر خدا را آشکار می‌کند و دین خدا را ظاهر می‌سازد. با نصرت خدا تأیید می‌شود و با پشتیبانی فرشتگان تقویت می‌گردد. زمین را پر از عدالت و برابری می‌کند، پس از آنکه با ستم و نابرابری پر شده باشد». (۲۲)

﴿۳۶﴾

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ».

«مهدی (علیه السلام) از عترت من، از اولاد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) است». (۲۳)

۲۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

۲۲ - کمال الدین، ص ۲۵۷.

۲۳ - غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۵.

﴿۳۷﴾

«أَلَا وَنَحْنُ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَا وَعَلِيٌّ وَجَعْفَرُ وَحَمَزَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَفَاطِمَةُ وَالْمَهْدِيُّ (عليهم السَّلام)».

«آگاه باشید که ما فرزندان عبدالمطلب: من و علی و جعفر و حمزه و حسن و حسین و فاطمه و مهدی، (سلام الله علیهم) سروران اهل بهشتیم».^(۲۴)

﴿۳۸﴾

«وَمِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، لَهُ غَيْبَةُ مُوسَى وَبَهَاءُ عِيسَى وَحِلْمُ دَاوُدَ وَصَبْرُ أَيُّوبَ».

«مهدی این امت از ماست، که غیبت موسی، عظمت عیسی، بردباری داود، و شکیبائی ایوب را یکجا دارد».^(۲۵)

﴿۳۹﴾

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ غِمَامَةٌ فِيهَا مَلَكٌ يُنَادِي هَذَا خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ، فَاتَّبِعُوهُ».

«مهدی (علیه السلام) ظاهر می شود، در بالای سر او ابری خواهد بود که فرشته ای از میان آن بانگ بر می آورد: این خلیفه خدا «مهدی» است، از او پیروی کنید».^(۲۶)

۲۴ - سلیم بن قیس، ص ۲۴۵.

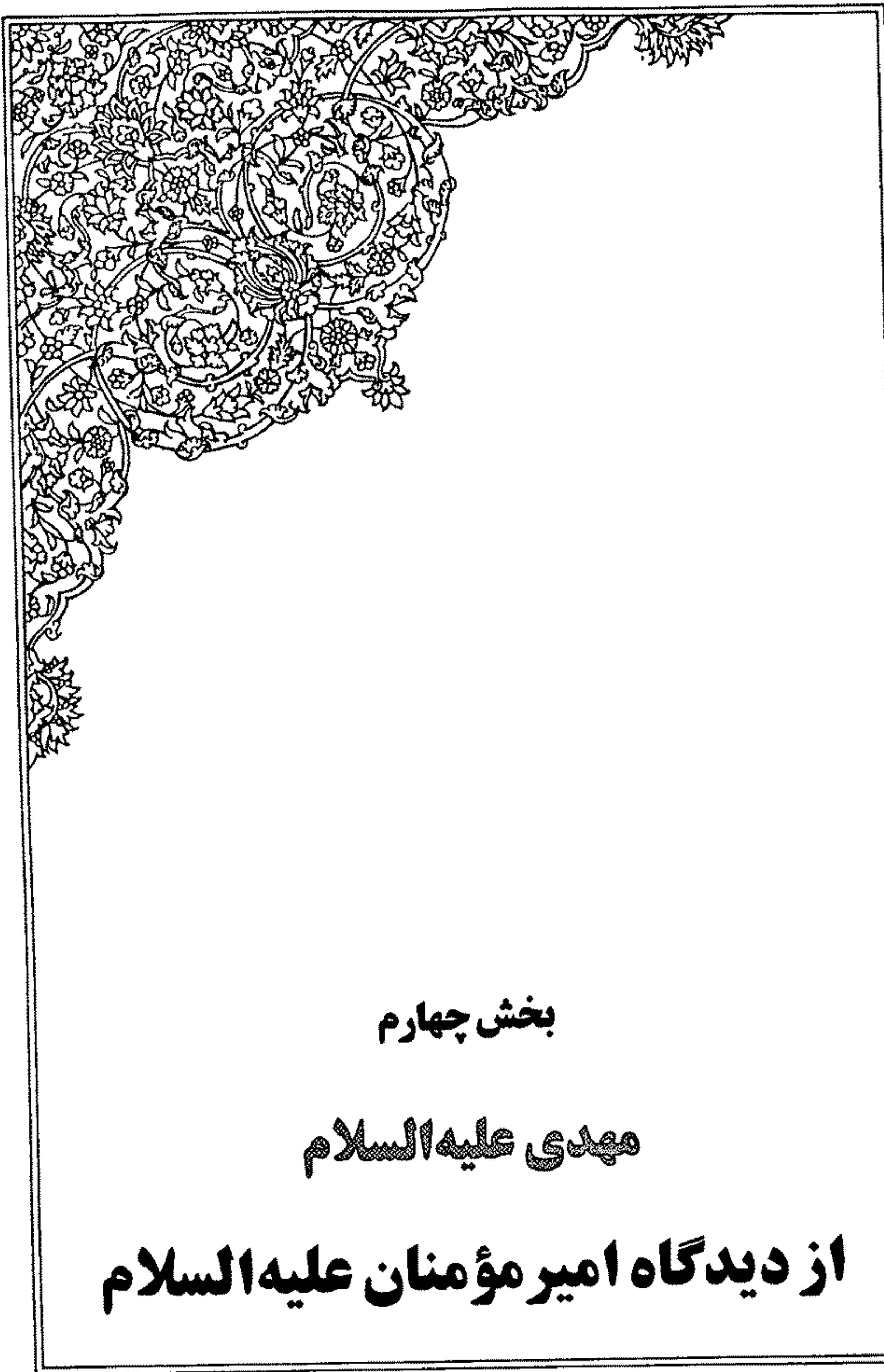
۲۵ - کفایة الاثر، ص ۴۳.

۲۶ - الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۶۳.

﴿ ۴۰ ﴾

«وَاخْتَارَ مِنْ صُلْبِكَ يَا حُسَيْنُ تِسْعَةَ أَيْمَةٍ، تَسِيعُهُمْ قَائِمُهُمْ، وَكُلُّهُمْ فِي الْفَضْلِ عِنْدِ اللَّهِ سَوَاءٌ».

«ای حسین! از نسل تو ۹ امام برگزید که نهمین آنها، قائم آنهاست، که مقام آنها در نزد خداوند برابر است». (۲۷)



بخش چهارم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امیر مؤمنان علیه السلام

«وَيَا شَوْقَاءَ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ
دَوْلَتِهِمْ».

«وه چقدر مشتاقم که آنها را در روزگار
تشکیل دولتشان ببینم». (علی علیه السلام)*

روایات وارده از وجود اقدس پیشوای پرهیزکاران، امیرمؤمنان حضرت علی بن
ابی طالب علیه السلام در پیرامون شخصیت، عظمت، برنامه جهانی و نهضت الهی
مصلح غیبی حضرت بقیة الله (روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفدا) بیرون از
شمار است، که ما برای تبرک به چند نمونه از آن بسنده می‌کنیم، و در این بخش از
نویدهای «نهج البلاغه» نیز استفاده می‌کنیم، اگر چه اخیراً کتاب مستقلی هم در این
رابطه منتشر شده است.^(۱)

﴿۴۱﴾

«إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ

* کنایة الاثر، ص ۲۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۰ [۴۴۵]

۱- کتاب «مهدی منتظر در نهج البلاغه» نوشته: مهدی فقیه ایمانی، از انتشارات «کتابخانه عمومی
امیرالمؤمنین علیه السلام» اصفهان.

النَّاسِ، يَشْرَبُونَ ذِكْرَهُ، فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ».

«هنگامی که منادی غیبی از آسمان بانگ برآورد که حق با آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم است نام مهدی (علیه السلام) بر سر زبانها می افتد و جهان مالا مال از نام او می شود، دیگر یادی از غیر او به میان نمی آید».^(۲)

﴿۴۲﴾

«يُظْهَرُ صَاحِبُ الرِّايَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ وَالِدُ الْاُخْمَدِيَّةِ، الْقَائِمُ بِالسَّيْفِ وَالْحَالُ الصَّادِقُ فِي الْمَقَالِ، يُمَهِّدُ الْأَرْضَ وَيُخَيِّ السُّنَّةَ وَالْفَرَضَ».

«صاحب پرچم محمدی و دولت احمدی صلی الله علیه وآله وسلم ظاهر می شود در حالیکه قیام به شمشیر فرموده و با راستگویی و استواری در گفتار پیش می تازد و آرامش را به زمین باز می گرداند (ویا: زمین را برای پیاده کردن عدالت اجتماعی آماده می سازد) احکام الهی و سنن نبوی (ویا: واجبات و مستحبات) را زنده می کند».^(۳)

﴿۴۳﴾

«لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةٌ أَمَدُهَا طَوِيلٌ، كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانِ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ، يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ، أَلَا فَمَنْ ثَبَتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ، وَلَمْ يَقْشُ قَلْبُهُ لِطُولِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ، فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«برای قائم ما غیبتی است که مدت آن به درازا خواهد کشید، شیعیان را گوئی با چشم خود می بینم همانند گله بی صاحبی که در دشت و صحرا پراکنده شده به دنبال چراگاه می گردند، در غیبت او به جستجوی او می پردازند، و نمی یابند. آگاه

۲ - بشارة الاسلام، ص ۷۶.

۳ - ينابيع المودة، ص ۴۰۶.

باشید که هر کس بر آئین خود استوار بماند و در اثر طول غیبت دلش را قساوت نگیرد، روز قیامت در کنار من خواهد بود». (۴)

﴿۴۴﴾

«إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلَادَتُهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ».

«هنگامی که قائم ما (علیه السلام) قیام کند، بیعت کسی در گردن او نخواهد بود، از این رهگذر تولدش پنهانی انجام می گیرد و خودش غایب می شود». (۵)

﴿۴۵﴾

«التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِكَ يَا حُسَيْنُ! هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، أَلْمُظْهَرُ لِلدِّينِ، وَالْبَاسِطُ بِالْعَدْلِ».

«نهمین فرزند تو، ای حسین! قیام به حق می کند، دین را آشکار می سازد و عدالت را می گستراند».

امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای امیر مؤمنان! آیا به طور قطع، این شدنی است؟ فرمود:

«إِذَا الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ. وَلَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةٍ وَخَيْرَةٍ، لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ، الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَكَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ، وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ».

«آری سوگند به خدائی که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را

۴ - کمال الدین، ص ۳۰۳.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

به حقّ به پیامبری برگزید و بر همه مخلوقات برتری داد.

ولکن پس از یک دوران غیبت و سرگردانی، که بر دین خود استوار نمی ماند مگر افراد خالصی که روح یقین را لمس کرده باشند، که خداوند از آنها برای ولایت ما پیمان گرفته و در دلشان ایمان را نوشته، و با روحی از خود آنان را تأیید کرده است. (۶)

این سخن مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام اعلام خطر است که با طولانی شدن مدّت غیبت، تبلیغات زهراگین دشمنان در عقیده شیعیان تزلزل ایجاد نکند و پیوند آنها را با امام بزرگوارشان قطع نکند. که کوچکترین تردید و تزلزل در این امر، سرآغاز سقوط در درّه ضلالت و هلاکت است.

﴿۴۶﴾

مردی به خدمت امیرمؤمنان علیه السلام شرفیاب شده، عرضه داشت: از مهدی خود برای من سخن بگو، فرمود:

«إِذَا دَرَجَ الدَّارِجُونَ، وَقَلَ الْمُؤْمِنُونَ، وَذَهَبَ الْمُجْلِبُونَ، فَهَئَاكَ».

«هنگامی که رفتنی ها بروند، اهل ایمان کم شوند، آشوبگران و جنگ طلبان نابود شوند، پس آنجاست».

آن مرد عرضه داشت: ای امیر مؤمنان درود خدا بر تو باد، توضیح بفرما: آن سرور از کدام طائفه است؟ فرمود:

«مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، مِنْ ذُرْوَةِ طُودِ الْعَرَبِ وَبَحْرِ مَغِيضِهَا إِذَا وَرَدَتْ، وَمَجْفُو أَهْلِهَا إِذَا أَتَتْ، وَمَعْدَنِ صَفْوَتِهَا إِذَا اكْتَدَرَتْ، لَا يَجْبُنُ إِذَا الْمَنَايَا هَلَعَتْ وَلَا يَحُورُ إِذَا الْمَنُونُ

اَكْتَنَفْتُ، وَلَا يَنْكُلُ إِذَا الْكُمَاءُ اضْطَرَعَتْ، مُشَمَّرٌ مُغْلَوْلِبٌ ظَفِيرٌ ضَرْغَامَةٌ حَصِيدٌ مُخْدَشٌ ذِكْرٌ، سَيْفٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ، رَأْسٌ قُشْمٌ، نَشِيقٌ رَأْسُهُ فِي بَاذِخِ السُّودِ، وَغَارِزٌ مَجْدُهُ فِي أَكْرَمِ الْمُحْتَدِ، فَلَا يَضُرُّ فَتَكَ عَنْ تَبِعِيهِ ضَارِفٌ، يَتَوَصَّلُ إِلَى الْفِتْنَةِ كُلِّ مَنَاصٍ، إِنْ قَالَ فَشَرٌّ قَائِلٍ، وَإِنْ سَكَتَ فَذُو دَعَايِرٍ».

«از بنی هاشم، از برترین نژاد عرب. از قله شرف، و از اقیانوس بی کرانه که همه نهرهای فضیلت به سوی آن سرازیر است. پناه همه پناهندگان. کان صفا، هنگامی که همه بی صفا شوند. چون مرگ چنگ و دندان نشان دهد، او هراسی به دل راه ندهد. هنگامی که عرصه نبرد تنگتر شود، ضعف و زبونی نشان ندهد. وقتی که قهرمانها نقش بر زمین شوند، او عقب نشینی نکند. همواره آماده نبرد، همیشه پیروز، دشمن شکن، شیر بیشه شجاعت، درو کننده ریشه ستمگران، ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد، قهرمانی شجاع و بزرگوار، شمشیر برنده ای از شمشیرهای خداوند، دست بخشنده خداوندی، اوج قله شرف انسانی، که در اعماق اصیلترین فضیلتها ریشه دوانیده است. هیچ فتنه و پدیده ای ترا از پیروی او منصرف نکند. که چنین فتنه گری اگر سخن بگوید بدترین گویندگان است و اگر خاموش نشیند همه پلیدیها و حيله گریها را در خود جای داده است».

آنگاه به توصیف حضرت مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود:

«أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَأَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَأَوْصَلُكُمْ رَحِمًا، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ بَيْعَتَهُ خُرُوجًا مِنَ الْغُمَّةِ وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ، فَإِنْ خَارَ اللَّهُ لَكَ فَأَعِزِّمْ وَلَا تَنْشِنْ عَنْهُ إِنْ وَفَّقْتَ لَهُ، وَلَا تُجِيزَنَّ عَنْهُ إِنْ هَدَيْتَ إِلَيْهِ هَاهُ - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ - شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ».

«آستانه اش از همه گشادتر، دانشش از همه افزونتر، و برای خویشاوندان از همه نیکوتر است. بارالها! بیعت او را پایان بخش همه اندوهها قرار بده. پراکندگی امت را به دست او به یگانگی مبدل فرما. اگر خداوند (به تو اراده خیر کند و) چنین روزی را

نصیب تو سازد، چون کوه استوار باش. اگر چنین روزی را درک کنی، به سوی احدی از او روی متاب. اگر به کویش راه یافتی، از او درمگذر».

آنگاه با دست مبارکش به طرف سینه اش اشاره کرد و فرمود:

«آه چقدر مشتاق دیدار او هستم»!! (۷)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این خطبه بسیار گریا و شیوا که قلم از ترجمه کامل آن ناتوان است، از برنامه جهانی حضرت مهدی ارواحنا فدا، پایان یافتن دوران خواری و سرگردانی استعمار و استثمار، و فرارسیدن روزگار رهایی و صفا، و سپری شدن ایام خفقان و اختناق، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی واقعی، با بیان بسیار کوتاه و کوبنده سخن گفته، در پایان آهی از اعماق دل کشیده، اظهار اشتیاق به دیدار آن کعبه موعود و قبله مقصود نموده است. در صورتی که بیش از دو قرن به ولادت آن سرور باقی بود. اگر امیرمؤمنان علیه السلام چنین روزهایی در میان ما بود که یک هزار و یکصد و پنجاه سال تمام دیدگان نگران مشتاقان، چشم انتظار ظهور آن خورشید فروزان است، چه بیانات شیوایی در بیان درد هجران به زبان می آوردند؟ و چه آهی از سویدای دل بر می آوردند؟!

بیا بیا که سوختم ز هجر روی ماه تو تمام عمر دوختم دو چشم خود به راه تو

﴿۴۷﴾

اصبغ بن نباته می گوید: به خدمت امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام شرفیاب شدم، دیدم که در دریای فکر غوطه ور است و با انگشت مبارکش به زمین می زند. عرض کردم: ای امیرمؤمنان! چه شده؟ شما را اندیشناک می بینم؟! با

انگشت مبارک به زمین می زنی! مگر به آب و گل علاقمند شده ای؟! فرمود:

«لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ، وَلَكِنْ فَكَّرْتُ فِي مُؤَلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي، الْخَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي، هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَغَيْبَةٌ، يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ».

«نه، به خدا سوگند، حتی یکروز هم به این خاک و به این دنیا علاقمند نشدم. ولی داشتم فکر می کردم درباره مولودی که از نسل من به دنیا خواهد آمد. او یازدهمین فرزند منست. او مهدی ماست (علیه السلام)، که زمین را پر از عدل و داد کند، پس از آنکه از جور و ستم پرشده باشد. برای او دوران غیبت و سرگردانی هست. در آن ایام اقوامی از راه حق منحرف می شوند و اقوام دیگری به شاهراه هدایت رهنمون می شوند».

اصبغ می گوید: عرض کردم: ای امیرمؤمنان! آیا این کار شدنی است؟ فرمود:

- آری، آن حتمی است، از قلم تقدیر گذشته است. ای اصبغ! تو چه می دانی که این امر چگونه است؟! آنها بهترین این امت هستند با بهترین این عترت».

اصبغ پرسید: سپس چه خواهد شد؟ فرمود:

- «آنگاه خداوند هر چه اراده کند، انجام می دهد که برای او اراده ها، هدفها و غرضهایی است».^(۸)

﴿۴۸﴾

«طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدْنَتِهِمْ، وَيَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ، وَسَيَجْمَعُنَا اللَّهُ وَآيَاهُمْ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ

وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ».

«... خوشا به حال آنها (یاوران حضرت مهدی علیه السلام) در زمان صلح و آرامش آنها، خوشا بر شکیبائی آنها در راه دینشان. چقدر مشتاقم که آنها را در زمان تشکیل دولتشان ببینم. خداوند بین ما و آنها و شایستگان از پدران، مادران، همسران و فرزندانشان را در بهشت برین جمع خواهد فرمود».^(۹)

﴿۴۹﴾

«يَفْرَحُ لِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَسُكَّانُهَا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِثَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«برای ظهور او اهل آسمانها شادمانی می کنند. روی زمین را پر از عدالت می کند، پس از آنکه با جور و ستم پر شده باشد».^(۱۰)

﴿۵۰﴾

«وَأَنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً عَمِيَاءَ مُنْكَسِفَةً، لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا النُّومَةُ. قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَمَا النُّومَةُ؟ قَالَ: الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ».

«به دنبال شما فتنه های تاریک، کور و ظلمانی هست که از آنها کسی جز نومه نجات نمی یابد. پرسیدند: نومه چیست؟ فرمود: کسی که مردم را بشناسد و مردم او را نشناسند».^(۱۱)

۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۱- ۴۷۲.

۱۰- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۱۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲ و غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.

﴿۵۱﴾

«... رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي زَكِيٌّ نَقِيٌّ، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِثْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَنْتَى لَا عَرِفَ اسْمَهُ أَيْنَ وَكَمْ هُوَ يَوْمِيذٍ وَعَلَامَتُهُ، وَهُوَ مِنْ وَلَدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ الَّذِي يَقْتُلُهُ ابْنُكَ يَزِيدٌ، وَهُوَ الثَّائِرُ بِدَمِ أَبِيهِ...».

امیرمؤمنان علی علیه السلام در ضمن نامه‌ای خطاب به معاویه از لشکر سفیانی بحث کرده، سپس می‌افزاید:

«مردی نیکو سرشت و پاک روش از اولاد من، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده است. من نام و نشان او را می‌دانم که آنروز او کی و کجاست! او از تبار پسر حسین علیه السلام است. همان حسین که پسر یزید او را می‌کشد، و او (مهدی علیه السلام) خون پدرش (حسین علیه السلام) را می‌گیرد». (۱۲)

﴿۵۲﴾

«يَا بَنَ خَيْرَةِ الْأِمَاءِ! مَتَى تُنْتَظَرُ؟ أَبَشِّرُ بِنَصْرِ قَرِيبٍ مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ، فَبِأَبِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةٍ قَلِيلَةٍ أَسْمَائُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ، قَدْ دَانَ حِينِيذٌ ظُهُورُهُمْ. يَا عَجَباً كُلِّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادِي وَرَجَبٍ مِنْ جَمْعِ أَشْتَاتٍ وَحَصْدِ نَبَاتٍ وَمِنْ أَصْوَاتٍ بَعْدَ أَصْوَاتٍ».

امیرمؤمنان علی علیه السلام پس از جنگ نهروان در ضمن یک خطبه در مورد «ملاحم» به تفصیل سخن گفت و در فرازی خطاب به حضرت ولی عصر ارواحنا

فداه فرمود:

«ای پسر بهترین کنیزان، تا به کی انتظار باید کشید؟! مژده باد به پیروزی نزدیک از پروردگار بخشایشگر. پدر و مادرم به فدای آن تعداد اندکی باشند که نامهای آنها در زمین مجهول است، تا هنگامی که وقت ظهور فرارسد. همه شگفتیها، از جمع شدن پراکنده‌ها، درو شدن گیاهان و صداها، پیایی، در میان جمادی و رجب است.» (۱۳)

﴿۵۳﴾

«الْإِسْلَامُ وَالسُّلْطَانُ الْعَادِلُ أَخَوَانِ، لَا يَصْلُحُ وَاحِدٌ مِنْهُمَا إِلَّا بِصَاحِبِهِ، الْإِسْلَامُ أُسُّ وَالسُّلْطَانُ الْعَادِلُ حَارِسٌ، مَا لَا أُسَّ لَهُ فَمُنْهَدِمٌ وَمَا لَا حَارِسَ لَهُ فَضَائِعٌ، فَلِذَلِكَ إِذَا رَحَلَ قَائِمُنَا لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَإِذَا لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الدُّنْيَا.»

«اسلام و سلطان عادل دو برادر همزادند. یکی از آنها بدون دیگری به کمال شایسته نمی‌رسد. اسلام پایه است و سلطان عادل نگهبان آن است. آنچه بی پایه باشد ویران می‌گردد. و آنچه نگهبان ندارد تباه می‌شود. از این رهگذر هنگامی که قائم ما (ارواحنا فداه) رخت بربندد، دیگر اثری از اسلام نمی‌ماند (بعد از انقضای رجعت) و هنگامی که اثری از اسلام نباشد، اثری از دنیا نخواهد بود.» (۱۴)

و اینک دو نمونه از نهج البلاغه

﴿۵۴﴾

«اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مُشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا،

۱۳ - بشارة الاسلام، ص ۸۰.

۱۴ - کشف الحق (اربعین خاتون آبادی)، ص ۲۰۳.

لَئِنْ تَبَطَّلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ، وَكَمْ ذَاوَاتَيْنِ أُولَئِكَ؟ أُولَئِكَ - وَاللَّهِ - الْأَقْلُونَ عَدَدًا، وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا. يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَبَيِّنَاتِهِ، حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَانِهِمْ، وَيَزَرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ. هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ، وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ، وَاسْتَلَّاتُوا مَا اسْتَعْوَرَهُ الْمُتَرَفُّونَ، وَأَنَسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ، وَصَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى. أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالِدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ!.

«بار خدایا! هرگز روی زمین، از کسانی که دین خدا را به حجت بر پای دارند تهی نمی ماند. خواه آشکار و ظاهر باشند و خواه خائف و نهان از چشم، تا برهانهای حق و نشانه های روشن او از میان نرود. اما اینها چندند و کجایند؟ به خدای سوگند که به شمار بس اندک، و به منزلت بسیار والایند، خداوند حجتها و نشانه های روشن خود را به وسیله آنها نگاه می دارد. تا آن را به نظیران خویش به امانت بسپارند و در دل اشباه خویش کشت دهند و بارور سازند. دانش، آنها را به حقیقت بینائی، رهنمون می کند. و آن را با آرامش یقین بکار می بندند. پارسائی و پرهیز را که متنعمان ناز پرورده دشوار می شمارند، آسان می گیرند. و با آنچه نادانان از آن به هراس اندرند، خو دارند. در دنیا با کالبدی زندگانی می کنند که روح آن کالبد به محلّ اعلیٰ وابسته است. اینانند جانشینان خدای بر روی زمین و فرا خوانندگان به دین خدا. وه، که به دیدارشان چقدر مشتاقم.» (۱۵)

﴿۵۵﴾

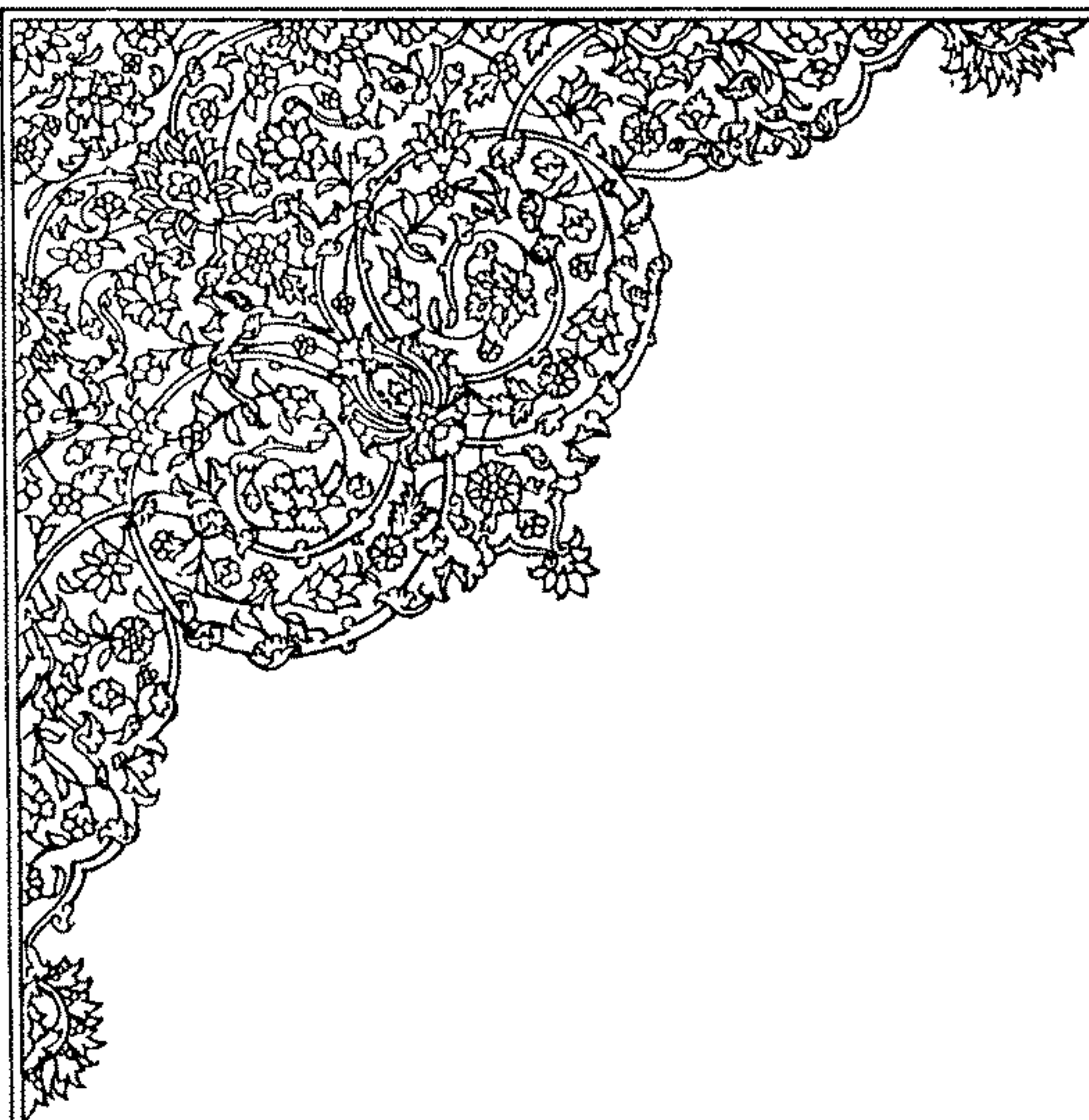
«أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ، وَيَخْذُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ،

لِيَحُلَّ فِيهَا رِبْقًا، وَيُعْتَقَ رِقًّا، وَيَضْدَعُ شَعْبًا، وَيَشْعَبُ صَدْعًا، فِي سُتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ، وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ، ثُمَّ لَيْشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّضْلَ. تُجْلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيُزْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ. وَيُغَبِّقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ.

«هان، همانا هر کس آن روزها را دید، به چراغ نور افشان ما در آن سیر می‌کند و بر مثال صالحان در پی آن فتنه می‌افتد. تا در آن گیر و دار پنهان از نظر مردمان (امام غائب ارواحنا فداء) بندی از پای بگشاید، بردگان را آزاد سازد، جمعی را پراکنده سازد و پراکندگانی را گرد آورد. کسی که در پی او باشد، اثر او را نمی‌بیند، هیچ اثر شناس و پی زن از او نشانی به دست نیاورد. هر چند در این راه بکوشد. در آن رویدادها قومی (یاران مهدی علیه السلام) ذهن و فکرشان صیقلی شده، همچون صیقل شمشیر به دست آهنگر، دیدگانشان به نور قرآن روشن و گوشهایشان به تفسیر آن مانوس. پس از جام خرد و حکمت که بامداد به آنان می‌پیمایند، شبانگاه نیز از آن سیراب می‌گردانند.» (۱۶)

اینها نمونه‌ای اندک و قطراتی ناچیز از دریای بیکران جوشیده از اقیانوس ژرف و ناپیدا کرانه، باب مدینه علم رسول صلی الله علیه وآله وسلم پیشوای پرهیزکاران، امام انس و جان، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام، در رابطه با قبله خوبان، موعود قرآن، صاحب عصر و زمان، ولی الله اعظم، حضرت بقیة الله، روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، می‌باشد.





بخش پنجم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

«هَذِهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ أُولَئِهِمْ ابْنُ عَمِّي وَآخِذَ
عَشَرَ مِنْ وَلَدِي، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ».
(اینها اسامی اوصیاء است که اول آنها پسر
عموی من است، و یازده تن از فرزندان من
می باشند که آخر آنها قائم است).
(حضرت فاطمه سلام الله علیها)*

در ضمن احادیثی چند از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نوید ظهور
حضرت بقیة الله ارواحنا فداه روایت شده که معروفترین آنها حدیث گرانبھائی است
که به نام «خبر لوح» شهرت یافته است که ترجمه آن را در اینجا می آوریم و به جهت
طولانی بودن آن از آوردن متن عربی آن صرف نظر نموده، طالبین را به منابع یاد
شده در پایان حدیث ارجاع می کنیم و اینک ترجمه حدیث:

﴿۵۶﴾

امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم (حضرت باقر علیه السلام) روزی به
جابر بن عبد الله انصاری فرمود: من با شما کاری دارم، چه وقتی برای شما زحمت
نیست که با شما خلوت کنم و پرسشی از شما بکنم؟ جابر عرض کرد: هر وقت اراده

بفرمائید. وقتی تعیین شد و با یکدیگر خلوت نمودند. امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! برای من از لوحی که در دست مادرم فاطمه (سلام الله علیها) دخت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دیده‌ای سخن بگو، و از آنچه مادرم فاطمه (سلام الله علیها) به تو خبر داده که در لوح نوشته شده است برای من بگو. جابر گفت: - «خدا را گواه می‌گیرم که در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به خدمت مادرت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) شرفیاب شدم تا ولادت حضرت حسین (علیه السلام) را تبریک و تهنیت عرض کنم. در دست مبارکش لوحی سبز رنگ دیدم که پنداشتم از زمرد است. روی آن لوح نوشته‌ای سفید رنگ شبیه نور خورشید دیدم. به خدمتشان عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت، ای دخت پیامبر! این لوح چیست؟ فرمود:

- «این لوحی است که خدای تبارک و تعالی آن را به پیامبرش اهداء نموده است. اسم پدرم و اسم همسرم و اسم دو فرزندم و اسامی اوصیاء دیگر از فرزندانم بر آن نوشته شده. پدرم آن را به من عطا فرمود که مرا مسرور فرماید».

سپس جابر گفت: مادرت فاطمه (سلام الله علیها) آن را در اختیار من قرار داد، پس من آن را خواندم و یک نسخه برای خودم استنساخ نمودم.^(۱)

پدرم (امام باقر علیه السلام) فرمود: «ای جابر! آیا ممکن است که آن را به من نشان دهی؟». عرض کرد: آری. آنگاه پدرم با او حرکت نمود تا به خانه جابر رسیدند. جابر برای پدرم ورقی از پوست نازک بیرون آورد. پدرم فرمود: «جابر! تو از روی نوشته‌ات نگاه کن تا من متن آن را برای تو بخوانم». جابر به نوشته خود نگاه

۱ - طبق روایات دیگری که در این زمینه وارد شده، حضرت فاطمه سلام الله علیها به جابر اجازه ندادند که دست به لوح بزنند، فقط اجازه دادند که از دور به آن نگاه کنند، چنانکه در احادیث بعدی در همین بخش خواهد آمد.

کرد و پدرم برایش خواند. به خدا سوگند که حتی یک حرف نیز اختلاف نبود. آنگاه جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که آنچه در لوح دیدم این است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ، نُورِهِ وَسَفِيرِهِ وَحِجَابِهِ وَدَلِيلِهِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدَ رَبِّ الْعَالَمِينَ. عَظُّمُ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي، وَاشْكُرْ نِعْمَائِي، وَلَا تَجْحَدْ آيَاتِي، إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا...».

«به نام خدای بخشنده بخشایشگر. این نوشته‌هایی است از جانب خدای عزیز و فرزانه، به سوی پیامبر، نور، سفیر، حجاب و راهنمایش: محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) آن را روح‌الآمین از نزد پروردگار جهانیان فرو آورده است:

«ای محمد! نامهای مرا گرامی دار، نعمتهای مرا سپاس گوی، و نعمتهایم را انکار نکن. من خدائی هستم که جز من کسی شایسته پرستش نیست، پشت ستمگران را می‌شکنم و ستم‌دیدگان را به پیروزی می‌رسانم، و من کیفر دهنده روز جزایم. من خدائی هستم که جز من کسی شایسته پرستش نیست. کسی که جز به فضل و رحمت من دل ببندد و جز از عدالت من بترسد، او را آنچنان عذاب می‌کنم که احدی را از جهانیان آنچنان عذاب نکنم. پس مرا پرست و بر من توکل نما. من پیامبری نفرستادم که روزگارش سپری شود و مدتش به سرآید جز اینکه برای او جانشینی مقرر نمودم. من ترا بر همه پیامبران برتری دادم و جانشینت را بر همه اوصیاء برتری دادم و ترا با دو فرزند دل‌بندت حسن و حسین گرامی داشتم. حسن را پس از سپری شدن مدّت پدرش معدن علم خود قرار دادم. و حسین را مخزن وحی خود قرار داده مدال شهادت را به او عطا کردم و مدّت او را با سعادت پایان دادم که او سرور شهیدان است و از همه شهیدان مقامش بالاتر است. کلمه تامّه خود را با او قرار دادم و محبّت کامله‌ام را در نزد او گذاشتم. معیار پاداش و کیفر من اهل بیت اوست که نخستین آنها سرور عبادت‌کنندگان و زینت دوستان گذشته من، «علی»

(بن الحسین علیه السلام) است. و آنگاه پسرش، شبیه جدّ بزرگوارش «محمد» است که شکافنده (باقر) علوم من و معدن حکمت من می باشد. آنانکه در مورد «جعفر» دچار تردید شوند، هلاک می شوند، کسی که او را ردّ کند مرا ردّ کرده است. این سخن از من به حقیقت پیوسته که جایگاه جعفر (صادق) را بس بلند گردانم و او را به وسیله دوستان، یاران و شعبانش مسرور نمایم. پس از او «موسی» را برگزیدم که در عهد او فتنه‌ای بپا گردد^(۲) که چشم جائی را نبیند. زیرا رشته‌ای را که من فرض کرده‌ام (رشته امامت و وصایت) هرگز قطع نشود. و حجّت من پنهان نماند. و دوستان من با جامهای لبریز سیراب شوند. آگاه باشید که هرکس یکی از آنها را انکار کند، نعمت مرا انکار نموده است. و هرکس آیه‌ای از کتابم را تغییر دهد به من دروغ بسته است. وای به حال تهمت زنانی که پس از سپری شدن مدّت بنده، دوست و برگزیده‌ام موسی، در مورد یار و یاورم «علی» (ابن موسی الرضا) به انکار گرایند، که من باری به سنگینی بار نبوّت بر دوشش می‌گذارم و او را با کشیدن آن بار آزمایش می‌کنم. او را اهریمنی گردن کش می‌کشد. در شهری که بنده شایسته‌ام (ذوالقرنین) بنا کرده، در کنار بدترین مخلوقاتم به خاک سپرده می‌شود. این سخن به حقیقت پیوسته که دیدگان او را با فرزندش «محمد» (محمد تقی) روشن گردانم که جانشین و وارث علوم اوست. او معدن علوم من، و محلّ اسرار من و حجّت من بر بندگانم می باشد. هیچ بنده‌ای به او ایمان نیاورد جز اینکه بهشت را جایگاه او سازم و شفاعتش را در حقّ هفتاد تن از اهل بیتش، از آنانکه مستوجب آتش بوده‌اند، خواهم پذیرفت.

۲ - شاید منظور از این فتنه حوادث تلخ عهد موسی بن جعفر علیه السلام و شدّت تقیه در زمان او باشد. و ممکن است اشاره به حوادثی باشد که منجر به پدید آمدن واقفیه شد که آنها در امامت موسی بن جعفر علیه السلام توقّف کردند و به امامان بعد معتقد نشدند.

نیکبختی او را با فرزندش «علی» (هادی) کامل گردانم که یار و یاور منست و گواه من در میان بندگانم و امین من بروحی منست. از او «حسن» را پدید آورم که دعوت کننده به سوی من، و مخزن علوم منست. آنگاه سعادت او را به اوج رسانم با فرزندش: «محمّد» که رحمت است برای جهانیان. کمال موسی، شوکت عیسی و شکیبائی ایوب با اوست. در زمان (غیبت) او دوستان من خوار و زیون می شوند. و سرهای آنها همچون سرهای ترک و دیلم به پیش این و آن به رسم هدیه فرستاده می شود، کشته می شوند، سوزانیده می شوند و همواره در ترس و وحشت و اضطراب به سر می برند. زمین با خونشان رنگین گردد. زنانشان در سوک آنها گریان و نالان شوند. آنها دوستان حقیقی من هستند. که به وسیله آنها فتنه های تیره و تار را دفع کنم. و به وسیله آنها اضطرابها و تشویشها را برطرف سازم و گرفتاریها را رفع نمایم و بندها را فروکشایم. بر آنها باد صلوات و درود و رحمت از پروردگارشان و آنها بید هدایت یافتگان» (۳).

عبدالرحمن بن سالم می گوید: هنگامی که ابوبصیر این روایت را برای من نقل کرد، به من گفت: اگر در تمام عمر هیچ حدیثی به جز این حدیث نشنیده باشی، این حدیث ترا کفایت کند. آن را مکتوم بدار، مگر از اهلش.

در منابع یاد شده (در پاورقی) خبر لوح با سندهای معتبر از «ابو بصیر» از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری از حضرت

۳ - حدیث شریف «لوح» روایت بسیار معروفی است که در غالب کتابهای حدیثی نقل شده است، که به ۱۰ نمونه آن اشاره می کنیم:

اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۲؛ اعلام الوری، ص ۳۷۱؛ اثبات الوصیه، ص ۱۴۳؛ احتجاج طبرسی، ص ۶۷؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۱۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۹۵؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۹۳؛ غیبت نعمانی، ص ۳۰؛ کمال الدین صدوق، ص ۳۰۸ و منتخب الأثر، ص ۱۳۳.

فاطمه زهراء، صدیقه کبری سلام الله علیها روایت شده است.
متن خبر لوح با سندهای معتبر از طریق «اسحاق بن عمار» از امام صادق
علیه السلام نیز نقل شده است:

﴿۵۷﴾

«ای اسحاق! ترا مژده بدهم؟». اسحاق بن عمار گفت: آری، خداوند مرا فدای تو
سازد ای فرزند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)؟. فرمود:
- «صحیفه ای یافتیم به املائی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و خط
امیرمؤمنان (علی علیه السلام) که در آن نوشته شده: بسم الله الرحمن الرحیم، هذا
کتاب من الله العزيز الحكيم» آنگاه متن آن را عیناً همانند حدیث شماره ۵۶ بیان
فرموده است. (۴)

فشرده خبر لوح با سندهای معتبر، از طریق «ابوالجارود» از امام باقر علیه السلام
از جابر بن عبدالله انصاری به این تعبیر نقل شده است:

﴿۵۸﴾

«خدمت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شرفیاب شدم، در برابر آن
حضرت لوحی بود که اسامی اوصیاء از نسل او در آن ثبت بود، شمردم تعدادشان
دوازده تن بود که آخر آنها «قائم» (علیه السلام) بود. سه تن از آنها به نام «محمد» و
چهار تن به نام «علی» بود». (۵)

تعبیر «از نسل او» در این روایت از باب تغلیب است، به این معنی که چون یازده

۴ - اعلام الوری، ص ۳۷۳؛ کمال الدین، ص ۳۱۲؛ عیون الاخبار، ص ۲۷ و بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۰.

۵ - اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۷؛ اعلام الوری، ص ۳۷۴؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۲؛ کمال الدین

تن از آنها از نسل حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می باشد، جابر در حق همه شان این تعبیر را به کار برده است. و در حدیث «کمال الدین صدوق» این فراز وجود ندارد، و نیازی به این توجیه نیست. و منظور از سه «محمد»: امام باقر علیه السلام، امام محمد تقی علیه السلام و حضرت بقیه الله ارواحنا فدا، می باشد. و مقصود از چهار «علی»: امیرمؤمنان علی علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام هادی علیه السلام می باشد.

نظیر این حدیث با تفصیل بیشتر از طریق «جابر جعفی» از امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری، از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل شده است. (۶)

﴿۵۹﴾

«سلیم بن قیس هلالی از جناب سلمان نقل می کند که در آخرین لحظات زندگی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در محضر آن حضرت بودم که حضرت زهرا (سلام الله علیها) وارد شد، چون وضع پدر بزرگوارش را دید، سیل اشک از دیدگان مبارکش جاری شد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: ای پیامبر خدا! می ترسم که من و فرزندانم بعد از شما تباه شویم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در حالیکه قطرات اشک در اطراف چشمان مبارک حلقه زده بود فرمود:

- «ای فاطمه! مگر نمی دانی که ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را برگزیده است...».

- «دخترم! خداوند به ما هفت امتیاز داده که به احدی از اولین و آخرین نداده

→ صدوق، ص ۳۱۱؛ اعیان الشیعه، ص ۴۷ و کشف الغمّة، ج ۲، ص ۵۰۵.

۶- کمال الدین، ص ۳۱۱؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۱ و الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۱۵.

است: من بهترین و برترین پیامبرانم. جانشین من که شوهر تست، برترین اوصیاست. شهید ما برترین شهداست...».

- «سوگند به خداوندی که جانم در دست اوست، مهدی این امت از ماست، که زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد...» (۷)

این حدیث با تفصیل بیشتری از طریق اهل سنت نیز به نقل از جناب سلمان نقل شده است. که در ضمن آن می فرماید:

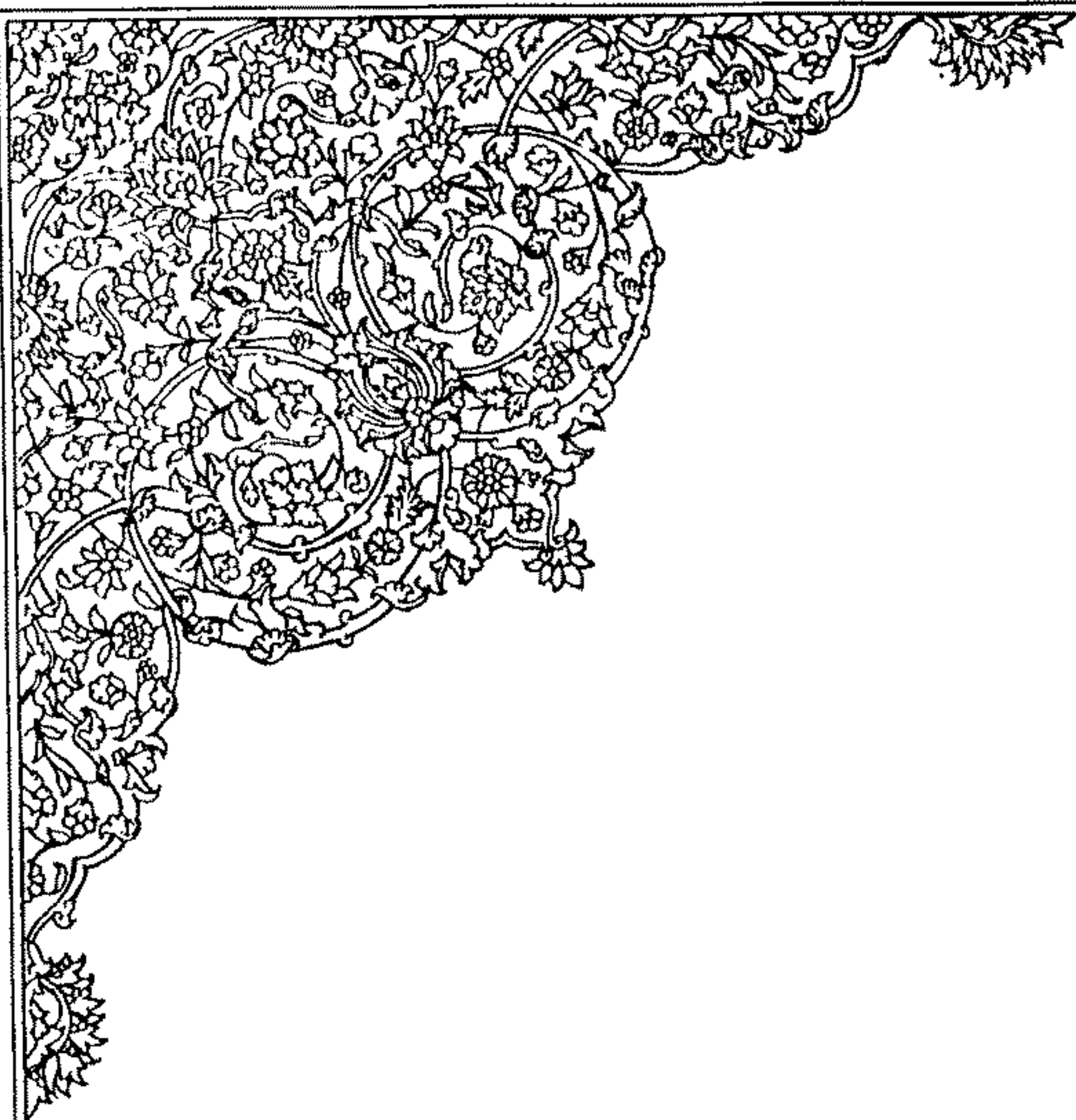
﴿ ۶۰ ﴾

«يَا فَاطِمَةُ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَمَرْجًا وَتَظَاهَرَتِ الْفِتَنُ وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَلَا صَغِيرَ يُوقِّرُ كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَهُ الضَّلَالَةِ وَقُلُوبًا غُلْفًا يَقُومُ بِالْدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا».

«ای فاطمه! سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، مهدی این امت از این دو (حسن و حسین) می باشد. چون دنیا پر از هرج و مرج شد، فتنه ها همه جا را گرفت، راهها نا امن شد، گروهی بر گروهی شبیخون زدند. بزرگان بر زبردستان ترحم نکردند، کوچکها احترام بزرگان را رعایت نکردند، خداوند در چنین زمان کسی را می فرستد که قلعه های ضلالت را فتح می کند و دلهای بسته را می گشاید و دین را در آخر الزمان به پا می دارد، چنانکه من در اول زمان به پا داشتم. زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ستم شده باشد.» (۸)

۷ - کتاب سلیم بن قیس، ص ۶۹ - ۷۱.

۸ - ذخائرالعقبی، ص ۱۳۶ و اربعین ابونعیم، حدیث پنجم.



بخش ششم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام حسن مجتبی علیه السلام

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَسَمِعَ كَلَامَهُ».

(خوشا به سعادت کسی که روزگار او را

درک کند و اوامر او را گوش فرا دهد).

(امام حسن مجتبی علیه السلام)*

«روزگار پر آشوب عهد امام حسن مجتبی علیه السلام موجب شد که شیعیان نتوانند احادیث فراوانی از آن حضرت بشنوند و برای نسلهای بعدی روایت کنند، از این رهگذر روایات مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از آن حضرت کمتر روایت شده است که آنچه به دست ما رسیده در اینجا می آوریم:

﴿ ۶۱ ﴾

«بعد از امضای قرارداد صلح با معاویه برخی از شیعیان ناآگاه به خدمت امام حسن مجتبی علیه السلام رسیده، او را برای پذیرش صلح سرزنش کردند. امام حسن علیه السلام فرمود:

شما نمی دانید که من برای شما چه کرده ام؟! به خدا سوگند آنچه من انجام داده ام برای شما از تمام این جهان سودمندتر است. مگر نمی دانید که من امام شما

هستم؟! اطاعت من بر همه شما واجب است، و به صریح فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از دو سروران جوانان بهشتی هستم؟! مگر نمی دانید که هنگامی که حضرت خضر علیه السلام کشتی را سوراخ کرد و جوانی را کشت و دیوار را تجدید بنا کرد حضرت موسی خشمگین شد، زیرا سبب و حکمت آنها را نمی دانست، ولی کارهای حضرت خضر در نزد خدا صحیح و بی اشکال بود؟ مگر نمی دانید که هر یک از ما برگردنش بیعت طاغوت زمانش خواهد بود به جز قائم ما که حضرت عیسی در پشت سر او نماز می خواند و خدای تبارک و تعالی ولادتش را مخفی نگه می دارد و خودش را در پشت پرده غیبت نهان می سازد تا به هنگام ظهور، بیعت احدی در گردن او نباشد. (۱)

﴿۶۲﴾

«التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ، يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابٍّ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً، ذَلِكَ لِئَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

«نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام فرزند سرور کنیزانست، خداوند در زمان غیبت عمرش را بسیار طولانی می کند و آنگاه او را به صورت جوانی کمتر از چهل ساله ظاهر می سازد. تا دانسته شود که خداوند به هر چیزی قادر است.» (۲)

﴿۶۳﴾

«لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَيَتَّقُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَيَشْهَدَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْكَفْرِ وَيَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا.»

۱ - اعلام الوری، ص ۴۰۱.

۲ - يوم الخلاص، ص ۱۷۰.

«این امر که فرا رسیدن موعد آن را انتظار می کشید واقع نمی شود مگر بعد از آنکه برخی از شما از برخی دیگر بیزاری بجوید، و برخی در صورت برخی آب دهان بیندازد و بعضی از شما بعضی دیگر را کافر بداند و یکدیگر را لعن کنند».

عمیر می گوید: عرض کردم: چنین زمانی چه ارزشی دارد؟ امام علیه السلام فرمود:

«الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، يَقُومُ قَائِمُنَا وَيَدْفَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ».

«همه خیرها در آن زمانست، زیرا قائم ما قیام می کند و همه این حوادث را از بین می برد».^(۳)

ما این حدیث را به پیروی از صاحب «بشارة الاسلام» از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل کردیم ولی صاحب «عقد الدرر» آن را از امام حسین علیه السلام نقل کرده است.^(۴) و پژوهشگر معاصر آقای علی اکبر غفاری در پاورقیهای سودمند خود بر کتاب پراج «غیبت نعمانی» یادآور شده که این حدیث در برخی نسخه ها از امام حسن علیه السلام و در برخی دیگر از امام حسین علیه السلام نقل شده است.^(۵)

﴿۶۴﴾

«تَضَطِّلُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا، وَتُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا، وَتُظْهِرُ لَهُ الْكُنُوزُ، يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ، فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ آيَاتَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ».

«در زمان او درندگان با یکدیگر سازش می کنند، زمین گیاهش را خارج می کند،

۳ - بشارة الاسلام، ص ۸۱.

۴ - عقد الدرر، ص ۶۴.

۵ - غیبت نعمانی، پاورقی، ص ۲۰۵.

آسمان برکاتش را فرو می‌فرستد، گنجهای نهفته در دل زمین برای او ظاهر می‌شود. بین شرق و غرب عالم تحت سیطره او در می‌آید: خوشا به سعادت کسی که زمان او را درک کند و به او امر او گوش فرا دهد». (۶)

﴿۶۵﴾

«لَمْ يَضِعُ الرَّجُلُ فِي الْكُوفَةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ دَارٍ فِي الْمَدِينَةِ».

«جای یک پا نهادن در کوفه برای من از یک خانه در مدینه محبوب‌تر است». (۷)

در روایات فراوانی از ارزش والای زمین در کوفه در عهد حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) گفتگو شده است، و آن بسیار طبیعی است، زیرا کوفه پایتخت حکومتی خواهد بود که بر زمین و زمان فرمانروائی خواهد نمود.

﴿۶۶﴾

«أَسْعَدُ النَّاسِ بِهَ أَهْلُ الْكُوفَةِ».

«خوشبخت‌ترین مردم در زمان ظهور، مردم کوفه هستند». (۸)

چه سعادت بی‌الاتر از اینکه انسان در شهر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) زندگی کند و هر روز در پشت سر او اقتدا کرده فرائض دینی را انجام دهد و پرسشهای خود را بی‌واسطه از قبله مقصود و کعبه موعود بپرسد و هر روز دیدگانش با دیدار آن آفتاب عالمتاب نورانی شود و معارف الهی را از سرچشمه زلال علوم آل محمد فراگیرد.

۶ - یوم الخلاص، ص ۳۷۴.

۷ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۸ - یوم الخلاص، ص ۳۷۵.

﴿۶۷﴾

«امام جواد علیه السلام روایت می کنند که روزی حضرت علی علیه السلام در حالیکه به دست سلمان تکیه داده بودند وارد مسجد الحرام شدند و امام حسن مجتبی در محضر آن حضرت بود، در آن هنگام مردی نیکو صورت که جامه های زیبا بر تن داشت وارد شد و به خدمت امیرمؤمنان علیه السلام عرض ادب و تقدیم سلام نمود، سپس گفت: من از محضر شما سه پرسش می کنم، اگر آنها را پاسخ فرمائید می فهمیم که این مردم به شما ستم کردند و حق شما را به ناحق غصب کردند، امیرمؤمنان فرمود: آنچه می خواهی بپرس.

چون آن مرد سؤالاتش را پرسید، امام علیه السلام به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی رو کرد و فرمود: ای ابو محمد سؤالات این مرد را پاسخ بگو.

چون امام حسن مجتبی علیه السلام هر سه پرسش را پاسخ گفت، آن مرد به وحدانیت خدا و رسالت رسول اکرم گواهی داد و سپس به امامت امیرمؤمنان و امام حسن مجتبی و امام حسین سید الشهدا (علیهم السلام) گواهی داد و آنگاه امامها را یکی پس از دیگری شمرد و به امامت هر یکی شهادت داد تا به امام حسن عسکری علیه السلام رسید و آنگاه گفت:

«وَأَشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ لَا يُكْنَى وَلَا يُسَمَّى حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُهُ، فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا».

«وگواهی می دهم به امامت فرزند امام حسن - عسکری - که نام و کنیه اش گفته نمی شود تا روزیکه ظاهر شود و جهان را پر از عدالت کند، آنچنانکه پر از ستم شده است».

امیرمؤمنان خطاب به امام حسن فرمود: ای ابو محمد برخیز و این مرد را تعقیب

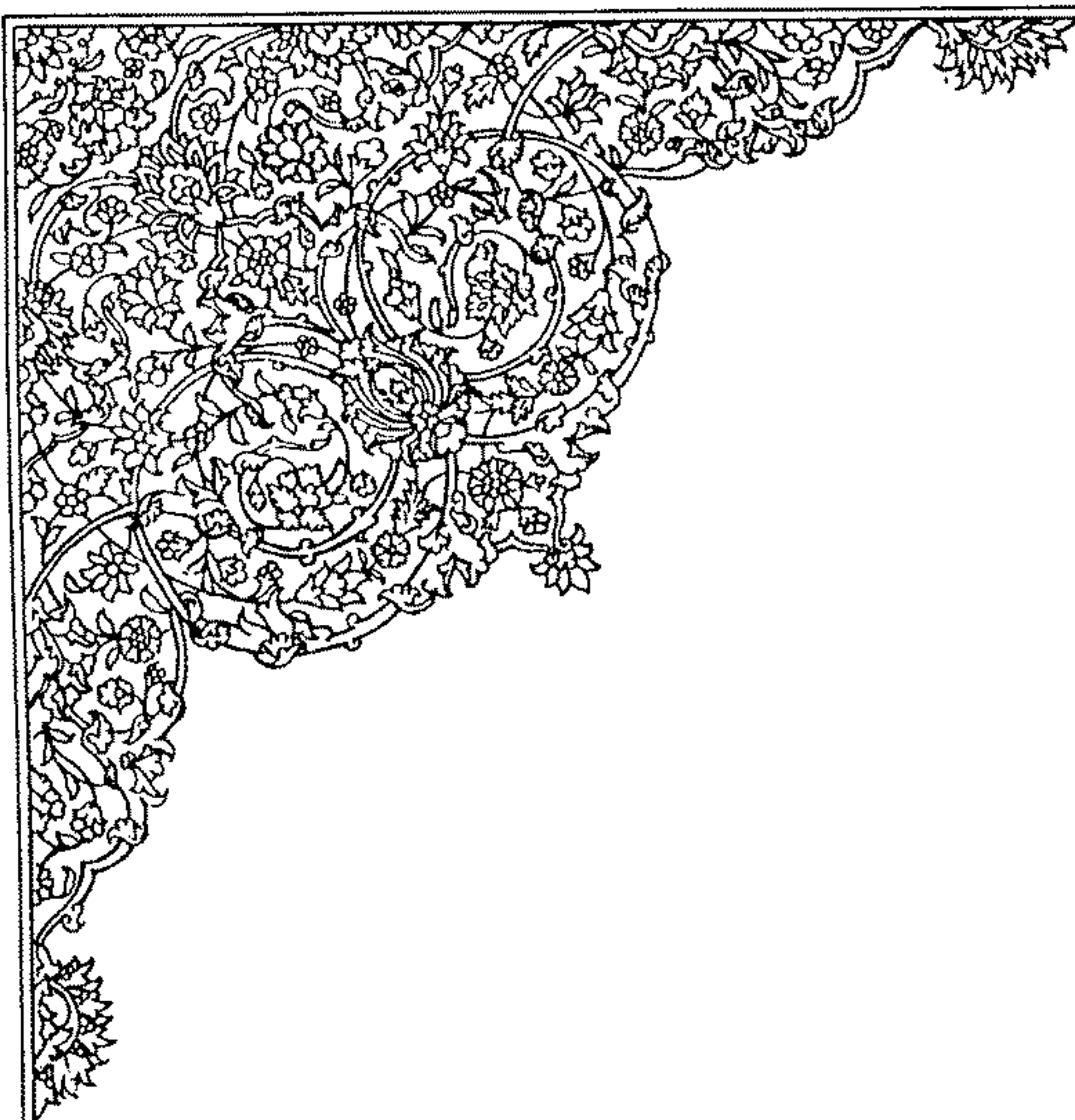
کن. امام حسن مجتبی علیه السلام بلند شد و به دنبال آن مرد حرکت کرد، لحظاتی بعد برگشت و عرض کرد: این مرد تا از مسجد خارج شد اصلاً متوجه نشدم که کجا پای نهاد و به کجا رفت!!

امیرمؤمنان فرمود: آیا این مرد را شناختی؟ امام حسن عرض کرد: خدا و پیامبر و امیرمؤمنان داناترند. امیرمؤمنان فرمود: او حضرت خضر بود». (۹)

طبق روایات فراوانی حضرت خضر زنده است و در فرصتهای مناسب در مجلس امامان معصوم علیهم السلام حضور می یابد و اینک در خدمت حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین له الفدا می باشد و جزء ۳۰ نفریست که همواره در ملازمت آن حضرت هستند و خداوند به وسیله آنها رفع غربت از وجود مقدس حضرت صاحب الزمان در زمان غیبت می نماید. (۱۰)

۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۱.

۱۰- غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۲.



بخش هفتم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام حسین علیه السلام

«أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى
وَالْتَكْذِيبِ، بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ
يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

«کسی که در زمان غیبت به آزار و انکار
دشمنان صبر کند همانند کسی است که در
محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله جهاد
کند».

(امام حسین علیه السلام)*

از روزی که انسان برفراز کره خاکی پای نهاد مبارزه حق و باطل آغاز گردید و
قابیلیان در برابر هابیلیان صف آرائی نمودند و نبردهای سختی به وجود آوردند که
در این میان داستان کربلا از برجستگیهای خاصی برخوردار است. قهرمان کربلا به
دلیل ویژگیهای حوادث کربلا لقب سیدالشهدا یافت و تا ظهور فرزند رشیدش
حضرت بقیة الله روحی فداه به عنوان بزرگترین مظلوم تاریخ یاد می شود تا آن
دست انتقام الهی ظهور کرده خون جد بزرگوارش سالار شهیدان اباعبدالله الحسین
علیه السلام را از یزیدیان بگیرد.

از این رو ظهور حضرت ولی عصر روحی فداه با حوادث کربلا رابطه خاصی پیدا
کرده، که از آن جمله است:

۱ - در تمام ایام مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است، چون شب نیمه شعبان و شب قدر.
۲- آغاز قیام جهانی حضرت ولی عصر عجل الله فرجه طبق روایات فراوانی در روز عاشورا خواهد بود.

۳- در بیشتر احادیثی که از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله در پیرامون آن مصلح جهانی وارد شده به وسیله امام حسین و به عناوینی چون: «از تبار پسر حسین»، «از نسل این پسر» و «نهمین فرزند پسر حسین» معرفی شده است.
۴- سفر تاریخی امام حسین علیه السلام که از مکه معظمه به قصد کوفه آغاز شد و به مقصد نرسید توسط فرزند رشیدش تکمیل می شود و پایتخت حکومت جهانی آن حضرت، شهر کوفه خواهد بود.

۵- وجود مقدس ولی الله الأعظم طبق روایات همواره به یاد جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام هر صبح و شام اشک می ریزد.

وجود مقدس اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز همواره به یاد حضرت بقیه الله روحی فداه بودند و همواره از او یاد می کردند و به یاد این فرزند عزیزش که خون او و خون همه مظلومین در راستای تاریخ را از یزیدیان خواهد گرفت، سخن می گفتند. از این رهگذر علی رغم خفقان شدیدی که در عهد امام حسین علیه السلام بر جامعه اسلامی حکومت می کرد احادیث فراوانی از امام حسین علیه السلام در پیرامون نهضت جهانی آن حضرت به ما رسیده است که به نمونه هایی از آن در اینجا اشاره می کنیم:

﴿۶۸﴾

«از محضر امام حسین علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت مهدی متولد شده است؟ فرمود:

«لَا، وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي».

«نه هنوز متولد نشده است، من اگر زمان او را درک کنم، همه عمر به خدمت او کمر می بندم».^(۱)

عین همین عبارت از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است.^(۲)

هنگامی که معصوم علیه السلام در حق آن ولی الله اعظم چنین تعبیری را به زبان آورد، مقام رفیع یاران آن حضرت روشن می شود. خدا را به عظمت حضرتش قسم می دهیم که ما را از بهترین یاران آن حضرت در دولت حقّه اش قرار دهد، انشاء الله.

﴿ ۶۹ ﴾

«از پیشگاه امام حسین علیه السلام سؤال کردند: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

«لَا، وَلَكِنْ صَاحِبُ الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتُوْرُ بِأَبِيهِ، أَلْمَكْنَى بِعَمِّهِ، يَضَعُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ».

«نه من نیستم، بلکه صاحب این امر کسی است که از میان مردم کناره گیری می کند و به سرزمینهای دور دست می رود و خون پدرش بر زمین می ماند و از عمویش پنهان می شود، آنگاه شمشیر برمی دارد و هشت ماه تمام شمشیر بر زمین نگذارد».^(۳)

امروز یکهزار و یکصد و پنجاه سال تمامست که آن مهر تابان از میان جامعه اسلامی کناره گیری کرده و در سرزمینهای دور دست سکنی گزیده است و عاشقان

۱ - عقد الدرر، ص ۱۶۰.

۲ - به حدیث شماره ۱۴۸ از همین کتاب مراجعه فرمائید.

۳ - کمال الدین، ص ۳۱۸.

کویش با دیدگانی اشکبار در انتظار مقدمش ثانیه شماری می‌کنند.
خون به ناحق ریخته شده پدران بزرگوارش هنوز هم بر زمین مانده و نگران آن
دست انتقام الهی است.

بسیار تأثرآور و اعجاب‌انگیز است که خاندان امامت ناچار بودند ولادت با
سعادت آن مهربان را از عمویش پوشیده نگهدارند.^(۴) ولذا به هنگام شهادت امام
حسن عسکری برادرش جعفر نمی‌دانست که برادرش فرزندی دارد تا هنگامی که
برای نماز ایستاد آن مهربان با گامهائی استوار نزدیک آمد و دست ردّ بر سینه
نامحرم زد و فرمود: عمو جان! من برای نماز پدرم از تو شایسته‌ترم.

ما در این حدیث تعبیر «المکّنی بعمّه» را «پنهان شده از عمو» معنی کردیم ولی
معنای ساده آن چنین است «کنیه او به نام عمویش خواهد بود» یعنی چون عمویش
«جعفر» است پس کنیه او «ابوجعفر» خواهد بود.

کنیه معروف حضرت ولی عصر «ابوالقاسم» است ولی کنیه دیگر آن حضرت
«ابو جعفر» است، چنانکه حدیث شماره ۹۸ کتاب نیز آن را تأیید می‌کند.

﴿۷۰﴾

«شعیب بن ابی حمزه می‌گوید: به خدمت امام حسین علیه‌السلام شرفیاب شدم و
پرسیدم:

- آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

- نه. پرسیدم:

- آیا پسر شما صاحب این امر است؟ فرمود:

- نه. گفتم:

- آیا پسر پسر شما صاحب این امر است؟ فرمود:

- نه. گفتم:

پس چه کسی صاحب این امر است؟ فرمود:

«الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا، كَمَا مِلْتُ جَوْرًا، عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الْأُيُمَّةِ يَأْتِي كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ بُعِثَ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ».

«صاحب این امر کسی است که روی زمین را پر از عدالت خواهد کرد آنچنانکه بر از ستم شده است، او به هنگام فترت امامان خواهد آمد، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زمان فترت پیامبران برانگیخته شد.» (۵)

﴿۷۱﴾

«دوازده مهدی از ما هست که نخستین آنها علی بن ابی طالب و آخرین آنها نهمین فرزند منست که او امام قائم به حق است، خداوند زمین مرده را به وسیله او زنده می کند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می گرداند.»

«لَهُ غَيْبَةٌ يَزْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ، فَيُؤْذَوْنَ وَيُقَالُ لَهُمْ: مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْإِذْيِ وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

«برای او غیبتی است که گروههایی در آن از دین برمی گردند و گروههایی دیگر بر آئین خود استوار می مانند و در این راه آزارها می بینند، به آنها گفته می شود: «این وعده کی واقع خواهد شد اگر راستگویانید»، آنانکه بر این آزارها و تکذیبها صبر

کنند همانند کسی هستند که شمشیر به دست گرفته در پیشاپیش رسول اکرم صلی الله علیه وآله جهاد کند». (۶)

﴿۷۲﴾

«لصاحبِ هذا الأمرِ - یعنی المهدی علیه السلام - غَیَّتَانِ، إِخْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ: مَاتَ، وَبَعْضُهُمْ: قُتِلَ، وَبَعْضُهُمْ: ذَهَبَ، وَلَا يَطْلُعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ».

«برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آنها به درازا می کشد که گروهی می گویند: مرده، برخی گویند: کشته شده، بعض گویند: رفته است. احدی از دوستان از اقامتگاه او آگاه نمی شود جز خدمتگزاری که متصدی امور اوست». (۷)

﴿۷۳﴾

«فِي التَّاسِعِ مِنْ وَلَدِي سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ، وَسُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَهُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُضْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ».

«نهمین فرزند من نشانی از حضرت یوسف و نشانی از حضرت موسی بن عمران دارد، او قائم ما اهل بیت است که خداوند امر ظهورش را در یکشب فراهم می کند». (۸)

دیدگان نگران حضرت یعقوب سرانجام با دیدار جمال یوسف روشن گردید و فروغ از دست رفته اش به او بازگشت و انشاءالله بسیار نزدیک است که دیدگان

۶ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۷ - عقد الدرر، ص ۱۳۴.

۸ - المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۳۳۸.

اشکبار منتظران با دیدار جمال یوسف گمگشته روشن شود و فروغ از دست رفته مشتاقان با درک دولت حقّه آن حضرت به آنها بازگردد و پیشوای موعود با عصای موسی باز آید و دمار از روزگار فرعونیان در آورد و به ضعف کشیده شدگان را عزّت بخشد و آنان را از زیر یوغ پیروان فرعون رها سازد.

﴿۷۴﴾

«إِنَّ لِلَّهِ مَادَّةً بِقَرْيَسِيَا، يَطْلُعُ مُطْلِعُ مِنَ السَّمَاءِ، فَيُنَادِي: يَا طَيْرَ السَّمَاءِ وَيَا سِبَاعَ الْأَرْضِ اهْلُمُوا إِلَى الشَّيْبَعِ مِنْ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ».

«خدای تبارک و تعالی یک سفره گسترده و مهمانی عمومی در «قریسیا» دارد که منادی آسمانی بانگ بر می آورد: ای پرندگان آسمان! و ای درندگان بیابان! بیایید تا با گوشت ستمگران شکمی از عزا درآورید».^(۹)

آری ستمکارانی که چون زالو، خون بیچارگان را می مکند و حقوق بینوایان را لگد مال می کنند و ملتهای محروم را در صف مرگ به انتظار مرگ می نشانند.^(۱۰) یکی چنین روزی دارند که پرندگان و درندگان بر فراز جسد های آنها شکمی از عزا درآورند و انتقام بینوایان را از آنها بگیرند.

در حکومت حقّه حضرت بقیّة الله روحی فداه حقّ مظلوم از ظالم گرفته می شود، گنجهای نهفته در زمین ظاهر می شود، آسمان برکاتش را نازل می کند، تمام نقاط روی زمین زیر کشت می رود دیگر گرسنه ای در روی زمین باقی نمی ماند و احدی زکات و صدقه از کسی نمی پذیرد، چون همگان از فضل پروردگار بی نیاز

۹ - عقدالذرر، ص ۸۷.

۱۰ - اکنون که این سطور را می نویسم هر لحظه خبر تأثر انگیز تازه ای از گرسنگان «اتیوپی» به گوش می رسد و وجدان جهانی آزردہ نمی شود!

می‌شوند، چنانکه امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید:

﴿۷۵﴾

«انفاق و احسان کنید، سوگند به خدائی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، روزی فرا خواهد رسید که دیگر برای انفاق یک درهم و یا یک دینار محلی پیدا نشود». (۱۱)

در روایات آمده است که احدی زکات نمی‌پذیرد و مردم زکاتها را در طبقی در کنار خیابانها می‌گذارند که هر کس مایل باشد از آن بردارد.

﴿۷۶﴾

«قَائِمُ هَذِهِ الْأَمَّةِ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي صَاحِبُ الْأَمْرِ، وَهُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَهُوَ حَيٌّ». «قائم این امت نهمین فرزند منست که او صاحب این امر است و میراثش تقسیم می‌شود در حالیکه او زنده است». (۱۲)

بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه‌السلام برادرش جعفر با دستیاری خلیفه عباسی اموال آن حضرت را تقسیم کرد و برای وارث حقیقی حصه‌ای تعیین نکرد.

﴿۷۷﴾

«لِلْمَهْدِيِّ خَمْسُ عَلَامَاتٍ: السُّفْيَانِيُّ، وَالْيَمَانِيُّ، وَالصَّيْحَةُ مِنَ السَّمَاءِ، وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ».

«برای مهدی ما پنج علامت است:

۱۱ - عقد الدرر، ص ۱۷۱.

۱۲ - اعلام الوری، ص ۴۰۱.

۱ - خروج سفیانی

۲ - خروج یمانی

۳ - بانگ آسمانی

۴ - خسف سرزمین پیدا

۵ - قتل نفس زکیّه. (۱۳)

﴿۷۸﴾

«حارث بن مغیره می گوید: به خدمت امام حسین علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: حضرت مهدی را با چه نشانه هائی بشناسیم؟ فرمود: «بِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ، وَلَا يَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ». «با شناخت احکام و معارف و نیاز همگان به او، و بی نیازی او از همه». (۱۴)

﴿۷۹﴾

«یحیی بن یعمر می گوید: در خدمت امام حسین علیه السلام بودم که عربی وارد شد و پرسش هائی کرد و امام علیه السلام پاسخ فرمود، تا به این پرسش رسید: ای فرزند پیامبر! به من بگو که تعداد امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله چند نفرند؟ فرمود: دوازده نفر هستند به تعداد نقبای بنی اسرائیل. گفت: آنها را برای من نام ببر. امام حسین علیه السلام سرش را پائین انداخت و بعد از لحظه ای فرمود: - ای برادر عرب امام و جانشین بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله امیر مؤمنان علی بن ابی طالب است، سپس برادرم حسن، آنگاه من، و ۹ تن از فرزندان من: پسر

۱۳ - عقد الذرر، ص ۱۱۱.

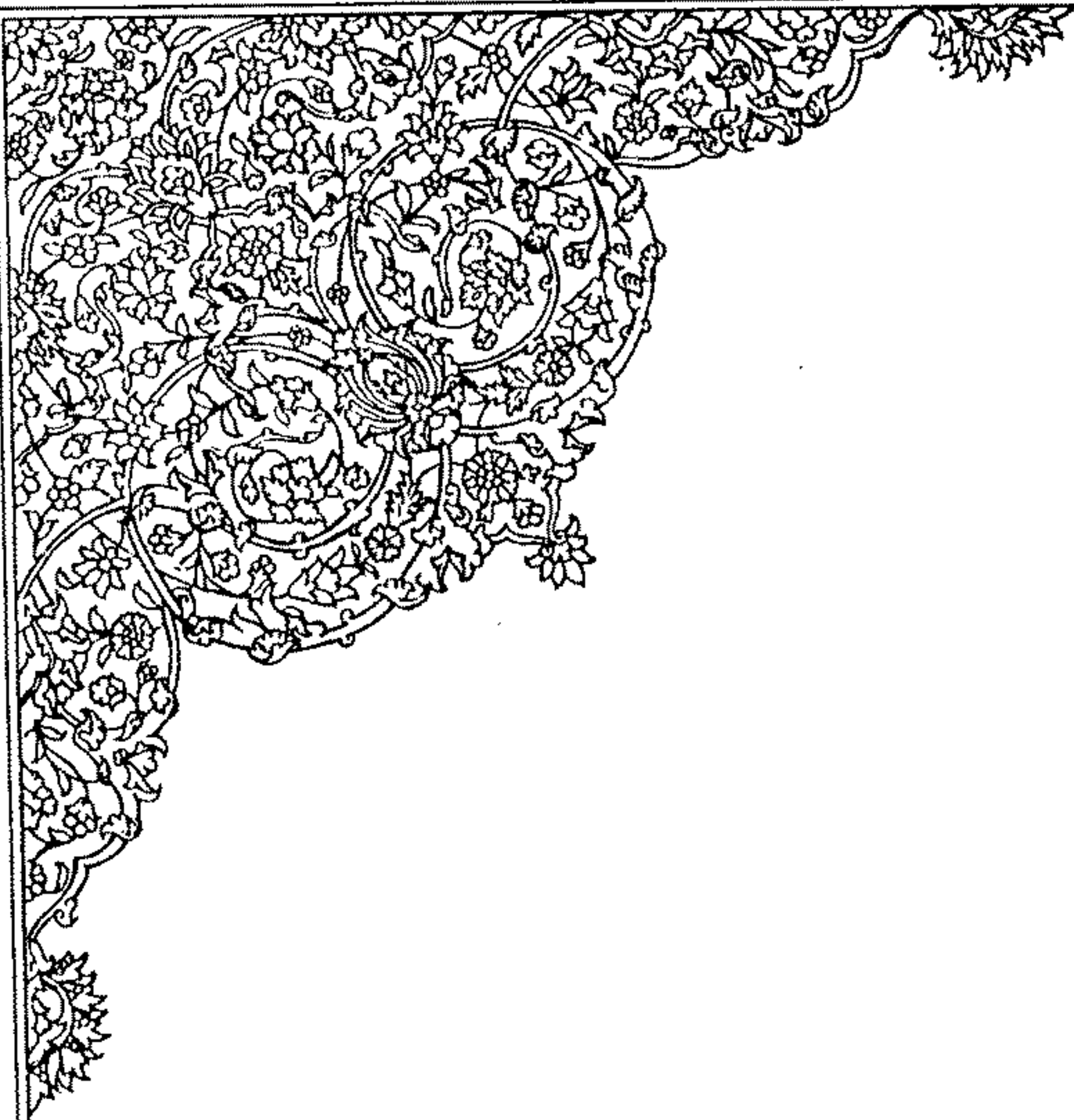
۱۴ - منتخب الأثر، ص ۳۰۹.

علی، پسرش محمد، پسرش جعفر، پسرش موسی، پسرش علی، پسرش محمد،
پسرش علی، پسرش حسن و بعد از او حضرت مهدی که نهمین فرزند منست؟ در
آخر الزمان دین را بپا می دارد».

آنگاه مرد عرب برخاست و این ابیات را زمزمه می کرد:

مَسَّحَ النَّبِيُّ جَبِينَهُ فَلَهُ بَرِيقٌ فِي الْخُدُودِ
أَبْصَاهُ مِنْ أَعْلَى قُرَيْشٍ وَجَدَّهُ خَيْرُ الْجُدُودِ

پیامبر رحمت پیشانی اش را نوازش داده، نور پیامبر از گونه هایش می درخشد.
پدر و مادرش از قله رفیع قریش هستند و جد بزرگوارش شریفترین نیای انسانی
است. (۱۵)



بخش هشتم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام زین العابدین علیه السلام

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مَوَالِئِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا،
 أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ».
 «هر کس در زمان غیبت قائم ما در محبت و
 ولایت ما ثابت قدم بماند خداوند به او
 پاداش هزار شهید از شهدای بدر عنایت
 فرماید». (امام زین العابدین علیه السلام)*

عصر امام زین العابدین علیه السلام شاید بدترین روزگار در تاریخ اسلام باشد،
 خفقان و اختناق نفسها را در سینه‌ها حبس کرده بود، کسی جرئت نمی‌کرد به امام
 سجّاد علیه السلام نزدیک شود، فقط یکبار شرائط مساعد شد که امام سجّاد
 علیه السلام برای مردم موعظه کند و آن سخنرانی معروف آن حضرت در مسجد
 اموی بود، که امام علیه السلام با دستهای بسته و زیر غُلّ جامعه^(۱) در حضور یزید
 و دیگر دیپلماتهای پایتخت اموی آن را ایراد فرمود، که در آن خطبه، پرده‌ها را کنار
 زد و تلاشهای چهل ساله بنی‌امیه را خنثی نمود و حقانیت اهل بیت را در نفوذ
 ناپذیرترین پایگاه دشمن برای جهانیان به نمایش گذاشت.

بعد از آن سخنرانی، دیگر چنین فرصتی برای آن حضرت پیش نیامد ولی
 معارف عالیّه اسلام را در ضمن دعاها و نیایشها بیان فرمود که قسمتی از آنها در

* اعلام الوری، ص ۴۰۲.

۱ - زنجیری که دستها را به گردن می‌بندد.

کتاب پرارج «صحیفه سجّادیه» گرد آمده است. (۲)

روی این بیان، طبیعی است که احادیث بسیار محدودی از آن حضرت به دست ما خواهد رسید، و احادیث مربوط به حضرت بقیه الله روحی فداه نیز در میان آنها اندک خواهد بود که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم:

﴿۸۰﴾

«ابو خالد کابلی می‌گوید: به خدمت امام زین العابدین علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند پیامبر! به من خبر ده از کسانی که خداوند اطاعت آنها را بر من واجب کرده و محبت آنها را بر من فرض نموده، و بر همگان واجب است که بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آنها پیروی کنند؟ فرمود:

«ای کنگرا! «اولی الامر» که خدای تبارک و تعالی آنها را بر مردم، امام واجب‌الاطاعه قرار داده، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، سپس امام حسن، آنگاه امام حسین است و بعد از او امر به ما منتهی شده است».

ابو خالد می‌گوید: امام علیه السلام دیگر ساکت شد و من پرسیدم: ای سرور من، از امیرمؤمنان به ما روایت شده که خداوند هرگز زمین را خالی از حجت نمی‌گذارد، بعد از شما امام و حجت کیست؟ فرمود:

«بعد از من پسر محمد، که نامش در تورات «باقر» است زیرا علم را می‌شکافد

۲ - علاوه بر صحیفه معروف امام سجّاد علیه السلام، چهار صحیفه دیگر به ترتیب زیر در دست داریم که هر کدام قسمتی از دعاها و آن حضرت را دربر دارند:

- ۱ - صحیفه ثانیه، گردآوری شیخ حرّ عاملی، صاحب وسائل الشیعه.
- ۲ - صحیفه ثالثه، گردآوری میرزا عبدالله افندی، صاحب ریاض العلماء.
- ۳ - صحیفه رابعه، گردآوری میرزای نوری، صاحب مستدرک.
- ۴ - صحیفه خامسه، گردآوری سید محسن امین، صاحب اعیان الشیعه.

چه شکافتنی، بعد از او پسرش جعفر، که نامش در آسمانها «صادق» است. ابوخالد می گوید: عرض کردم: چگونه است که او را «صادق» می گویند، در حالیکه همه شما صادق (راستگو) هستید؟! فرمود:

«پدرم از پدرش، از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرد که هرگاه پسر من جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب متولد شود او را «صادق» بنامید، زیرا پنجمین پسرش نیز نامش جعفر خواهد بود و به دروغ ادعای امامت خواهد کرد و نام او در پیش خدای تبارک و تعالی «جعفر کذاب» است که ادعای دروغ می کند، با پدرش مخالفت می کند و بر برادرش حسد می ورزد. و به هنگام غیبت او تلاش فراوان می کند که او را لو دهد».

آنگاه امام سجّاد علیه السلام به شدّت گریست و فرمود:

«كَأَنِّي بِجَعْفَرِ الْكَذَّابِ وَقَدْ حَمَلَ طَاغِيَةَ زَمَانِهِ عَلَى تَفْتِيشِ أَمْرِ وَلِيِّ اللَّهِ، وَالْمُغَيِّبِ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَالتَّوَكُّلِ بِحَرَمِ أَبِيهِ، جَهْلًا مِنْهُ بِوِلَايَتِهِ، وَحِرْصًا مِنْهُ عَلَى قَتْلِهِ إِنْ ظَفَرَ بِهِ وَطَمَعًا فِي مِيرَاثِهِ حَتَّى يَأْخُذَهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ».

«گوئی جعفر کذاب را با چشم خود می بینم که طاغوت زمانش را وادار می کند که اقامتگاه ولی الله اعظم را تفتیش کند و به حرم پدرش سپاه بریزد، در حالیکه آن امام غائب از نظر در حفظ و حراست خداست».

«اینهمه تلاش جعفر برای این است که او از داستان تولّد اطلاعی ندارد و بسیار حریص است که اگر او را بیابد به قتل برساند و چشم طمع به میراث او دوخته است که به ناحق آن را بخورد» (۳).

﴿۸۱﴾

«یکی از آقا زادگان امام زین العابدین علیه السلام می گوید: هر وقت پدرم می خواست در مورد برادرم «محمد» سخنی بگوید از او «باقر» تعبیر می کرد، یک روز پرسیدم: پدر جان! چگونه است که برادرم را «باقر» تعبیر می فرمائید؟ پدرم تبسمی کرد و به سجده رفت و سجده اش را طول داد، شنیدم که در سجده عرض می کند: «بار خدایا! ترا سپاس می گویم چه نعمتهائی بر ما اهل بیت ارزانی فرموده ای». این را چندین بار تکرار کرد و سر از سجده برداشت و فرمود:

«يَا بُنَيَّ إِنَّ الْإِمَامَةَ فِي وَدِّهِ إِلَى أَنْ يَقُومَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا».

«پسر جان! امامت در نسل اوست تا روزیکه قائم ما که درود خدا بر او باد ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد فرماید».

سپس فرمود: او پدر امامان، معدن حلم و بردباری و شکافنده علوم است. به خدا سوگند او از همه به پیامبر شبیه تر است. پرسیدم: امام بعد از او چند نفر است؟ فرمود: هفت نفر است که یکی از آنها مهدی آخر الزمان است که دین را در آخر زمان بپا می دارد». (۴)

﴿۸۲﴾

«يَا أَبَا خَالِدٍ لَتَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَيَنَابِيعُ الْعِلْمِ، يُنَجِّيهُمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ كَأَنِّي بِصَاحِبِكُمْ قَدْ

عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بِظَهْرِ كُوفَانٍ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَبِضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا، جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَاسْرَافِيلُ أَمَامَهُ، مَعَهُ زَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ نَشَرَهَا لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَكَهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

امام زین العابدین علیه السلام خطاب به ابو خالد کابلی فرمود:

«ای ابا خالد! برای شما فتنه‌هایی چون قطعات شب یلدا پیش خواهد آمد، از این فتنه‌ها نجات نمی‌یابد جز کسی که خداوند از او پیمان گرفته باشد، که آنها مشعلهای هدایت و سرچشمه‌های دانش و فضیلت هستند. خداوند به وسیله آنها از هر فتنه ظلمانی نجات می‌دهد. گوئی صاحب شما را می‌بینم که در پشت کوفه با ۳۱۳ نفر در سرزمین نجف حرکت می‌کند، جبرئیل در طرف راست او، میکائیل در طرف چپ او و اسرافیل در پیشاپیش او حرکت می‌کنند. پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله با او هست، چون این پرچم به اهتزاز درآید به سوی هر قومی حرکت کنند خدای تبارک و تعالی آن قوم را هلاک می‌کند».(۵)

﴿۸۳﴾

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مَوَالِينَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَائِ بَدْرٍ».

«کسیکه در زمان غیبت قائم ما (عجل الله فرجه) بر موالیات ما ثابت بماند خداوند به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر عطا می‌فرماید».(۶)

در روایات فراوانی از سختیهای دوران غیبت گفتگو شده و در برخی از آنها آمده است: «در زمان غیبت قائم ما، کسیکه برایمان خود ثابت و استوار بماند همانند کسی است که بخواهد خارهای درخت خاردار را با دست خود پاک کند». هنگامی

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

۶ - اعلام الوری، ص ۴۰۲.

که استوار ماندن در آن عصر این قدر سخت و دشوار باشد طبعاً پاداش بسیار والائی خواهد داشت که حدیث فوق عظمت فوق العاده آن را بیان می‌کند.

﴿۸۴﴾

«فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طَوَّلَ الْعُمُرَ».

«در قائم ما نشانی از حضرت نوح است و آن طول عمر است».^(۷)

عمر طولانی حضرت نوح علیه السلام از مسلمات تاریخ است پیروان همه ادیان آسمانی بر آن ایمان راسخ دارند، از این رهگذر در دهها حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام پیش از تولد آن مهر تابان تأکید شده که آن حضرت از نظر طول عمر یادآور عمر طولانی حضرت نوح است.

در قرآن کریم مدت دعوت حضرت نوح بعد از بعثت و پیش از طوفان ۹۵۰ سال آمده است^(۸) که با افزودن بقیه عمر آن حضرت از پیش از بعثت تا بعد از طوفان بسیار طولانی خواهد بود که بر اساس برخی از روایات به ۲۵۰۰ سال می‌رسد.^(۹)

هنگامی که عمر حضرت نوح از طرف همه ادیان پذیرفته شده، دیگر برای تردید در عمر شریف حضرت ولی عصر عجل الله فرجه مورد نمی‌ماند، هنوز عمر آن حضرت به نصف عمر نوح نرسیده، که هم اکنون یکهزار و یکصد و پنجاه سال از عمر شریف آن حضرت می‌گذرد.

۷ - کمال الدین، صدوق، ص ۳۲۲.

۸ - عنکبوت: ۱۴.

۹ - رجوع شود به کتاب «طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان».

﴿۸۵﴾

«فِي الْقَائِمِ مِثْلُ سُنَنِ مِنْ سِتَّةٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، سُنَّةُ مِنْ نُوحٍ وَسُنَّةُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَسُنَّةُ مِنْ مُوسَى، وَسُنَّةُ مِنْ أَيُّوبَ، وَسُنَّةُ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. فَأَمَّا مِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ، وَأَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخِفَاءُ الْوِلَادَةِ وَاعْتِزَالُ النَّاسِ، وَأَمَّا مِنْ مُوسَى فَالْخَوْفُ وَالْغَيْبَةُ، وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ، وَأَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلَاءِ، وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ».

«در قائم ما شش نشانه از شش پیامبر هست، نشانی از حضرت نوح، نشانی از حضرت ابراهیم، نشانی از حضرت موسی، نشانی از حضرت عیسی، نشانی از حضرت ایوب و نشانی از حضرت محمد که درود خداوند بر آنها باد.

- نشانه او از حضرت نوح، عمر طولانی اوست.

- نشانه او از حضرت ابراهیم، تولد پنهانی و کناره گیری او از میان مردم است.

- نشانه او از حضرت موسی، ترس و وحشت و غیبت اوست.

- نشانه او از حضرت عیسی، اختلاف مردم در حق اوست.

- نشانه او از حضرت ایوب، فرج بعد از شدت اوست.

- و اما نشانه او از حضرت محمد صلی الله علیه وآله قیام به شمشیر

اوست». (۱۰)

﴿۸۶﴾

«زهري می گوید: در خدمت امام زین العابدین علیه السلام بودم که فرزند

برومندش محمد باقر وارد شد، امام علیه السلام مطالبی به او فرمود و در ضمن آن او را به «حسن خلق» توصیه می فرمود. با خود گفتم که نکند امام از رحلت خود خبر بدهد، و لذا پرسیدم: بعد از شما به چه کسی مراجعه کنیم؟ فرمود: به این پسر. و با دست خود به سوی امام باقر اشاره کردند و فرمودند: این پسر وصی، وارث مخزن علم من و معدن دانش و شکافنده علوم است...

گفتم: چگونه است که به فرزند بزرگترتان وصیت فرموده اید؟!

فرمود: امامت با کوچکی و بزرگی سن نیست، بلکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله این چنین با ما پیمان بسته است و در لوح و صحیفه این چنین یافته ایم. پرسیدم: رسول اکرم صلی الله علیه و آله چند نفر جانشین برای خود تعیین کرده و به شما عهد فرموده است؟ فرمود:

«در صحیفه و لوح تعداد دوازده امام با نام و نام پدر نوشته شده که هفت تن آنها از نسل این پسر محمد (امام باقر) خواهد بود که مهدی یکی از آنهاست» (۱۱).

﴿۸۷﴾

«الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ، حَتَّى يَقُولُوا: لَمْ يُولَدْ بَعْدُ، لِيُخْرَجَ حِينَ يَخْرُجَ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ».

«ولادت قائم ما بر مردم پوشیده می ماند و مردم می گویند که هنوز متولد نشده است. این برای آن است که به هنگام ظهور، بیعت کسی در گردن او نباشد» (۱۲).

۱۱ - کفایة الأثر، ص ۲۴۳.

۱۲ - اعلام الوری، ص ۴۰۲.

﴿۸۸﴾

«وَأَنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ، إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى، أَمَّا الْأُولَى فَمِائَتَةُ أَيَّامٍ، أَوْ سِتَّةُ أَشْهُرٍ، أَوْ سِتَّةُ سِنِينَ. وَأَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمَدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَسَلَّمْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

برای قائم ما دو غیبت است که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است. غیبت اولی شش روز، شش ماه و شش سال است، ولی غیبت دیگری به قدری طولانی خواهد بود که بیشتر قائلین به آن از اعتقاد خود بر می‌گردند، در امامت او ثابت قدم نمی‌ماند جز کسی که ایمانش قوی و معرفتش کامل باشد و در برابر داوریه‌های ما تردیدی به خود راه ندهد و در برابر ما کاملاً تسلیم باشد». (۱۳)

علامه مجلسی در شرح این حدیث می‌فرماید: شاید این حدیث اشاره به تحولات وضع آن حضرت در غیبت صغری باشد که در شش روز اول، منحصرأ اهل بیت آن حضرت از ولادت آن مهر تابان آگاه بودند، و در شش ماه اول، خواص شیعیان و نزدیکان از آن مطلع شدند، و در شش سال اول غالب شیعیان از آن آگاه شدند و بعد از شش سال (بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام) خبر ولادت آن کعبه موعود در اقطار جهان اسلام منتشر شد. (۱۴)

﴿۸۹﴾

«أَمَّا إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خَيْرَ بَيْنَ السَّحَابَيْنِ، فَأَخْتَارَ الذَّلُولَ وَذَخَرَ لِصَاحِبِكُمُ الصَّغْبَ،

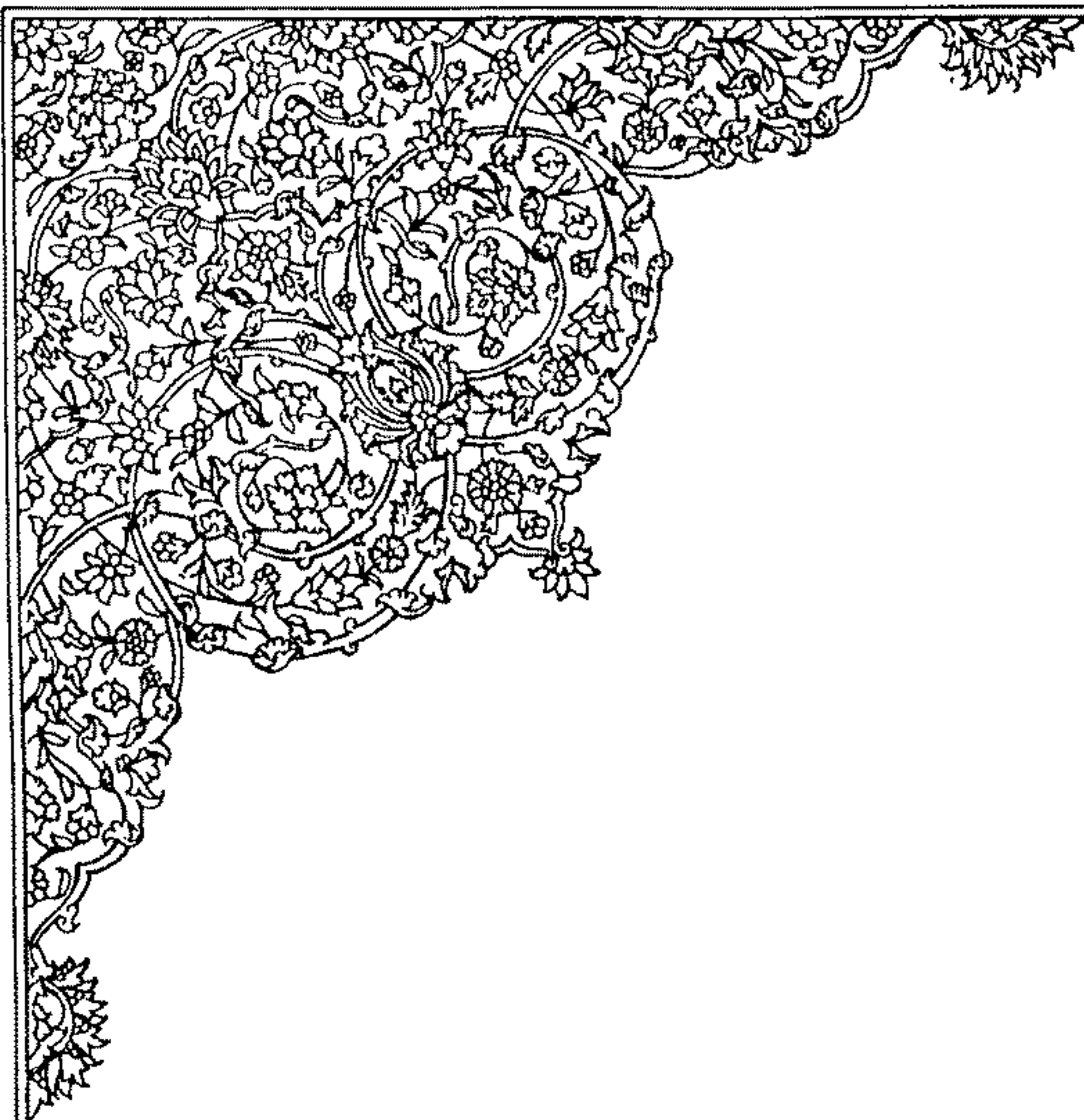
۱۳ - کمال الدین، ص ۳۲۳.

۱۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

فَقِيلَ لَهُ وَمَا الصَّغْبُ؟ فَقَالَ: مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَضَاعِقَةٌ وَبَرْقٌ فَصَاحِبُكُمْ يَرْكَبُهُ، أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَيَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ، أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، خَمْسَ عَوَامِرَ وَاثْنَتَانِ خَرْبَتَانِ».

«ذوالقرنین در میان دو نوع ابر مخیر شد او ابر رام را برگزید و برای صاحب شما ابر ناآرام را نگهداشت. پرسیدند: ابر ناآرام چیست؟ فرمود: آن ابری که رعد و برق و سرو صدا داشته باشد صاحب شما بر آن سوار می شود. آری او سوار بر ابر می شود و در آسمانها بالا می رود و بر فراز زمینهای هفتگانه که پنج تا از آنها آباد و دوتا خراب است، بالا می رود».(۱۵)

شاید این حدیث اشاره به مسافرتهاى فضائى و حداقل سفرهای هوایی با وسایل امروزی یا وسایل مجهزتر آینده باشد. و شاید از این حدیث استفاده شود که دو قاره زمین پیش از ظهور ویران خواهد شد.



بخش نهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام باقر علیه السلام

«تَكُونُ لَهُ خَيْرَةٌ وَغَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ
وَيَهْتَدِي فِيهَا أَقْوَامٌ، يَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهُ
وَيَا طُوبَى مَنْ أَدْرَكَهُ».

«برای او دوران غیبتی است که گروهی در
آن گمراه می‌شوند و گروهی هدایت پیدا
کنند. خوشا به حال تو اگر او را درک کنی،
خوشا به حال کسی که آن روز فرخنده را
درک کند.» (امام باقر علیه‌السلام)*

در عهد امام باقر علیه‌السلام رژیم خون آشام بنی‌امیه در سراشی‌های سقوط قرار
گرفت و کنترل دقیق کشور از دست رژیم خارج شد و شیعیان توانستند از ناتوانی
رژیم استفاده کرده در اطراف امام باقر علیه‌السلام گرد آیند و از خرمن علومش
خوشه‌چینی کنند.

امام باقر علیه‌السلام از فضای به اصطلاح باز کشور استفاده نموده به نشر علوم
آل محمد پرداخت و شالوده دانشگاه عظیم اسلامی را پایه‌گذاری کرد که بعداً
توسط فرزندان بزرگوارش امام جعفر صادق علیه‌السلام به اوج کمال رسید و
حوزه‌های امروزی قم و نجف اشرف ریزه‌خوار آن دانشگاه بزرگ است.

از این رو احادیث فراوانی در تمام رشته‌های معارف اسلامی از امام باقر
علیه‌السلام به یادگار مانده است که احادیث منجی بزرگ بشریت نیز یکی از

آنهاست که نمونه‌هایی چند در این بخش برای تیمّن و تبرّک می‌آوریم:

﴿۹۰﴾

امّ هانی می‌گوید از خدمت امام باقر علیه‌السلام در مورد آیه شریفه:
 «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُسِ»: «سوگند به ناپدید شونده‌ها»^(۱) پرسیدم، فرمود:
 «إِمَامٌ يَخْنُسُ سَنَةً سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ، ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشَّهَابِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلُمَاءِ، فَإِنْ
 أَذْرَكَتْ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ».

«او امامی است که در سال ۲۶۰ از دیده‌ها مخفی می‌شود و سپس چون ستاره‌ای
 فروزان ظاهر شود که در شب تاریک می‌درخشد. اگر زمان او را درک کنی دیدگانت
 روشن می‌شود».^(۲)

منظور از سال ۲۶۰ سال رحلت امام حسن عسکری علیه‌السلام است^(۳) که در
 عهد پدر بزرگوارش اصحاب می‌توانستند به دیدار آن مهر تابان موفق شوند ولی بعد
 از رحلت آن حضرت سعادت نصیب همگان نمی‌شد.

﴿۹۱﴾

«کمیت اسدی می‌گوید: به خدمت امام باقر علیه‌السلام شرفیاب شدم و عرض
 کردم اشعاری در حقّ شما خاندان سروده‌ام اجازه می‌فرمائید در خدمت شما
 بخوانم، اجازه فرمودند و من ابیاتی چند خواندم، امام علیه‌السلام گریه کردند و
 آقازاده بزرگوارشان امام جعفر صادق علیه‌السلام نیز گریستند و صدای گریه از پشت

۱ - تکویر: ۱۵.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳ - المحبّة، ص ۲۴۵.

پرده نیز بلند شد... امام علیه السلام دست مرا گرفت و گفت: خدایا کمیت را پیامرز، گناهان گذشته و آینده اش را ببخش. هنگامی که به این بیت رسیدم:

- چه وقت حق شما آشکار خواهد شد؟!
- چه وقت مهدی شما قیام خواهد کرد؟!

امام باقر علیه السلام فرمود: انشاء الله به زودی، به زودی. سپس فرمود: ای ابا المستهل! (۴) قائم ما نهمین فرزند امام حسین است. زیرا امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دوازده تن می باشند. دوازدهمین آنها قائم آنهاست.

پرسیدم: این دوازده تن کیانند؟ فرمود: علی بن ابی طالب، بعد از او حسن و حسین، بعد از حسین، علی بن الحسین و من. آنگاه دست مبارکشان را بر شانه امام جعفر صادق نهادند و فرمودند: بعد از من، او. گفتم: بعد از او کیست؟ فرمود: پسرش موسی، سپس پسرش علی، آنگاه پسرش محمد، سپس پسرش علی، آنگاه پسرش حسن، که پدر همان قائم است که جهان را پر از عدالت می کند و قلب شیعیان ما را روشن می کند. پرسیدم: کی خروج می کند؟ فرمود: این پرسش را از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نمودند، فرمود:

«إِنَّمَا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً».

«مثل او چون مثل رستاخیز است، جز به طور ناگهانی نیاید». (۵)

﴿۹۲﴾

«صاحب این امر چهار نشانه از چهار پیامبر دارد: نشانی از حضرت موسی، نشانی از حضرت عیسی، نشانی از حضرت یوسف و نشانی از حضرت محمد

۴ - کنیه کمیت اسدی است.

۵ - کفایة الأثر، ص ۲۴۹.

صلی الله علیه وآله:

- نشانه‌اش از حضرت موسی، وحشت و نگرانی اوست.

- نشانه‌اش از حضرت یوسف، زندانی شدن اوست.

- نشانه‌اش از حضرت عیسی، اختلاف مردم در حق اوست که می‌گویند: مرده

است و برخی گویند نمرده است.

نشانه‌اش از رسول اکرم صلی الله علیه وآله قیام به شمشیر اوست». (۶)

بار خدایا یوسف زندانی ما تا به کی در زندان غیبت خواهد بود و دیدگان نگران

مشتاقان چشم به راه او خواهد بود؟! ترا به حق حضرت زهرا در فرج عزیز زهرا

تعجیل بفرما.

﴿۹۳﴾

«مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةُ جَاهِلِيَّةٍ وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ، لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ، وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ».

«هر کس بمیرد و امامش را شناسد مرگ او مرگ جاهلی است، و هر کس بمیرد در حالی که امامش را می‌شناسد برای او آسیبی نمی‌رسد که امر ظهور زود باشد یا دیر شود. کسی که با شناخت امام از دنیا برود همانند کسی است که در چادر فرماندهی قائم علیه السلام باشد». (۷)

۶ - الامامة و التبصرة، ص ۹۴.

۷ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۳.

﴿۹۴﴾

«أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ: يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ، وَيَوْمَ الْكُرَّةِ، وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ»
«ایام الله سه روز است:

۱ - روز قیام قائم علیه السلام.

۲ - روز رجعت.

۳ - روز قیامت» (۸).

این روایت به همین تعبیر از امام صادق علیه السلام نیز رسیده است. (۹)

﴿۹۵﴾

«إِذَا اسْتَوَلَى السُّفْيَانِيُّ عَلَى الْكُورِ الْخَمْسِ، فَعُدُّوا لَهُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ»
«هنگامی که سفیانی بر پنج شهر تسلط یافت، نه ماه بشمارید».

معنای این حدیث به قرینه احادیث فراوانی که ظهور حضرت بقیة الله روحی فداه را با خروج سفیانی در یکسال می داند، این است که نه ماه بعد از خروج سفیانی، آن مهر تابان ظهور خواهد کرد. (۱۰)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام اسامی شهرهای پنجگانه چنین آمده است:

۱ - دمشق

۲ - حمص

۸ - معانی الاخبار، ص ۳۶۶.

۹ - المحجَّه، ص ۱۰۸.

۱۰ - عقد الدرر، ص ۸۶.

۳- فلسطین

۴- اردن

۵- قنسرین. (۱۱)

امام صادق علیه السلام در این حدیث مدّت حکومت سفیانی را هشت ماه تمام فرموده است و تعبیر امام باقر علیه السلام این بود که از حکومت سفیانی نه ماه بشمارید، شاید وجه جمع بین این دو حدیث این باشد که سفیانی هشت ماه تمام حکومت می کند و در آغاز ماه نهم حضرت بقیّة الله روحی فداه قیام می کند.

﴿۹۶﴾

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِأَدَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ، ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَإِنَّهَا لَعِنْدُنَا، وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا آفِئاً وَهِيَ خَضِرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ أُنْزِعَتْ مِنْ شَجَرَتِهَا وَإِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا أُسْتُطِيقَتْ وَإِنَّهَا تَصْنَعُ مَا تُؤْمَرُ، وَإِنَّهَا حَيْثُ أُلْقِيَتْ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا».

«عصای حضرت موسی قبلاً از آن حضرت آدم بود سپس به حضرت شعیب و بعداً به حضرت موسی منتقل شد و هم اکنون در نزد ماست، در همین نزدیکی که آن را می دیدم هنوز سبز بود همانند روزی که از درخت بریده شده. هنگامی که از آن، حرف خواسته شود حرف می زند. این عصا برای قائم ما (که درود خدا بر او باد) تهیّه شده است. قائم ما به وسیله آن، کاری انجام می دهد که حضرت موسی انجام می داد. به این عصا هر چه امر شود انجام می دهد و آنچه دشمنان فراهم کنند با زیانش آن را می بلعد» (۱۲).

۱۱- کمال الدین، ص ۶۵۱.

۱۲- الامامة و التبصرة، ص ۱۱۶.

﴿۹۷﴾

عبدالله بن عطا می گوید: به خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: شیعیان شما در عراق بسیار فراوانند و در میان اهل بیت پیامبر کسی همانند شما نیست. فرمود: ای عبدالله! سخنان اراذل و اوباش را در مغز خود وارد کرده ای، به خدا سوگند صاحب شما من نیستم. پرسیدم:

پس صاحب ما چه کسی است؟ فرمود:

«أَنْظُرْ مَنْ يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ فَهُوَ صَاحِبُكُمْ».

«نگاه کن، کسیکه ولادتش بر مردم پوشیده بماند او صاحب شماست» (۱۳).

﴿۹۸﴾

ابو حمزه ثمالی می گوید: در خدمت امام باقر علیه السلام بودم، چون مردم رفتند و مجلس خلوت شد فرمود:

«يَا أَبَا حَمْزَةَ! مِنَ الْمَحْتُمِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ قِيَامُ قَائِمِنَا، فَمَنْ شَكَّ فِيْمَا أَقُولُ، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ بِهِ كَافِرٌ».

«ای ابا حمزه! از امور حتمیه ای که خداوند حتمی ساخته است قیام قائم ماست، هر کس در این گفتار تردید کند خدا را در حال کفر ملاقات می کند».

سپس فرمود: پدر و مادرم فدای کسی که همنام و هم کنیه من است * او هفتمین فرزند منست که زمین مرا پر از عدالت کند هنگامی که پر از جور و ستم شده باشد. ای ابا حمزه! کسی که او را درک کند و در برابر او تسلیم شود آنچنانکه در برابر

۱۳ - اعلام الوری، ص ۴۰۲.

* در حدیث شماره ۶۹ گفتیم که یکی از کنیه های حضرت مهدی «ابو جعفر» است.

پیامبر و امیر مؤمنان تسلیم است، بهشت بر او واجب می شود. و هر کس تسلیم نشود بهشت بر او حرام می شود و جایگاهش دوزخ است و جایگاه ستمگران چه زشت است». (۱۴)

جالب توجه و شایان دقت است که علمای اهل سنت نیز معتقدند که هر کس حضرت مهدی را انکار کند کافر است و این فتوی بر اساس روایتی است که به سند خود از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده اند که می گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ كَذَّبَ بِالْذُّجَالِ فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ».

«هر کس دجال را انکار کند کافر است و هر کس مهدی را انکار کند کافر است». (۱۵)

از این رهگذر همه علمای اهل سنت وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را می پذیرند، فقط برخی از آنها خیال می کنند که در آخر الزمان متولد خواهد شد ولی محققین آنها نیز او را فرزند امام حسن عسکری می دانند و غیبت او را می پذیرند.

دانشمند معاصر آقای «علی دوانی» در کتاب پر ارج «دانشمندان عامه و مهدی موعود» اسامی بیش از صد تن از بزرگان اهل سنت را نقل کرده است که در کتابهای خود به ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام اعتراف کرده اند و او را فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام می دانند.

۱۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۹.

۱۵ - عقد الدرر، ص ۱۵۷.

﴿ ۹۹ ﴾

«كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافَتَيْنِ، فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سِبَاغِ الْأَرْضِ وَسِبَاغِ الطَّيْرِ، يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى تَفْتَحِرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولَ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

«گوئی اصحاب قائم علیه السلام را با چشم خود می بینم که شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود در آورده اند و در روی زمین چیزی نیست جز اینکه از آنها فرمان می برد، حتی درندگان زمین و پرندگان آسمان. هر چیزی در جهان، رضایت آنها را جستجو می کند و قطعات زمین بر یکدیگر مباحثات کرده می گویند: امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر فراز من قدم نهاد.» (۱۶)

واقعاً چه سعادتى بالاتر از آنکه انسان هر روز دیدگانش با جمال عالم آرای مهر تابان و قبله خوبان روشن گردد، ما چقدر محروم هستیم که از این فیض بزرگ محرومیم، که این محرومیت بدون تردید از خشم خدا بر مردم این زمان ناشی است، چنانکه امام باقر علیه السلام می فرماید:

﴿ ۱۰۰ ﴾

«إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحْنًا عَنْ جَوَارِهِمْ».

«هنگامی که خداوند بر قومی غضب کند ما را از مجاورت آنها دور می سازد.» (۱۷)

وجود مقدس حضرت بقیه الله روحی فداه به همین نکته اشاره می کند و در

۱۶ - الامامة و التبصرة، ص ۱۳۱.

۱۷ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۷.

توقیع شریفی که به افتخار شیخ مفید (رحمة الله علیه) صادر فرموده‌اند می‌نویسند: «اگر چه ما در سرزمین دور دستی سُکنی گزیده‌ایم که از جایگاه ستمگران بدوریم. زیرا خداوند مصلحت ما و شیعیان مؤمن ما را در این دیده که تا حکومت دنیا در دست تبہکاران است در این نقطه دور دست مسکن نمائیم» (۱۸).

﴿۱۰۱﴾

حکم بن عتبه می‌گوید: به خدمت امام باقر علیه السلام گفتم: شنیده‌ایم که مردی از شما ظهور کرده، عدالت را در میان این امت پیاده خواهد کرد؟ فرمود: «إِنَّا نَرْجُو مَا يَرْجُو النَّاسُ، وَأَنَا نَرْجُو لَوْلَمْ يَتَّقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ سَيَطُولُ ذَلِكَ الْيَوْمُ حَتَّى يَكُونَ مَا تَرْجُو هَذِهِ الْأُمَّةُ. وَقَبْلَ ذَلِكَ فِتْنَةٌ شَرُّ فِتْنَةٍ، يُمَسِّي الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا، وَيُصْبِحُ مُؤْمِنًا وَيُمَسِّي كَافِرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ تَعَالَى وَلْيَكُنْ مِنْ أَخْلَاسِ بَيْتِهِ».

«ما نیز چون دیگران انتظار آن روز را می‌کشیم و امیدوار هستیم که اگر از عمر دنیا جز یکروز باقی نباشد خداوند آن را به قدری طولانی سازد که آرزوی این امت برآورده شود. ولی پیش از آن روز فتنه‌ای هست که بسیار فتنه جانکاهی است. انسان شب با ایمان می‌خوابد و صبح بی‌ایمان بر می‌خیزد. صبح با ایمان از خانه بیرون می‌رود و شب بی‌ایمان بر می‌گردد. هر کس چنین روزی را درک کند، از خدا تقوی کند و چون یکی از گلیمهای خانه‌اش باشد» (۱۹).

۱۸ - احتجاج طبرسی، ص ۴۹۷.

۱۹ - عقد الدرر، ص ۶۱.

﴿۱۰۲﴾

حکم بن ابی نعیم می گوید: در مدینه به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: من در میان رکن و مقام نذر کرده ام که هنگامی که شما را در مدینه ملاقات کنم از مدینه بیرون نروم جز اینکه دانسته باشم که آیا قائم آل محمد شما هستید یا نه؟ امام علیه السلام چیزی فرمود. در حدود یکماه گذشت روزی در یکی از کوچه های مدینه مرا دید و فرمود: تو هنوز اینجا هستی؟ گفتم: آری، به شما گفتم که چه نذری دارم و شما چیزی به من نفرمودید.

فرمود: فردا صبح بیا منزل و پرسش خود را بپرس. فردا صبح به خدمتش مشرف شدم، فرمود: پرسش خود را بپرس. گفتم: من در میان رکن و مقام روزه و صدقه ای نذر کردم که هنگامی که شما را در مدینه ملاقات کردم از مدینه بیرون نروم جز اینکه دانسته باشم که آیا شما «قائم آل محمد» هستید یا نه؟ اگر شما باشید از شما جدا نشوم تا در حضورتان شمشیر بزنم و اگر شما نباشید به دنبال کار و زندگی خود بروم. فرمود:

- ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستیم.

گفتم: آیا شما «مهدی» هستید؟ فرمود:

- همه ما به سوی خدا هدایت می کنیم.

گفتم: آیا شما «صاحب شمشیر» هستید؟ فرمود:

- همه ما صاحب شمشیر هستیم و وارث شمشیر هستیم.

گفتم: آیا شما آن کسی هستید که دشمنان خدا را می کشد و دوستان خدا را عزت

می بخشد و دین خدا را آشکار می سازد؟ فرمود:

- ای حکم! چگونه ممکن است من او باشم؟! در صورتیکه من به ۴۵ سالگی

رسیده‌ام ولی صاحب این امر از من به سنّ کودکی نزدیکتر است و بر پشت مرکب از من چابکتر است» (۲۰).

روایات بسیار فراوانی داریم که حضرت بقیّة اللّٰه روحی فداه هنگامی که ظاهر می‌شود بین ۳۰ الی ۴۰ ساله به نظر می‌رسد، وگرنه در دهها حدیث از غیبت طولانی آن حضرت گفتگو شده است و هرگز مقصود این نیست که سنّ واقعی آن حضرت کمتر از ۴۵ باشد بلکه بر حسب آنچه مردم از سیمای مبارک آن حضرت تصوّر می‌کنند جوان با طراوت و شادابی است که بین ۳۰ الی ۴۰ می‌باشد.

﴿۱۰۳﴾

«امام باقر علیه السّلام می‌فرماید: حضرت موسی علیه السّلام چون سفر اوّل را خواند شرح فضائل قائم آل محمّد را در آن دید عرض کرد: پروردگارا مرا قائم آل محمّد قرار بده.

خطاب شد: او از نسل احمد (صلّی اللّٰه علیه وآله) خواهد بود.
چون سفر دوّم را خواند نظیر همان مطالب را دید و باز چنین درخواستی کرد و باز همان خطاب فرا رسید.

چون سفر سوّم را خواند باز هم نظیر آن مطالب را یافت و شبیه همان درخواست را از پیشگاه حضرت احدیّت نمود و شبیه همان پاسخ را دریافت کرد» (۲۱).

۲۰ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۰.

۲۱ - عقد الدّرر، ص ۱۶۰.

﴿۱۰۴﴾

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ وَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَ مَسَاجِدَ وَلَمْ يَتَّقْ مَسْجِدًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَهُ شَرَفٌ إِلَّا هَدَمَهُ وَجَعَلَهَا جَمًّا وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ، وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ، وَأَبْطَلَ الْكُنْفَ وَالْمَيَازِيبَ، وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا، وَيَفْتَحُ قُسْطَنْطِينِيَّةَ وَالصَّيْنِ وَجِبَالَ الدَّيْلَمِ وَيَمْكُثُ عَلَى الْأَرْضِ سَبْعَ سِنِينَ مِنْ سِنِينَكُمْ هَذِهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ».

«هنگامی که قائم (عجل الله فرجه) قیام کند رهسپار کوفه می شود و چهار مسجد را در آنجا ویران می کند و هر مسجدی که محل مرتفع دارد خراب می کند و هموار می سازد. راه اصلی را توسعه می دهد و سایبانهای را که وارد خیابانها شده، برمی دارد و سایبان و ناودانی به کوچه ها اجازه نمی دهد. هر بدعتی را نابود می کند و هر سنتی را به پا می دارد. قسطنطنیه (استانبول)، چین و کوههای دیلم را فتح می کند، و هفت سال به این منوال می گذرد. آنگاه خداوند هر چه اراده کند، انجام دهد.» (۲۲)

ممکن است منظور از چهار مسجدی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در کوفه خراب می کند، مساجد چهارگانه ای باشد که به شکرانه شهادت امام حسین علیه السلام ساخته شده است! و منظور از محل مرتفع مساجد، قسمتهای مرتفعی باشد که در کشورهای سنی مرسوم است و به آن شاه نشین می گویند که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء آنها را خراب کرده، مساجد را هموار می سازد تا این نشانه اختلاف طبقاتی نیز از بین برود.

﴿۱۰۵﴾

«كُلُّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ، الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ».

«هر پرچمی که پیش از قیام قائم (عجل الله فرجه) برافراشته شود، صاحبش طاغوت است» (۲۳).

﴿۱۰۶﴾

«الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَتُظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَيُظْهَرُ بِهِ اللَّهُ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عَمَّرَ، وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيُصَلِّيُ خَلْفَهُ».

«قائم ما با رعب و وحشت در دل مردم تأیید شده، و با نصرت خداوندی تقویت شده، زمین در زیر پاهایش طی می شود. گنجینه های زمین برای او آشکار می شود و سلطنتش به شرق و غرب جهان می رسد. خداوند دین خود را به دست او بر همه ادیان پیروز می سازد، اگر چه مشرکان خوش ندارند. در روی زمین جای ویرانی نمی ماند جز اینکه آباد می کند. حضرت عیسی روح الله (علیه السلام) نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند».

محمد بن مسلم پرسید: قائم شما کی ظاهر می شود؟ فرمود: هنگامی که:

۱ - مردها خود را به زنان تشبیه کنند.

۲ - زنها خود را به مردان تشبیه کنند.

۳ - مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کنند.

- ۴ - زنها سوار بر زینها شوند.
 - ۵ - شهادت دروغ پذیرفته شود.
 - ۶ - شهادت راست رد گردد.
 - ۷ - خون سبک شمردن شود.
 - ۸ - روابط نامشروع رواج پیدا کند.
 - ۹ - رباخواری رائج گردد.
 - ۱۰ - اشرار از ترس زبانشان احترام شوند.
 - ۱۱ - سفیانی از شام خارج شود.
 - ۱۲ - یمانی قیام کند.
 - ۱۳ - سپاه سفیانی در سرزمین بیداخلسف شوند.
 - ۱۴ - جوانی از آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) به نام «محمد به حسن نفس زکیه» در میان رکن و مقام کشته شود.
 - ۱۵ - صیحه آسمانی شنیده شود که می گوید: حق با او (قائم علیه السلام) و شیعیان اوست.
- در چنین موقعی قائم ما (ارواحنا فدا) خارج می شود و پشت خود را به دیوار کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده نفر در اطراف او جمع می شوند. اولین چیزی که به زبان می آورد. این آیه شریفه است:
- «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».
- سپس می فرماید: من تنها بازمانده از حجتهای پروردگار و خلیفه خدا در میان شما هستم. کسی نمی ماند، جز اینکه به او سلام کرده می گوید:
- «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».
- هنگامی که ده هزار نفر برای یاری او گرد آمدند، دیگر در روی زمین بتی

نمی ماند جز اینکه طعمه حریق می شود. و این روز پر شکوه پس از یک غیبت طولانی است تا معلوم شود که چه کسی به غیب ایمان می آورد و از خدا اطاعت می کند». (۲۴)

﴿۱۰۷﴾

«يَقُومُ الْقَائِمُ بِكِتَابٍ جَدِيدٍ، وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ، عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ، لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفُ، لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ».

«قائم (علیه السلام) با کتابی تازه، امری تازه و داوری تازه ظاهر می شود. بر عرب بسیار سخت خواهد بود. جز شمشیرکاری ندارد. کسی را وادار به توبه نمی کند. و در راه اجرای احکام الهی از نکوهش و سرزنش احدی اندیشه نمی کند». (۲۵)

آری پیش از ظهور آن حضرت تعالیم عالیة اسلام به قدری تحریف و تأویل می شود که به هنگام پیاده شدن احکام اصیل اسلامی، چیزی تازه به نظر می رسد، حتی برداشت مردم از قرآن آنقدر دگرگون می شود که تفسیر صحیح قرآن چیزی تازه به شمار می آید. او حق را عرضه می کند و هر کس نپذیرد به سزای عناد و لجاجتش می رساند.

﴿۱۰۸﴾

«يَا أَبَا حَمْرَةَ! لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ وَزِلْزَالٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ، وَطَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَسَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ، وَاخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَتَشْتِيتٍ وَتَشْتَّتِ فِي دِينِهِمْ وَتَغْيِيرٍ مِنْ حَالِهِمْ، حَتَّى يَتَمَنَّى الْمَوْتَ صَبَاحاً وَمَسَاءً مِنْ

۲۴ - اعلام الوری، ص ۴۳۳.

۲۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰.

عِظَمَ مَا يَرَى مِنْ كَأْبِ النَّاسِ وَأَكْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً وَخُرُوجَهُ إِذَا خَرَجَ، عِنْدَ الْيَأْسِ وَالْقَنُوطِ. فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ خَالَفَهُ أَمْرَهُ وَكَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ».

«ای ابا حمزه! قائم ما (عجل الله فرجه) قیام نمی کند مگر پس از ترس شدید، اضطرابها، نگرانیها، فتنه ها و بلاهائی که بر مردم وارد شود. و پیش از آن فتنه ها طاعون شایع شود و شمشیر در میان عربها حاکم گردد و اختلاف و پراکندگی در دین و دگرگونی در اوضاع پدید آید. انسان به قدری شاهد گرفتاری مردم می شود که هر صبح و شام از خدا مرگ خویش را درخواست و آرزو می کند. پس از یک چنین یأس و نومیدی او ظاهر می شود. خوشا به حال کسی که او را درک کند و به یاری او برخیزد. وای به حال کسی که با او مخالفت کند و او امر او را نپذیرد و با او به دشمنی برخیزد» (۲۶).

﴿۱۰۹﴾

«إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام) ظَهَرَ بِرَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَخَاتَمِ سُلَيْمَانَ وَحَجَرِ مُوسَى وَعَصَاة».

«هنگامی که قائم (علیه السلام) ظاهر شود، پرچم رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) انگشتر حضرت سلیمان (علیه السلام)، سنگ و عصای حضرت موسی (علیه السلام) را همراه خود می آورد» (۲۷).

۲۶ - بشارة الاسلام، ص ۱۰۵.

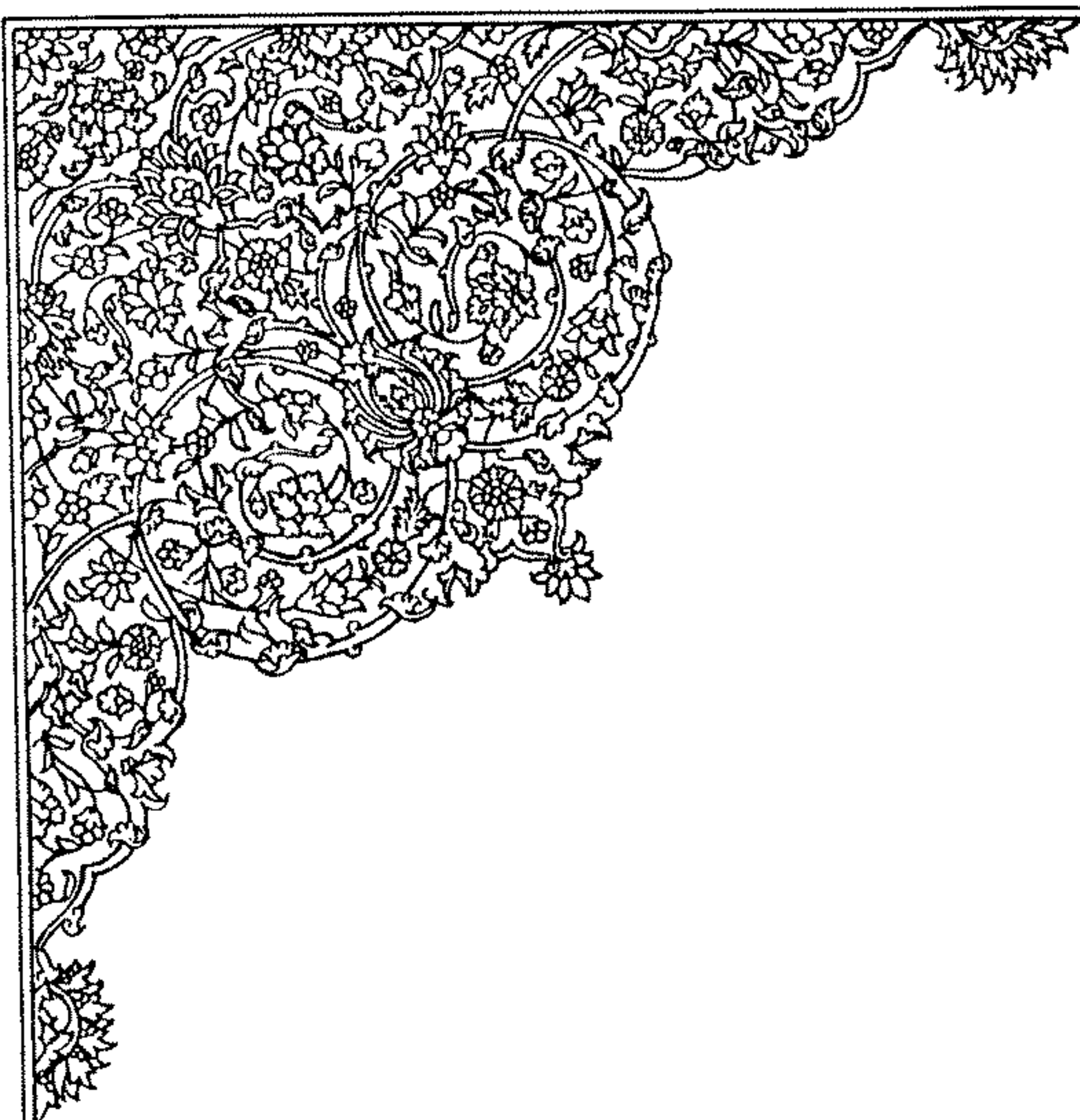
۲۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۲.

﴿ ۱۱۰ ﴾

«فَضِّلْ مِی گوید: به خدمت امام باقر (علیه السَّلام) عرض کردم: آیا برای آن روز
پر شکوه وقت معینی هست؟ فرمود:

«كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ».

«هر کس وقت تعیین کند، دروغ گفته است. هر کس وقت تعیین کند، دروغ گفته
است. هر کس وقت تعیین کند، دروغ گفته است.» (۲۸)



بخش دهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام صادق علیه السلام

«لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَدَوْلَتُنَا فِي آخِرِ
الدَّهْرِ تَظْهَرُ».

«برای هر ملتی دولتی است که در انتظارش
به سر می‌برند، دولت ما نیز در آخرالزمان
ظاهر خواهد شد». (امام صادق علیه‌السلام)*

مصادف شدن دوران امامت پیشوای ششم شیعیان حضرت امام جعفر صادق
علیه‌السلام با انقراض رژیم ستمگر اموی و آغاز رژیم جنایت پیشه عباسی فرصت
بسیار خوبی برای آن حضرت پیش آورد تا تعالیم عالیة اسلام را در سطح بسیار
گسترده‌ای در میان مسلمانان تعلیم نموده، علوم آل محمد (صلی الله علیه وآله
وسلم) را پخش و منتشر کند. بدیهی است که هر رژیم پلید و خون آشام هنگامی که
در سرایشی سقوط قرار گرفت، با تمام قدرت برای نگهداری خود از سقوط حتمی
تلاش می‌کند و در نتیجه یک آزادی کاذب برای شخصیتها می‌دهد، از این رو امام
باقر علیه‌السلام از این فضای باز به اصطلاح سیاسی استفاده کرده، پایه‌های
دانشگاه علوم شیعه را پی‌ریزی نمود و امام جعفر صادق علیه‌السلام آن را محکم و
استوار ساخت. پس از سقوط رژیم اموی، رژیم جنایت پیشه عباسی روی کار آمد.

این رژیم اگر چه در جنایت گوی سبقت را از رژیم قبلی ربود ولی علی الظاهر به محبت اهل بیت علیهم السلام تظاهر می کرد، و بنی هاشم را پسر عموهای خود خطاب می کرد، دژخیمان رژیم اموی پیشوایان اهل بیت علیهم السلام را می کشتند و جشن می گرفتند، ولی سران رژیم عباسی امامان اهل بیت علیهم السلام را می کشتند و عزای ملی اعلام می کردند. بدیهی است که آنها بیش از رژیم اموی توانستند ضربه های کاری بر پیکر اهل بیت علیهم السلام وارد سازند، ولی امام صادق علیه السلام از همین آزادی کاذب و فضای باز سیاسی استفاده کرده، تشنگان دانش و فضیلت را از سراسر جهان به دور خود گرد آورد، و در آن زمان غربت دانش و فرهنگ، بیش از چهار هزار شاگرد تربیت نمود و در بیش از ۵۰۰ رشته متخصص تحویل جامعه اسلامی داد. و لذا می بینیم فی المثل شاگردی که در علم شیمی تربیت نموده، پس از گذشت سیزده قرن هنوز هم در جهان غرب به عنوان پدر شیمی شناخته شده و بیش از ۵۰۰ جلد از تألیفات او (جابر بن حیان) به زبانهای اروپائی ترجمه شده است.

وقتی که سرآمد شاگردان امام صادق علیه السلام توانسته باشد بیش از ۳۹۰۰ رساله و کتاب در علوم شیمی، ریاضی و غیره تألیف نماید، سرآمد شاگردانش در فقه و تفسیر و حدیث و عقاید، طبعاً مقامی بسیار والا خواهند داشت و احادیث واصله از آنها در هر رشته ای بیرون از شمار خواهد بود. از این رهگذر خواننده گرامی توجه دارد که اگر بخواهیم روایات واصله از امام صادق علیه السلام را در رابطه با برنامه جهانی و نهضت همگانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداء استقصا کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد بود. و لذا دامن سخن فرا می چینیم و به نقل نمونه هایی از آن بسنده می کنیم:

﴿۱۱۱﴾

«مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَئِمَّةِ (عليهم السَّلام) وَجَحَدَ الْمَهْدِيَّ (ارواحنا فداه) كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تَبَوُّثُهُ».

«کسی که به همه امامان (عليهم السَّلام) معتقد باشد و حضرت مهدی (ارواحنا فداه) را رد کند، مانند کسی است که همه پیامبران را بپذیرد و رسالت پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را رد کند».

پرسیدند: ای فرزند پیامبر! مهدی از تبار شما چه کسی است؟ فرمود:

«الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ، يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ».

«او پنجمین فرزند هفتمین امام است. خود او از دیدگان شما غایب می شود و بردن نام او بر شما روا نخواهد بود».^(۱)

﴿۱۱۲﴾

«مِهْرَمٌ وَارِدٌ خِدْمَتِ إِمَامٍ صَادِقٍ (عليه السَّلام) شَدَّ، سَوَّالٌ كَرَدَ: إِيْن أَمْرٌ كَهَ مَا دَرِ أَنْتَظَارِ آن بَه سِرِّ مِی بَرِیم، چَه وَقْتِی وَاقِعٌ خَوَاحِدُ شَدَّ؟ فَرَمُودُ:

«كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ، وَهَلَكَ الْمُسْتَغْجِلُونَ، وَنَجَّى الْمُسْلِمُونَ».

آنان که وقتی تعیین کردند، دروغ گفتند. آنان که شتاب کردند، هلاک شدند. آنان که تسلیم اراده خدا شدند، نجات یافتند».^(۲)

امام صادق علیه السَّلام با جمله: «هَلَكَ الْمُسْتَغْجِلُونَ» ما را از شتابزدگی نهی می کند تا از آثار سوء آن در صورت تأخیر این امر در امان باشیم، وگرنه در دهها

۱ - کمال الدین، صدوق، ص ۳۳۳ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۰.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۰.

حدیث معتبر به ما امر شده که هر لحظه منتظر ظهور باشیم و هر لحظه‌ای که به یاد آن مهر تابان و قبله خوبان افتادیم، از خدای مهربان تعجیل فرج آن بزرگوار بخواهیم که تلاش برای ایجاد زمینه ظهور و نیایش برای تعجیل ظهور، شتابزدگی به شمار نمی‌آید.

﴿۱۱۳﴾

«يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ (عليه السلام) فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ، وَيَقُومُ فِي يَوْمٍ عَاشُورَاءَ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) لَكَأَنِّي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) عَنْ يَمِينِهِ يُنَادِي: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»، فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطَوُّى لَهُمْ طَيًّا حَتَّى يُبَايَعُوهُ، فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«در شب بیست و سوّم (ماه رمضان) به نام قائم (عليه السلام) از آسمان ندا می‌شود و در روز عاشورا که روز شهادت امام حسین (عليه السلام) است، قیام می‌کند. گوئی با چشم خود می‌بینم که آن بزرگوار در روز شنبه دهم محرم در میان رکن و مقام ایستاده، جبرئیل (عليه السلام) در طرف راست آن حضرت بانگ برمی‌آورد که: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»، پس شیعیان او از اطراف جهان به سوی او می‌شتابند، زمین در زیر پاهایشان طیّ می‌شود، تا به محضر او رسیده، بیعت می‌کنند. روی زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد».^(۳)

چقدر به جاست که آن دست انتقام الهی در روز حرام و ماه حرام، در مسجد الحرام، ظاهر شود و خون به ناحق ریخته شده جد بزرگوارش سالار شهیدان

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و همه شهیدان و مظلومان در راستای تاریخ را از ستمگران و ستم پیشگان بگیرد. چه خونها که به ناحق ریخته نشده! چه حریمها که به ناحق تعدی نشده! چه حقوق توده‌ها که زیر پای ستمگران لگد مال نشده! ای عزیز فاطمه! بپاخیز و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریز. ای منتقم! بپاخیز و خون شهدای راه فضیلت را از جلادان و دژخیمان تاریخ بگیر. ای مهدی فاطمه! بپاخیز و حقوق غصب شده فاطمه سلام الله علیها را از غاصبان فدک در راستای تاریخ بگیر.

﴿۱۱۴﴾

«إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةً يَطُولُ أَمَدُهَا».

«برای قائم ما (علیه السلام) غیبتی است که مدتش بسیار طولانی خواهد بود».

راوی حدیث، سُدیّر می‌گوید: گفتم: ای فرزند فاطمه! چرا غیبت او این قدر طولانی می‌شود؟ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبَى أَنْ يُجْرِيَ فِيهِ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ (عليهم السلام) فِي غَيْبَاتِهِمْ، وَإِنَّهُ لَا بَدَّ لَهُ يَا سُدَيْرُ مِنْ إِسْتِيفَاءِ مُدَدِ غَيْبَاتِهِمْ».

«خدای تبارک و تعالی هرگز اجازه نمی‌دهد جز اینکه سنتهای پیامبران (علیهم السلام) در رابطه با غیبتهایشان در مورد او نیز جاری گردد. ای سُدیّر! او به ناگزیر باید به مدت مجموع غیبتهای پیامبران (علیهم السلام) در پشت پرده غیبت بماند» (۴).

﴿۱۱۵﴾

«ابوبصیر از پیشگاه امام صادق علیه السلام از ظهور قائم عجل الله فرجه پرسید، فرمود:

«كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُؤَقَّتُ».

«تعیین وقت کننده ها دروغ می گویند. ما اهل بیتی هستیم که هرگز وقت تعیین نمی کنیم» (۵).

﴿۱۱۶﴾

«إِذَا اجْتَمَعَتْ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ مُتَوَالِيَةٍ: مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ فَالرَّابِعُ الْقَائِمُ (عليه السلام)».

«هنگامی که سه نام: محمد و علی و حسن (علیهم السلام) پشت سرهم قرار گرفت، چهارمی آنها قائم (ارواحنا فداه) می باشد» (۶).

پیشوایان معصوم علیهم السلام با آوردن مشخصات فراوانی هرگونه تردید را از آن مهترتابان برداشته اند، که یک نمونه آن، حدیث فوق است، که پیش از ولادت امام جواد علیه السلام از پشت سر قرار گرفتن سه نام مقدس: محمد (امام جواد علیه السلام)، علی (امام هادی علیه السلام) و حسن (امام حسن عسکری علیه السلام) خبر داده و چهارمی آنها را «قائم آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم» معرفی نموده است. به هنگام صدور این احادیث بیش از یکصد سال به زمان ولادت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه باقی بود. و برخی از شاگردان امام صادق

۵ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۶ - کمال الدین، ص ۳۳۳.

علیه السلام در عصر آن حضرت، کتابهای مستقلى در پیرامون ولادت و غیبت حضرت ولّى عصر علیه السلام نوشته بودند.

﴿۱۱۷﴾

«لَيْسَ بَيْنَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشَرَ لَيْلَةً».

«میان ظهور قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و قتل نفس زکیّه بیش از ۱۵ روز فاصله نیست» (۷).

یکی از علایم حتمی ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه کشته شدن یکی از فرزندان حضرت زهرا سلام الله علیها در مسجد الحرام، در میان رکن و مقام است، که طبق برخی از احادیث نام او «محمد بن الحسن» می باشد. این نفس زکیّه هیچ ارتباطی با نفس زکیّه‌ای که از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام و از امامان زیدی است، ندارد. طبق روایت فوق میان کشته شدن او با ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه بیش از دو هفته فاصله نخواهد بود.

﴿۱۱۸﴾

«إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ، وَاتَّصَلَتْ بِيُوثِ أَهْلِ الْكُوفَةِ بِنَهْرَيْنِ كَرْبَلَا».

«هنگامی که قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) قیام کند در پشت کوفه مسجدی می سازد که برای آن هزار درب خواهد بود و خانه‌های کوفه به دو

رودخانه کربلا (فرات و دجله) متصل خواهد شد.^(۸)

﴿۱۱۹﴾

«يَفْقُدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ».

«امام و پیشوای مردم غائب می شود، در موسم حج شرکت می کند و مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند».^(۹)

﴿۱۲۰﴾

«وَيْلٌ لِّطُغَاةِ الْعَرَبِ مِنْ أَمْرِ قَدْ اقْتَرَبَ».

«وای بر طاغوت های عرب از حادثه ای که نزدیک شده است».

ابن ابی یعفور پرسید: چه تعداد از عرب در رکاب حضرت قائم (ارواحنا فداه) خواهند بود؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «نَفَرٌ يَسِيرٌ»: تعدادی بسیار اندک. ابن ابی یعفور گفت: امروز تعداد افرادی که آن روز پرشکوه را بازگو می کنند، بسیار زیاد هستند! فرمود:

«لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّضُوا وَيُمَيَّزُوا وَيُغْرَبَلُوا، وَيُسْتَخْرَجُ فِي الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ».

«به ناگزیر مردم باید امتحان شوند، جدا شوند، غربال شوند. به هنگام غربال شدن افراد بیشماری از غربال می افتند».^(۱۰)

۸ - ارشاد مفید، ص ۳۶۲. در اعلام الوری، ص ۴۳۰ لفظ «نهر» مفرد آمده که آن بهتر است.

۹ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۳.

۱۰ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۲.

﴿۱۲۱﴾

مفضل بن عمر می گوید: به خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم و عرضه داشتم: ای سرور من! ایکاش در مورد جانشین بعد از خود برای ما بیانی ایراد می فرمودید! فرمود:

«الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي مُوسَى (علیه السلام) وَالْخَلْفُ الْمَأْمُولُ الْمُنتَظَرُ «م، ح، م، د» ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى (علیه السلام)».

«امام بعد از من پسر موسی (موسی بن جعفر علیه السلام) است و اما خلف منتظر او «م، ح، م، د» پسر حسن (عسگری) پسر علی (هادی) پسر محمد (جواد) پسر علی (رضا) پسر موسی (کاظم علیهم السلام) می باشد.» (۱۱)

﴿۱۲۲﴾

«ابراهیم کرخی می گوید: به خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم، در خدمت آن حضرت نشسته بودم، فرزند بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) که خردسال بود، وارد شد. به سویش دویدم و بر دیدگانش بوسه زدم. چون نشستم امام صادق (علیه السلام) فرمود:

- «ای ابراهیم! او بعد از من امام و صاحب تست. گروهی در حق او گمراه می شوند و به هلاکت می افتند. گروهی هدایت شده، سعادت می یابند. خداوند قاتل او را لعنت کند و عذابش را افزون کند. خداوند از صلب او بهترین اهل زمین در زمان خویش را ظاهر می سازد، که همانم جد بزرگوارش و وارث احکام و فضائل

اوست. معدن امامت و سرآمد حکمتهاست».

- «او را (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) ستم پیشه بنی فلان (بنی عباس) پس از مکر و حيله فراوان از روی حسادت می کشد. و لکن خداوند اراده اش را اجراء می کند، اگر چه مشرکان نخواهند».

- «خداوند از نسل او تعداد دوازده هدایتگر را تکمیل می کند که خداوند آنها را به کرامت خود اختصاص داده و آنها را به مکان اقدس خود راه داده است».

«الْمُقَرَّرُ بِالثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفُهُ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَذُبُّ عَنْهُ».

«کسی که به دوازدهمین آنها ایمان بیاورد، همانند کسی است که شمشیر کشیده در پیشاپیش رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) جهاد کند».

ابراهیم کرخی می گوید: در این موضع یکی از وابستگان رژیم بنی امیه وارد مجلس شد و امام صادق علیه السلام سخن خود را قطع کرد. من در آن سفر یازده بار به خدمت آقا شرفیاب شدم که دنباله مطلب را بشنوم موفق نشدم. سال بعد که به خدمت آن حضرت رسیدم، مطلب را از همانجا ادامه داد و فرمود:

«يَا اِبْرَاهِيمُ! الْمَفْرَجُ لِلْكَرْبِ عَنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكِ شَدِيدٍ، وَبَلَاءٍ طَوِيلٍ، وَجَزَعٍ وَخَوْفٍ، فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ. حَسْبُكَ يَا اِبْرَاهِيمُ».

«ای ابراهیم! او پس از یک تنگنای شدید و بلای طولانی و ترس و وحشت و اضطراب، غم و اندوه شیعیان را می زداید. خوشا به حال آنانکه آن زمان را درک کنند. ترا بس است ای ابراهیم» (۱۲).

بسیار جالب است که امام علیه السلام علاقه زاید الوصف او را به شنیدن دنباله

حدیث می‌داند و پیش از آنکه او سؤال کند، دنباله حدیث یکسال قبل را بازگو می‌کند و در پایان اضافه می‌کند که همین مقدار توضیح او را کفایت می‌کند. ابراهیم کرخی می‌گوید: هرگز از هیچ مسافرتی این چنین خوشحال و شاداب برنگشته بودم.

﴿۱۲۳﴾

«خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ: السُّفْيَانِيُّ وَالْخُرَّاسَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ، فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرِ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَلَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ». «خروج سفیانی، خراسانی و یمانی، هر سه در یکسال، یکماه و یکروز است. در آن میان هیچ پرچمی مستقیم‌تر از پرچم یمانی نیست، زیرا که او به حق فرا می‌خواند». (۱۳)

در مستقیم بودن پرچم سید خراسانی هیچ تردیدی نیست ولی از این حدیث استفاده می‌شود که پرچم یمانی از او نیز مستقیم‌تر است.

﴿۱۲۴﴾

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام) دَعَى النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرِ قَدْ دُثِّرَ، فَضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ، وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِياً، لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ مَضْلُوبٍ عَنْهُ، وَسُمِّيَ الْقَائِمُ، لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ».

«چون قائم (علیه‌السلام) قیام کند مردم را از نو به سوی اسلام دعوت می‌کند و آنها را به چیزی که در میان آنها کهنه شده و آثارش از بین رفته، فرا می‌خواند. از این رو

جمهور امت از دعوت او سرپیچی می‌کنند و گمراه می‌شوند. به قائم ما «مهدی» گفته می‌شود، زیرا به چیزی که مردم از آن گم شده‌اند هدایت می‌کند. و به او «قائم» گفته می‌شود، زیرا قیام به حق می‌کند». (۱۴)

﴿۱۲۵﴾

«لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ، وَلَا بُدَّ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزَلَةٍ، وَنِعَمَ الْمَنْزِلُ طَيِّبَةً، وَمَا بِثَلَاثِينَ مِنْ وَخْشَةٍ».

«برای صاحب این امر به ناگزیر غیبتی هست. و در دوران غیبت باید از مردم کناره‌گیری کند. مدینه چه جایگاه خوبی هست. و با وجود سی تن وحشتی نیست». (۱۵)

از این حدیث نکات ارزنده‌ای استفاده می‌شود از آن جمله اینکه در دوران غیبت تعدادی از اوتاد که غالباً شمار آنها ۳۰ تن می‌باشد، در محضر آن قبله خوبان و خورشید تابان هستند، که اوامر آن حضرت را اجرا کنند، به فرمان آن حضرت به یاری گمشدگان و گرفتاران بشتابند و به وسیله آنها از وجود اقدس کعبه موعود و قبله مقصود رفع غربت بشود. اگر عمر یکی از آنها به سرآید. یکی دیگر از اوتاد و صالحان جانشین او می‌شود و تعداد ۳۰ همواره محفوظ می‌ماند. همچنین از این حدیث برمی‌آید که توقف حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در مدینه بیش از دیگر اماکن مقدسه است، اگر چه بر اساس دلایل دیگر آن حضرت را محل اقامتی در سرزمینهای دور افتاده هست که «جزیره خضرا» نامیده می‌شود و مطابق برخی از تحقیقات بعید نیست که با «مثلث برمودا» منطبق باشد.

۱۴ - ارشاد مفید، ص ۳۶۴.

۱۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۵.

﴿۱۲۶﴾

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نُورًا قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ، فَهِيَ أَرْوَاحُنَا. فَقِيلَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنِ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ؟ فَقَالَ: مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) آخِرُهُمُ الْقَائِمُ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) الَّذِي يَقُومُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ، فَيَقْتُلُ الدَّجَالَ وَيُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَظُلْمٍ».

«خدای تبارک و تعالی چهارده هزار سال پیش از آفرینش جهان خلقت، چهارده نور آفرید، که آنها ارواح ما می باشد. گفته شد: ای فرزند پیامبر! آن چهارده تن کیانند؟ فرمود: محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، علی (علیه السلام)، فاطمه (سلام الله علیها)، حسن (علیه السلام)، حسین (علیه السلام) و امامان معصوم از اولاد حسین (علیه السلام) که آخر آنها «قائم» (عجل الله فرجه) است که پس از دوران غیبت قیام می کند و دجال را می کشد و زمین را از هرگونه جور و ستم پاک می سازد» (۱۶).

﴿۱۲۷﴾

«مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، مَضَى سِتَّةٌ وَبَقِيَ سِتَّةٌ، يَضَعُ اللَّهُ فِي السَّادِسِ مَا أَحَبَّ».

«۱۲ تن هدایتگر از ما هست که شش تن از آنها گذشته، و شش تن دیگر باقی است. خدای در ششمی آنها، آنچه می خواهد قرار می دهد» (۱۷).

۱۶ - کمال الدین، ص ۳۳۶.

۱۷ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۵.

﴿۱۲۸﴾

«سَنَةُ الْفَتْحِ تَنْشَقُّ الْفُرَاتُ، حَتَّى تَدْخُلَ أَرْقَةَ الْكُوفَةِ».

«در سال فتح، فرات طغیان می کند (و یا سد آن شکسته می شود) و آب فرات به کوچه های کوفه وارد می شود». (۱۸)

﴿۱۲۹﴾

«طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزَعْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ».

«خوشا به حال آنکه در زمان غیبت قائم ما (ارواحنا فداه) به امر ما چنگ بزند و بعد از هدایت قلبش نلغزد». (۱۹)

﴿۱۳۰﴾

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ، إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَلَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ، وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَجُ اللَّهِ عَنْهُمْ وَبَيِّنَاتُهُ. فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَمَسَاءً، وَإِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ، وَقَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَزْتَابُونَ. وَلَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَزْتَابُونَ لَمَا غَيَّبَ عَنْهُمْ حُجَّتَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَلَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ شِرَارِ النَّاسِ».

«نزدیکترین موقع مردم به خداوند، و بیشترین موقع خشنودی خدا از مردم، هنگامی است که حجت خدا در میان مردم نباشد و بر آنها آشکار نشود و جای حجت خدا را

۱۸ - اعلام الوری، ص ۴۲۹.

۱۹ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۷.

ندانند. ولی باور دارند که حجت خدا و نشانه‌های او باطل نشده است. در چنین مقطعی هر صبح و شام منتظر فرج باشید. و شدیدترین موقع خشم خدا بر دشمنان خود هنگامی است که حجت خدا در میان آنها نباشد و بر آنها ظاهر نشود. خداوند می‌داند که دوستان او در مورد حجت خدا دچار شک و تردید نمی‌شوند. و اگر می‌داند که آنها دچار شک و تردید می‌شوند حتی به مقدار یک چشم بهم زدن حجت خود را پنهان نمی‌کرد. غیبت حجت خدا در زمانی خواهد بود که بدترین مردم بر آنها حکومت کند» (۲۰)

﴿۱۳۱﴾

«أَمَّا وَاللَّهِ لَيَغَيِّبَنَّ عَنْكُمْ مَهْدِيَّكُمْ، حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مِنْكُمْ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ، ثُمَّ يُقْبِلُ كَالشُّهَابِ الثَّاقِبِ، فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْت جَوْرًا وَظُلْمًا.»
 «به خدا سوگند مهدی شما از دیدگان شما پنهان می‌شود، افراد خیره‌سر گویند: خداوند نیازی به آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ندارد، آنگاه چون «شهاب ثاقب» (ستاره درخشان) ظاهر می‌شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد» (۲۱)

﴿۱۳۲﴾

عبدالله بن منصور بجلی می‌گوید: از محضر امام صادق (علیه السلام) پرسیدم:
 نام سفیانی چیست؟ فرمود:
 «وَمَا تَصْنَعُ بِاسْمِهِ إِذَا مَلَكَ كُورَ الشَّامِ الْخَمْسِ: دِمَشْقُ، وَحِمَصُ، وَفِلَسْطِينَ،

۲۰ - کمال الدین، ص ۳۳۷.

۲۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۵.

وَالْأَزْدَنَّ، وَقَتْسَرِينَ، فَتَوَقَّعُوا عِنْدَ ذَلِكَ فَرَجاً».

«ترا با نام او چه کار؟ هنگامی که پنج ناحیه شام را بگیرد: دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قتسرین را، پس منتظر فرج باشید».

عبدالله بن منصور پرسید: آیا نه ماه سلطنت می کند؟ فرمود:
«نه، بلکه هشت ماه حتی یکروز هم از هشت ماه تجاوز نمی کند».(۲۲)

﴿۱۳۳﴾

«يَا أَبَا بَصِيرَا طُوبَى لَشِيعَةٍ قَائِمِينَ الْمُتَنَظِّرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».

«ای ابا بصیرا خوشا به حال شیعیان قائم ما، که در زمان غیبت انتظار او را می کشند، و در زمان ظهور فرمان او را می برند. آنهاوند اولیاء خدا که باکی بر آنها نیست و هرگز دچار اندوه نخواهند بود».(۲۳)

﴿۱۳۴﴾

«سَدِيرٌ مِي گويد: از امام صادق (عليه السلام) شنيدم كه مي فرمايد:

«إِنَّ فِي الْقَائِمِ شَبَهَ مِنْ يُوسُفَ».

«در قائم (عليه السلام) شباهتی به حضرت يوسف (عليه السلام) هست».

گفتم: در مورد داستان او می فرمائید، یا درباره غیبت او؟ فرمود:

«این خوک سیرتان امت، کجای این مطلب را انکار می کنند؟! برادران حضرت

يوسف (عليه السلام) كه يك گروه بودند و همگی اولاد پیامبر بودند، يوسف را

۲۲ - اعلام الوری، ص ۴۲۸.

۲۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۶.

به دست خود فروخته بودند، خود برادران او بودند، او را نشناختند، تا او گفت: «من یوسف هستم». این امت چرا انکار می کند که خداوند مدّتی حجت خود را در میان آنها پوشیده نگه دارد!...

«چه اشکالی دارد که خداوند با حجت خود همچون حضرت یوسف (علیه السلام) معامله کند؟ حجت خدا در میان آنها باشد، از بازار آنها عبور کند، قدم روی فرشهای آنها بگذارد، ولی آنها او را نشناسند، تا روزی که خداوند اجازه صادر کند که خود را معرفی نماید، چنانکه به حضرت یوسف (علیه السلام) اجازه فرمود. (۲۴)

﴿۱۳۵﴾

«يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَحُمْرَةٌ تُجَلِّلُ السَّمَاءَ، وَخَسْفٌ بِبَغْدَادَ وَخَسْفٌ بِبَلَدِ الْبَصْرَةِ، وَدِمَاءٌ تُسْفَكُ بِهَا، وَخَرَابٌ دُورِهَا، وَفَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا، وَشُمُولٌ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ مَعَهُ قَرَارٌ».

«پیش از قیام قائم (ارواحنا فداه) مردم به وسائلی از گناه ترسانیده می شوند:

- ۱ - به وسیله آتشی که در آسمان ظاهر می شود.
- ۲ - به وسیله سرخی فراگیری که آسمان را فرا می گیرد.
- ۳ - به وسیله خسفی در بغداد.
- ۴ - به وسیله خسفی در شهر بصره.
- ۵ - به وسیله خونهایی که در بصره ریخته می شود.
- ۶ - به وسیله ترس و اضطرابی که همه عراق را فرا می گیرد و آرامش را از همه آنها

سلب می‌کند». (۲۵)

﴿۱۳۶﴾

«سید حمیری در یک حدیث طولانی می‌گوید: به خدمت امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم: ای فرزند پیامبر! روایات فراوانی در مورد غیبت از پدران بزرگوار شما به ما رسیده است، به ما خبر دهید که این غیبت در مورد چه کسی واقع خواهد شد؟ فرمود:

«سَتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي، وَالثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْهَدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ أَوَّلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه‌السلام) وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، صَاحِبُ الزَّمَانِ وَخَلِيفَةُ الرَّحْمَانِ، وَاللَّهُ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ، لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا، كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْماً».

«این غیبت در مورد ششمین فرزند من واقع می‌شود که دوازدهمین امام از امامهای هدایتگر بعد از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌باشد، که اولین آنها امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) است و آخرین آنها: قائم به حق، یکتا بازمانده از حجت‌های خدا در روی زمین، صاحب زمان و خلیفه یزدان ارواح العالمین له الفداء است. به خدا سوگند، اگر به مقدار عمر نوح (علیه‌السلام) در پشت پرده بماند، از دنیا بیرون نمی‌رود جز اینکه ظاهر شده، جهان را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از جور و ستم شده باشد». (۲۶)

۲۵ - اعلام الوری، ص ۴۲۹.

۲۶ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۵.

﴿۱۳۷﴾

«سَيَأْتِي مَسْجِدَكُمْ هَذَا - يَعْنِي: مَكَّةَ - ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا... فَتُنَادِي بِكُلِّ وَادٍ: هَذَا الْمَهْدِيُّ يَقْضِي بِقَضَاءِ آلِ دَاوُدَ، لَا يَسْأَلُ عَلَيْهِ بَيِّنَةً».

«سیصد و سیزده مرد در این مسجد شما (مسجد الحرام) گرد می آید، ... در تمام دشت و صحرا این نغمه طنین می اندازد که: «این مهدی است»، در میان شما با حکم داودی دآوری می کند و نیاز به شاهد ندارد». (۲۷)

﴿۱۳۸﴾

«إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ».

«برای قائم (علیه السلام) پیش از آنکه قیام کند، غیبتی هست».

زراره پرسید: برای چه؟! فرمود: برای اینکه می ترسد. و با دست خود به شکم مبارکش اشاره کرد (یعنی: برای ترس از کشته شدن). سپس فرمود: «يَا زُرَّارَةُ! وَهُوَ الْمُنتَظَرُ، وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وَلَادَتِهِ، مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: هُوَ حَمَلٌ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: هُوَ غَائِبٌ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: مَا وُلِدَ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: وُلِدَ قَبْلَ وَفَاةِ أَبِيهِ بِسَنَتَيْنِ. غَيْرُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَزْتَابُ الْمُبْطِلُونَ».

«ای زراره! او منتظر است، مردم در باره تولد او دچار شک و تردید می شوند، برخی گویند: هنوز در شکم مادر است، برخی گویند: از دیده ها پنهان است، برخی گویند: هنوز به دنیا نیامده است، برخی گویند: دو سال پیش از وفات پدر بزرگوارش دیده

به جهان گشوده است. جز اینکه خدا دوست می دارد که شیعیان را در بوته آزمایش قرار دهد تا اهل باطل دچار تردید شوند». (۲۸)

﴿۱۳۹﴾

«مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: «هنگامی که خداوند به قائم (عجل الله فرجه الشریف) اذن ظهور دهد، بر فراز منبر قرار گرفته، مردم را به سوی خدای تبارک و تعالی فرا می خواند و آنها را از خدا بیم می دهد. و به سوی حق خود دعوت می کند که در میان آنها به سیره رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رفتار کند و همانند آن حضرت در میان آنها سلوک داشته باشد».

«آنگاه خداوند جبرئیل امین را می فرستد تا به نزد او آمده، از اصول دعوتش بپرسد. چون رؤوس دعوت خود را بیان کند، جبرئیل امین عرض می کند: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می کنم. پس می گوید: دستت را بده تا بیعت کنم. آنگاه دست آن حضرت را به عنوان بیعت می فشارد. در آن هنگام ۳۱۳ نفری که در آنجا گرد آمده اند بیعت می کنند و در مکه می مانند تا شمار یاران به ده هزار نفر برسد. آنگاه رهسپار می شوند». (۲۹)

﴿۱۴۰﴾

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، نَزَلَتْ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ، ثَلَاثٌ عَلَى خِيُولٍ شَهَبٍ، وَثَلَاثٌ عَلَى خِيُولٍ بُلْقٍ، وَثَلَاثٌ عَلَى خِيُولٍ حَوْءٍ».

۲۸ - کمال الدین، ص ۳۴۲.

۲۹ - اعلام الوری، ص ۴۳۱.

«چون قائم (ارواحنا فداء) قیام کند، فرشتگان بدر برای یاری او فرود می آیند: یک سوّم آنها سوار بر اسبهای اَشْهَب (سپید رنگی که با مشکی آمیخته باشد)، و یک سوّم آنها سوار بر اسبهای اَبْلَق (به رنگ مشکی آمیخته با سپیدی)، و یک سوّم دیگر سوار بر اسبهای سرخ فام».^(۳۰)

﴿۱۴۱﴾

«يَا أَبَا بَصِيرًا هُوَ الْخَامِسُ مَنْ وُلِدَ ابْنِي مُوسَى (عليه السّلام) ذَلِكَ، ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ، يَغِيبُ غَيْبَةً يَزْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَيَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عليه السّلام) فَيُصَلِّي خَلْفَهُ، وَتَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَلَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عَبْدٌ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِلَّا عَبْدُ اللَّهِ فِيهَا، وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

«ای ابا بصیر! او پنجمین فرزند این پسر موصی (علیه السّلام) است، او فرزند بهترین کنیزان است. آن چنان غیبتی دارد که همه باطل گویان در آن غیبت دچار شک و تردید شوند. آنگاه خدای تبارک و تعالی او را ظاهر گرداند و شرق و غرب جهان را به دست او فتح نماید. روح الله عیسی بن مریم (علیه السّلام) فرود آمده، در پشت سر او نماز گزارد. و زمین به نور پروردگارش نورانی گردد. در روی زمین نقطه ای نمی ماند که در آن جز خدای پرستیده شده باشد، جز اینکه خدای تبارک و تعالی در آنجا پرستیده می شود. دین تماماً از آن خدای گردد، اگر چه مشرکان نخواهند».^(۳۱)

۳۰ - همان مدرک.

۳۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

﴿۱۴۲﴾

«لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَثْرٍ مِنَ السَّنِينَ، تِسْعٌ وَثَلَاثٌ وَخَمْسٌ وَاحِدٌ».
 «قائم (علیه السلام) جز در سالهای فرد قیام نکند، چون سالهای نه و سه و پنج و یک» (۳۲).

﴿۱۴۳﴾

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ».
 «برای صاحب این امر غیبتی هست، باید هر بنده‌ای از خدا تقویٰ پیشه کند و محکم به دین خود تمسک جوید» (۳۳).

﴿۱۴۴﴾

«يُنْتِجُ اللَّهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مَنِيَّ وَأَنَا مِنْهُ، يَسُوقُ اللَّهُ بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَتَنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَذْرَهَا، وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا وَسِبَاغُهَا، وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَيَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لَرَجِمَ».

«خداوند در میان این امت مردی از تبار من پدید می‌آورد که او از من و من نیز از اویم، خداوند برکات آسمان و زمین را به سبب او خارج می‌سازد، آسمان بارانش را فرو می‌ریزد، زمین دانه‌اش را بیرون می‌فرستد، از حیوانات درنده و وحشی آسیبی نرسد. زمین را پراز عدل و داد گرداند، چنانکه پراز جور و ستم شده باشد. آن چنان

۳۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۴.

۳۳ - کمال الدین، ص ۳۴۳.

دمار از روزگار ستمکاران برآورد که نادان گوید: او اگر از تبار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بود، ترحم بر می آورد». (۳۴)

﴿۱۴۵﴾

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ، وَحَوَّلَ الْمَقَامَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَقَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَعَلَّقَهَا بِالْكَعْبَةِ وَكَتَبَ عَلَيْهَا هُؤُلَاءِ سُرَاقُ الْكَعْبَةِ».

«هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، مسجدالحرام را بر می دارد و به پایه های اصلی خود بازگرداند و مقام ابراهیم را به محل اصلی خود بر می گرداند. دستهای بنی شیبه را می بُرد و بر کعبه می آویزد و بر روی آنها می نگارد که اینها دزدان کعبه هستند». (۳۵)

﴿۱۴۶﴾

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِشَوْكِ الْقِتَادِ».

«برای صاحب این امر غیبتی است که هر کس در زمان غیبت او به دین خود چنگ بزند، همانند کسی است که خارهای درخت قتاد را با دست پاک کند». (۳۶)

امام صادق علیه السلام در این حدیث، سختی استواری در دین را در عصر غیبت به خوبی مجسم می کند. گوئی امروزها را به چشم خود دیده، نقش رسانه های گروهی، تبلیغات مسموم، نوشته های گمراه کننده و دیگر عوامل

۳۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

۳۵ - اعلام الوری، ص ۴۳۱.

۳۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۴.

بازدارنده را تجربه کرده، آنگاه لب به سخن گشوده است.

﴿۱۴۷﴾

«مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالتَّوْبَةَ، أَمَّا وَاللَّهِ لَيَغَيَّبَنَّ إِمَامُكُمْ سِنِينَ مِنْ دَهْرِكُمْ وَلَتَمَحْضَنَّ حَتَّى يُقَالَ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ، بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ. وَلَتَدْمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَتَكْفَأَنَّ كَمَا تُكْفَأُ السُّفُنُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ، وَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَكَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ، وَلَتَرْفَعَنَّ إِثْنَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِي مِنْ أَىَّ».

«از مطرح شدن پرهیزید (یعنی از اینکه شناخته شوید و اسم شما بر سر زبانها مطرح شود پرهیز کنید) که امام شما سالیان متمادی غائب خواهد شد و شما در بوته آزمایش قرار خواهید گرفت. خواهند گفت: مرده، از دنیا رفته، معلوم نیست در کدام وادی گام نهاده! از دیدگان مؤمنان سیل اشک برای او (از درد هجران و شتمانت دشمنان) سرازیر خواهد شد. شما نیز همانند کشتی که دستخوش امواج کوه پیکر دریا شود، دستخوش امواج حوادث خواهید شد. از این طوفانها و بحرانها جز کسانی که خداوند از آنها پیمان گرفته، بذرايمان در دلشان کاشته، و باروحی از خود تأییدشان کرده، رهائی نمی یابند. آنگاه دوازده پرچم مشابه به اهتزاز درآید که معلوم نمی شود کدامیک از کجاست؟!».

مفضل می گوید: من به شدت گریستم. امام صادق علیه السلام فرمود: چرا گریه سردادی؟! گفتم: چگونه گریه نکنم؟ در حالیکه می فرمائید: دوازده پرچم مشابه خواهد بود که از یکدیگر شناخته نخواهد شد، پس ما چه خواهیم کرد؟ به کجا خواهیم رفت؟! امام علیه السلام به نور آفتابی که از روزنه وارد اطاق شده بود نگاه کرد و فرمود: «این نور خورشید را می بینی؟» گفتم: آری، فرمود:

«وَاللّٰهُ لَا مَرْنٰ اَبَيْنُ مِنْ هٰذِهِ الشَّمْسِ».

«به خدا سوگند، امر ما از این خورشید روشن تر است» (۳۷)

﴿۱۴۸﴾

«خلاد بن قصار می گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: آیا قائم (ارواحنا فداء) متولد شده است؟ فرمود:

«لَا، وَلَوْ اَذْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ اَيَّامَ حَيَاتِي».

«نه، متولد نشده، ولی اگر من زمان او را درک می کردم، همه عمرم را با خدمتگزاری او سپری می کردم» (۳۸).

چه تعبیر فوق العاده ای است که امام به حق ناطق، جعفر صادق علیه السلام که خود حجت خداست و در زمان خود، واسطه فیض، و رمز بقای جهان هستی، و عامل گردش زمین و زمان است، در حق ششمین فرزندش می فرماید: «من اگر زمان او را درک می کردم همه عمر دامن خدمت به کمر می بستم».

با توجه به اینکه در کلام معصوم هرگز مبالغه و تعارف به کار نمی رود، شخصیت و عظمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به خوبی روشن می شود. البته خرد نیز آن را می پذیرد، زیرا او آخرین حجت، و آخرین بازمانده از حجت های حضرت پروردگار است و اراده خدا بر آن تعلق یافته که زحمات طاقت فرسای همه پیامبران را به دست با کفایت حجت خود به ثمر برساند، و اگر نهضت جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از برنامه جهان خلقت حذف شود، برنامه همه پیامبران عقیم می شود و هدف نهائی ارسال رسل و تشریع ادیان ضایع و تباه می شود.

۳۷ - کمال الدین، ص ۳۴۷.

۳۸ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

﴿۱۴۹﴾

«لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ أَذْرِبَاجَانَ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ وَابْذُؤُوا مَا لَبَدْنَا، فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّرُكُنَا فَاسْعَوْا إِلَيْهِ وَلَوْ حَبْوًا، وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ، عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَقَالَ: وَيْلٌ لِبَطْغَةِ الْعَرَبِ مِنْ أَمْرِ قَدْ اقْتَرَبَ».

«به ناگزیر آتشی از آذربایجان شعله‌ور خواهد شد که هیچ قدرتی در برابر آن یارای مقاومت نخواهد داشت. چون این آتش زبانه کشید، گلیم خانه خود شوید و تا ما نجنبیده‌ایم شما نیز از جای خود حرکت نکنید، هنگامی که نهضت‌کننده ما حرکت کند به سوی او بشتابید ولو با سینه‌خیز رفتن. به خدا سوگند، گوئی او را با چشم خود می‌بینم که در میان رکن و مقام ایستاده، از مردم برای کتابی تازه بیعت می‌گیرد. - آنگاه فرمود -: وای بر طاغوت‌های عرب از حادثه‌ای که نزدیک شده است» (۳۹).

در این حدیث همچون دهها حدیث دیگر به شیعیان دستور داده‌اند که دست از پا خطا نکنند و منتظر ظهور حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداء شوند و از دستخوش حوادث شدن و تابع جو شدن و در فتنه‌ها فرو رفتن به شدت پرهیز کنند. مرحوم شیخ حرّ عاملی قسمتی از این روایات را در جلد یازدهم کتاب پیرارج «وسائل الشیعة» نقل کرده است.

﴿۱۵۰﴾

«سَدِير صِيرْفِي، مَفْضِلُ بْنُ عَمْرٍ، أَبُو بَصِيرٍ وَابْنُ بَنِ تَغْلِبٍ، چهلارتن از اصحاب

امام صادق (علیه السلام) به طور دسته جمعی به خدمت امام صادق علیه السلام رسیده‌اند و او را بسیار مضطرب و دگرگون یافته‌اند. و اینک شرح ماجرا را از زبان سدید بشنوید:

«به همراهی مفضل، ابوبصیر و ابان به خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدیم، او را مشاهده کردیم که بر روی خاکها نشسته است، یک جامه خبیری، بی یقه و آستین کوتاه بر تن دارد، همچون مادری فرزند مرده گریه می‌کند، سراسر وجود مقدس آقا را خون و اندوه فرا گرفته و آثار آن در وجنات صورت آشکارگشته، رنگ مبارکش دگرگون شده، سیل اشک که از دلی پر خون و قلبی پر سوز برخاسته، بر گونه‌های مبارکش فرو می‌ریزد و چنین زمزمه می‌کند:

«سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفْتٌ رُقَادِي، وَضَيِّقَتٌ عَلَيَّ مِهَادِي، وَابْتَرَّتْ مِنِّي رَاحَةُ فُؤَادِي، سَيِّدِي غَيْبُكَ أَوْصَلَتْ مُضَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ، وَفَقَدُ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ يُفْنِي الْجَمْعَ وَالْعَدَدِ، فَمَا أَحْسُ بِدَمْعَةٍ تَرْقِي مِنْ عَيْنِي وَأَنِينٍ يَفْتُرُ مِنْ صَدْرِي عَنْ دَوَارِجِ الرِّزَايَا، وَسَوَالِفِ الْبَلَايَا إِلَّا مَثَلٌ بِعَيْنِي عَنْ غَوَابِرِ أَعْظَمِهَا وَأَفْظَعِهَا، وَبَوَاقِي أَشَدِّهَا وَأَنْكَرِهَا، وَنَوَائِبَ مَخْلُوطَةٍ بِغَضَبِكَ، وَتَوَازِلَ مَعْجُونَةٍ بِسَخَطِكَ».

«ای سید و سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، عرصه را بر من تنگ نموده، آرامش دلم را از من سلب کرده است. سرور من! غیبت تو مصیبتی جانکاه بر سراسر وجودم فرو ریخته، و از دست دادن یکی پس از دیگری، اجتماعات را پراکنده ساخته، هستی‌ها را بر باد می‌دهد. اشک‌هایی که در اثر بلاها و گرفتاریها از دیدگانم فرو می‌ریزد و ناله‌هایی که از اعماق دلم بر می‌آید، هرگاه مختصر تسکینی می‌یابد و به سردی می‌گراید، احساس می‌کنم که مصیبتی جانکاه‌تر و فاجعه‌ای اسفبارتر و حادثه‌ای دلخراشتر، در برابر دیدگانم مجسم می‌شود که رویدادهای تأثرانگیزی است که با خشم تو آمیخته، و حوادث فاجعه آمیزی است که با غضب

تو عجبین شده است».

سدير مي‌گويد: هنگامي که آقا امام صادق (عليه السلام) را اين چنين پريشان ديديم، دلهايما ن آتش گرفت و هوش از سرما ن پريد، که چه مصيبت جانکاهي بر حجت خدا روي داده؟! چه حادثه اسفبار و فاجعه تآثرانگيزي بر او وارد شده است؟! عرض کرديم:

اي فرزند بهترين خلایق، چه حادثه‌اي بر تو روي داده که اين چنين سيل اشک از ديدگانت فرو مي‌ريزد؟! چه مصيبتی بر تو وارد شده که اشک ديدگانت چون ابر بهاري بر چهره‌ات سرازير شده است؟! چه فاجعه‌اي اين چنين ترا بر سوک نشانده است؟!

وجود اقدس آقا امام صادق (عليه السلام) چون بيد لرزيد و نفسهاي مبارکش به شماره افتاد و آنگاه آهي عميق به پهناي قفسه سینه از اعماق دل برکشيد و به ما رو کرد و فرمود:

«صبح امروز کتاب «جفر» را نگاه کردم، و آن کتابي است که همه علوم مربوط به مرگ و ميرها، بلايا و حوادث، و رويدادهای توده‌ها را تا پايان جهان در بردارد. اين کتاب را خداوند به پيامبر خویش و پيشوايان معصوم بعد از او (عليهم السلام) اختصاص داده است. در اين کتاب: تولد، غيبت، درنگ و طول عمر او، گرفتاری باورداران در آن زمان، راه يافتن شک و ترديد بر دل مردم در اثر طول غيبت، مرتد شدن مردم از آئين مقدس اسلام و بيرون رفتن آنها را از تعهد به اسلام خواندم و ديدم که رشته ولايت، که خداوند برگردن هر انساني افکنده، چگونه مي‌گسلد و پيوندشان قطع مي‌شود، دلم سوخت و امواج غم و اندوه بر پيکرم فرو ريخت» (۴۰).

مطالعه احوال شیعیان این زمان، این چنین امام صادق علیه السلام را دگرگون کرده و سیل اشک بر صورت مبارکش روان ساخته است، اما ما که آن صلابت و مقاومت امام علیه السلام را نداریم و سنگینی این رویدادهای تلخ و ناگوار را بر شانه های خود لمس می کنیم، چه حالی خواهیم داشت؟! اگر سراسیمه سربه بیابان نمی گذاریم و آتش دلمان جهان هستی را طعمه حریق نمی سازد، به این دلیل است که عظمت فاجعه و عمق مصیبت را در سطح امام معصوم علیه السلام درک نمی کنیم. وگرنه می بایست عقل از مغزمان بیرون رفته، آرامش از دلمان رخت بربندد و سراسیمه سربه بیابان نهاده، در دشت و صحرا غصه مرگ شویم. زیرا درک عمق فاجعه امام معصوم علیه السلام را با آن قدرت معنوی فوق العاده و بی حد، به آن حال اضطراب و تشویش انداخته است.

بارالها! ترا به ناله های امام صادق علیه السلام سوگند می دهیم که بیش از این خورشید تابان امامت را در پشت پرده های غیبت پنهان مساز، و دل های بی تاب ما را با آتش هجران مسوزان، و دیدگان نگران ما را از دیدار آن کعبه مقصود و قبله موعود محروم مفرما.

بار پروردگارا، ترا به جان آن «مضطرب» سوگند که هر وقت ترا بخواند، دعوتش را اجابت می فرمائی و ناملایمات را از او برطرف می سازی، به «مضطرب آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم» رخصت فرما، که ترا بخواند و آنگاه دعوتش را مستجاب فرما، و از او رفع گرفتاری بفرما.

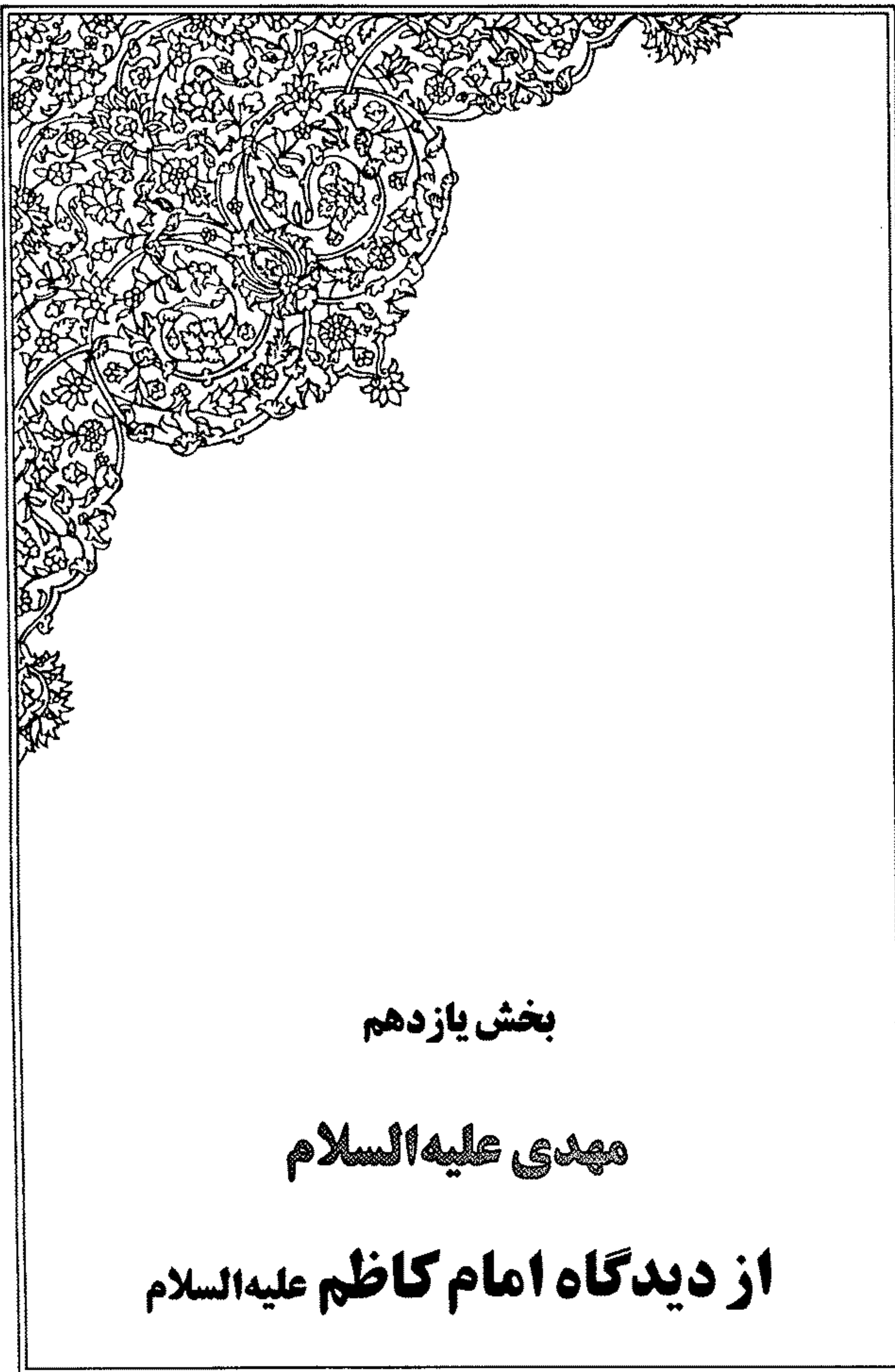
خداوندا، همین امشب که این سطور را می نگارم* و به احتمال قوی شب قدر است، تعجیل فرج مولا و پیشوای ما را مقدر بفرما.

* شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۰۴ هـ.

همه شب در دعای وارده از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم ترا می خوانیم و می گوئیم:

«وَفُكِّ كُلِّ أَسِيرٍ»: «بارالها! هر اسیری را آزاد کن». ای خدای فاطمه سلام الله علیها اسیر فاطمه را از زندان غیبت آزاد کن و دل فاطمه سلام الله علیها را شاد کن. تا پس از گذشت چهارده قرن، انتقام فاطمه را از غاصبان فدک در راستای تاریخ بگیرد و اندوه از دل فاطمه سلام الله علیها برگیرد.

ای عزیز فاطمه! برخیز! برخیز و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریز! ای عزیز! دردی جانکاه بر سراسر وجود ما فرو ریخته، جز با ظهور تو، آتش دلمان خاموش نمی شود، آتش هجران، هستی این یک مشت شیعه منتظر را برخاکستر نشانده، و ضربات شماتت بر پیکرشان پیایی فرود آمده، برخیز و شیعیانت را از زیر شماتت بیرون آور و با دست یداللهی ات نوازش فرما!.



بخش یازدهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام کاظم علیه السلام

«يَا بُنَيَّ إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ، اِمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ».

پسر جان! غیبت قائم یک آزمون الهی است
که به وسیله آن بندگان را می آزماید.
(موسی بن جعفر علیه السلام)*

پس از استقرار رژیم جنایت پیشه بنی عباس، آنان نیز از شیوه نکوهیده بنی امیه پیروی کرده، خفقان و اختناق را به حدّ اعلی رسانیدند و صدای حق طلبی را در گلوها خاموش کردند و با تمام قدرت تلاش نمودند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را از دست شیعیان بگیرند تا دانشگاه امام جعفر صادق علیه السلام ادامه پیدا نکند.

از این رهگذر روایات واصله از امام موسی بن جعفر علیه السلام به وسعت و گستردگی پدر بزرگوارش نمی باشد، طبعاً در مورد حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه نیز روایات محدودی از آن حضرت رسیده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

﴿۱۵۱﴾

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ! سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ سِيرُوا عَلَى جَنْبِي الطَّرِيقِ».

«هنگامی که قائم ما (علیه سلام الله) قیام کند به سواران دستور می دهد که از وسط راه حرکت کنند و به پیادگان دستور می دهد که از دو طرف خیابانها بروند».^(۱)

در این حدیث که بیش از دوازده قرن پیش، از امام معصوم علیه السلام صادر شده وضع امروز دقیقاً مورد توجه قرار گرفته، و به عنوان یکی از دستوراتی که آن مصلح کل در آخر الزمان در ضمن برنامه های وسیع خود در رابطه با آئین شهرداری صادر خواهد کرد، بیان شده است. اگر کوچه بنی هاشم در مدینه و دیگر کوچه های باریک و پر پیچ و خم مکه و مدینه امروزی را مورد توجه قرار دهیم که امام کاظم علیه السلام در آنها رفت و آمد داشت، ولی خیابانهای وسیع امروز را در چشم انداز وسیع خود مورد توجه قرار داده، از جدا شدن مسیر سواران از دو مسیر دست راست و دست چپ ویژه پیاده روها سخن گفته است، دچار شگفت می شویم ولی جای شگفت نیست که علم آنها از علوم بی کران الهی سرچشمه می گیرد. حتی در ادامه این حدیث از جریمه مخالفت با این قانون ترافیک سخن رفته است!

﴿۱۵۲﴾

«جناب علی بن جعفر علیه السلام از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«إِذَا فَقَدْ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ، قَالَ اللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلَنَّكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا، يَا بُنَيَّ! إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ، إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اِمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ، وَلَوْ عَلِمَ آبَاءُكُمْ وَأَجْدَادُكُمْ دِينًا أَصَحَّ مِنْ هَذَا لَا تَبْعُوهُ.

فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! وَمَا الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ؟ فَقَالَ:

يَا بُنَيَّ عُقُولُكُمْ تَضَعُفُ عَنْ هَذَا وَأَخْلَامُكُمْ تَضِيقُ عَنْ حَمْلِهِ، وَلَكِنْ إِنْ تَعِيشُوا فَسَوْفَ تَذَرُوكُونَهُ».

«هنگامی که پنجمین فرزند وصی هفتم از دیدگان ناپدید شود، از خدا بترسید در مورد دین خود، به خدا پناه ببرید در باره دینتان، که هرگز کسی نتواند شما را در مورد دینتان بلغزانند. پسر جان! بی تردید برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود تا بیشتر معتقدین به آن، از اعتقاد خود برگردند. این یک آزمون الهی است که شما را با آن آزمایش خواهد کرد. اگر نیاکان شما دینی بهتر از این می یافتند آنرا می پذیرفتند».

علی بن جعفر علیه السلام می فرماید: عرض کردم: سرور من مقصود از پنجمین فرزند وصی هفتم چیست؟ فرمود:

«پسر جان! عقلهای شما از درک آن ناتوان است و استعدادهای شما از حمل آن ناتوان است. اگر خداوند عمری دهد آن روز را درک خواهید نمود»^(۲).

اگر چه مقام دانش و فضیلت جناب علی بن جعفر علیه السلام بر همگان روشن است ولی امام علیه السلام می فرماید: عقلهای شما از درک آن قبله مقصود و کعبه موعود ناتوان است، که بی تردید چنان است، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمود: «یا علی ترا شناخت،

جز خدا و من! و ممکن است معنای حدیث این باشد که شما قدرت بر کتمان آن ندارید و افشای آن خطراتی دربر دارد.

در این حدیث امام کاظم علیه السلام به برادرش: «پسر جان!» خطاب می‌کند، که ممکن است برای محبت و شفقت و اظهار علاقه بیش از وصف باشد. و در همه منابعی که حدیث نقل شده، به تعبیر: «پسر جان» می‌باشد. (۳)

﴿۱۵۳﴾

«يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ، وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا، يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَيُذِلُّ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَيُظْهِرُ لَهُ كُتُورَ الْأَرْضِ وَيُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ، وَيُيَسِّرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَيُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ. ذَاكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ، وَلَا يَجَلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ، حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«شخص او از دیدگان ناپدید می‌شود ولی یاد او هرگز از خاطره مؤمنان فراموش نمی‌شود. او دوازدهمین ماست که خداوند هر مشکلی را برای او آسان سازد، و هر سختی را برای او هموار نماید، گنجهای زمین را برای او ظاهر کند، و راههای دور را برای او نزدیک نماید، ستمگران را به دست او نابود سازد، و اغواگران را به وسیله او از هستی براندازد. او پسر بهترین کنیزان است، که ولادتش بر مردمان پوشیده باشد، و بردن نام او روان باشد، تا خداوند تبارک و تعالی اذن ظهور دهد و به دست او زمین را پر از عدل و داد نماید، چنانکه پر از ظلم و بی‌داد شده باشد». (۴)

۳ - چنانکه در علل الشرایع، غیبت طوسی، غیبت نعمانی و کفایة الأثر نیز به تعبیر: یا بنی، می‌باشد.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

در این حدیث مانند دهها حدیث دیگر تصریح شده که پیش از ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام بردن نام اصلی ایشان روانیست. آنانکه به مضمون این احادیث معتقد هستند، می گویند: منظور از این نام، نام شریف اصلی آن حضرت است. از این رهگذر هر کجا ناگزیر باشند، آن را تقطیع می کنند و این چنین می نویسند: «م.ح.م.د». ولی در مقابل روایاتی داریم که در آنها اسم مقدس آقا به صورت صریح از زبان معصوم علیه السلام نقل شده است، از این رو بیشتر اساتید ما معتقد هستند که در زمان ما بردن نام مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فدا هیچ مانعی ندارد، و نهی از آن به زمانهائی چون غیبت صغری اختصاص داشت که امکان داشت خطراتی متوجه شیعیان بشود. در این زمینه کتابهائی نوشته شده که در آنها با استناد به احادیثی چون حدیث فوق از بردن نام آن حضرت نهی شده است، که از آن جمله است:

۱ - شرعة التسمية، في التهي عن تسمية صاحب الزمان عليه السلام، از مرحوم میرداماد.

۲ - رسالة في حرمة تسميه الحجة عليه السلام، از مرحوم سید محمد تقی قزوینی.

۳ - رسالة في تحريم تسمية صاحب الزمان عليه السلام، از مرحوم شیخ سلیمان ماحوزی.

۴ - رساله ای به همین نام، از مرحوم سید رفیع الدین طباطبائی، استاد علامه مجلسی، قدس الله اسرارهم.

و در مقابل اینها کتابی از مرحوم شیخ حرّ عاملی، صاحب وسائل الشیعة به نام: «كشف التعمية في حكم التسمية» در دست هست که در آن به جواز بردن نام آن حضرت در هر شرایط، فتوی داده است. و در «اثبات الهداة» می فرماید: جواز تسمیه

قولاً، فعلاً و تقریراً روایت شده و در احادیث متواتری به طور خصوص و عموم به آن امر شده است، که ما آنها را در رساله مستقلی گرد آورده ایم. پس به ناگزیر باید روایات نهی کننده را به حال خوف و تقیه حمل کنیم. (۵)

﴿۱۵۴﴾

«هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ، الْمُؤْتُوْرُ بِأَيِّهِ».

«او امام غریب، تنها، دور از وطن، و غائب از دیدگان کسان خویش است که خون پدرش را می گیرد». (۶)

مؤتور به کسی گفته می شود که خونی از او ریخته شده ولی هنوز انتقام آن را نگرفته است. از این رهگذر در زیارتنامه ها خطاب به امام حسین علیه السلام: «الْوِثْرُ الْمُؤْتُوْرُ» تعبیر می کنیم، که هنوز آن خونهای به ناحق ریخته شده، انتقامش گرفته نشده است. به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نیز در این حدیث «مؤتور» گفته شده، زیرا هنوز خون پدران بزرگوارش: امیرمؤمنان، امام حسین و امامان بعدی تا امام حسن عسکری علیهم السلام را نگرفته است، او هنوز انتقام مادر بزرگوارش حضرت فاطمة زهراء سلام الله علیها را نگرفته است، که طبق روایات در نخستین روزهای ظهور در مدینه منوره قاتلان مادرش فاطمه سلام الله علیها و غاصبان حقوق زهراى مرضیه علیها السلام را زنده می کند و انتقام خون مادرش را از آنها می گیرد، آنگاه جسد نحس آنها را از درختی آویزان می کند، و فرمان می دهد آتشی از زمین بیرون می زند و جسدشان را در شعله های خود می سوزاند، سپس به باد دستور می دهد که

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۰.

۶ - کمال الدین، ص ۳۶۱.

خاکستر آنها را به دریا بریزد، تا زمین از لوث وجودشان پاک شود. (۷)

﴿۱۵۵﴾

از خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد فرج سؤال شد، فرمود:
 کوتاه بگویم، یا به تفصیل؟ سائل گفت: کوتاه بفرمائید. فرمود:
 «إِذَا رَكَزَتْ رَايَاتُ قَيْسٍ بِمِصْرَ وَرَايَاتُ كَنْدَةَ بِخُرَّاسَانَ».
 «فرج هنگامی است که پرچمهای قیس در مصر متمرکز شود و پرچمهای کنده در
 خراسان». (۸)

﴿۱۵۶﴾

یونس بن عبدالرحمان می گوید: به خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
 وارد شدم و عرض نمودم: آیا شما قائم به حق هستید؟ فرمود:
 «أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَيَمْلَأُهَا
 عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي، لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا خَوْفًا
 عَلَى نَفْسِهِ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيُثَبِّتُ فِيهَا آخَرُونَ».
 «من قائم به حق هستم، ولی آن قائم که زمین را از لوث دشمنان خدا پاک می گرداند
 و روی زمین را پر از عدالت می کند، آنچنانکه پر از بی عدالتی شده است، او
 پنجمین فرزند من می باشد. برای او غیبتی هست که مدتش طولانی خواهد شد،
 زیرا بر خودش بیمناک است. در دوران غیبت گروههایی از دین بیرون می روند به

۷ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴.

۸ - بشارة الاسلام، ص ۱۵۲.

ارتداد می‌گرایند و گروهائی دیگر بر اعتقاد خود استوار می‌مانند».^(۹)

﴿۱۵۷﴾

«طُوبَى لِّشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا، أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ. قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً، فَطُوبَى لَهُمْ، هُمْ وَاللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«خوشا به حال شیعیان ما، که در زمان غیبت قائم ما (سلام الله علیه) به رشته ولایت ما چنگ می‌زنند و بر موالات ما ثابت و استوار می‌مانند و در برائت و بیزاری از دشمنان ما پا برجا و محکم می‌مانند. آنها از مايند و ما از آنهاييم. آنها ما را به امامت برگزيده‌اند و به پیشوائي ما راضي هستند و ما آنها را به عنوان شیعه خود برگزيده‌ايم و به عنوان شیعه خویش پسندیده‌ايم. خوشا به حال آنها. به خدا سوگند آنها در روز قیامت با ما و در کنار ما هستند».^(۱۰)

﴿۱۵۸﴾

«كَأَنِّي بِرَايَاتٍ مِنْ مُضَرٍّ مُقْبِلَاتٍ خُضِرَ مُصْبَغَاتٍ، حَتَّى تَأْتِيَ الشَّامَاتِ، فَتُهْدَى إِلَى ابْنِ صَاحِبِ الْوَصِيَّاتِ».

«گوئی پرچمهای مُضَر را با چشم خود می‌بینم که به رنگ سبز سیر به حرکت در آمده، تا وارد شامات می‌شود و در آنجا به فرزند صاحب وصیتها تسلیم می‌شود».^(۱۱)

۹ - کمال‌الدین، ص ۳۶۱.

۱۰ - اثبات‌الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷.

۱۱ - بشارة الاسلام، ص ۱۵۲.

منظور از صاحب وصیتها، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است که همه اوصیاء با وصیت او وصی شده‌اند. و در نتیجه معنی حدیث چنین خواهد بود: در دمشق به فرزند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تسلیم می‌شود.

﴿۱۵۹﴾

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَقُولُ النَّاسُ: لَمْ يُؤَلَّدْ بَعْدُ».

«صاحب این امر کسی است که مردم می‌گویند هنوز متولد نشده است» (۱۲).

در این زمینه معمولاً کلمه «ناس» به کسانی گفته می‌شود که پیوندشان از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قطع شده، از سرچشمه زلال ولایت دور افتاده‌اند، و بر اساس سخنان پوچ پیشوایان باطل خود به عقاید واهی گرائیده‌اند.

﴿۱۶۰﴾

«يَقُومُ الْقَائِمُ بِالسُّفْيَانِي؟ إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتَمٌ مِنَ اللَّهِ، وَأَمْرُ السُّفْيَانِي حَتَمٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسُّفْيَانِي قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَيَكُونُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ؟ قَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ. قُلْتُ: يَكُونُ فِي السَّنَةِ الَّتِي يَلِيهَا؟ قَالَ: يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ».

«مگر ممکن است که بدون خروج سفیانی، قائم (عجل الله فرجه) قیام کند؟! نه هرگز. ظهور قائم (ارواحنا فداه) از طرف خدا حتمی است و خروج سفیانی نیز از طرف خدا قطعی است، هرگز قائم (علیه السلام) بدون سفیانی نخواهد بود».

ابن اسباط می‌گوید، عرض کردم: آیا قائم (عجل الله فرجه الشریف) در همان سال ظهور می‌کند؟ فرمود: آنچه خدا اراده کند. گفتم: آیا در سال بعدی ظهور

می‌کند؟ فرمود: خدای تبارک و تعالی هر چه اراده کند، همانرا انجام می‌دهد. (۱۳)

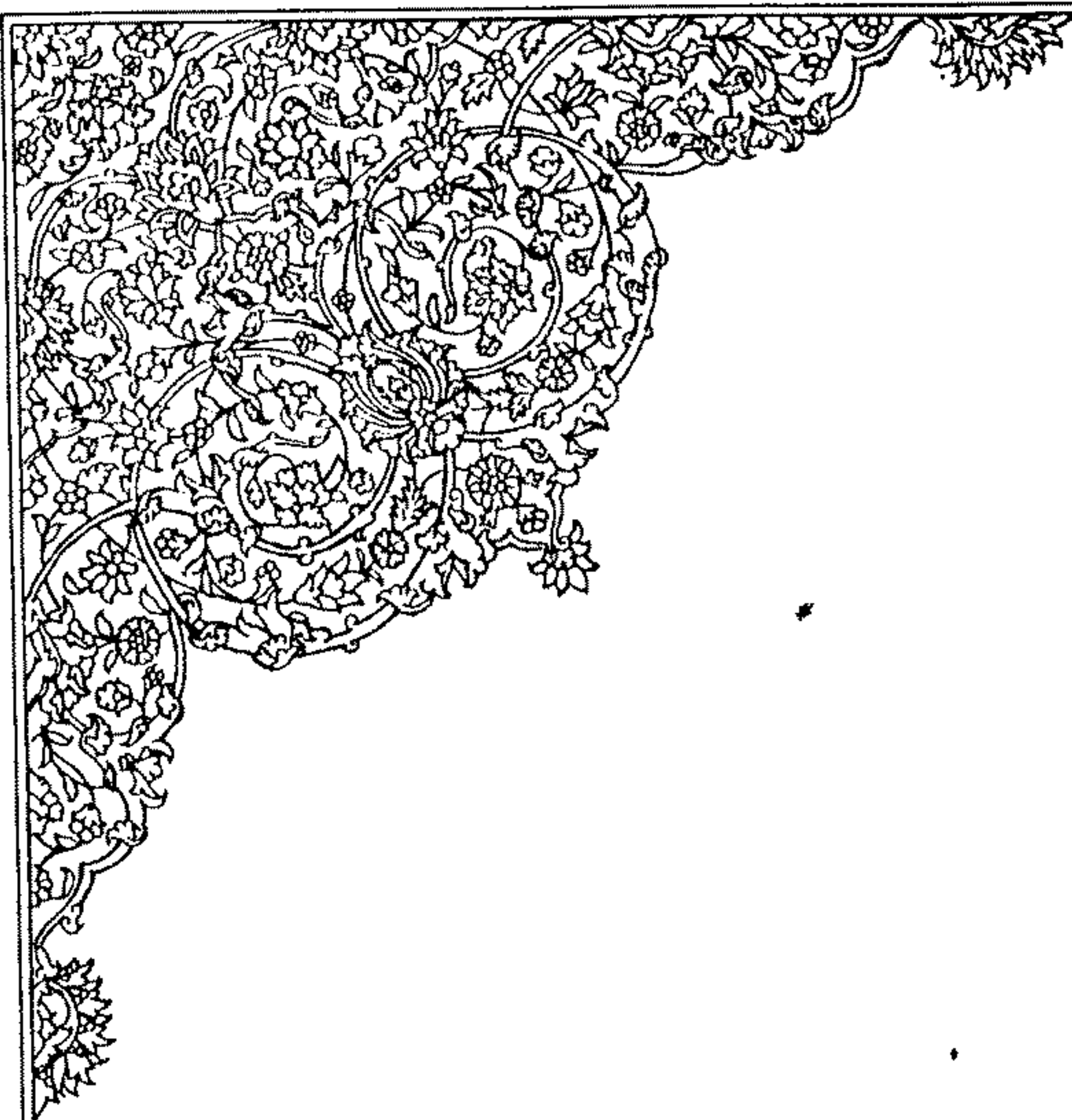
آنچه مسلم است این است که نابودی سپاه سفیانی به دست حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء خواهد بود و شخص سفیانی نیز توسط آن حضرت در کنار دریاچه طبریّه (در فلسطین) سر بریده می‌شود (۱۴) و مطابق برخی روایات میان قیام قائم ارواحنا فداء و خروج سفیانی هشت ماه تمام فاصله است.

* * * *

*

۱۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۵۳.

۱۴ - يوم الخلاص، ص ۲۹۵.



بخش دوازدهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام رضا علیه السلام

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَغْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ».

«گرامی‌ترین شما پیش خداوند، کسی است

که بیش از دیگران تقیه را رعایت کند».

(امام رضا علیه‌السلام)*

هارون الرشید از رو در روئی با امام کاظم علیه‌السلام نتیجه خوبی نگرفت و کشته شدن حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام بیش از پیش جنایات هارون را آشکار ساخت و پرده از مکر و حيله آن روباه مکار برداشت. از این رو پسرش مأمون با تجربه‌هایی که از اشتباهات پدر اندوخته بود، با امام رضا علیه‌السلام رفتار دیگری پیش گرفت، و آن حضرت را به پذیرش ولایتعهدی ناگزیر ساخت. اگر چه این کار بر خلاف میل امام رضا علیه‌السلام بود و مأمون از آن بهره‌برداریهایی سیاسی برای پائین آوردن مقام امام رضا علیه‌السلام می‌نمود، ولی در عین حال همین امر موجب شد که علوم آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم یکبار دیگر در اقطار و اکناف جهان منتشر گردد. و به همین دلیل نام مقدس امام رضا علیه‌السلام در جهان اسلام به عنوان محبوب‌ترین نامها بر سرزبانها افتاد و برای همین بود که امامهای بعدی به

لقب: «ابن الرضا» ملقب شدند. از این رهگذر روایات وارده از امام رضا علیه السلام در مورد ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و برنامه جهانی آن مصلح غیبی، به مراتب بیش از روایات واصله از پدر بزرگوارشان می باشد، که به قسمتی از آنها در این بخش اشاره می کنیم:

﴿۱۶۱﴾

ایوب بن نوح می گوید: به خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: اکنون که همه امت اسلامی با شما بیعت کرده اند و سگه ها به نام مقدس شما زده شده است، امیدوارم که آن صاحب امر شما باشید و بدون اینکه نیازی به شمشیر باشد، قدرت به شما منتقل شود. امام رضا علیه السلام فرمود:

«مَا مِنَّا أَحَدٌ اخْتَلَفَتْ إِلَيْهِ الْكُتُبُ، وَ سُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ، وَأُشَارَتْ إِلَيْهِ الْأَصَابِعُ، وَ حُمِلَتْ إِلَيْهِ الْأَمْوَالُ، إِلَّا أُغْتِيلَ، أَوْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، حَتَّى يَتَعَاقَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ رَجُلًا خَفِيَ الْمَوْلِدُ وَالْمَنْشَأُ، غَيْرَ خَفِيَ فِي نَسَبِهِ».

«کسی از ما نیست که نامه ها به سوی او سرانجام شود، پرسشها به طرف او فرستاده شود، با انگشتها به سوی او اشاره شود، و اموال به طرف او حمل شود، جز اینکه با شمشیر کین کشته شود، یا (با زهر جفا) در بستر بمیرد، تا خداوند مردی را برای این کار برانگیزد که تولد او مخفی باشد ولی نسب او بر همگان روشن و آشکار باشد» (۱).

﴿۱۶۲﴾

«لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسَمَّى اسْمُهُ».

«ریان بن صلت می گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد حضرت قائم ارواحنا فداه سؤال شد، فرمود: شخص او از دیده ها ناپدید می شود و نام او برده نمی شود».^(۲)

﴿۱۶۳﴾

«كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وَلَدِي، يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ، قُلْتُ لَهُ: وَلِمَ ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ. فَقُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: لِثَلَا يَكُونَ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ».

«حسن بن فضال می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: گوئی با چشم خود شیعیان را می بینم که به هنگام رحلت سؤمین فرزندم (امام حسن عسکری علیه السلام) به دنبال پناهگاهی می گردند و نمی یابند. گفتم: چگونه می شود ای فرزند پیامبر؟! فرمود: زیرا امامشان غائب می شود. پرسیدم: چرا؟! فرمود: برای اینکه هنگامی که با شمشیر قیام می کند، بیعت احدی در گردن او نباشد».^(۳)

﴿۱۶۴﴾

«لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّنَّ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَتُمَحَّصُوا، فَلَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ».

«آنچه انتظار می کشید واقع نمی شود جز هنگامی که در بوته آزمایش قرار بگیرید و شناخته شوید و از شما جز تعدادی اندک بر اعتقاد خود باقی نباشد. آنگاه این آیه

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

شریفه را تلاوت فرمود:

«الْمَ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ».

«آیا مردم خیال می‌کنند که اگر بگویند: ایمان آورده‌ایم، فرو گذارده

می‌شوند و در معرض امتحان قرار نمی‌گیرند» (۴)

﴿۱۶۵﴾

«لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلَمَ، يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةٍ، وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ الشَّيْعَةِ
الثَّالِثِ مِنْ وُلْدِي، يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَكُلُّ حَرَّى وَحَرَّانٍ، وَكُلُّ حَزِينٍ
وَلَهْفَانٍ».

«به ناگزیر فتنه سختی روی خواهد داد، که بسیار سخت و خانمان برانداز است.
همه خویشان و نزدیکان، همرازان و هم‌سنگران در آن سقوط می‌کنند. و آن هنگامی
است که شیعیان، سؤمین پسر را از دست بدهند. (از درد هجران) همه اهل آسمان
و زمین، همه عاشقان و شیفتگان، و همه دردمندان و دل سوختگان برای او گریه
می‌کنند» (۵)

ای کعبه دلها! همه عاشقان کوی تو، و چشم انتظاران روی تو، با دلی سوزان و
دیدگانی اشکبار از درد هجران و از طول فراق بی‌تابانه در انتظار دیدار جمال نورانی
تو هستند، پرده از رخسار الهی برافکن و آرزوی آرزومندان را برآور، که بیش از این
طاقة تحمل ندارند.

۴ - ارشاد مفید، ص ۳۶۰.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

﴿۱۶۶﴾

«الرَّابِعُ مِنْ وَلَدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُطَهَّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وَلَادَتِهِ وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ».

«چهارمین فرزند من، پسر بهترین کنیزان است. خداوند به وسیله او زمین را از هر ستمی پاک می گرداند و از هر بی عدالتی منزّه می سازد. او کسی است که مردم در ولادت او دچار تردید می شوند. او پیش از ظهور غیبتی طولانی دارد».^(۶)

﴿۱۶۷﴾

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا إِيْمَانٌ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ. فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى؟ قَالَ: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم سلام الله) فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا».

«کسی که پرهیزکار نباشد، دین ندارد. و کسی که تقیه نکند ایمان ندارد. گرامی ترین شما در نزد خدا، رعایت کننده ترین شماست در مورد تقیه. گفته شد: تا به کی؟ فرمود: تا روز معین، و آن روز خروج قائم ما اهل بیت. (علیهم سلام الله) است. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج قائم ما (علیه السلام)، تقیه را ترک کند از ما نیست».^(۷)

﴿۱۶۸﴾

«إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ الْفَرَجِ حَدَثًا يَكُونُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ، وَيَقْتُلُ فُلَانٌ مِنْ وَلَدِ فُلَانٍ،

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸.

۷ - کمال الدین، ص ۳۷۱.

خَمْسَةَ عَشَرَ كَبْشاً مِنَ الْعَرَبِ».

«از نشانه‌های فرج حادثه‌ای است که در میان دو مسجد (مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه وآله وسلم) واقع می‌شود. در آن حادثه فلانی از فرزندان فلانی، ۱۵ نفر از پهلوانهای عرب را می‌کشد».^(۸)

﴿۱۶۹﴾

«ریان بن صلت می‌گوید: به خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

«أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، وَلَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمْلَأُهَا عَدْلًا، كَمَا مِلْتُ جَوْرًا، وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي، وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ، قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ، حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ، ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وَلَدِي، يُغَيَّبُهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ، ثُمَّ يَظْهَرُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، كَأَنِّي بِهِمْ آيَسٌ مَا كَانُوا قَدْ نُوذُوا نِدَاءً أَيْسَمَعُ مِنْ بُعْدٍ كَمَا يُسَمَعُ مِنْ قُرْبٍ يَكُونُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَذَابًا عَلَى الْكَافِرِينَ».

«من صاحب این امر هستم، ولی من کسی نیستم که زمین را پر از عدل و داد کنم، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. من چگونه با این ضعفی که در بدن من می‌بینی، می‌توانم او باشم؟! قائم (علیه السلام) کسی است که چون خارج شود، در سن پیرمردان و در سیمای نو نهالان باشد. آن قدر بدنش نیرومند است که اگر دست مبارکش را به طرف بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را از ریشه بکند، اگر در

میان کوهها بانگ برآورد، صخره‌های آن فرو ریزد. عصای موسی (علیه‌السلام) و انگشتر سلیمان (علیه‌السلام) با او خواهد بود. او چهارمین فرزند منست. خداوند او را تا هنگامی که بخواهد، در پشت پرده غیبت نگهدارد. آنگاه ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. گوئی با چشم خود می‌بینم در حالیکه مردمان به یأس و نومیدی دچار شده‌اند، ندای آسمانی را می‌شنوند، که این ندا از مسافت دور همچون فاصله‌ای نزدیک شنیده می‌شود. او برای مؤمنان رحمت و برای کافران تازیانه عذاب خواهد بود».^(۹)

در این حدیث قدرت جسمی حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداء به تعبیری بسیار شیوا ترسیم شده است. و با توجه به اینکه در کلام معصوم علیه‌السلام، مبالغه و تعارف به کار نمی‌رود، روشن می‌شود که حضرت مهدی علیه‌السلام با آن قدرت فوق‌العاده‌اش که خاطرات شیرین جدّ بزرگوارش امیرمؤمنان علی علیه‌السلام را زنده خواهد کرد و قدرت‌نمائی آن حضرت را در فتح خیبر و قتل عمرو بن عبدود به نمایش خواهد گذاشت، به هر طرف روی کند پیروز خواهد شد، به کاخ هر ستمگری برسد بر سرش فرو خواهد ریخت، به هر ستم‌دیده‌ای برسد، رفع ستم خواهد نمود.

این قدرت بیرون از وصف از یکسو، و قدرت معنوی او نیز از دیگر سو، که عصای موسی علیه‌السلام و انگشتر سلیمان علیه‌السلام دو پشته‌ای معنوی بسیار نیرومندی است، که در این حدیث بازگو شده است. عصای حضرت موسی علیه‌السلام یادآور هلاکت فرعونها و انگشتر حضرت سلیمان علیه‌السلام یادآور فرمانروائی مطلق آن حضرت بر همه جانداران از آدمیان و پریان، حتی پرندگان و

چرندگان و درندگان می باشد. که حکومت جهانی حضرت بقیّة الله ارواحنا فدا به مراتب قویتر از سلطنت حضرت سلیمان علیه السلام خواهد بود و بر تمام گیتی فرمانروائی مطلق خواهد داشت و هلاکت همه فرعونها و طاغوتها به دست او خواهد بود. از خدای دانا و توانا، مسئلت می نمائیم که دیدگان نگران ما را به دیدار آن جمال الهی منور، و ما را برای زندگی در حکومت جهانی آن مصلح غیبی موفق نماید. انشاء الله.

﴿۱۷۰﴾

«فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَضْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَهُوَ الَّذِي تُطَوُّى لَهُ الْأَرْضُ وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ، وَهُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ، يَقُولُ: أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ، فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ».

«او چون ظاهر شود، زمین به نور پروردگارش نورانی گردد. ترازوی عدالت را در میان مردم قرار دهد (ارزشها و معیارهای عدالت را پیاده کند) دیگر احدی به دیگری ستم نمی کند، زمین زیر پایش طی می شود و برای او سایه نمی باشد. برای او منادی غیبی از آسمان ندا می کند و همه مردم روی زمین آن ندا را می شنوند که آنها را به سوی او دعوت می کند و می گوید: آگاه باشید که حجّت خدا در کنار خانه خدا ظاهر شده است، از او پیروی کنید که حق با اوست و در دست اوست» (۱۰)

﴿۱۷۱﴾

«إِنَّ الْخَضِرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ، وَإِنَّهُ لَيَأْتِينَا فَيَسَلُّمُ عَلَيْنَا، فَتَسْمَعُ صَوْتَهُ وَلَا تَرَى شَخْصَهُ... وَ سَيُؤْنِسُ اللَّهُ بِهِ وَخْشَةً قَائِمَنَا فِي غَيْبَتِهِ، وَيَصِلُ بِهِ وَخْدَتَهُ».

«حضرت خضر (علیه السلام) از آب حیات خورده است و لذا او زنده است و تا دمیدن صور نخواهد مرد. او همواره پیش ما می آید و بر ما سلام می کند، ما صدای او را می شنویم و خود او را نمی بینیم... خداوند به وسیله او رنج غربت را از قائم ما (ارواحنا فداه) در زمان غیبت خواهد زدود، و با مانوس بودن او، قائم (علیه السلام) را از تنهایی رهائی خواهد داد».^(۱۱)

﴿۱۷۲﴾

«قَدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلُ يَسُوعَ».

«پیش از قیام قائم (عجل الله فرجه) کشتاری است که لحظه ای قطع نمی شود».^(۱۲)

﴿۱۷۳﴾

«مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ».

«چقدر نیکوست شکیبائی و انتظار فرج».^(۱۳)

۱۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰.

۱۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۵۶.

۱۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

﴿۱۷۴﴾

«مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ، لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً».

«مثل قائم ما (ارواحنا فداه) مثل قیامت است که به طور ناگهانی ظاهر می شود». (۱۴)

﴿۱۷۵﴾

«دُعْبِلْ خُزَاعِي، أَنْ شَاعِرٌ مَعْرُوفٌ أَهْلَ بَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، هَنَگَامِي كِه بِه خَدَمَتِ
امام رضا علیه السَّلَام رسید و قصیده معروفش: «مَدَارِسُ آيَاتِ خَلَّتْ مِنْ تَلَاوَةِ» را
خواند، تا به این بیت رسید:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ

- ظهور امامی که به ناگزیر خروج خواهد کرد، به نام خدا قیام می کند و برکتهای
حق تعالی را به همراه می آورد.

- در میان ما حق را از باطل جدا می سازد. و در برابر نیکی ها و زشتی ها پاداش و
کیفر دهد.

هنگامی که دعبل به این دو بیت رسید، امام رضا علیه السَّلَام به شدت گریست،
و آنگاه سر مبارکش را بلند کرد و خطاب به دعبل فرمود:

«يَا خُزَاعِيُّ! نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيْتَيْنِ، فَهَلْ تَدْرِي مَنْ
هَذَا الْإِمَامُ وَمَتَى يَقُومُ؟».

«ای دعبل! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری ساخته است. آیا

می دانی که آن امام کیست؟ و چه زمانی قیام می کند؟».

دعبل عرض کرد: نه، سرورم. فقط شنیده‌ام که امامی از شما خروج می کند و زمین را از تباهی ها پاک می سازد، و آن را پر از عدل و داد می نماید، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. امام رضا علیه السلام فرمود:

«يَا دُعْبَلُ! أَلَا مَأْمُوعِدِي: مُحَمَّدٌ ابْنِي، وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ: ابْنُهُ عَلِيُّ، وَبَعْدَ عَلِيٍّ: ابْنُهُ الْحَسَنُ، وَبَعْدَ الْحَسَنِ: ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ، الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ، لَوْ لَمْ يَتَّقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا».

«ای دعبل! امام بعد از من: پسر محمد است، و بعد از محمد: پسرش علی است، و بعد از علی: پسرش حسن و بعد از حسن: پسرش حجت است که «قائم» است (سلام الله عليهم) و در غیبتش او را انتظار کشند و در ظهورش از او فرمان برند. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی گرداند که او خارج شود و روی زمین را پر از عدل و داد نماید، آنچنانکه از بی عدالتی پر شده باشد».

سپس فرمود:

«أَمَّا أَيْنَكُمُ الْخَارِجُ مَيَّ شُود؟ أُنْ مَرَبُوطٌ بِي وَقْتِ اسْتِ، كِي پَدْرَم، اَز پَدْرَش، اَز پَدْران بزرگوارش، اَز امیرمؤمنان (علیه السلام) اَز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده‌اند که به آن حضرت گفته شد: قائم نسل تو کی خارج می شود؟ فرمود: مثل او همانند مثل قیامت است، جز خدا کسی از وقت آن آگاه نیست، بر آسمانها و زمین بسی گران است، جز به صورت ناگهانی خارج نمی شود» (۱۵)

۱۵ - کفایة الأثر، ص ۲۷۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴؛ کمال الدین، ص ۳۷۲ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۷.

نگارنده گوید: این همان قصیده است که دعبل آن را با بیت زیر ختم کرده بود:

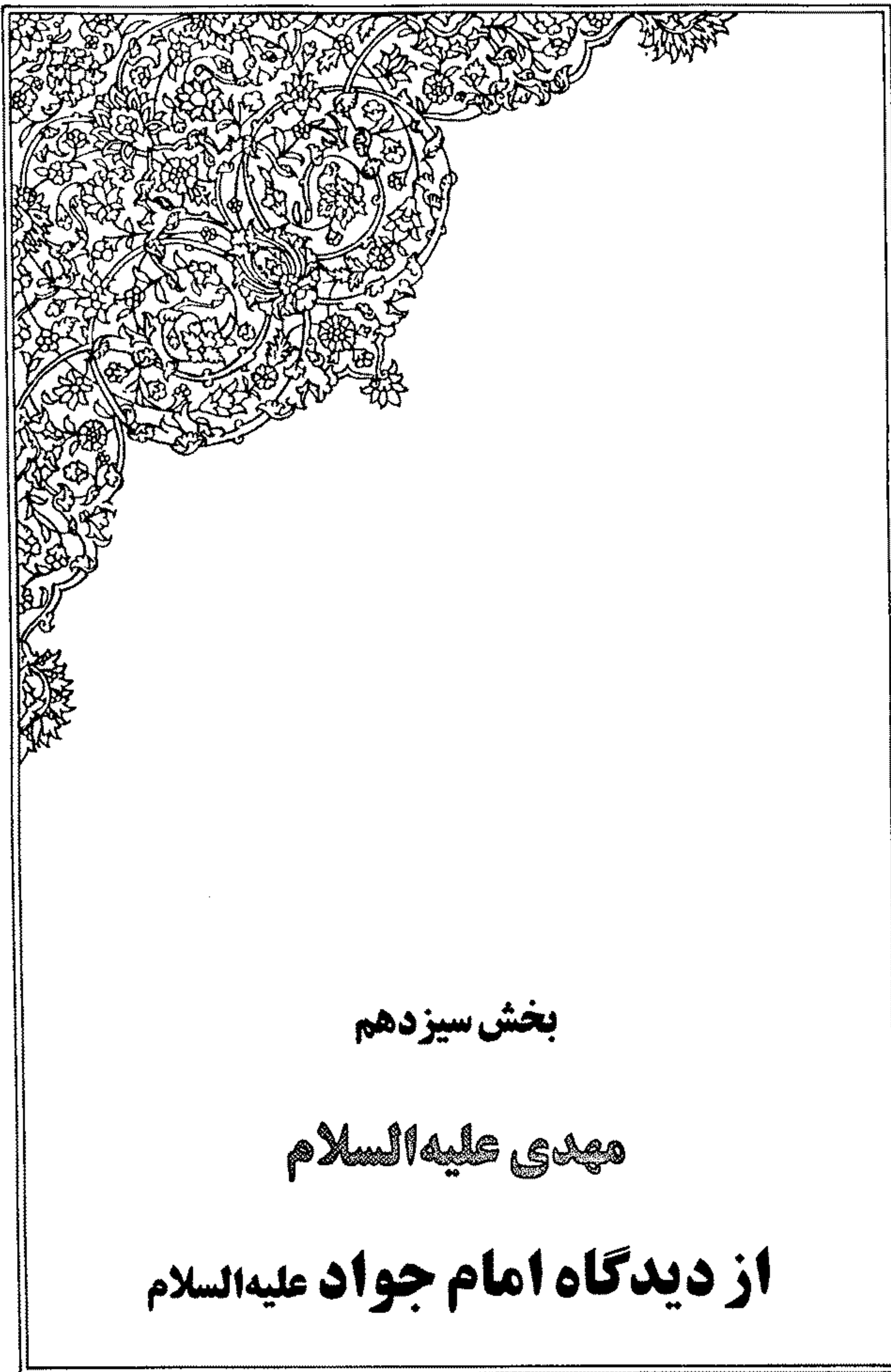
وَقَبْرٌ بِبَغْدَادَ لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ تَضَمَّنَهُ الرَّحْمَانُ فِي الْغُرَفَاتِ

چون به این بیت رسید، امام رضا علیه السلام به او فرمود: آیا دو بیت دیگر به این قصیده تو بیفزایم؟ تا قصیده ات کامل شود؟ عرضه داشت: چه افتخاری بالاتر از آن، بفرمائید. امام علیه السلام فرمود:

وَقَبْرٌ بِطُوسَ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ أَلَحَّتْ عَلَى الْأَخْشَاءِ بِالزَّفَرَاتِ

إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يُفَرِّجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

دعبل گفت: ای فرزند پیامبر! من در طوس چنین قبری را سراغ ندارم. آن، قبر چه کسی است؟ فرمود: آن قبر منست. چیزی نمی گذرد که طوس محل آمد و شد شیعیان و زائران من می شود، آگاه باش که هر کس مرا در آن دیار غربت زیارت کند، در روز قیامت با من و در کنار من خواهد بود و گناهانش آمرزیده خواهد شد. (۱۶)



بخش سیزدهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام جواد علیه السلام

«أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ».

«برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است».

(امام جواد علیه السلام)*

مأمون الرشید، دخالت دادن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در امور کشوری در عهد امام رضا علیه السلام آزمود و نتیجه خوبی نگرفت، از این رهگذر پس از به شهادت رسانیدن امام رضا در مورد امام جواد علیهما السلام سیاست دیگری اتخاذ کرد و آن اینکه او را مستقیماً در امور کشوری دخالت ندهد ولی در آخرین حد ممکن اظهار علاقه کند، از این رو دخترش ام الفضل را به همسری امام جواد علیه السلام در آورد و خود به دوستی آن حضرت تظاهر می کرد ولی از داخل و خارج محدودیتهائی ایجاد می کرد. و در عین حال در چند جلسه رسمی که بین امام جواد علیه السلام و علمای ادیان واقع شد، عظمت آن حضرت در تمام اقطار و اکناف جهان اسلام پیچید و در معضلات و مشکلات از چهار گوشه جهان به سوی آن حضرت می شتافتند، و همواره استوارترین پاسخها را دریافت می کردند. از امام

جواد علیه السلام در مقایسه با پدر بزرگوارش احادیث کمتری به دست ما رسیده است، در مورد حضرت بقیة الله ارواحنا فداه نیز احادیث محدودی از آن بزرگوار رسیده، که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

﴿۱۷۶﴾

جناب عبدالعظیم حسنی - مدفون در شهر ری - می‌فرماید: به خدمت امام جواد علیه السلام شرفیاب شدم و تصمیم داشتم که از آن حضرت در مورد قائم (عجل الله فرجه) سؤال کنم که آیا او همان مهدی است، یا شخص دیگری است؟ چون مرا دید، پیش از آنکه من سؤال خود را مطرح کنم، فرمود:

«يَا أَبَا الْقَاسِمِ! إِنَّ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي، وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالنُّبُوَّةِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ، إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيْمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُضْلِحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ، كَمَا أَضْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى (عليه السلام) إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا، فَرَجَعَ وَهُوَ رَسُولُ نَبِيِّ. ثُمَّ قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ».

«ای ابوالقاسم! (کنیه حضرت عبدالعظیم) مهدی ما (ارواحنا فداه)، آن امام هدایتگر است که باید در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهور از او اطاعت نمود. او سومین فرزند منست. سوگند به پروردگاری که محمد صلی الله علیه وآله وسلم را به رسالت برانگیخت و تاج امامت را بر سر ما نهاد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد خداوند آن روز را طولانی نماید، تا در آن خارج شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. خداوند تبارک و تعالی امر

فرج را در یک شب اصلاح می‌کند، چنانکه امر رسالت کلیم خود حضرت موسی علیه‌السلام را در یک شب هموار نمود، هنگامی که او رفت تا برای خانواده‌اش آتشی بیاورد، با نور نبوت و مشعل رسالت برگشت. سپس فرمود:

برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است.^(۱)

﴿۱۷۷﴾

«الْقَائِمُ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا، هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ».

«آن قائم (سلام الله علیه) که خداوند زمین را به دست او از لوث کافران و منکران پاکیزه خواهد کرد، و روی زمین را به دست او پراز عدل و داد خواهد نمود، کسی که تولدش بر مردمان پوشیده باشد و خودش از دیده‌های آنها غائب شود».^(۲)

﴿۱۷۸﴾

«امیه بن علی قیسی می‌گوید: به خدمت امام جواد علیه‌السلام عرض کردم: جانشین شما بعد از شما کیست؟ فرمود:

«إِبْنِي عَلِيٌّ، إِبْنِي عَلِيٌّ، ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّهَا سَتَكُونُ حَيْرَةً».

«پسرم علی، پسرم علی (امام هادی علیه‌السلام) سپس سر مبارکش را پائین انداخت و مدتی در اندیشه فرو رفت. آنگاه سر مبارکش را بلند کرد و فرمود: آنگاه حیرت و سرگردانی خواهد بود».

گفتم: هنگامی که حیرت و سرگردانی پیش آید به کجا برویم؟! فرمود: جائی

۱ - کمال‌الدین، ص ۳۷۷.

۲ - اثبات‌الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸.

نیست، جائی نیست، جائی نیست. باز تکرار کردم: کجا برویم؟! فرمود: به سوی مدینه. گفتم: کدام مدینه؟ فرمود: همین مدینه مگر جز این مدینه، مدینه دیگری نیز وجود دارد؟! (۳).

در این روایت، چون دیگر روایتها به سوی مدینه ارجاع شده است، که یکی از شهرهای مورد توجه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است، و تشریفهای بسیاری در این شهر برای دوستان آن سرور در این شهر مقدس حاصل شده است. ممکن است یکی از انگیزه‌های آن، وجود مرقد مطهر رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها و چهار امام معصوم علیهم السلام در آن شهر مقدس باشد. و شاید برای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء خانه‌ای در این شهر باشد که برخی از نیکبختان به دیدار آن نائل آمده‌اند.

﴿۱۷۹﴾

«إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي عَلِيٌّ (عليه سلام الله) أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي، وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ (عليه السلام) أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ، وَقَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ، وَطَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ».

«امام بعد از من پسر من علی (علیه السلام) است، که فرمان او فرمان من، گفتار او گفتار من، و اطاعت او اطاعت من است. و امام بعد از او پسرش حسن عسکری (علیه السلام) است که فرمان او فرمان پدرش، گفتار او گفتار پدرش، و اطاعت او اطاعت پدرش می‌باشد».

آنگاه امام جواد علیه السلام ساکت شد، راوی حدیث «صَفَر» پرسید: امام بعد از

حسن عسکری علیه السلام کیست؟ امام جواد علیه السلام به شدت گریست، سپس فرمود:

«الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرُ».

«امام بعد از حسن، پسرش قائم منتظر (علیهما السلام) است که به حق قیام می کند».

صقر پرسید: چرا به او «قائم» می گویند؟ فرمود:

«لَأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ».

«زیرا او پس از آنکه نام مقدسش دستخوش فراموشی شد و بیشتر معتقدان به

امامتش، از عقیده خود برگشتند، قیام می کند».

صقر پرسید: چرا به او «مُنْتَظَر» می گویند! فرمود:

«لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَيَطُولُ أَمْدُهَا، فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُنْكِرُهُ

الْمُرْتَابُونَ وَيَسْتَهْزِءُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ. وَيَكْذِبُ فِيهِ الْوَقَّاتُونَ، وَيَهْلِكُ فِيهِ

الْمُسْتَعْجِلُونَ. وَيَنْجُو فِيهِ الْمُسَلِّمُونَ».

«زیرا برای او غیبتی است که روزگاری دراز طول می کشد، در آن دوران غیبت،

مخلصان انتظار می کشند، اهل ریب و تردید به شک می افتند و منکران یاد او را

مسخره می کنند، وقت تعیین کنندگان، دروغگو از آب درمی آیند، شتاب کنندگان

هلاک می شوند و تسلیم اراده خدا شونده ها نجات می یابند».^(۴)

﴿ ۱۸۰ ﴾

جناب عبدالعظیم حسنی می فرماید: به خدمت امام جواد علیه السلام عرض

کردم: امیدوارم شما آن «قائم اهل بیت» باشید که زمین را پر از عدل و داد خواهد

نمود، چنانکه پراز جور و ستم شده است. فرمود: ای ابوالقاسم: «مَا مِنَّا إِلَّا وَهُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ، وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ، وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ، وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَتُهُ، وَهُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَكُنْيَتُهُ، وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَيَذَلُّ لَهُ كُلُّ صَغَبٍ وَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ: ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ».

«هیچکدام از ما نیست جز اینکه قائم به امر خدا، و هادی به سوی دین خدا می باشد. و لکن آن قائم که خدای تبارک و تعالی روی زمین را به وسیله او از اهل کفر و الحاد پاکیزه می سازد، و آن را پراز عدل و داد می نماید آنچنانکه پراز جور و ستم شده باشد، او امامی است که تولدش بر مردم پوشیده باشد و خودش از دیدگان آنها غائب باشد و بردن نام مبارکش بر آنها روا نباشد. و او همنام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و هم کنیه اوست. که زمین زیر پاهایش طی می شود و هر مشکلی برای او آسان می گردد و به تعداد اصحاب بدر: ۳۱۳ نفر از یاران، از دورترین نقاط دنیا، در اطراف او گرد آیند. و این است معنای گفتار خداوند، که می فرماید:

«أَيْنَمَا تَكُونُوا، يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً، إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

«هر کجا باشید، خداوند همه شما را گرد می آورد، که به راستی خداوند بر هر چیزی قادر است».

«فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ، أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ، فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ، خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

«هنگامی که این تعداد از یاران با اخلاص گرد آمدند، خداوند امر او را ظاهر سازد. تا هنگامی که ده هزار نفر از یاران جمع شدند، به اذن خداوند

ظاهر می شود و دشمنان خدا را می کشد تا خداوند راضی شود». جناب عبدالعظیم می فرماید: عرض کردم: سید و سرور من! چگونه می داند که خداوند راضی شده است؟ فرمود: «يُلْقِي فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَالْعُزَّى فَاخْرَقَهُمَا».

«خداوند رأفت و مرحمت در دل او می افکند. چون خارج شد به مدینه می رود و لات و عزری را از قبر درمی آورد و طعمه حریق می سازد». (۵) در اینجا مقصود از «لات و عزری» دو بت بزرگ قریش است که حق را از مسیر خود خارج کردند، شاه ولایت را خانه نشین کردند، حق فاطمه سلام الله علیها را غصب و فدک را مصادره کردند و یک ثلث عترت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را از طریق کشتن «محسن» از بین بردند. که لعنت خدا و پیامبران و همه فرشتگان و آدمیان و پریان بر آنها باد.

﴿۱۸۱﴾

«إِذَا مَاتَ ابْنِي عَلِيٌّ بَدَأَ سِرَاجٌ بَعْدَهُ، ثُمَّ خَفِيَ، فَوَيْلٌ لِلْمُرْتَابِ وَطُوبَى لِلْعَرَبِ الْفَارِ بِدِينِهِ ثُمَّ يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ أَحْدَاثٌ، تَشِيبُ فِيهَا النَّوَاصِي وَتَنْشَقُّ الصُّمُ الصَّلَابُ».

«چون پسر من علی (امام هادی علیه السلام) در گذشت، چراغی آشکار می شود (امام حسن عسکری علیه السلام) آنگاه خاموش می شود، وای بر کسی که دچار شک و تردید شود. خوشا به حال کسی که دین خود را بردارد و فرار کند. آنگاه حوادثی روی می دهد که جوانان پیر می شوند و موها سفید می گردد. فتنه ها به قدری سخت

و کمر شکن خواهد بود که سنگهای سخت و صخره‌های فولادین از وحشت آن شکسته می‌شوند» (۶).

«الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فِي لَيْلِهِ الْجُمُعَةِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا، وَفِي آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ الْمَلْعُونِ إِبْلِيسَ، يُنَادِي أَنَّ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا، يُشَكِّكُ النَّاسَ وَيُفْتِنُهُمْ، فَكَمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكٍّ مَتَحِيرٍ، فَإِذَا سَمِعْتُمْ ذَلِكَ الصَّوْتَ فِي رَمَضَانَ (يعني: الأول) فَلَا تَشْكُوا أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرَائِيلَ، وَعَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ وَاسْمِ أَبِيهِ».

«نخستین ندای آسمانی در ماه رمضان و در شب جمعه است، آن را گوش دهید و اطاعت کنید. و در آخر روز شیطان ملعون بانگ بر می‌آورد که فلانی (سوّمی لعنة الله عليه) مظلوم کشته شد، تا مردم را به شک و تردید وادارد و فتنه برپا کند. آن روز چقدر از مردم دچار شک و حیرت شده، سرگردان می‌شوند؟!، هنگامی که ندای اولی را در ماه رمضان شنیدید، هرگز شک به خود راه ندهید که آن صدای جبرئیل است. و نشانه آن این است که از «مهدی» به نام خود و پدرش (علیه السلام) نام می‌برد» (۷).

﴿۱۸۳﴾

«إِنَّهَا سَتَكُونُ حِيزَةً، لَوْ عُيِّنَ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ لَقَسَّتِ الْقُلُوبُ وَلَرَجَعَ غَاثَةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ. وَلَكِنْ قَالُوا: مَا أَسْرَعَهُ! وَمَا أَقْرَبَهُ! تَأَلَّفَا لِقُلُوبِ النَّاسِ، وَتَقَرَّبَا لِلْفَرَجِ».

«به راستی سرگردانی خواهد بود. اگر برای این امر وقتی تعیین می‌شد دلها را قساوت می‌گرفت و همگی از اسلام بر می‌گشتند، ولی چون وقتی تعیین نشده،

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶.

۷ - بشارة الاسلام، ص ۱۶۰.

می‌گویند: چه زود است! وه چه نزدیک است! و بدینگونه دلها انس می‌گیرد و آرامش می‌یابد و فرج نزدیک می‌شود». (۸)

آری اگر در اوایل غیبت کبری به مردم گفته می‌شد که مصلح غیبی هزار سال بعد خواهد آمد، دل عاشقان می‌گرفت و دردمندان از غصه و اندوه جان می‌سپردند، و منتظران از طول هجران به نومیدی می‌گرائیدند، ولی با تعیین نشدن زمان ظهور، یک حالت انتظار که بزرگترین عامل تحرک و دینامیسم است، درست یک‌هزار و یکصد و پنجاه سال بر همه شیعیان سایه افکنده، و در این مدت طولانی هر لحظه برای رسیدن وقت موعود ثانیه شماری نموده‌اند، که به تعبیر امام سجّاد علیه‌السلام: «انتظار فرج خود از بزرگترین فرجهاست». (۹) و امام جواد علیه‌السلام در همین رابطه می‌فرماید:

﴿۱۸۴﴾

«أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ بِإِنْتِظَارِهِ». «برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. کسی که این امر را بشناسد، به وسیله انتظار فرج، برای او گشایش حاصل می‌شود». (۱۰)

﴿۱۸۵﴾

«ابو‌هاشم جعفری می‌گوید: در محضر امام جواد علیه‌السلام بودیم، صحبت از سفیانی شد و این جمله بازگو شد که: «امر سفیانی از حتمیات است»، به خدمت

۸ - یوم‌الخلاص، ص ۲۱۵.

۹ - کمال‌الدین، ص ۳۱۹.

۱۰ - یوم‌الخلاص، ص ۲۴۸.

امام جواد علیه السلام گفتیم: «آیا ممکن است در مورد یک امر حتمی نیز برای خدای تبارک و تعالی بدا حاصل شود؟ فرمود: آری. گفتیم: می ترسیم در مورد قائم (علیه السلام) نیز برای خداوند بدا حاصل شود! فرمود:

«الْقَائِمُ مِنَ الْمِيعَادِ وَاللَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ».

«ظهور قائم (عجل الله فرجه) میعاد است (یعنی: خداوند توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به آن وعده داده است) و خداوند هرگز در وعده های خود خلف نمی کند» (۱۱).

مطابق این حدیث شریف ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، از وعده های قطعی حق تعالی است که توسط همه پیامبران عظیم الشأن علیهم السلام نوید ظهور او داده شده است. چنانکه قسمتی از این بشارتها در بخش اول همین کتاب گذشت. هنگامی که ظهور آن حضرت از «میعاد» باشد، دیگر در آن «بدا» ممکن نیست، که در این صورت «خلف وعده» به شمار می آید، چنانکه قرآن کریم فرموده است:

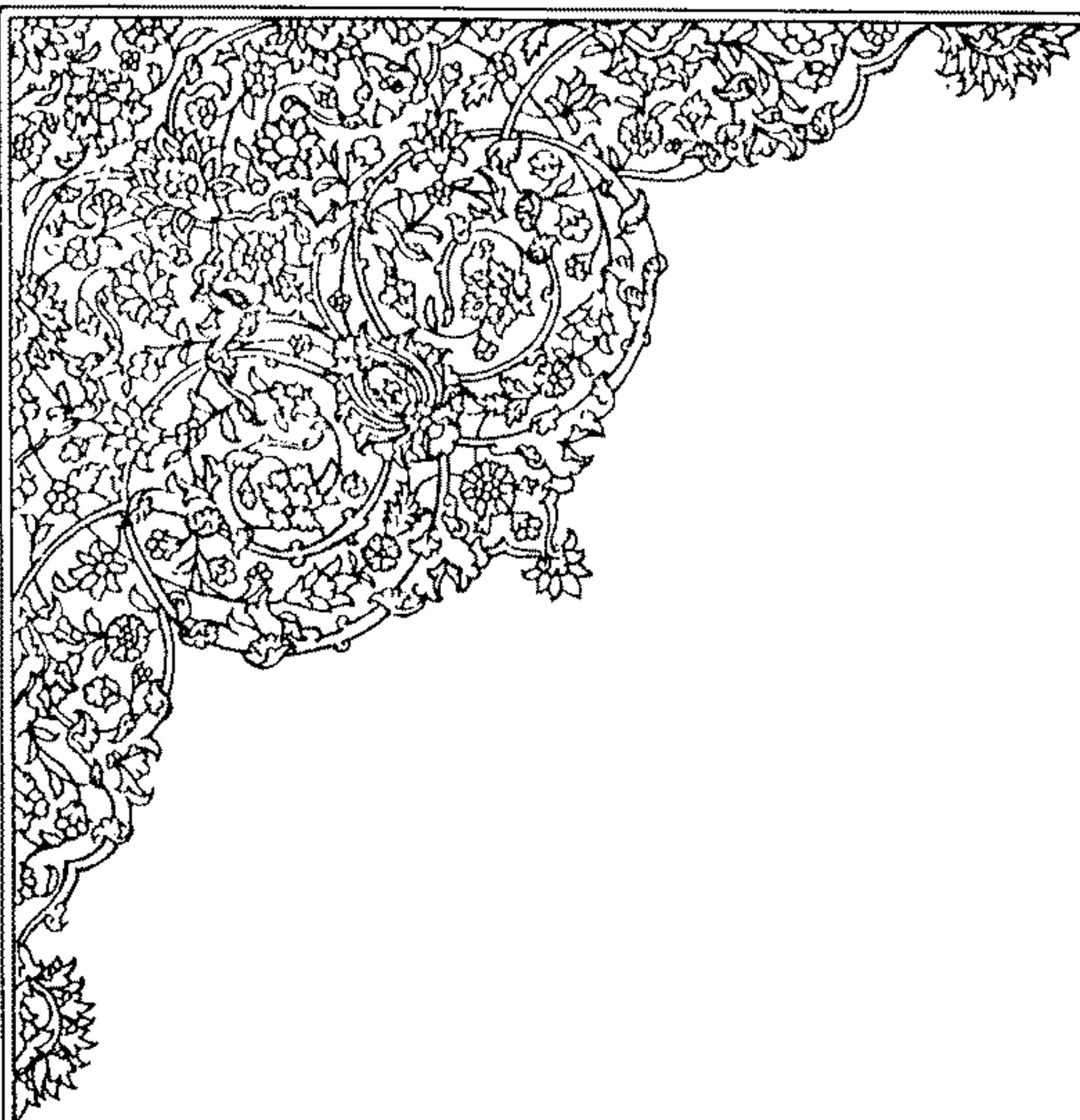
«فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدِهِ رُسُلَهُ».

«هرگز گمان مبر که خداوند وعده ای را که به وسیله پیامبرانش ابلاغ نموده، خلف کند» (۱۲).



۱۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۴.

۱۲ - سورة ابراهيم، آیه ۴۷.



بخش چهاردهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام هادی علیه السلام

«هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيُتِمُّ النُّعْمَ، وَيُحِقُّ
اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ، وَهُوَ مَهْدِيُّكُمْ
الْمُنْتَظَرُ».

«اوست که وحدت کلمه ایجاد کند و نعمتها
را کامل گرداند، و خداوند به وسیله او حق را
پا برجا و باطل را نابود گرداند. هم او مهدی
منتظر است.» (امام هادی علیه السلام)*

با نزدیک شدن میلاد مسعود حضرت بقیة الله ارواحنا فداء رژیم خون آشام
عبّاسی تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده بود که از تولّد آن مهر تابان و قبله خوبان
جلوگیری به عمل آورد، یکی از مهمترین اقدامات انجام شده در این زمینه، انتقال
دادن امام هادی علیه السلام به شهر نظامی سامرا بود که در آنجا در داخل پادگان و
به صورت زیرنظر زندگی کند، تا هر وقت خداوند به پسرش امام حسن عسکری
علیه السلام پسر عینیت کند، آن را سر ببرند، تا بدینوسیله از طلوع آخرین
خورشید امامت جلوگیری کنند. ولی بسیار کورخوانده بودند، زیرا اگر همه این
اقدامات برای این بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خبر داده است، که
خداوند برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی مرحمت خواهد فرمود: که
هلاک همه ستمگران به دست او خواهد بود، دیگر تلاش برای جلوگیری از اراده

الهی بی فائده است. ولی ستمگران برای ادامه حکومت چند روزه خود برای صرف احتمال هم که باشد به هر جنایتی اقدام می کنند، چنانکه بزرگ جنایتگر دنیای باستان «فرعون» برای جلوگیری از تولد حضرت موسی علیه السلام از هیچ جنایتی دریغ نکرد ولی سرانجام اراده خدا تحقق یافت و موسی علیه السلام در خانه فرعون پرورش یافت و دمار از روزگار فرعونیان درآورد. حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نیز طبق اراده حضرت احدیت در شهر سامرا و در داخل پادگان نظامی، علی رغم آنهمه جاسوس و نگهبان، به ویژه جاسوسهای زن، دیده به جهان گشود و در آستین غیبت فرو رفت، تا روزی پس از پایان دوران غیبت ظاهر شود و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریزد. انشاء الله.

از این رهگذر رفت و آمد شیعیان به محضر امام هادی علیه السلام زیر نظر نگهبانان نظامی بود و شیعیان کمتر می توانستند با آن حضرت تماس گرفته، حدیث دریافت کنند. در این میان تعدادی از احادیث مربوط به نهضت جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از پیشوای شیعیان، امام هادی علیه السلام نقل شده است، که به قسمتی از آنها تبرک می جوئیم:

﴿۱۸۶﴾

«حضرت عبدالعظیم علیه السلام می فرماید: به خدمت مولا و سرورم حضرت امام هادی علیه السلام رسیدم. چون مرا دید فرمود: مرحبا به تو، ای ابوالقاسم! تو به راستی دوست ما هستی. گفتم: ای فرزند پیامبر! من می خواهم دین خود را بر شما عرضه کنم، اگر مورد پذیرش باشد بر آن استوار بمانم، تا هنگامی که خداوند را ملاقات نمایم. فرمود: بازگوی گفتم: من معتقدم که خدای تبارک و تعالی، خداوند یگانه ای است که همانندی ندارد، از دو حد تعطیل و تشبیه به دور است، نه جسم

است و نه صورت، نه جوهر است و نه عرض. بلکه اوست که به اجسام جسمیت بخشیده و صورتها را تصویر نموده، اعراض و جواهر را آفریده، پروردگار هر چیزی، صاحب و آفریدگار و پدید آورنده هر پدیداریست. حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بنده و فرستاده اوست، که به وسیله او رسالت خاتمه یافت، دیگر پیامبری بعد از او تا روز قیامت برانگیخته نخواهد شد. آئین او پایان بخش همه شریعتهاست، دیگر شریعتی پس از آن تا روز قیامت تشریع نخواهد شد. و معتقدم که پیشوا، خلیفه و ولی امر بعد از او امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است، و سپس: امام حسن، و امام حسین، حضرت علی بن الحسین، حضرت محمد بن علی، حضرت جعفر بن محمد، حضرت موسی بن جعفر، حضرت علی بن موسی، حضرت محمد بن علی علیهم السلام سپس شما هستید، ای سرور و مولای من.

فرمود: و بعد از من پسر من: حسن علیه السلام می باشد، ولی بعد از او حال مردم چگونه خواهد بود، در مورد جانشین او؟! گفتم: برای چه؟ فرمود:

«لَا تَنْتَظِرُ شَخْصَهُ وَلَا يَجِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ، حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«زیرا شخص او دیده نمی شود، و یاد کردن او با اسم شریفش روا نخواهد بود تا هنگامی که ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد نماید، آن سان که پر از جور و ستم شده باشد».

گفتم: اقرار می کنم و معتقدم که دوست آنان دوست خدا، و دشمن آنها دشمن خداست. اطاعت آنها اطاعت خدا و معصیت آنها معصیت خداست. و معتقدم که معراج حق است. پرسش در قبر حق است. بهشت و دوزخ حق است. صراط و میزان حق است. رستاخیز بی تردید واقع خواهد شد، هیچ شبهه ای در آن نیست. و خداوند اهل قبور را برخواهد انگیزد. و معتقدم که واجبات بعد از «ولایت»

عبارت است از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر. امام هادی علیه السلام فرمود: ای ابوالقاسم! به خدا سوگند، این همان آئینی است که خداوند آن را برای بندگان پسنیده است. بر آن استوار باش، که خداوند ترا در دنیا و آخرت، روی این عقیده استوار، ثابت و پا برجا نماید.^(۱)

﴿۱۸۷﴾

«الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ، فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ؟»
«امام بعد از من پسر من «حسن» می باشد، اما چگونه خواهد بود حال شما در مورد امام بعد از او؟». ابوهاشم جعفری عرض کرد: چرا سرورم؟ خداوند مرا فدای تو سازد. فرمود:

«لَا تَكُنْ لَاتَرُونَ شَخْصَهُ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ».

«زیرا خود او را نخواهد دید، و یاد کردن او با اسم برای شما روا نخواهد بود».

ابوهاشم عرض کرد: پس چگونه از آن حضرت نام ببریم؟ فرمود:

قُولُوا: الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ».

«بگوئید: حجت از آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)».^(۲)

﴿۱۸۸﴾

صقر بن ابی دلف می گوید: هنگامی که متوکل، مولایم امام هادی علیه السلام را به زندان انداخته بود، دلم برای آقا تنگ شده بود، بیرون رفته بودم شاید خبری از امام علیه السلام به دست آورم. متوکل دربارنی داشت، چون مرا دید گفت: ای صقرا!

۱ - کمال الدین، ص ۳۸۰ و اعلام الوری، ص ۴۱۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۸ و ارشاد مفید، ص ۳۴۹.

اینجا چه کار می‌کنی؟! گفتم: هیچ، نشسته‌ام. گفت: نترس، من هم در مذهب تو هستم. حتماً آمده‌ای از حال امام و مولایت مطلع شوی؟ گفتم: آری. گفت: می‌خواهی آقا را زیارت کنی؟ گفتم: آری. گفت: بنشین تا نامه‌رسان برود. چون مأمور پست رفت، به غلام خود گفت: دست او را بگیر و به اطاقی که آن سید علوی زندانی است ببر و آزاد بگذار. صقر می‌گوید: مرا به اطاق آقا برد و گفت: داخل شو. داخل شدم و دیدم امام هادی علیه‌السلام روی حصیری نشسته، و قبر آمده‌ای مقابلشان کنده شده. سلام کردم و جوابم فرمود، آنگاه امر به نشستن فرمود و نشستم. فرمود: ای صقر، چه باعث شده که اینجا آمده‌ای؟ گفتم: سرور من! آمدم که از حال شما مطلع شوم، ولی این قبر را دیدم گریه‌ام گرفت. فرمود: محزون نباش آنها نمی‌توانند نسبت به من ناراحتی ایجاد کنند. گفتم: خدا را شکر. سپس گفتم: سرورم! برای من حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که معنای آن را نمی‌دانم، فرمود: چیست؟ گفتم: این حدیث است که: «لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فِتْعَادِيكُمْ». «ایام را دشمن ندارید، که ایام نیز شما را دشمن بدارند».

فرمود: آری، ایام ما هستیم:

سبت (شنبه) نام مقدّس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

احد (یکشنبه) نام مقدّس علی (علیه‌السلام) است.

اثنین (دوشنبه) امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) است.

ثلاثا (سه‌شنبه) علی بن الحسن، محمّد بن علی، و جعفر بن محمّد (علیهم‌السلام) است.

اربعاء (چهارشنبه) موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمّد بن علی (علیهم‌السلام) و من هستیم.

خمیس (پنجشنبه) پسر حسن (علیه‌السلام) است.

و جمعه، پسر پسر می باشد، که اهل حق دور او گرد آیند. و او کسی است که روی زمین را پر از عدل و داد نماید، آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد. این است معنی «ایام» آنها را دشمن ندارید که آنها نیز شما را در روز قیامت دشمن بدارند. سپس فرمود: زود از اینجا برو که برای تو مطمئن نیستم. (۳)

﴿۱۸۹﴾

«علی بن مهزیار می گوید: به خدمت امام هادی علیه السلام نامه نوشتم و از «فرج» پرسیدم، در جواب نوشت:

«إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ».

هنگامی که صاحب شما از جایگاه ستمگران ناپدید شود، منتظر فرج باشید». (۴)

﴿۱۹۰﴾

«الْإِمَامُ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«امام بعد از من پسر حسن (علیه السلام) است، و بعد از او پسرش «قائم» است که روی زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد». (۵)

۳ - اعلام الوری، ص ۴۱۱ و کفایة الأثر، ص ۲۸۵.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹ و کمال الدین، ص ۳۸۰.

۵ - کفایة الأثر، ص ۲۸۸ و اعلام الوری، ص ۴۱۱.

﴿۱۹۱﴾

پس از شهادت امام جواد (علیه السلام) شیعیان نامه‌ای به خدمت امام هادی (علیه السلام) نوشتند و در مورد امر امامت سؤال کردند، در پاسخ نوشت:

«الْأَمْرُ لِي مَا دُمْتُ حَيًّا، فَإِذَا نَزَلْتُ بِي مَقَادِيرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَتَاكُمْ الْخَلْفُ مِنِّي، فَأَنْتُمْ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ».

«تا من زنده هستم مربوط به من می‌باشد، چون مقدرات الهی در حق من جاری شد، جانشین من برای شما معین خواهد بود، ولی کجاست جانشین بعد از او؟!». (۶)

﴿۱۹۲﴾

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ يَقُولُ النَّاسُ: لَمْ يُؤَلَدْ بَعْدُ».

«صاحب این امر کسی است که مردم می‌گویند: هنوز چشم به دنیا نگشوده است». (۷)

به طوریکه قبلاً توضیح دادیم، منظور از «مردم» در این موارد، برادران اهل سنت و جماعت هستند که از سرچشمه زلال ولایت محروم مانده‌اند.

﴿۱۹۳﴾

«إِذَا رُفِعَ عِلْمُكُمْ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا الْفَرْجَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ».

«هنگامی که نشانه شما از میان شما برود، منتظر فرج باشید از زیرپای خود». (۸)

۶- اعلام الوری، ص ۴۱۱.

۷- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۹ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹.

۸- کمال الدین، ص ۳۸۱ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۹.

علامه مجلسی در توضیح این حدیث فرموده‌اند: مراد از «عَلَم» امام معصوم است که حجت خدا و آیت خداست و نشانه‌ای است که مردم به وسیله آن از شاهراه هدایت گم نمی‌شوند. و منظور از زیرپا، نزدیکی آن است، یعنی اگر امام از میان شما برود و از دیدگان شما غائب باشد، دیگر میان شما و فرج فاصله‌ای نمانده است، دیگر فرج زیرپا افتاده است. آری برای خداوند بسیار نزدیک و آسان است ولی برای دیدگان نگران ما که هر لحظه‌اش یکسال می‌گذرد بسیار سخت و دور است. از خداوند توانا می‌خواهیم که در فرج آن مهربانان تعجیل فرماید.

﴿۱۹۴﴾

«لَوْ لَا مَنْ يَتَّقِي بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ، وَالذَّالِّينَ عَلَيْهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ، وَالْمُنْقِذِينَ لِلضُّعَفَاءِ، مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ، لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ. وَلَكِنَّهُمْ يُمَسِّكُونَ أَرَمَةَ قُلُوبِ الضُّعَفَاءِ الشَّيْعَةِ، كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهُ. أُولَئِكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

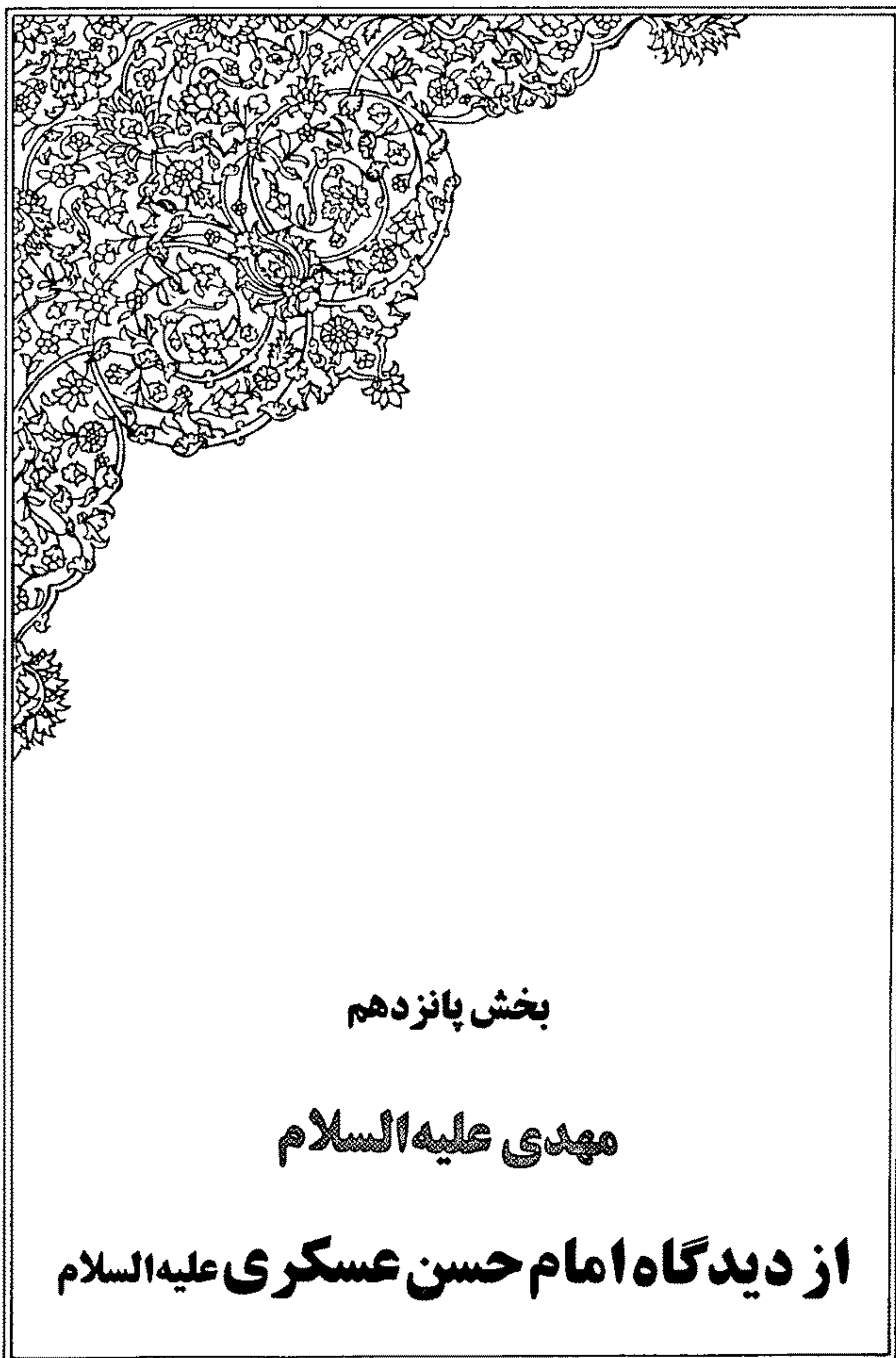
«در زمان غیبت قائم شما، اگر نبود این دانشمندانی که مردم را به سوی او دعوت می‌کنند، و به طرف او رهنمون می‌شوند، و با دلائل و براهین الهی از آئین او دفاع می‌کنند، و دستِ بندگان مستضعف می‌گیرند و آنها را از دامهای شیطان نجات می‌دهند، همه مردم از دین بیرون می‌رفتند و به ارتداد می‌گرائیدند. ولی این رجال دین هستند که رشته دلهای ضعیفای شیعه را می‌گیرند، آنچنانکه ناخدای کشتی سگان کشتی را می‌گیرد. آنهایند که در نزد خدای عز و جل از هر طبقه‌ای برترند».^(۹)

﴿۱۹۵﴾

«هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيُتِمُّ النِّعَمَ، وَيُحِقُّ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ، وَهُوَ مَهْدِيُّكُمْ الْمُنتَظَرُ».

«اوست که کلمه امت را یکجا جمع می‌کند (وحدت کلمه ایجاد می‌کند) و نعمتهای الهی را کامل می‌گرداند. و خداوند به وسیله او حق را با برجا و باطل را نابود می‌سازد. هم او مهدی منتظر (سلام الله علیه) است».^(۱۰)

به امید روزی که پرچم حق در سرتاسر گیتی به اهتزاز درآید و همه امت اسلامی با «وحدت کلمه» به سوی «کلمه توحید» بشتابند و حق در سراسر جهان استوار گردد و باطل از میان مردم رخت بریندد.



بخش پانزدهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه امام حسن عسکری علیه السلام

«زَعَمُوا أَنَّهُمْ يُرِيدُونَ قَتْلِي لِيَقْطَعُوا نَسْلِي،
وَقَدْ كَذَّبَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ».

«پنداشته‌اند که می‌توانند مرا بکشند و نسل
مرا منقطع سازند، خدا را سپاس، که سخن
آنها را دروغ درآورد».

(امام حسن عسکری علیه‌السلام)*

در عهد امام حسن عسکری علیه‌السلام محدودیتهای بیشتر و دائره‌ها تنگتر شد،
زیرا بر همه جاسوسان رژیم مسلّم بود که کسی که در آخرالزمان ظهور کرده، کاخهای
ستمگران را بر سرشان فرو خواهد ریخت فرزند بلافصل امام حسن عسکری
علیه‌السلام است، از این رهگذر جاسوسهای زن هر روز به حرمسرای خاندان
امامت وارد می‌شدند و همسران حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام را مورد
بازدید قرار می‌دادند، رفت و آمدها بسیار محدود و زیرنظر بود، از این رهگذر
شیعیان کمتر می‌توانستند با امام حسن عسکری علیه‌السلام ملاقات کنند. این از یک
سو، از سوی دیگر امام حسن عسکری علیه‌السلام برای آماده ساختن افکار شیعیان
به دوران غیبت، کمتر برای آنها ظاهر می‌شد و غالباً از پشت پرده و احیاناً به وسیله
نامه، به پرسشهای آنها پاسخ می‌داد، تا شیعیان با غیبت امام علیه‌السلام انس بگیرند

و هنگامی که غیبت فرا رسید برای آنها قابل تحمّل باشد. و هنگامی که خورشید تابان و قبله خوبان تولّد یافت، خاندان امامت دو مسئولیت بسیار مهم و خطرناک به عهده داشت: از یک طرف می‌بایست خبر ولادت نوزاد را در سرتاسر جهان تشیع بخش کنند، تا بعد از رحلت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) هیچیک از شیعیان خالص در ولادت آن حضرت دچار شک و تردید نشود، از دیگر سو می‌بایست ولادت مولود مسعود را به قدری پوشیده بدارند که حتی عموی امام ارواحنا فداه نیز از آن مطلع نباشد. و هر دو وظیفه را به بهترین وجهی انجام دادند، تا اقصی نقاط جهان نامه نوشته، خبر میلاد مسعود را نوید دادند و در حومه سامرا هر کجا شیعه خالصی بود که می‌توانست رازدار باشد عقیقه مولود مسعود برایشان فرستاده شد، ولی اینهمه مکاتبه و مراسله و نقل و انتقال به قدری هشیارانه و محتاطانه انجام یافت که هرگز هیچکدام از جاسوسان رژیم از این خبر سرنخی پیدا نکرد، حتی جعفر (عموی امام زمان ارواحنا فداه) نیز تا روز رحلت امام حسن عسکری علیه‌السلام از تولّد مولود مسعود مطلع نبود. و اینک قسمتی از احادیث وارده از امام حسن عسکری، و فرازهایی از نامه‌های آن حضرت را در این بخش می‌آوریم:

﴿۱۹۶﴾

«ابوهاشم جعفری می‌گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه‌السلام عرض کردم: جلالت شما مانع می‌شود از اینکه پرسش خود را بی‌پرده مطرح کنم، آیا اجازه می‌فرمائید، سؤالی از خدمت شما بکنم؟ فرمود: بپرس. عرض کردم: سرور من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. گفتم: اگر برای شما حادثه‌ای پیش

آید کجا از وی پرس و جو کنم؟ فرمود: در مدینه»^(۱)

﴿۱۹۷﴾

احمد بن اسحاق می‌گوید: به خدمت امام حسن عسکری علیه‌السلام وارد شدم، در نظر داشتم که در مورد جانشین آن حضرت سؤال کنم، امام علیه‌السلام خود ابتداءً فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و تعالی، از روزی که حضرت آدم را آفریده، لحظه‌ای روی زمین را خالی از حجت نگذاشته، و تا روز قیام قیامت هرگز بندگان خودش را بی حجت نخواهد گذاشت. خداوند به برکت حجت خود بلاها را از اهل زمین دفع می‌کند و به سبب او باران را فرو می‌فرستد و به خاطر او برکات زمین را خارج می‌کند».

پرسیدم: ای فرزند پیامبر! امام و جانشین بعد از شما کیست؟ امام (علیه‌السلام) از جای برخاست و شتابزده وارد خانه شد و چون بازگشت کودک سه ساله‌ای بر دوش خود داشت که صورتش همچون ماه چهارده شبه می‌درخشید. آنگاه خطاب به من فرمود:

«يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْلَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَعَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا. إِنَّهُ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَكَنْيَهُ، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّيْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«ای احمد بن اسحاق، اگر نبود اینکه تو در پیش خدا و حجتهای او عزیز هستی، این پسر را بر تو عرضه نمی‌کردم. او همانم پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم و هم

کنیه آن حضرت است. هم اوست که زمین را پراز عدل و داد کند، آن سان که پراز جور و ستم شده باشد».

سپس فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل حضرت خضر (علیه السلام) و ذوالقرنین است، آنچنان از دیده ها غائب می شود که کسی در آن دوران از هلاکت رهائی نمی یابد، جز کسی که خداوند او را بر اعتقاد به امامت او ثابت و استوار نگهدارد و او را به دعا برای تعجیل فرج او موفق گرداند».

احمد بن اسحاق می گوید: عرض کردم: سرورم! آیا نشانه دیگری نیز هست که دلم آرام بگیرد؟ آقا زاده بزرگوار با زبان روشن و فصیح فرمود:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ. فَلَا تَطْلُبْ أَثَرًا بَعْدَ عَيْنٍ، يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ!».

«من یکتا بازمانده از حجت های خدا در روی زمین هستم. من دست انتقام خدا از دشمنان او هستم. ای احمد بن اسحاق! پس از رؤیت دیگر نشان نپرس» (۲).

﴿۱۹۸﴾

«احمد بن اسحاق می گوید: فردای آن روز به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: ای فرزند پیامبر! از این همه منت که برگردن من نهاده بسیار مسرور هستم، آیا سنت جاری از خضر و ذوالقرنین در مورد آقا زاده بزرگوار چیست؟ فرمود:

«طُولُ الْغَيْبَةِ يَا أَحْمَدُ».

«طولانی شدن غیبت او، ای احمد».

گفتم: ای پسر پیامبر! آیا غیبت او خیلی طول می کشد؟ فرمود:

«إِي وَرَبِّي، حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ، وَلَا يَنْقُصُ إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَهْدَهُ لَوْلَايَتِنَا، وَكُتِبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانُ، وَأَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ».

«آری، قسم به پروردگارم، به قدری طول می کشد که بیشتر معتقدان به آن، از اعتقاد خود بر می گردند. و بر اعتقاد خود استوار نمی ماند به جز کسی که خداوند تبارک و تعالی از او برای ولایت ما پیمان گرفته، در دلش ایمان را نوشته، و او را با روحی از خود تأیید کرده باشد».

«يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، وَسِرٌّ مِنْ أَسْرَارِ اللَّهِ، وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ. فَخُذْ مَا آتَيْتَكَ وَاكْتُمَهُ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ، تَكُنْ مَعَنَا غَدًا فِي عَلِيِّينَ».

«ای احمد بن اسحاق! این امری از امرهای خدا، و سری از اسرار خدا، و رازی از رازهای خداست آنچه به تو گفتم گوش فرادار و آن را مکتوم نگهدار و از سپاسگزاران باش، تا فردای قیامت در درجات عالی بهشت با ما باشی».^(۳)

﴿۱۹۹﴾

«يعقوب بن منقوش می گوید: به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، روی سگونی در کنار دودمان امامت نشسته بود، در دست راست آن حضرت اطاقی بود که پرده ای بر آن آویخته بود. عرض کردم: ای سرور من! صاحب این امر کیست؟ فرمود: پرده را کنار بزن. پرده را کنار زدم کودک پنجساله ای دیدم که هشت،

ده ساله می نمود، با پیشانی باز، صورتی سپید و زیبا، دیدگانی جاذب و گیرا، شانه‌هایی فراخ و رانهائی چاق، که در طرف راست صورت مبارکش خال و بر سر مبارکش گیسوهائی داشت. آمد و روی زانوی امام علیه‌السلام نشست. امام حسن عسکری علیه‌السلام به من فرمود: «این است صاحب شما». آنگاه به آقا زاده گرامی فرمود: «پسر جان، وارد خانه شو، تا روز وقت معلوم». آقا زاده بزرگوار جلو دیدگان من وارد خانه شد، آنگاه امام علیه‌السلام به من فرمود: «ای یعقوب! بین در خانه کیست؟». وارد خانه شدم کسی را نیافتم». (۴)

﴿۲۰۰﴾

«زَعَمُوا أَنَّهُمْ يُرِيدُونَ قَتْلِي، لِيَقْطَعُوا نَسْلِي، وَقَدْ كَذَّبَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ». «پنداشته‌اند که مرا می‌توانند بکشند تا نسل مرا قطع کنند، ولی الحمد لله که خداوند گفتار آنها را دروغ درآورد». (۵)

﴿۲۰۱﴾

«محمد بن علی بن بلال می‌گوید: از امام حسن عسکری علیه‌السلام دو سال پیش از وفاتش به من نامه‌ای رسید که در آن از جانشین خود سخن گفته بود. یکبار دیگر، سه روز پیش از وفاتش نامه‌ای از آن حضرت به دستم رسید که در آن نیز از جانشین خود گفتگو کرده بود». (۶)

۴ - اعلام الوری، ص ۴۱۳.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱.

۶ - ارشاد مفید، ص ۳۴۹.

﴿۲۰۲﴾

«امام حسن عسکری علیه السلام کنیزی داشت، چون حامله شد، امام علیه السلام به او فرمود:

«سَتَحْمِلِينَ ذَكَرًا، إِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي».

«به زودی پسری به دنیا می آوری که نام او «م.ح.م.د» است، و او بعد از من قائم به امر است».^(۷)

﴿۲۰۳﴾

«كَأَنِّي بِكُمْ وَقَدْ اخْتَلَفْتُمْ بَعْدِي بِالْخَلْفِ، أَمَا إِنَّ الْمُقَرَّرَ بِالْأُثْمَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمُنْكَرُ لَوْلَدِي، كَمَنْ أَقَرَّ بِنُبُوءَةِ جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَأَنْكَرَ نُبُوءَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْمُنْكَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَمَنْ أَنْكَرَ جَمِيعَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوَّلِنَا، وَالْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوَّلِنَا. أَمَا لَوْلَدِي غَيْبَةٌ يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ، إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

«گوئی با چشم خود می بینم که بعد از من در مورد جانشین من دچار اختلاف شده اید. آگاه باشید، آن کسی که به همه امامان بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم معتقد باشد ولی منکر پسر من باشد، همانند کسی است که به رسالت همه پیامبران معتقد باشد ولی نبوت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را انکار کند. کسی که نبوت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را انکار کند، همانند کسی است که همه پیامبران الهی را انکار کند. زیرا اطاعت آخر ما چون اطاعت اول

ماست، کسی که منکر آخر ما باشد، اوّل ما را نیز انکار کرده است. آگاه باشید که برای فرزند من غیبتی هست که مردم در آن به تردید می‌افتند، به جز کسی که خداوند او را نگهدارد». (۸)

﴿۲۰۴﴾

«عثمان بن سعید، اوّلین نائب امام زمان ارواحنا فداء می‌گوید: در محضر امام حسن عسکری علیه‌السلام بودم، از آن حضرت در مورد حدیثی که از پدران بزرگوارش رسیده، سؤال کردند، که فرموده‌اند: «زمین هرگز خالی از حجّت نخواهد بود، و هر کس بمیرد و امام زمانش را شناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است». امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود: آری همچون روز روشن حقّ است. گفته شد: امام و حجّت بعد از شما کیست؟ فرمود:

«ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي، مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَخَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ، وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ، وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ، ثُمَّ يَخْرُجُ، فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَغْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفُقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ».

«پسر من (م.ح.م.د) بعد از من امام و حجّت است. هر کس بمیرد و او را شناسد، به مرگ جاهلی مرده است. برای او غیبتی است که جاهلان در آن سرگردان می‌شوند و باطلان در آن هلاک می‌گردند و رقت تعیین کنندگان دروغگو درمی‌آیند. آنگاه او خارج می‌شود، گوئی با چشم خود می‌بینم که پرچمهای سفید بالای سر او در نجف کوفه به اهتزاز در آمده‌اند». (۹)

۸ - کمال الدّین، ص ۴۰۹.

۹ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲.

﴿۲۰۵﴾

«احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد صاحب الأمر ارواحنا فداه پرسیدم، با دست خود اشاره کرد که او زنده و تندرست است.» (۱۰)

﴿۲۰۶﴾

ابو غانم می گوید: «از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود: در سال ۲۶۰ شیعیانم پراکنده می شوند.»

«در سال ۲۶۰ حضرت امام حسن عسکری علیه السلام دیده از جهان برتافت و شیعیان دچار اختلاف شدند، برخی از آنها به جعفر گرائیدند، برخی سرگردان شدند، برخی به تردید افتادند، برخی همچنان سرگردان ماندند، و برخی با توفیق خداوند سبحان بر ایمان خود استوار ماندند.» (۱۱)

﴿۲۰۷﴾

«جعفر بن محمد مکفوف، از عمرو اهوازی نقل می کند که گفت: امام حسن عسکری علیه السلام فرزند بزرگوارش را به من نشان داد و فرمود: او صاحب شماست، بعد از من.» (۱۲)

۱۰ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱.

۱۱ - کمال الدین، ص ۴۰۸.

۱۲ - ارشاد مفید، ص ۳۴۹.

﴿۲۰۸﴾

«هنگامی که زبیری کشته شد، از امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای صادر شد که در آن مرقوم فرموده بود:

«هَذَا جَزَاءُ مَنْ اجْتَرَأَ عَلَى اللَّهِ فِي أَوْلِيَائِهِ، زَعَمَ أَنَّهُ يَقْتُلُنِي وَلَيْسَ لِي وَلَدٌ، فَكَيْفَ رَأَى قُدْرَةَ اللَّهِ فِيهِ».

«این است سزای کسی که برخداوند تبارک و تعالی در مورد دوستانش جسور باشد. او می‌پنداشت که مرا می‌کشد و برای من فرزندی نمی‌ماند. قدرت خدا را در حق خود چگونه یافت؟!».

احمد بن محمد بن عبدالله (راوی حدیث) سپس می‌افزاید که: برای آن حضرت پسری به دنیا آمد که نامش را همان نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم قرار دادند و آن در سال ۲۵۶ بود». (۱۳)

علامه مجلسی در «مرآة العقول» می‌فرماید: منظور از «زبیری» در این حدیث یکی از ستمکاران آن روز است که از اولاد زبیر بود و امام حسن عسکری علیه السلام را به قتل تهدید کرده بود و خود به سزای عمل خویش رسید.

﴿۲۰۹﴾

«امام حسن عسکری علیه السلام در شب نیمه شعبان به عمه گرامی‌اش «حکیمه» فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ سَيُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ، وَهُوَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ».

«خداوند همین امشب حجت خود را پدید خواهد آورد، او حجت خدا در روی زمین است». (۱۴)

﴿ ۲۱۰ ﴾

«عیسی بن صبیح می گوید: من در زندان بودم که امام حسن عسکری علیه السلام وارد زندان شد، من از قبل آن حضرت را می شناختم، به من فرمود: «سَنَ تَوَالِيكَ أَلْفَ سَنَةٍ وَثَلَاثِينَ يَوْمًا». من کتاب دعائی همراه داشتم که در آن تاریخ تولد من نوشته شده بود، به آن نگاه کردم و دیدم درست همانطور است که آقا فرموده است. سپس فرمود: آیا فرزندی داری؟ گفتم: نه. دست بر دعا برافراشت و گفت: بارالها! به او فرزندی عطا کن، که یاور او باشد. که فرزند چه یاور خوبی است». آنگاه به این بیت تمثیل فرمود:

مَنْ كَانَ ذَا عَصْدٍ يُذِرْكَ ظِلَامَتَهُ إِنَّ الدَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ عَصْدٌ

... هر کس صاحب بازوئی (یاوری) باشد، انتقامش گرفته می شود.

... آدم زبون کسی است که یار و یاوری (بازوئی) ندارد.

پرسیدم: آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود:

«إِنِّي وَاللَّهِ، سَيَكُونُ لِي وَلَدٌ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا، فَأَمَّا الْآنَ فَلَا».

«آری سوگند به خدا، برای من فرزندی خواهد بود که روی زمین را پر از عدالت خواهد نمود. ولی در حال حاضر فرزندی ندارم». سپس به این دو بیت تمثیل جست:

لَعَلَّكَ يَوْمًا إِنَّ تَرَانِي كَأَنَّمَا بَنِي حَوَالِي الْأَسْوَدُ اللَّوَابِدُ

فَإِنَّ تَمِيمًا قَبْلَ أَنْ يَلِدَ الْحَضَا أَقَامَ زَمَانًا وَهُوَ فِي النَّاسِ وَاحِدٌ

- شاید روزی مرا ببینی که فرزندانم چون شیرهای ژبانی که بالشان روی هم ریخته است در اطراف من گرد آمده‌اند.

- چنانکه تمیم نیز مدتها پیش از آنکه همچون ریگهای صحرا زاد و ولد کند، تنها می‌زیست». (۱۵)

﴿۲۱۱﴾

«محمد بن عثمان عمروی (دومین نائب خاص) می‌فرماید: ما چهل نفر در منزل امام حسن عسکری علیه‌السلام گرد آمده بودیم، که فرزند بزرگوارش را به ما نشان داد و فرمود:

«هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، فَاتَّبِعُوهُ وَأَطِيعُوهُ، وَلَا تَتَفَرَّقُوا فَتَهْلِكُوا فِي أَدْيَانِكُمْ أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا».

«او امام شماست بعد از من، جانشین من است در میان شما. از او پیروی کنید و از او امرش اطاعت کنید. پراکنده نشوید که در دین خود هلاک می‌شوید. شما بعد از امروز دیگر او را نخواهید دید».

«محمد بن عثمان می‌گوید: از خانه امام عسکری علیه‌السلام بیرون آمدیم، چند روزی نگذشت که امام حسن عسکری علیه‌السلام دیده از جهان برتافت». (۱۶)

﴿۲۱۲﴾

«ابوغانم، خادم امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌گوید: برای امام حسن

۱۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۲.

۱۶ - اعلام الوری، ص ۴۱۴.

عسکری علیه السلام فرزندی متولد شد، او را (م.ح.م.د) نام نهادند. روز سوّم تولّد او را بر اصحابش نشان داد و فرمود:

«هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَهُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ، وَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا».

«او صاحب شماست بعد از من، و جانشین منست در میان شما. او همان قائم است که گردنها در انتظار او کشیده می شود. چون زمین را بی عدالتی فراگرفت، او ظاهر می شود و روی زمین را پر از عدل و داد می کند».^(۱۷)

﴿۲۱۳﴾

«احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که

می فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى آرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ خَلْقًا وَخُلُقًا، يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ وَيُظْهِرُهُ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«سپاس و ستایش خداوندی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا امام بعد از خودم را دیدم. شبیه ترین مردمان است به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از نظر خلقت و اخلاق. خدای تبارک و تعالی او را در زمان غیبتش حفظ می کند، سپس او را ظاهر می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد».^(۱۸)

۱۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۳.

۱۸ - اعلام الوری، ص ۲۹۱.

﴿۲۱۴﴾

«هنگامی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء متولد شد، امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: کسی را به سوی «ابو عمرو» بفرستید. هنگامیکه (عثمان بن سعید) به خدمت آقا رسید، فرمود:

«اشْتَرِ عَشْرَةَ أَلْفٍ رِطْلٍ خُبْزاً وَعَشْرَةَ أَلْفٍ رِطْلٍ لَحْماً، وَفَرَّقْهُ وَاحْسِبْهُ عَلَى بَنِي هَاشِمٍ، وَعَقِّ عَنْهُ بِكَذَا وَكَذَا شَاةً».

«ده هزار رطل نان بخر، و ده هزار رطل گوشت بخر، و آنها را در میان بنی هاشم تقسیم کن و انعام کن، و این مقدار گوسفند تهیه کرده، عقیقه او قرار بده» (۱۹).

﴿۲۱۵﴾

«محمد بن ابراهیم کوفی می گوید: امام حسن عسکری علیه السلام افرادی را با نام مشخص کرد و برای هر یک از آنها گوسفند ذبح شده ای فرستاد و فرمود:

«هَذِهِ مِنْ عَقِيقَةِ ابْنِي مُحَمَّدٍ».

«این از عقیقه پسر من: (م.ح.م.د) می باشد» (۲۰).

﴿۲۱۶﴾

«قَدْ وَضَعَ بَنُو أُمَيَّةَ وَبَنُو عَبَّاسٍ سُيُوفَهُمْ لِعِلَّتَيْنِ: أَحَدُهُمَا أَنَّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْخِلَافَةِ حَقٌّ، فَيَخَافُونَ مِنْ ادِّعَائِنَا إِيَّاهَا وَتَسْتَقِرُّ فِي مَرْكَزِهَا، وَثَانِيَهُمَا أَنَّهُمْ قَدْ وَقَفُوا مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِ الْجَبَابِرَةِ وَالظُّلْمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا،

۱۹ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۴.

۲۰ - همان مدرک.

وَكَاثُوا لَا يَشْكُونَ أَنَّهُمْ مِنَ الْجَبَابِرَةِ وَالظَّالِمَةِ، فَسَعَوْا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ
وَابَادَةِ نَسْلِهِ طَمَعاً مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى مَنْعِ تَوْلَدِ الْقَائِمِ أَوْ قَتْلِهِ، فَأَبَى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ
أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

«بنی امیه و بنی عباس به دو سبب شمشیرهای خود را به جانب ما متوجه ساختند:
یکی اینکه آنها می دانستند که در خلافت هیچ حقی ندارند، از اینرو می ترسیدند
که ما آن را ادعا کنیم و حق ما به ما برگردد و خلافت در مرکز خود استقرار پیدا کند.
دیگر اینکه آنها از روایات متواتر به دست آورده بودند که از بین رفتن سلطنت
ستمگران و جنایتکاران به دست قائم ما (علیه السلام) خواهد بود، و تردیدی
نداشتند که خودشان ستمگر هستند. از این رهگذر تلاش وسیعی می کردند که
اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از دم شمشیر بگذرانند، و نسل آن
حضرت را از روی زمین نابود سازند، به این امید که دیگر قائم (ارواحنا فداه) دیده
به جهان نگشاید، یا به دست آنها کشته شود. ولی خداوند اراده کرده بود که امر قائم
(ارواحنا فداه) را به احدی آشکار نسازد، تا نور خود را به پایان برساند، اگر چه
مشرکان نخواهند». (۲۱)

﴿۲۱۷﴾

«امام حسن عسکری علیه السلام در نامه ای به احمد بن اسحاق می نویسد:
«وُلِدَ الْمَوْلُودُ، فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُوراً، وَعَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُوماً فَإِنَّا لَمْ نُظْهِرْهُ إِلَّا
لِلْأَقْرَبِ لِقَرَابَتِهِ، وَالْمَوْلَى لَوْلَايَتِهِ، أَحْبَبْنَا إِعْلَامَكَ لِيَسْرَكَ اللَّهُ، كَمَا سَرَّنا، وَالسَّلَامُ».
«مولود به دنیا آمد، این خبر در پیش تو پوشیده باشد، و از همه مردم مخفی باشد. ما

این خبر را به کسی نگفتیم، مگر برای نزدیکترین خویشان برای حقوق خویشاوندی، و نزدیکترین دوستان برای حق ولایت، دوست داشتیم به شما نیز اطلاع دهیم، تا خداوند شما را با این مژده خوشحال کند، چنانکه ما را خوشحال نموده است. والسلام» (۲۲)

﴿۲۱۸﴾

«حکیمه خاتون می فرماید: روز بعد به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم که به آن حضرت سلام گفته، از مولود مسعود پرس و جو کنم. از روی گهواره نوزاد پرده را کنار زدم، گهواره را خالی یافتم. به امام علیه السلام عرض کردم: سید و سرورم چه شده؟! فرمود:

«يَا عَمَّةُ! اسْتَوْدَعْنَاهُ الَّذِي اسْتَوْدَعْتَ أُمَّ مُوسَى».

«عمّه جان! او را به خداوندی سپردیم که مادر موسی (علیه السلام) فرزندش را به او سپرد».

روز هفتم ولادت آن سرور به محضر امام علیه السلام رسیدم، سلام کردم و نشستم. فرمود: پسر را بیاورید. آقا زاده را آوردند، در حالی که به یک پارچه زرد رنگی پیچیده بودند. امام علیه السلام زبان مبارکش را در دهان آقا زاده نهاد، گوئی به او شیر و عسل تغذیه می کرد، سپس فرمود: پسر جان! سخن بگوی! آقا زاده گرامی سخن آغاز کرد و چنین گفت:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...».

«به یکتائی خداوند و رسالت جدّ بزرگوارش و امامت پدران بزرگوارش، یکی

پس از دیگری گواهی داد تا به پدر گرامی اش رسید. و آنگاه گفت:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَتُكِنُّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ
وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ».

«به نام خداوند بخشایشگر بخشاینده، و اراده کرده ایم که بر آنانکه در روی زمین به
ضعف کشیده شده اند، منت نهاده، آنان را پیشوایان و وارثان قرار داده، آنان را
صاحب اختیار زمین قرار دهیم، به فرعون و هامان و سپاهیان آنها آنچه را که از آن
وحشت داشتند، بنمائیم» (۲۳).

﴿۲۱۹﴾

«اسماعیل بن علی نوبختی می گوید: در آخرین روزهای زندگی امام حسن
عسکری علیه السلام به محضر آن حضرت مشرف شدم، آقا زاده گرامی، پدر
بزرگوارش را کمک می کرد، تا وضو بگیرد، چون در اثر بیماری (مسموم بودن) خود
قدرت نداشت. آقا زاده گرامی بر سر مبارک و پاهای شریف آقا، مسح کرد چون کار
وضو به پایان رسید، امام علیه السلام خطاب به نور دیده گرامی فرمود:

«أَبَشِّرْ يَا بُنَيَّ! فَإِنَّكَ صَاحِبُ الزَّمَانِ، وَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ، وَأَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَأَنْتَ
وَلَدِي وَوَصِيِّي، وَأَنَا وَلَدْتُكَ، وَأَنْتَ «مُ.ح.م.د.» بِنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ
بِنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَلَدَكَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنْتَ خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، وَبَشَّرَ
بِكَ رَسُولُ اللَّهِ وَسَمَّاكَ وَكَتَبَكَ بِذَلِكَ عَهْدِي إِلَى أَبِي عَنْ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ».

«مژده باد فرزندم! که تو «صاحب الزمان» هستی، تو «مهدی» هستی، تو «حجت خدا در روی زمین» هستی، تو پسر من و جانشین من هستی، من ترا آوردم. تو «م.ح.م.د.» پسر حسن، پسر علی، پسر محمد، پسر علی، پسر موسی، پسر جعفر، پسر محمد، پسر علی، پسر حسین، پسر علی، پسر ابوطالب (که درود خدا بر همه شان باد) هستی. تو پسر رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هستی، تو آخرین وصی از امامان طیب و طاهر هستی، رسول گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) برای تو بشارت داده، هم او نام و کنیهات را بیان فرموده، و آن را توسط یکایک پدران با پدرم پیمان بسته است».

«اسماعیل نوبختی می گوید: چون سخنان امام حسن عسکری علیه السلام پایان یافت، در همان ساعت، جان به جان آفرین تسلیم کرد» (۲۴)

﴿۲۲۰﴾

«ابراهیم بن مهزیار، یکی از نیکبختانی است که در غیبت صغری به زیارت کعبه مقصود و قبله موعود، نائل آمده است. وی در این تشرّف فرازی از وصیتهای امام حسن عسکری علیه السلام را به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از زبان خود آقا نقل کرده است، که با نقل متن آن، این بخش را حسن ختام می بخشیم:

«اعْلَمْ يَا أَبَا إِسْحَاقَ إِنَّهُ قَالَ صَلَّوْا تُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاءُهُ لَمْ يَكُنْ لِيَخْلِي أَطْبَاقَ أَرْضِهِ، وَأَهْلَ الْجَدِّ فِي طَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ، بِلَا حُجَّةٍ يُسْتَعْلَى بِهَا وَإِمَامٍ يُؤْتَمُّ بِهِ، وَيُقْتَدَى بِسُبُلِ سُنَّتِهِ وَمِنْهَا جِ قُضْدِهِ».

«ای ابواسحاق! بدانکه پدرم صلوات الله علیه به من فرمود:

«پسر جان! خدای تبارک و تعالی هرگز اقطار زمین و تلاشگران در عبادت و اطاعت را بدون حجتی نمی گذارد که دانش و ایمان آنها را بالا ببرد، و بدون امامی که به او اقتدا کنند و بدون پیشوائی که راه را به آنها نشان دهد».

«وَأَرْجُو يَا بُنَيَّ أَنْ تَكُونَ أَحَدَ مَنْ أَعَدَّهُ اللَّهُ لِنَشْرِ الْحَقِّ وَطَيِّ الْبَاطِلِ، وَإِعْلَاءِ الدِّينِ، وَاطْفَاءِ الضَّلَالِ فَعَلَيْكَ يَا بُنَيَّ بَلْزُومِ خَوَافِي الْأَرْضِ وَتَتَّبِعِ أَقَاصِيهَا، فَإِنَّ لِكُلِّ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَدُوًّا مُقَارِعًا، وَضِدًّا مُنَازِعًا، إِفْتِرَاضًا لِمُجَاهَدَةِ أَهْلِ نِفَاقِهِ وَخِلَافِهِ، أُولَى الْأَلْحَادِ وَالْعِنَادِ، فَلَا يُوحِشَنَّكَ ذَلِكَ».

«امیدوارم که فرزندم! تو از کسانی باشی که خداوند آنها را برای نشر حق و برچیدن اساس باطل، اعلای دین و خاموش کردن شعله های باطل، آماده ساخته است».

«ای فرزند! بر تو باد جاهای پنهان و دور دست، که همواره در جاهای دور دست و پنهان زندگی کن، که هر یک از دوستان خدا، دشمنی خطرناک و مخالفی مزاحم دارند، و این واکنش وجوب جهاد با منافقان، مخالفان، ملحدان و منکران است، که این امر موجب وحشت تو نباشد».

«وَأَعْلَمُ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ، تُزْعَ إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِذَا أَمَّتْ أَوْ كَارَهَا، وَهُمْ مَعَشَرٌ يَطْلُعُونَ بِمَخَائِلِ الذَّلَّةِ وَالْإِسْتِكَانَةِ، وَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَرَرَةٌ أَعَزَاءُ يَتَرُزُونَ بِأَنْفُسٍ مُخْتَلَّةٍ مُحْتَاجَةٍ، وَهُمْ أَهْلُ الْقَنَاعَةِ وَالْإِعْتِصَامِ. اسْتَنْبَطُوا الدِّينَ فَوَازَرُوهُ عَلَى مُجَاهَدَةِ الْأَضْدَادِ، خَصَّهِمُ اللَّهُ بِإِحْتِمَالِ الضَّيْمِ، لِيَشْمُلَهُمْ بِاتِّسَاعِ الْعِزِّ فِي دَارِ الْقَرَارِ، وَجَبَّلَهُمْ عَلَى خَلَائِقِ الصَّبْرِ، لِتَكُونَ لَهُمُ الْعَاقِبَةُ الْحُسْنَى، وَكَرَامَةُ حُسْنِ الْعُقْبَى».

«پسر! دل های مردم دیندار و با اخلاص، مانند پرندگانی که شیفته آشیانه خویش باشند، مشتاق لقای تو هستند. آنها در میان مردم با خواری زندگی می کنند ولی در پیشگاه خداوند عزیز و محبوب هستند. آنها خود را بیچاره و بی نقش نشان می دهند ولی اهل قناعت و خویشتن داری هستند. آنها دین خود را به وسیله مبارزه با ضد دین،

کامل نگه می‌دارند. خداوند آنها را با پیکار در برابر بی‌عدالتی امتیاز داده، تا در سرای جاویدان، مشمول عزّت بی‌کران خود سازد، خداوند آنها را در برابر ناملایمات شکیبافریده، تا حسن عاقبت در جهان سرمدی از آن آنها باشد.

«فَاقْتَبِسْ يَا بُنَيَّ نُورَ الصَّبْرِ عَلَى مَوَارِدِ أُمُورِكَ، تَفْزُ بِدَرْكِ الصُّنْعِ فِي مَصَادِرِهَا، وَاسْتَشْعِرِ الْعِزَّ فِيمَا يَتَوَبُّكَ تَحْظَ بِمَا تُحْمَدُ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

«فرزندم! در هر کاری که بر تو پیش آید از نور صبر و مقاومت کسب نور کن، تا به امدادهای غیبی نائل شوی. در هر حادثه‌ای بر تو روی دهد عزّت و شرف را پیشه خود ساز، تا عاقبتی نیکو و پسندیده از آن تو باشد، انشاءالله».

«فَكَأَنَّكَ يَا بُنَيَّ بِتَأْيِيدِ نَصْرِ اللَّهِ، قَدْ آنَ، وَتَيْسِيرِ الْقَلَحِ وَعُلُوِّ الْكَعْبِ قَدْ حَانَ، وَكَأَنَّكَ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ، وَالْأَغْلَامِ الْبَيْضِ، تَخْفُقُ عَلَى أَثْنَاءِ أَعْطَافِكَ، مَا بَيْنَ الْحَطِيمِ وَزَمْزَمَ. وَكَأَنَّكَ بِتَرَادُفِ الْبَيْعَةِ وَتَضَافِي الْوِلَاءِ يَتَنَازِمُ عَلَيْكَ تَنَازُمُ الدَّرِّ فِي مَثَانِي الْعُقُودِ، وَتَضَافِي الْأَكْفِ عَلَى جَنْبَاتِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ».

«فرزندم! چنان می‌بینم که زمان تأیید تو با امدادهای الهی نزدیک است، پیروزی و سرفرازی تو با مددهای غیبی فرا رسیده است. روزی را با چشم خود می‌بینم که پرچمهای زرد و سفید، در میان حطیم و زمزم (در کنار کعبه) بر فراز دوشهایت به اهتزاز در آمده، دستها برای بیعت با تو در پی یکدیگر صف کشیده، دوستان در دوستی تو صفا نشان می‌دهند و کارها را آنچنان به نظم و اسلوب ردیف کرده‌اند، که همچون دانه‌های درّ گرانبها، که در رشته‌ای قرار می‌گیرد، شمع وجودت را احاطه کرده‌اند و دستهایشان برای بیعت تو، در کنار حجر الاسود به هم می‌خورد».

«تَلُوذُ بِفَنَائِكَ مِنْ مَلَائِكَةِ بَرَأَهُمُ اللَّهُ مِنْ طَهَارَةِ الْوِلَاءِ وَنَفَاسَةِ التُّرْبَةِ مُقَدَّسَةً قُلُوبُهُمْ مِنْ دَنَسِ النِّفَاقِ، مُهَذَّبٌ أَفِيدَتُهُمْ مِنْ رَجَسِ الشَّقَاقِ، لَيِّنَةٌ عَرَائِكُهُمْ لِلدِّينِ، خَسِئَةٌ

ضَرَّائِبُهُمْ عَنِ الْعُدْوَانِ، وَاضِحَةٌ بِالْقَبُولِ أَوْجُهُهُمْ، نَضْرَةٌ بِالْفَضْلِ عِيدَانُهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ.

«قومی به آستانه‌ات گرد آیند که خداوند آنها را از سرشتی پاک و ریشه‌ای پاکیزه و گرانبها آفریده است، دل‌هایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است. به فرمانهای دینی خاضع و منقاد هستند، دل‌هایشان از کینه و عداوت پیراسته است، رخسارشان برای پذیرش حق آماده، سیمایشان با نور فضل و کمال آراسته است. آئین حق را می‌پرستند و از اهل حق پیروی می‌کنند».

«فَإِذَا اشْتَدَّتْ أَرْكَائُهُمْ وَتَقَوَّمَتْ أَعْمَادُهُمْ، قَدَّتْ بِمُكَائِفَتِهِمْ طَبَقَاتُ الْأَمَمِ، إِذْ تَبَعَتْكَ فِي ظِلَالِ شَجَرَةٍ دَوْحَةٍ بَسَقَتْ أَفْنَانُ غُصُونِهَا، عَلَى حَافَاتِ بُحَيْرَةِ الطَّبْرِیَّةِ، فَعِنْدَهَا يَتَكَلَّأُ صُبْحُ الْحَقِّ، وَيَنْجَلِي ظِلَامُ الْبَاطِلِ، وَيَقْصِمُ اللَّهُ بِكَ الطُّغْيَانَ، وَيُعِيدُ الْإِيمَانَ، وَيُظْهِرُ بِكَ أَسْقَامَ الْأَفَاقِ وَسَلَامَ الرُّفَاقِ، يَوَدُّ الْطِفْلُ فِي الْمَهْدِ لَوِاسِطَاعَ إِلَيْكَ نَهْوضاً، وَنَوَاسِطُ الْوُحُوشِ لَوِتَجِدَ نَحْوَكَ مَجَازاً».

«هنگامی که پایه‌های آنها محکم شد و ستون نفرات آنها نیرومند گردید، با حملات پیاپی آنها اجتماعات ملت‌های جهان درهم می‌شکند، و آن هنگامی است، که زیر درخت پر شاخ و برگ در کنار دریاچه «طبریّه» (در فلسطین) با تو بیعت کنند، آنگاه صبح حق می‌دمد و تیرگی باطل رخت بر می‌بندد. و خدای تبارک و تعالی به دست تو کمر طاغوت‌ها را بشکند و راه و رسم ایمان را بازگرداند، و بیماریه‌های دیگران و سلامتی دوستان به دست تو آشکار گردد. کودکانی که در آغوش گهواره آرمیده‌اند، آرزو می‌کنند که ای کاش می‌توانستند برخیزند و به سویت بشتابند. درندگان دشت و صحرا آرزو می‌کنند که ای کاش راهی به کویت باز می‌یافتند».

«تَهْتَزُّ بِكَ أَطْرَافُ الدُّنْيَا بَهْجَةً، وَتَهْزُ بِكَ أَعْصَانُ الْعِزِّ نَضْرَةً، وَتَسْتَقِرُّ بَوَائِي الْعِزِّ فِي قَرَارِهَا، وَتَتَوَّبُ سُوَارِدُ الدِّينِ إِلَى أَوْكَارِهَا، يَتَهَاوُلُ عَلَيْكَ سَحَابُ الظُّفْرِ، فَتُخْنِقُ كُلَّ

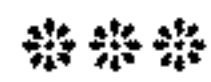
عَدُوٌّ، وَتَنْصُرُ كُلَّ وَلِيٍّ، فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ جَبَّارٌ قَاسِطٌ، وَلَا جَاحِدٌ غَاطِطٌ، وَلَا شَانِيٌّ مُبْغِضٌ، وَلَا مُعَانِدٌ كَاشِحٌ، وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا».

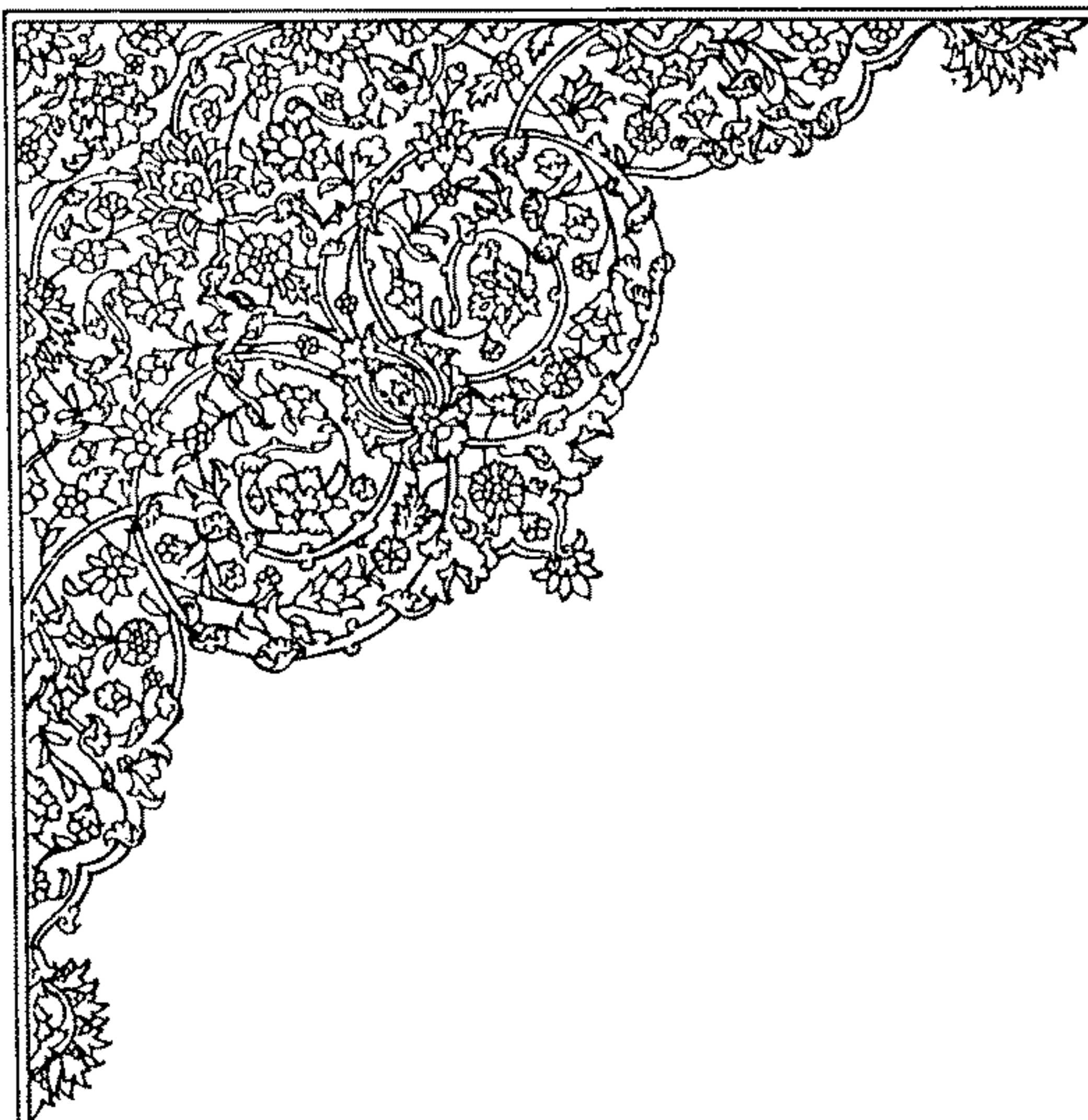
«به وسیله تو اقطار و اکناف جهان از کران تا کران نزهت گیرد، و هر شاخه شکسته و خشکیده‌ای سرسبز گردد، معیارهای عزّت و شرف در جای اصلی خود قرار گیرد، آنانکه از شاهراه هدایت روی برتافته‌اند، به آئین آرام بخش خود بازگردند، از ابرهای پیروزی و سرفرازی، بارانهای نصرت و رحمت فرو بارد، و دشمنان را در درّه‌های هلاکت غرق سازد، و دوستان را به پیروزی و سرفرازی برساند. دیگر در روی زمین از ستمگر تجاوزگر، منکر عنادگر، دشمن حيله گر و مخالف بدسیر، اثر و نشانی باقی نباشد. که «هر کس به خداوند توکل کند، خداوند او را بس است. خداوند امر خود را به انجام رساننده است».

آنگاه فرمود: ای ابا اسحاق! این نشست ما در پیش تو مکتوم بماند، مگر از اهل صدق و برادران دینی با صدق و صفا. هنگامی که نشانه‌های ظهور آشکار شود خودت و برادران ایمانی‌ات بی‌درنگ به سوی ما بیایید و همراه با دیگر کسانی که به سوی مشعل یقین می‌شتابند به سوی انوار درخشان مشعلهای دین بشتابید، تا به حقیقت نائل گردید، انشاءالله» (۲۵).

از خداوند متّان مسئلت داریم که ما را نیز توفیق دهد تا آن روز مسعود را ببینیم و همراه دیگر نیکبختان به سوی مشعل فروزان هدایت بشتابیم، و در محضر آخرین خورشید تابان امامت، با نیروهای اهریمنی به نبردی سخت پرداخته، در تأسیس جامعه‌ای ایده‌آل، بر اساس عدالت و آزادی واقعی بکوشیم، و بر ویرانه‌های

کاخهای ستمگران، جهانی آباد و آزاد بنیاد نهاده، عرصه گیتی را از پلیدیهای ستم و ستمگران پاکیزه نموده، پرچم توحید را در سراسر جهان به اهتزاز درآوریم. به امید آن روز.





بخش شانزدهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه خویشان

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ
عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي».

«من آخرین وصی هستم. خداوند به وسیله
من بلاها را از کسان و شیعیانم دفع می‌کند».
(امام زمان ارواحنا فداه)*

در آخرین بخش از احادیث وارده از پیشوایان معصوم علیهم السّلام سیری کوتاه
و گذرا در سخنان دُرر بار حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه داریم، تا برنامه جهانی و
نهضت اصلاحی آن مصلح غیبی و حجّت الهی را از زبان خود آن سرور بشنویم. در
این بخش فرازهای کوتاهی از متن توقیعات شریفی که به خطّ آن یکتا رهبر و تنها
پیشوا، توسّط چهار نائب خاصّ آن حضرت، در طول غیبت صغری شرف صدور
یافته است، نقل خواهیم کرد. همچنین فرازهایی کوتاه از اقوال و احادیث آن
پیشوای منتظر، که نیکبختان به هنگام تشرّف به پیشگاه آن مهر تابان از آن حضرت
شنیده‌اند، نقل خواهیم کرد، که بیشتر آنها در حیات امام حسن عسکری علیه السّلام
و در حضور آن حضرت اتّفاق افتاده است:

﴿۲۲۱﴾

«دو تن از خدمتگزاران دودمان امامت، به نامهای «نسیم» و «ماریه» می‌گویند: هنگامی که حضرت صاحب‌الزمان ارواحنا فداه گام در این جهان نهاد، به حالت سجده روی دو زانو افتاد و انگشت سبّابه خود را به سوی آسمان بلند کرد و عطسه‌ای نمود و چنین گفت:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، زَعَمَتِ الظُّلَمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاخِضَةٌ، لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشَّكُّ».

«همه سپاس و ستایش از آن پروردگار جهانیان است، دروذهای بیکران خداوندی بر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل بیت او باد. ستمگران پنداشته‌اند که حجت خداوند رو به افول است، اگر به ما اذن سخن گفتن داده شود همه تردیدها از بین می‌رود».^(۱)

﴿۲۲۲﴾

«نسیم، خدمتگزار دودمان امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌گوید: یک شب بعد از ولادت حضرت صاحب‌الزمان ارواحنا فداه که به خدمت ایشان رسیدم، مرا عطسه گرفت، چون عطسه کردم، به من فرمود: «یرحمک الله» بسیار شادمان شدم، فرمود: آیا ترا مزده بدهم در مورد عطسه؟ گفتم: بفرمائید. فرمود: عطسه نوید سه روز امن از مرگ است».^(۲)

۱ - کمال‌الدین، ص ۴۳۰.

۲ - اثبات‌الهداة، ج ۳، ص ۶۶۸.

﴿۲۲۳﴾

«طریف، خادم امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: به خدمت مولایم صاحب الزمان ارواحنا فداء شرفیاب شدم، فرمود: چوب صندل سرخ برای من بیاور، چون آوردم، فرمود: مرا می شناسی؟ گفتم: آری. فرمود: من کیستم؟ گفتم: شما سرور من و فرزند سرور من هستید. فرمود: منظورم این نبود. گفتم: جانم به فدای شما، منظور خود را توضیح دهید. فرمود:

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِی وَشِيعَتِی».

«من آخرین وصی هستم که به وسیله من اوصیاء خاتمه یافته، و به وسیله من خداوند بلاها را از اهل بیت و شیعیانم دفع می کند».^(۳)

﴿۲۲۴﴾

«محمد بن عثمان (دومین نائب خاص) می گوید: چون حضرت مهدی ارواحنا فداء متولد شد، نوری از بالای سرش ساطع بود و تا اعماق آسمان می درخشید، سجده ای کرد و چون سر از سجده برداشت، فرمود:

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ».

«خداوند گواه است که جز او خدائی نیست، فرشتگان و صاحبان علم نیز گواهند که او یکتا و قائم به قسط است. جز او خدائی نیست که عزیز و فرزانه است. به راستی دین در نزد خدا اسلام است و بس».^(۴)

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰.

۴ - کمال الدین، ص ۴۳۳.

﴿۲۲۵﴾

«حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام و عمّه امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: در شب ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری حضرت قائم ارواحنا فداه متولد شد، مادرش نرجس خاتون، دختر پادشاه روم بود. چون دیده به جهان گشود، این آیه از نور در پیشانی مبارکش تجلی می کرد:

«جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَّقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا».

حق آمد و باطل نابود شد که باطل به راستی نابود شدنی است».^(۵)

او را به محضر امام حسن عسکری علیه السلام آوردم، دست مبارکش را بر صورت مولود گرامی کشید و فرمود: ای حجت خدا، سخن بگوی. ای وارث پیامبران سخن بگوی. ای خاتم اوصیاء، ای صاحب قیام درخشان، ای مشعل فروزان از اقیانوس بیکران، سخن بگوی. ای خلیفه پرهیزکاران، ای نور اوصیا سخن بگوی. آنگاه مولود مسعود چنین گفت:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ».

«گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست. گواهی می دهم که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بنده و فرستاده اوست. و گواهی می دهم که علی (علیه السلام) دوست و ولی اوست».

«آنگاه به یکایک امامان گواهی داد».^(۶)

۵ - سورة اسراء، آیه ۸۱.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۹۸.

﴿۲۲۶﴾

«کامل بن ابراهیم مدنی می گوید: مرا جمعی از مفوضه به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام فرستادند که از آن حضرت پرسشهایی بنمایم، با خود اندیشیدم که هنگامی که به خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم چه پرسشهایی بنمایم. به خدمت امام علیه السلام وارد شدم و کنار دربی نشسته بودم که پرده ای آویزان بود. بادی وزید و پرده را کنار زد، کودک چهار ساله ای را دیدم که صورتش چون ماه چهارده شبه بود. تا مرا دید مرا چنین صدا کرد: «ای کامل بن ابراهیم! موی بر بدنم راست شد و بدون اراده گفتم: لبیک ای مولای من! فرمود:

- «آمده ای، از ولی خدا بپرسی که آیا جز کسی که به عقیده شما نباشد وارد بهشت نخواهد شد؟!».

گفتم: آری، به خدا سوگند برای همین آمده ام. فرمود:

- «در اینصورت اهل بهشت بسیار کم خواهد بود، در صورتی که قومی به نام «حقیه» وارد بهشت می شوند!».

پرسیدم: آنها کیانند؟ فرمود:

- «آنها از روی محبتی که به حضرت علی (علیه السلام) دارند، به حق او سوگند یاد می کنند، ولی به خوبی حق او را نشناخته اند و مقام والای او را درک نکرده اند!».

سپس فرمود:

- «و آمده ای از گفتار «مفوضه» بپرسی. به خدا سوگند آنها دروغ می گویند. بلکه دلهای ما ظرفهای مشیت حضرت احدیت است، هرگاه مشیت الهی بر چیزی قرار بگیرد، ما نیز آن را اراده می کنیم، چنانکه خدای تبارک و تعالی می فرماید: «آنها اراده

نمی‌کنند، جز آنچه را که پروردگار عالمیان آن را بخواهد».^(۷)

«آنگاه امام حسن عسکری علیه‌السلام به من فرمود: دیگر منتظر چه هستی؟ پرسش‌هایت را پاسخ گفت».^(۸)

احادیثی که در این بخش بازگو کردیم برخی شامل سخن گفتن حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه در نخستین روزهای تولد، و برخی شامل پاسخگوئی آن حضرت به مسائل دینی و عقیدتی در دوران پدر بزرگوارش، که هنوز به پنج سالگی نرسیده بود، و هر دو مطلب اگر چه برای آنانکه از شاهراه هدایت به دور افتاده‌اند، قابل تحمّل نیست، ولی برای خوانندگان این کتاب که غالباً از عاشقان مکتب ولایت و شیفتگان آن پیشوای انس و جان هستند، مشکلی وجود ندارد، ولی به عنوان رفع استبعاد به این نکته اشاره می‌کنیم که امام صادق علیه‌السلام یک قرن پیش از ولادت حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه می‌فرماید:

«هیچ معجزه‌ای نیست که توسط یک پیامبر و یا وصی یک پیامبر تحقق یافته باشد، جز اینکه خداوند همانند آن را بدست قائم ما انجام خواهد داد، تا حجّت بر دشمنان تمام شود».^(۹)

روی این بیان معجزات انبیای سلف هر چه بوده، نظیرش توسط حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه نیز باید انجام پذیرد. یکی از معجزات پیامبران، سخن گفتن آنها در گهواره بود، چنانکه قرآن کریم از حضرت عیسی علیه‌السلام آن را نقل کرده است.^(۱۰) و یکی دیگر از معجزات آنها مبعوث شدن آنها به رسالت در کودکی

۷ - سورة تکویر، آیه ۲۹.

۸ - کمال‌الدین، ص ۴۹۹.

۹ - اثبات‌الهداة، ج ۳، ص ۷۰۰.

۱۰ - سورة مریم، آیه ۳۰.

است، چنانکه قرآن در مورد حضرت یحیی علیه السلام می فرماید: «حکم (نبوت) را به او در حال کودکی عطا نمودیم» (۱۱).

با توجه به اینکه بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دیگر پیامبری مبعوث نخواهد شد، تحقق این معجزه در مورد حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به صورت اعطای «حکم امامت» به آن حضرت در سنّ کودکی است، که امامت امتداد رسالت است. روی این بیان سخن گفتن کودک چند روزه و چند ساعته از نظر قرآن نه تنها ممکن، بلکه واقع شده، و مطابق روایت امام صادق علیه السلام باید نظیر آن به دست حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نیز واقع شود، چنانکه واقع شده است.

﴿۲۲۷﴾

«حَمِیری می گوید: به خدمت جناب «عمری» (دومین نائب خاص) رسیدم و از او پرسیدم: آیا او را دیده ای؟ گفت: بلی. و آخرین بار در کنار خانه خدا دیدم که می گفت:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي».

«بارالها! آنچه به من وعده فرمودی، امضا بفرما» (۱۲).

﴿۲۲۸﴾

«محمّد بن عثمان (دومین نائب خاص) می گوید: آن حضرت را در «باب المستجار» دیدم که از آستار کعبه آویخته، عرض می کند:

«اللَّهُمَّ اَنْتَقِمْ مِنْ اَعْدَائِي».

۱۱ - سورة مریم، آیه ۱۲.

۱۲ - اعیان الشیعه، جلد حضرت مهدی، ص ۱۰۵.

«بار خدایا، انتقام مرا از دشمنانم بگیر». (۱۳)

﴿۲۲۹﴾

«مرد صالحی که توفیق تشرّف داشته می گوید: از قافله عقب ماندم و از تشنگی نزدیک به مرگ شدم، جوان خوش روی و خوش بوئی را دیدم که آبی سردتر از یخ و شیرین تر از عسل به من داد و مرا از هلاکت نجات داد. پرسیدم: سرورم، شما کی هستید؟ فرمود:

«أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَبَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، أَنَا الَّذِي أَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلَّيْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«من حجّت خدا در میان بندگان، و یکتا بازمانده در روی زمین هستم. من کسی هستم که روی زمین را پر از عدل و داد می کنم، آنچنانکه پر از جور و ستم شده است». (۱۴)

﴿۲۳۰﴾

«یکی دیگر از نیکبختانی که سعادت تشرّف پیدا کرده، می گوید: آقا فرمودند: مرا می شناسی؟ گفتم: نه. فرمود:

«أَنَا الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَنَا الَّذِي أَخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِهَذَا السَّيْفِ، فَأَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّيْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«من قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) هستم، که در آخر الزمان با همین شمشیر قیام می کنم و روی زمین را پر از عدل و داد می کنم، آن سان که پر از جور و

۱۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰.

۱۴ - اربعین خاتون آبادی، ص ۶۵.

ستم شده است». (۱۵)

﴿۲۳۱﴾

علی بن ابراهیم بن مهزیار، ۲۰ بار به قصد زیارت و دیدار با آقا امام زمان ارواحنا فداه به حج خانه خدا مشرف شده، سرانجام به کعبه مقصود رسیده، و به کوی معشوق راه یافته، در پایان دیدار، می پرسد: سرورم این امر کجا واقع خواهد شد؟ می فرماید:

«إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ سَبِيلِ الْكَعْبَةِ، وَاجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَاسْتَدَارَ بِهِمَا الْكَوَاكِبُ وَالنُّجُومُ».

«هنگامی که میان شما و راه خانه خدا مانع ایجاد شود، و خورشید و ماه یکجا جمع شود و ستارگان و سیارات در اطراف آنها گرد آیند». (۱۶)

﴿۲۳۲﴾

«آزادی، در اثنای طواف، محضر کعبه موعود رسیده، دیده جوانی بسیار زیبا، با اندامی بسیار متناسب که عطر از وجود مقدسش ساطع است، با او سخن می گوید، عرض کرده: شما کی هستید؟ فرموده:

«أَنَا الْمَهْدِيُّ، وَأَنَا صَاحِبُ الزَّمَانِ، وَأَنَا الْقَائِمُ الَّذِي أَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا، وَإِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ، وَلَا يَبْقَى النَّاسُ فِي فِتْرَةٍ، فَهَذِهِ أَمَانَةٌ لَا تُحَدِّثُ بِهَا إِلَّا إِخْوَانُكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ».

«من مهدی هستم، من صاحب الزمان هستم، من آن قائم هستم که روی زمین را پراز

۱۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۱.

۱۶ - غیبت شیخ طوسی، ص ۱۶۱.

عدالت می‌کنم، چنانکه با بی‌عدالتی پر شده باشد. هرگز روی زمین خالی از حجت نمی‌ماند و مردم در فترت نمی‌مانند. این امانت است پیش تو، جز به برادرانت از اهل حق مگو». (۱۷)

﴿۲۳۳﴾

«احمد بن اسحاق، که در محضر امام حسن عسکری علیه‌السلام، آقا زاده بزرگوار را دیده، از آن حضرت چنین شنیده که می‌فرماید:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ، فَلَا تَطْلُبُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ».

«من بقیة الله در روی زمین، و دست انتقام خدا از دشمنان اویم. تو نیز ای احمد بن اسحاق، پس از دیدن، نشان مطلب». (۱۸)

احمد بن اسحاق، پس از مشاهده آن جمال الهی، به محضر امام حسن عسکری علیه‌السلام عرض کرده: آیا نشان دیگری نمی‌فرمائید تا بیشتر دلم مطمئن شود؟ امام عصر ارواحنا فداء خود سخن گفته، و در پایان اشاره می‌کند که نشانه پرسیدن تا موقعی است که به مقصود راه نباشد، پس از دیدن کعبه مقصود، دیگر نشانه مفهومی ندارد.

﴿۲۳۴﴾

«به یکی از نیکبختانی که به محضر آن حضرت شرفیاب شده، فرمود:

«أَنَا صَاحِبُ الْحَقِّ، لَيْسَ هَذَا أَوَانُ ظُهُورِي، وَقَدْ بَقِيَ مُدَّةٌ مِنَ الزَّمَانِ».

«من صاحب حق، ولی اکنون هنگام ظهور نیست، مدتی از زمان باقیست». او

۱۷ - ینابیع المودة، ص ۴۶۴.

۱۸ - الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۵۳.

عرض می‌کند: امر تو کی ظاهر می‌شود؟ می‌فرماید:

«عَلَامَةُ ظُهُورِ أَمْرِي كَثْرَةُ الْهَرْجِ وَالْمَرْجِ وَالْفِتَنِ، وَآتَى مَكَّةَ فَأَكُونُ فِي مَسْجِدِ الْحَرَامِ، فَيُقَالُ: انْصِبُوا لَنَا إِمَامًا. وَيَكْثُرُ الْكَلَامُ حَتَّى يَقْدَمَ رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ فَيَنْظُرُ فِي وَجْهِ ثُمَّ يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ «هَذَا الْمَهْدِيُّ» أَنْظَرُوا إِلَيْهِ».

«نشانه ظهور من کثرت هرج و مرج و فتنه‌هاست. به مکه آمده، در مسجدالحرام می‌مانم. گفته می‌شود: برای ما امامی نصب کنید سخن بسیار گفته می‌شود. مردی جلو آمده، به صورت من خیره شده، می‌گوید: ای مردم! این مهدی (ارواحنا فداه) است، خوب نگاه کنید» (۱۹).

﴿۲۳۵﴾

«در فرازی از توقیع شریفی که به خط مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا فداه از ناحیه مقدسه، توسط محمد بن عثمان عمری، دومین نائب خاص، شرف صدور یافته، آمده است:

«وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، كَذِبَ الْوَقَّاثُونَ».

«و اما ظهور فرج، پس آن به اراده خدای تبارک و تعالی است و هر کس وقت تعیین کند، دروغ گفته است» (۲۰).

و در فرازی دیگر از همان توقیع شریف آمده است:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ».

«و اما در مورد رویدادها، پس در آنها به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنها حجّت

۱۹ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰.

۲۰ - غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۷.

من بر شمايند و من حجّت خدا بر آنها». (۲۱)

و در فرازی ديگر آمده است:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ».

«و اما كيفيت بهره‌برداری مردم از من در زمان غيبت، همانند استفاده آنها از خورشيد است، هنگامی که در پشت ابرها نھان باشد». (۲۲)

﴿۲۳۶﴾

«و در توقيع شريفی که در شعبان ۳۲۹ هجری، شش روز پيش از وفات چهارمین نائب خاص، از ناحیه مقدسه صادر شده و در آن خبر رحلت علی بن محمد سمري دقیقاً اعلام شده، می‌فرماید:

«وَسَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ».

«آگاه باشید که برخی به سوی شیعیان آمده، خواهند گفت که ما او را دیدار کردیم. آگاه باشید، هر کس ادّعی مشاهده کند پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی دروغ‌گوست». (۲۳)

در مورد تشریفهای جمعی از بزرگان هرگز احدی از بزرگان شیعه تردید نکرده‌اند، و هیچ جای شبهه نیست که در زمان ما نیز گروهی از صلحا به دیدار آن مهر تابان نائل شده‌اند. و لذا توقيع شریف برای جلوگیری از سوء استفاده است، تا هر کس و

۲۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۲۲ - نکات لطیف این تشبیه را در کتاب «او خواهد آمد»، ص ۱۷ - ۲۶ بخوانید.

۲۳ - کمال الدین، ص ۵۱۶.

ناکس ادّعی نایب بر حق بودن نکند و راه برای همه مدّعیان بسته شود. مرحوم شیخ حرّ عاملی (صاحب وسائل الشّیعه) می فرماید:

«در زمان ما و در زمان گذشته دیدارهای فراوانی روی داده که به تواتر رسیده است، آنچه گفته می شود که در روایات آمده در زمان غیبت دیدار غیر ممکن است، حمل می شود به مواردی که علاوه بر دیدار ادّعی دیگری هم همراه باشد» (۲۴). اگر کسی ادّعا کند که به محضر آن حضرت مشرّف شده و از آن حضرت معجزاتی مشاهده کرده، که بعد از جدا شدن با علایم قطعی بر او مسلم شده که حضرت بقیّة الله بوده است، هیچ مانعی ندارد. و بزرگان شیعه، شرح دیدار جمعی از صالحان را در زمان غیبت کبری، در کتابهای خود درج کرده اند، و برخی از بزرگان، کتابهایی را در این زمینه تألیف کرده اند، که از آن جمله است:

۱ - جَنَّةُ الْمَأْوَى، تألیف: مرحوم حاج میرزا حسین نوری، که در جلد ۵۳ بحار الانوار متن آن چاپ شده است.

۲ - نَجْمُ الثَّاقِب، به قلم: مرحوم نوری.

۳ - بُنْيَةُ الطَّالِبِ فِيمَنْ رَأَى الْإِمَامَ الْغَائِب، تألیف: شیخ محمد باقر بیرجندی.

۴ - مُلَاقَاتُ بَا إِمَامِ زَمَان، تألیف: دانشمند گرامی، صدیق ارجمند آقای حاج سید حسن ابطحی، که بیشتر به تشرّفهای زمان ما اختصاص دارد.

۵ - تَبَصُّرَةُ الْوَلِيِّ فِيمَنْ رَأَى الْمَهْدِي، تألیف: سید هاشم بحرانی.

- «و در توقیع شریفی که برای احمد بن اسحاق صادر شده، آمده است:

﴿۲۳۶﴾

«وَإِذَا أَدِنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ».

«در هنگامی که خداوند به ما اجازه سخن گفتن بدهد، حق ظاهر می شود و باطل نابود می گردد» (۲۵).

﴿۲۳۷﴾

«و در توقیعی که توسط نائب اول آن حضرت صادر شده، آمده است:

«الْحَقُّ مَعَنَا فَلَا يُوحِشَنَّكَ مَنْ قَعَدَ عَنَّا، وَتَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا».

«حق با ماست، هر کس از ما تخلف کند موجب وحشت شما نگردد. ما ساخته های خداوندیم و دیگر مردمان ساخته های ماست» (۲۶).

﴿۲۳۸﴾

«در فرازی از نامه مبارکی که به دستخط حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در صفر

۴۱۰ هجری به افتخار شیخ مفید صادر شده چنین آمده است:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاغِبَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ».

ما هرگز شما را رها نکرده ایم و یادتان را از خاطر نبرده ایم، وگرنه دشواریها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را لگدمال می کردند. از خداوند تقوی کنید» (۲۷).

۲۵ - احتجاج طبرسی، ص ۴۶۹.

۲۶ - کلمة الامام المهدي، ص ۲۴۴.

۲۷ - احتجاج طبرسی، ص ۴۹۷.

﴿۲۳۹﴾

«و در نامه دیگری که در روز عید فطر سال ۴۱۲ به افتخار شیخ مفید صادر شده، چنین آمده است:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا، وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا. فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِنْ تَكْرِهِهِ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ».

اگر شیعیان ما - که خداوند توفیقشان دهد - دلهایشان در وفا به عهد و پیمانی که با ما دارند، گرد هم می آمد، از فیض دیدار ما محروم نمی شدند، و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می شد؛ دیداری راستین و از روی معرفت. ما را از آنان چیزی باز نمی دارد، جز اخبار ناخوش آیند و غیر مترقبه ای که از آنها به ما می رسد». (۲۸)

﴿۲۴۰﴾

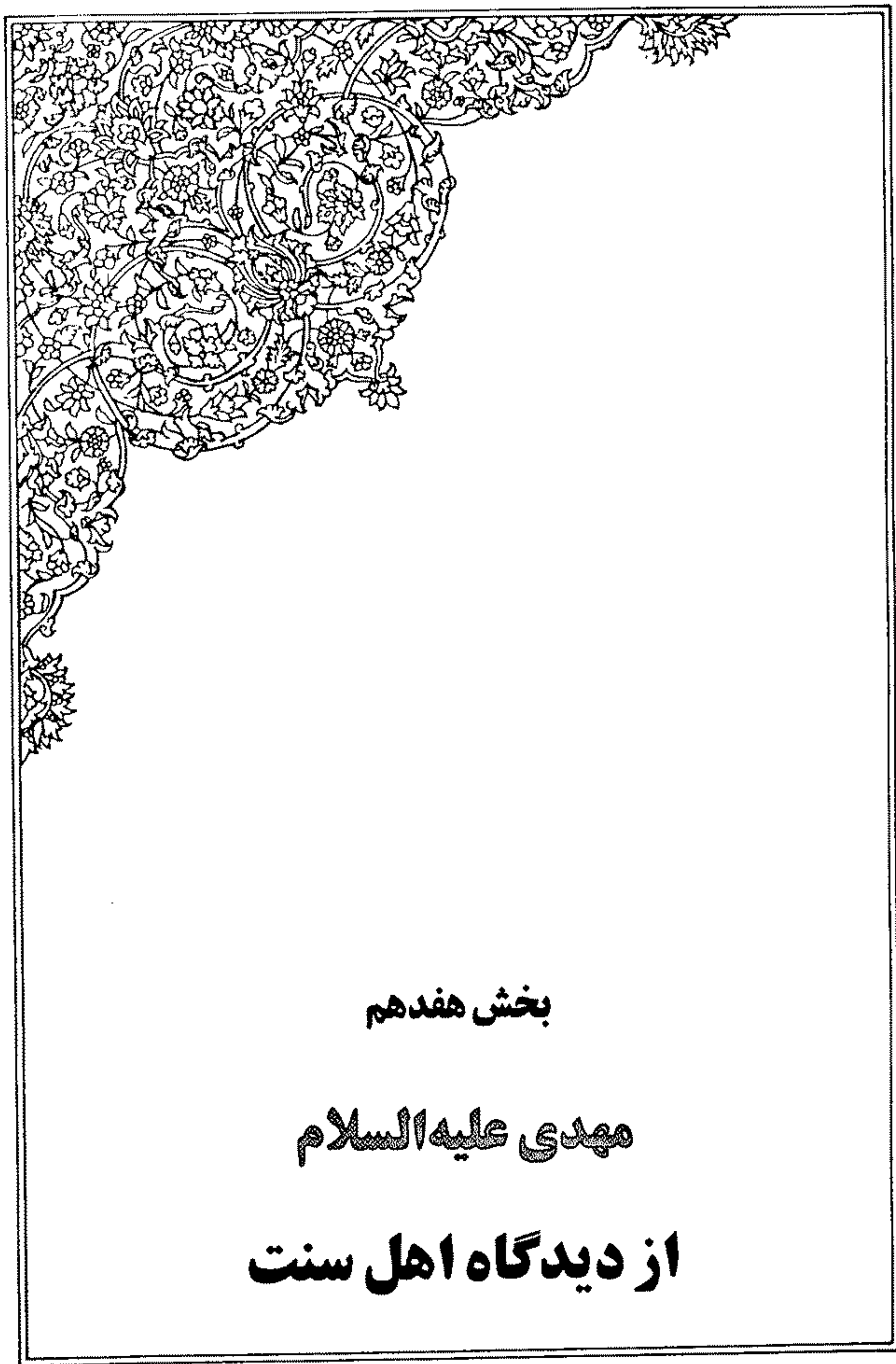
«و در فرازی از «دعای حکمت» که از ناحیه مقدسه صادر شده، چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمَ بِقِسْطِكَ، وَالتَّائِبَ بِأَمْرِكَ، وَلِئِى الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمُجْلَى الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرَ الْحَقِّ، وَالشَّاطِعَ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، ... الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدلاً، كَمَا مِلَّيْتَ ظُلْماً وَجَوْراً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

بار خدایا، صلوات و سلام خود را بر حجت خود در روی زمین و خلیفه خود در شهرهای خود بفرست، که به سوی تو دعوت می کند و به عدالت قیام می کند و به فرمان تو انتقام خونهای به ناحق ریخته را می گیرد، که دوستدار مؤمنان و نابود کننده کافران است. که تاریکیها را از بین می برد و نور حق را آشکار می کند و حکمت و راستی را جلوه گر می سازد... و زمین را پر از عدل و داد می کند آنچنانکه پر از جور و ستم شده است. که توبه هر چیزی توانا هستی». (۲۹)

در دعاهای واصله از ناحیه مقدسه، معارف بسیار والائی نهفته که عاشقان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را به مداومت آنها دعوت و توصیه می کنیم. جامعترین کتابی که دعاهای واصله از ناحیه مقدسه را گرد آورده، کتاب پیرارج: «صَحِیفَةُ الْمَهْدِيِّ» از برادر دانشمندان آقای حاج شیخ عیسی اهری است. و برای آشنائی بیشتر با وظایف سنگینی که در عهد غیبت در برابر حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به عهده داریم، خوانندگان گرامی را به مطالعه کتاب گرانبهای: «مِکْنِیَالُ الْمَکَارِمِ» توصیه می کنیم.

و در مورد توقیعات شریف و کلمات دربار حضرت بقیة الله ارواحنا فداء جامعترین کتابی که در دست داریم، کتاب گرانقدر: «کَلِمَةُ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ» از دوست ارزشمندان، شهید سید حسن شیرازی است.



بخش هفدهم

مهدی علیه السلام

از دیدگاه اهل سنت

«مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ».
«هر کس منکر مهدی باشد کافر است».
(رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم)*

در بخشهای گذشته با احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در پیرامون غیبت و ظهور حضرت بقیة الله (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا) آشنا شدیم. در این بخش نمونه‌ای چند از احادیث وارده در پیرامون حضرت ولی عصر (صلوات الله علیه) را می‌آوریم که از طریق اهل سنت و جماعت به ما رسیده است. در اینجا تلاش ما بر این است که از کتابهای معروف اهل سنت نقل کنیم تا برای هر فرد غیر شیعی قانع کننده و اطمینان‌آور باشد.

برای اینکه خواننده گرامی با گستردگی احادیث مهدی در کتب اهل سنت آشنا شود تلاش بر این شده که از کتابهای متنوع نقل شود و لذا احادیث این بخش از ۶۰ کتاب سنی نقل شده است.

نکته جالبتر اینکه از همه این کتابها بدون واسطه نقل شده است و مشخصات

همه آنها در بخش بیبلیوگرافی کتاب آمده است. (۱)
 برای سهولت مراجعه، تیتروهای برای این بخش گذاشته شده است. و اینک متن احادیث:

نسب حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۴۱﴾

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُضْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ».

«مهدی از ما اهل بیت است، خداوند در یک شب کار او را فراهم می کند». (۲)
 در احادیث اهل سنت در مورد نسب حضرت بقیة الله روحی فداه مشخصات زیر به صراحت آمده است:

- ۱ - مهدی از قریش است.
 - ۲ - مهدی از بنی هاشم است.
 - ۳ - مهدی از اهل بیت است.
 - ۴ - مهدی از تبار رسول اکرم است.
 - ۵ - مهدی از نسل حضرت علی است.
 - ۶ - مهدی از اولاد حضرت فاطمه است.
 - ۷ - مهدی از اولاد امام حسین است.
- و در برخی تصریح شده که نهمین فرزند اوست.

۱ - شناسنامه کامل این احادیث در کتاب «مُعْجَمُ أَحَادِيثِ الْمَهْدِيِّ» به قلم ویراستار این کتاب آمده است.

۲ - نهایة ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۵.

۸ - مهدی از امامان اهل بیت است.
و در برخی تصریح شده که دوازدهمین آنهاست.

﴿۲۴۲﴾

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ».
«مهدی از عترت من از اولاد فاطمه است».^(۳)

﴿۲۴۳﴾

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا، يَخْتِمُ الدِّينَ بِنَا كَمَا فَتَحَ بِنَا».
«مهدی از تبار ماست. خداوند دین را با ما به پایان می‌رساند، چنانکه با ما آغاز کرده است».^(۴)

﴿۲۴۴﴾

«يَخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِي أَسْمُهُ إِسْمِي وَخُلُقُهُ خُلُقِي، يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا».
«مردی از اهل بیت من خروج می‌کند که نامش همانام من و خویش هم‌خوی منست. زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده است».^(۵)

۳ - معالم السنن، ج ۴، ص ۳۴۴.

۴ - الصَّوَائِقُ الْمَحْرُوقَةُ، ص ۱۶۱.

۵ - معجم کبیر، ج ۱۰، ص ۸۳ (حدیث ۱۰۲۲۹).

﴿۲۴۵﴾

«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي».

«دنیا سپری نمی شود جز اینکه مردی از اهل بیت من فرمانروای جهان شود که نامش همنام منست».^(۶)

﴿۲۴۶﴾

«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي».

«دنیا سپری نمی شود جز اینکه مردی از اهل بیت من بر جهان عرب فرمانروا شود که همنام منست».^(۷)

﴿۲۴۷﴾

«يَلِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي».

«مردی از اهل بیت من بر سریر فرمانروائی می نشیند که نامش همنام منست».^(۸)
و در احادیث دیگر تصریح شده که کنیه اش نیز هم کنیه با رسول گرامی اسلام است.

۶ - حلیة الاولیاء، ج ۵، ص ۷۵.

۷ - مصابیح السّنة، ج ۱، ص ۱۹۳.

۸ - تحفة الأحوذی، ج ۶، ص ۴۸۶ (حدیث ۲۳۳۲).

سیمای حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۴۸﴾

«الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي، وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ».

«مهدی مردی از تبار منست. صورتش همانند ستاره فروزان است».^(۹)

﴿۲۴۹﴾

«إِنَّهُ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخَمَ الْبَطْنِ...».

«او مردی پیشانی باز، دماغ باریک و سینه ستبر است».^(۱۰)

﴿۲۵۰﴾

«الْمَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلَى الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْرًا».

«مهدی از من، با پیشانی باز و بینی کشیده، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد».^(۱۱)

﴿۲۵۱﴾

«هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكَبَيْهِ، يَغْلُو نُورٌ وَجْهَهُ سَوَادَ

۹ - فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۷۹.

۱۰ - شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۳۰.

۱۱ - شرح المقاصد، ص ۳۰۷.

شَعْرِهِ وَلِخَيْتِهِ وَرَأْسِهِ».

«او جوان چهارشانه و نیکو صورتی است که موهای سرش بر شانه‌هایش فرو می‌ریزد و درخشندگی صورتش بر سیاهی موی سرو صورتش غلبه می‌کند» (۱۲)

این حدیث صریح است که به هنگام ظهور رنگ محاسن و موی سر آن حضرت مشکی خواهد بود و در برخی از روایات به صورت جوان نورس تعبیر شده است.

﴿۲۵۲﴾

«الْمَهْدِيُّ مِنِّي، أَجَلِي الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِثَ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ».

«مهدی از منست، با پیشانی باز و بینی کشیده، زمین را پر از عدالت و داد می‌کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. هفت سال سلطنت می‌کند» (۱۳)

سبب تسمیه حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۵۳﴾

«إِنَّمَا سُمِّيَ «الْمَهْدِيُّ» لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ، وَيُسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنَ أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا أَنْطَاكِيَّةٌ».

«او را مهدی می‌گویند، زیرا به چیزی که از همگان پوشیده است راهنمایی می‌کند. او تورات و انجیل را از سرزمین انطاکیه بیرون می‌آورد» (۱۴)

۱۲ - غالية المواعظ، ج ۱، ص ۷۷.

۱۳ - مختصر سنن ابی داود، ج ۶، ص ۱۶۰ (حدیث ۴۱۱۶).

۱۴ - عقد الدرر، ص ۴۰.

از این حدیث استفاده می‌شود که تورات و انجیل تحریف نشده را حضرت بقیة الله روحی فداه از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد.

انطاکیه نام شهری در جنوب ترکیه نزدیک مرز سوریه است که قبر سه تن از پیامبران در آن شهر زیارتگاه خاص و عام است. این قبور متعلق به پیامبرانی است که سرگذشت آنها در قرآن کریم در سوره «یس» آمده است. (۱۵)

عظمت حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۵۴﴾

«نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ الْجَنَّةِ: أَنَا وَحَمْزَةُ وَجَعْفَرُ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ».

«ما اولاد عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم:

۱ - من

۲ - حمزه سید الشهداء

۳ - جعفر طیار

۴ - علی

۵ - حسن

۶ - حسین

۷ - مهدی». (۱۶)

۱۵ - سوره یس، آیه ۱۴.

۱۶ - مطالب السؤل، ج ۲، ص ۱۲۶.

﴿۲۵۵﴾

«أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدٍ وَأَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامٍ، وَأَنْتَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةٍ، وَأَنْتَ أَبُو حُجَجٍ تِسْعَةٍ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ».

سلمان فارسی می گوید: به خدمت رسول اکرم (ص) شرفیاب شدم، امام حسین را روی زانویش نشانده، بر پیشانی اش بوسه می زد و می فرمود:

«تو سید و فرزند سیدی، تو امام و فرزند امامی، تو حجت و پسر حجتی تو پدر حجتی، که نهمی آنها قائم آنهاست» (۱۷)

﴿۲۵۶﴾

«أَنَا سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِنَّ أَوْصِيَائِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ».

«من سرور انبیا هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاء است. اوصیاء بعد از من دوازده تن می باشند که نخستین آنها علی بن ابی طالب و واپسین آنها قائم (علیه السلام) است» (۱۸)

﴿۲۵۷﴾

«أَنَا وَعَلِيُّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ».

«من، علی، حسن، حسین، و نه تن از اولاد حسین پاک و پاکیزه و معصوم هستیم» (۱۹)

۱۷ - مودة القربى، در ضمن ینابیع المودة، ص ۲۵۸.

۱۸ - فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۳.

۱۹ - فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۳.

از نظر شیعه معصوم بودن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و دوازده امام علیهم السلام قطعی و تردید ناپذیر است ولی از نظر اهل سنت این حدیث روشنترین حدیثی است که معصوم بودن امامان را به صراحت بیان فرموده است.

﴿۲۵۸﴾

«إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِمَامٌ أُمِّيٌّ وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي، وَمِنْ وَلَدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلِكُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا. وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا، الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ فِي زَمَانٍ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ». «علی بن ابی طالب پیشوای امت من و خلیفه من بعد از منست و «قائم منتظر» که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد آنچنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد، از اولاد اوست. سوگند به خدائی که مرا برای نوید دادن و بیم دادن فرستاده است، کسانی که در زمان غیبت در اعتقاد به امامت او استوار بمانند از کبریت احمر^(۲۰) گرانباترند». (۲۱)

﴿۲۵۹﴾

«يَا فَاطِمَةُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ أُعْطِينَا سِتًّا خِصَالٍ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَلَا يُدْرِكُهَا أَحَدٌ مِنَ الْآخَرِينَ غَيْرُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ، نَبِيُّنَا خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَهُوَ أَبُوكِ، وَوَصِيُّنَا خَيْرُ

۲۰ - کبریت احمر به گوگرد سرخ گفته می شود که به غایت کمیاب است، هر چیزی که بسیار کمیاب باشد و به سختی تحصیل شود آن را به کبریت احمر تشبیه می کنند (دهخدا حرف کاف، ص ۳۱۳).

۲۱ - الامامة و قائم القیامه، ص ۲۸۷.

الأوصياء وهو بعلک، وشَهِيدُنَا خَيْرُ الشُّهَدَاءِ وَهُوَ حَمْرَةُ عَمِّ أَبِيک، وَمِنَّا سِبْطُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُمَا ابْنَاک، وَمِنَّا مَهْدِيُّ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى خَلْفَهُ. ثُمَّ ضَرَبَ عَلَى مِنْكَبِ الْحُسَيْنِ (ع) فَقَالَ: مِنْ هَذَا مَهْدِيُّ الْأُمَّةِ».

«ای فاطمه، ما اهل بیتی هستیم که خداوند شش امتیاز به ما داده است که پیش از ما به احدی نداده و بعد از ما هم به کسی نخواهد داد:

- ۱ - پیامبر ما برترین پیامبران است و آن پدر تست.
 - ۲ - وصی ما بهترین اوصیاست و آن شوهر تست.
 - ۳ - شهید ما سرور شهیدان است و آن عموی پدرت حمزه است.
 - ۴ و ۵ - دو سبط این امت از ماست و آنها دو پسر تست.
 - ۶ - مهدی این امت که عیسی در پشت سرش نماز می خواند از ماست».
- آنگاه با دست مبارکش بر شانه امام حسین (علیه السلام) زد و گفت: «مهدی امت از تبار اوست» (۲۲).

ضرورت قیام حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۶۰﴾

«لَوْ لَمْ يَتَّقِ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا، كَمَا مِلَّثَتْ جَوْرًا».

«اگر جز یک روز از روزگار باقی نباشد خداوند در آن روز مردی را از اهل بیت من بر می انگیزد که جهان را پر از عدالت کند، پس از آنکه پر از ستم شده باشد» (۲۳).

۲۲ - البیان، ص ۸۲.

۲۳ - جامع الاصول من احادیث الرسول، ج ۱۱، ص ۴۹ (حدیث ۷۸۱۱).

﴿۲۶۱﴾

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُمْلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - عِثْرَتِي - فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّيْتُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا».

«قیامت برپا نمی شود جز اینکه زمین پر از جور و ستم شود، آنگاه مردی از اهل بیت من خارج می شود و آن را پر از عدل و داد می کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده است» (۲۴).

﴿۲۶۲﴾

«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّيْتُ جَوْرًا».

«دنیا سپری نمی شود جز اینکه مردی از اهل بیت من در میان امتم ظاهر شود که زمین را پر از عدالت کند آنچنانکه پر از ستم شده باشد» (۲۵).

﴿۲۶۳﴾

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً».

«این دین تا دوازده خلیفه من هست عزیز و سرافراز است».

جابر بن سمره می گوید: آنگاه مردم تکبیر گفتند و سروصدا کردند و رسول اکرم (ص) چیزی فرمود که من نشنیدم، از پدرم پرسیدم که چه فرمود؟ گفت: «كُلُّهُمْ

۲۴ - موارد الظمان، ص ۴۶۴.

۲۵ - خريدة العجائب، ص ۱۹۹.

مِنْ قُرَيْشٍ: «همگی از قریش است». (۲۶)

لزوم اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۶۴﴾

«مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ».

«هر کس مهدی را انکار کند کافر می شود». (۲۷)

دهها تن از دانشمندان اهل تسنن در کتابهای حدیثی و کلامی به تواتر احادیث حضرت مهدی روحی فداه اعتراف کرده اند و دهها تن از آنها بر طبق حدیث فوق فتوی داده اند که انکار حضرت مهدی کفر است.

یکی از علمای معروف اهل سنت به نام «شوکانی»^(۲۸) برای اثبات تواتر احادیث حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) کتابی به نام: «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر والمسیح والدجال» تألیف کرده است.

انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۶۵﴾

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ».

۲۶ - سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶.

۲۷ - الفتاوی الحدیثه، ص ۳۷.

۲۸ - محمد بن علی شوکانی، متوفای ۱۲۵۰ هـ.

«برترین عبادتها انتظار فرج است» (۲۹)

ناگفته پیداست انتظاری می‌تواند بهترین عبادتها به‌شمار آید که سازنده باشد، یعنی انسان را به عمل وادار کند. کسی که منتظر ظهور آن دادگستر جهانی است هنگامی منتظر است که به مقدار طاقت خود در پیاده کردن اهداف عالیّه آن حضرت تلاش کند. وگرنه نمی‌تواند خود را منتظر بنامد.

نقش امام زمان علیه السلام در عصر غیبت

﴿۲۶۶﴾

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَسْتَفْعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِقَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ. يَا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْرُوجِ عِلْمِهِ، فَاتَّكُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ».

«سوگند به خداوندی که مرا به پیامبری برانگیخت، آنها در زمان غیبت او از نور ولایت او برخوردار می‌شوند، چنانکه مردم از خورشید برخوردار می‌شوند هنگامی که پشت ابرها نماند».

«ای جابر! این از اسرار پنهان و علوم نهانی خداوند است، آن را مخفی بدار، جز از اهلش» (۳۰).

روایت جابر بن عبدالله انصاری به همین تعبیر در احادیث شیعه نیز وارد شده

۲۹ - سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۶۵ (حدیث ۳۵۷۱).

۳۰ - منابع المودة، ص ۴۲۲.

است. (۳۱)

در این رابطه سه حدیث دیگر از سه تن از امامان معصوم نیز وارد شده که همه به یک مضمون می‌باشد و در هر سه حدیث وجود مقدس حضرت ولی عصر روحی فداه در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است:

۱- از امام زین العابدین علیه السلام. (۳۲)

۲- از امام صادق علیه السلام. (۳۳)

۳- از وجود مقدس حضرت ولی عصر در ضمن توقیع شریفی که توسط دوّمین نائب خاص حضرتش صادر شده است. (۳۴)

اما در مورد اینکه چرا آن خورشید فروزان امامت در عصر غیبت به آفتاب پوشیده شده در پشت ابر تشبیه شده، مطالب زیادی گفته شده، که علامه مجلسی هشت وجه در دائرة المعارف بزرگ بحار آورده است. (۳۵)

وجه دیگری نیز اخیراً ابراز شده که شاید از همه مقبولتر باشد. (۳۶)

یاران امام زمان علیه السلام در عصر غیبت

﴿۲۶۷﴾

«الْأَبْدَالُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ ثَلَاثُونَ رَجُلًا قُلُوبُهُمْ عَلَى قَلْبِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، كُلُّمَا

۳۱- کمال الدین صدوق، ص ۱۴۶ و ۳۶۵.

۳۲- نظریة الامامة، از دکتر احمد محمود صبحی، ص ۴۱۳.

۳۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۳۴- غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۷.

۳۵- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۳ و ۹۴.

۳۶- او خواهد آمد، ص ۱۷ - ۲۶.

مَاتَ رَجُلٌ أَبَدَلَ اللَّهُ مَكَانَهُ رَجُلًا».

«ابدال در میان این امت سی نفر هستند که دل‌هایشان چون قلب ابراهیم خلیل است. هرگاه یکی از آنها بمیرد خداوند یک نفر دیگر به جای او می‌گمارد» (۳۷).

در روایات شیعه آمده است که همواره سی تن از اخیار و اوتاد در محضر حضرت بقیة الله هستند که خداوند به وسیله آنها از وجود مقدس آن مه‌رتابان رفع غربت می‌کند. (۳۸)

مرحوم میرزای نوری می‌فرماید: اگر مقدر نباشد که این ۳۰ نفر چون حضرت بقیة الله روحی فداه از عمر طولانی برخوردار باشند، لازمست که در هر قرنی عوض بشوند و افراد دیگری جای آنها را بگیرند. به هر حال در هر قرنی ۳۰ نفر از مؤمنان پرهیزگار سعادت تشرّف و مجاورت آن بزرگوار را دارند. (۳۹)

روی این بیان احتمال می‌رود که حدیث فوق نیز به همین موضوع مربوط باشد، خصوصاً که در کتب اهل سنت این حدیث همه جا در بخش احادیث حضرت مهدی درج شده است.

این ۳۰ نفر که اصطلاحاً «ابدال» نامیده می‌شوند چقدر سعادت‌مند هستند که همواره در محضر آن مه‌رتابان هستند و آن سعادت بزرگی است که امامان معصوم نیز آن را آرزو کرده‌اند.

﴿۲۶۸﴾

«وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي».

۳۷ - عون‌المعبود، ج ۱۱، ص ۳۷۷.

۳۸ - غیبت نعمانی، ص ۹۹.

۳۹ - جنة المأوی = بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۰.

«امام حسین (ع) فرمود: «من اگر زمان او را درک می‌کردم تمام عمر خود را در خدمت او به سر می‌بردم». (۴۰)

عین این تعبیر در احادیث شیعه از امام صادق علیه‌السلام وارد شده است. (۴۱)

روزگار رهائی

﴿۲۶۹﴾

«وَيُذْعَىٰ ذَٰلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ الْخَلَاصِ».

«آن روز روز رهائی خوانده می‌شود». (۴۲)

جالب توجه است که علاوه بر احادیث اسلامی، در اناجیل نیز که نویدهای آن مصلح جهان به وفور آمده است، از آن روز موفور السّرور به عنوان «روز رهائی» تعبیر شده است. و لذا نویسندۀ پر شور لبنانی: «کامل سلیمان» کتاب پر ارج خود را «یوم الخلاص» نام نهاده است. (۴۳)

نخستین خطبه حضرت مهدی علیه‌السلام

﴿۲۷۰﴾

«فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرُهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَتْبَاعِهِ

۴۰ - عقد الدرر، ص ۱۶۰.

۴۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۴۲ - المنار المنيف، ص ۱۵۱.

۴۳ - این کتاب توسط ویراستار به نام «روزگار رهائی» به فارسی برگردان شده است.

فَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ هَذِهِ الْآيَةُ: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ، فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، فَإِذَا اجْتَمَعَ عِنْدَهُ الْعَقْدُ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ، فَلَا يَتَقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا أَحَدٌ مِمَّنْ يَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا أَمَنَ وَصَدَّقَ وَتَكُونُ الْمِلَّةُ وَاحِدَةً مِلَّةَ الْإِسْلَامِ، وَكُلُّ مَا كَانَ فِي الْأَرْضِ مِنْ مَعْبُودٍ سِوَى اللَّهِ تَعَالَى تَنْزِلُ عَلَيْهِ نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَتُخْرِقُهُ».

«چون ظاهر شود پشتش را به خانه کعبه تکیه می دهد و تعداد ۳۱۳ نفر از پیروانش در اطراف او گرد آیند. نخستین چیزی که به زبان می آورد این آیه شریفه است: «بقیه الله بهتر است برای شما اگر مؤمن باشید» (۴۴).

سپس می فرمود:

«بقیه الله منم، خلیفه الله منم، حجة الله منم».

کسی بر او سلام نمی گوید جز اینکه بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ».

«هنگامی که لشکر ده هزار نفری گرد می آید، دیگر یک نفر یهودی و مسیحی و پیروان دیگر ادیان که جز خدا را می پرستند، باقی نمی ماند جز اینکه ایمان می آورد و تصدیق می کند و دین یکی می شود و آن، دین مقدس اسلام است. هر معبودی که در روی زمین باشد و جز خدا پرستیده شود، آتشی از آسمان می آید و آن را می سوزاند» (۴۵).

﴿۲۷۱﴾

وَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ:

۴۴ - سورة هود، آیه ۸۶

۴۵ - نورالابصار، ص ۱۷۲.

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

«چون قائم آل محمد (صلوات الله علیه) قیام کند می فرماید: هان ای مردم! ما کسانی هستیم که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم وعده داده است: (۴۶) «آنها کسانی هستند که اگر در روی زمین متمکن شوند، نماز را به پا می دارند، زکات را می پردازند، امر به معروف و نهی از منکر می نمایند». (۴۷)

پرچم حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۷۲﴾

«عَلَى رَايَةِ الْمَهْدِيِّ مَكْتُوبٌ: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ».

«بر پرچم حضرت مهدی نوشته شده: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ». (۴۸)

چنانکه قرآن کریم بیعت رسول اکرم صلی الله علیه وآله را بیعت با خدا تعبیر کرده است (۴۹) بیعت با آخرین خلیفه و حجت خدا نیز بیعت با خدا به شمار می آید چنانکه امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

«حضرت قائم علیه السلام پشتش را به کعبه تکیه داده دست مبارکش را دراز می کند نور سفیدی از آن ساطع شود که هیچ زنگی ندارد، و می فرماید: این دست خداست، از آن خداست و برای خداست. آنگاه آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا

۴۶ - سورة حج، آیه ۴۱.

۴۷ - شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰.

۴۸ - البرهان، ص ۱۵۲.

۴۹ - سورة فتح، آیه ۱۰.

يُنَايِعُونَ اللَّهَ» را تلاوت می فرماید». (۵۰)

فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت

﴿۲۷۳﴾

«يُنَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ».

«در میان رکن و مقام به تعداد اصحاب بدر با او بیعت می کنند». (۵۱)

تعداد ۳۱۳ نفر که در اولین لحظات ظهور با آن حضرت بیعت می کنند. فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت در دولت حقّه می باشند و گرنه تا شماره سپاهیان به ده هزار نفر نرسیده باشد از مکه حرکت نمی کنند.

﴿۲۷۴﴾

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَثْرٍ مِنَ السَّنِينَ، سَنَةً إِحْدَى أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ خَمْسٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ تِسْعٍ، وَيَقُومُ فِي يَوْمٍ عَاشُورَاءَ وَيُظْهَرُ يَوْمَ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَشَخْصٌ قَائِمٌ عَلَى يَدِهِ يُنَادِي: أَلْبَيْعَةَ أَلْبَيْعَةَ، فَيَسِيرُ إِلَيْهِ أَنْصَارُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ يُنَايِعُونَهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، ثُمَّ يَسِيرُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَأْتِيَ الْكُوفَةَ، فَيَنْزِلُ عَلَى نَجْفِهَا، ثُمَّ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ مِنْهَا إِلَى جَمِيعِ الْأَمْصَارِ».

«قائم علیه السلام جز در سال فرد خارج نشود، او در سالهائی چون: یک، سه، پنج، هفت و نه، در روز شنبه، روز عاشورا، دهم ماه محرم ظهور می کند و در میان رکن و

۵۰ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸.

۵۱ - تلخیص البیان، ص ۱۲۶.

مقام قرار می‌گیرد، شخصی بالا دست او بانگ می‌زند: بیعت، بیعت. یاران او از اقطار و اکناف جهان به سوی او می‌شتابند و با او بیعت می‌کنند. خداوند روی زمین را به واسطه او پر از عدالت می‌کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. آنگاه از مکه خارج می‌شود و به کوفه می‌رود. هنگامی که به نجف کوفه (نجف اشرف) رسید سپاهیان را تقسیم کرده به تمام مناطق روی زمین می‌فرستد. (۵۲)

﴿۲۷۵﴾

«لَا تُخْشَرُ أُمَّتِي حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ، يُمِدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَيَخْرُجُ إِلَيْهِ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَالنُّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَعَصَائِبُ أَهْلِ الشَّرْقِ حَتَّى يَأْتُوا مَكَّةَ قِيَابِعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، ثُمَّ يَتَوَجَّهَ إِلَى الشَّامِ وَجَبْرِيْلُ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَلَى يَسَارِهِ، وَمَعَهُ أَهْلُ الْكَهْفِ أَعْوَانٌ لَهُ، فَيَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ وَالْحَيَاتَانُ فِي الْبَحْرِ وَتَزِيدُ الْمِيَاءُ وَتَمْتَدُّ الْأَنْهَارُ وَتُضْعِفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا، فَيُقَدِّمُ إِلَى الشَّامِ فَيَأْخُذُ السُّفْيَانِيَّ، فَيَذْبَحُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا إِلَى بُحَيْرَةِ طَبْرِیَّةَ».

«امت من محشور نمی‌شود تا مهدی خارج شود که خداوند او را با سه هزار فرشته یاری می‌کند. ابدال شام، نجیبان مصر و برگزیدگان خاور زمین همراه او خارج می‌شوند، همگی در مکه گرد می‌آیند و در میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. آنگاه به سوی شام حرکت می‌کنند. جبرئیل در پیشاپیش آنها، میکائیل در طرف چپ او، و اصحاب کهف معاونان آن حضرت می‌باشند. اهل آسمان و زمین از ظهور او خوشحال می‌شوند، پرندگان هوا، درندگان صحرا و ماهیان دریا شادمانی می‌کنند. آبها فراوان می‌شود، رودخانه‌ها گسترده می‌شود، زمین میوه‌هایش را چند

برابر می‌کند. آنگاه به سوی شام پیش می‌رود و سفیانی را دستگیر می‌کند و در کنار دریاچه طبریّه^(۵۳) در زیر درختی که شاخه‌هایش روی دریاچه گسترده است، او را سر می‌برند.^(۵۴)

در برخی از احادیث اهل سنت آمده است که هنگامی که سفیانی دستگیر می‌شود او را در حالیکه عمامه‌اش را به گردنش آویخته‌اند کشان کشان به خدمت آن حضرت می‌آورند. سفیانی تقاضای عفو می‌کند حضرت بقیّة‌الله که فرزند رحمة‌للعالمین است او را مورد عفو قرار می‌دهد ولی اصحاب و یاران عرض می‌کنند: ای فرزند پیامبر! او که اینهمه از اولاد حضرت رسول صلی الله علیه و آله را کشته چگونه ممکن است مورد عفو قرار گیرد، ما هرگز نمی‌توانیم صبر کنیم. می‌فرماید: اختیار با شماست، هرچه خواستید انجام دهید. او را در کنار دریاچه طبریّه سر می‌برند و شیعیان همه تکبیر می‌گویند و خدا را سپاس می‌گویند.^(۵۵)

ندای آسمانی

﴿۲۷۶﴾

«يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِهِ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَمَنْ بِالْمَغْرِبِ حَتَّى لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ. عَلَى مُقَدِّمَتِهِ جِبْرَائِيلُ، وَعَلَى سَاقَتِهِ مِيكَائِيلُ، وَيُمَدِّدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ».

«منادی آسمانی به نام او بانگ می‌زند و تمام مردم مشرق و مغرب آن را می‌شنوند،

۵۳ - دریاچه طبریّه در فلسطین قرار دارد.

۵۴ - لوائح الانوار الالهیه، ج ۲، ص ۷۸.

۵۵ - عقد الدرر، ص ۹۹.

هیچ خفته‌ای نمی‌ماند جز اینکه بر می‌خیزد. جبرائیل در پیشاپیش و میکائیل دوشادوش او حرکت می‌کنند خداوند او را با سه هزار ملائکه یاری می‌فرماید.» (۵۶)

﴿۲۷۷﴾

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَظْهَرُ إِذَا نَادَى مُنَادٍ فِي السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، يَظْهَرُ حِينَئِذٍ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيَشْرَبُونَ حُبَّهُ فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ».

«چون فرمان ظهور مهدی برسد، منادی آسمانی ندا می‌کند که حق با آل محمد است. آنگاه نام مهدی بر سر زبانها می‌افتد و محبت او در دلها جای می‌گیرد، دیگر نام کسی جز او بر زبانها جاری نمی‌شود.» (۵۷)

جالب است که از چند سال پیش نام مقدس آقا بر سر زبانها افتاده و منتظران واقعی لحظه‌ای از یاد آن حضرت غافل نیستند.

خروج سفیانی

﴿۲۷۸﴾

«يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ السُّفْيَانِيُّ فِي عُمُقٍ دِمَشْقٍ، وَعَامَّةٌ مِّنْ يَّتَّبِعُهُ مِنْ كُلِّبٍ، فَيَقْتُلُ حَتَّى يَنْقَرِبُطُونَ النَّسَاءَ وَيَقْتُلُ الصَّبِيَّانَ، فَتَجْتَمِعُ لَهُمْ قَيْسٌ فَيَقْتُلُهَا، حَتَّى لَا يَمْنَعَ ذَنْبٌ تَلْعَةً، وَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَّةِ فَيَبْلُغُ السُّفْيَانِيَّ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ جُنْدًا مِّنْ جُنْدِهِ فَيَهْزِمُهُمْ فَيَسِيرُ إِلَيْهِ السُّفْيَانِيُّ بِمَنْ مَعَهُ، حَتَّى إِذَا ضَارَ بِبَيْدَاءٍ مِّنَ الْأَرْضِ، خَسِفَ بِهِمْ فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ إِلَّا الْمُخْبِرُ عَنْهُمْ».

۵۶ - تلخیص البیان، در ضمن مجله «الهادی» سال هفتم شماره پنجم، ص ۱۲۴.

۵۷ - الفتاوی الحدیثه، ص ۴۰.

«مردی به نام سفیانی از دمشق خروج می‌کند که همه پیروانش از قبیله کلب خواهد بود، کشت و کشتار می‌کند تا جائیکه شکم زن‌ها را می‌شکافد و کودکان را می‌کشد. قبیله قیس در برابرش قیام می‌کنند و همه را طعمه شمشیر می‌سازد. آنگاه مردی از اهل بیت من از ناحیه حرّه^(۵۸) خارج می‌شود و خبر خروج او به سفیانی می‌رسد سفیانی ارتشی را به سوی او می‌فرستد و او همه را شکست می‌دهد. آنگاه سفیانی با همه سپاهیان‌ش به سوی او حرکت می‌کند. چون به سرزمین پیدا رسیدند خداوند همه آنها را در کام زمین فرو می‌برد و کسی از آنها نمی‌ماند، جز یک نفر که خبر آنها را گزارش دهد».^(۵۹)

از نظر شیعه و سنی تردیدی نیست که ظهور آن حضرت از مکه معظمه خواهد بود، بحث از ناحیه حرّه در اطراف مدینه در این حدیث شاید به این معنی باشد که چون آن حضرت به ناحیه حرّه برسد سپاه سفیانی به سوی آن حضرت گسیل می‌شود.

﴿۲۷۹﴾

«الْعَجَبُ أَنَّ نَاسًا مِنْ أُمَّتِي يَوْمُونَ بِالْبَيْتِ بِرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ، قَدْ لَجَأَ بِالْبَيْتِ. حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ».

فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ الطَّرِيقَ قَدْ يَجْمَعُ النَّاسَ. قَالَ:

«نَعَمْ: فِيهِمُ الْمُسْتَبْصِرُ وَالْمَجْبُورُ وَابْنُ السَّبِيلِ، يَهْلِكُونَ مَهْلَكًا وَاحِدًا وَيَصْدُرُونَ مَصَادِرَ شَتَّى. يَنْعَثُهُمُ اللَّهُ عَلَى نِيَاتِهِمْ».

«جای شگفت که گروهی از امت من به دنبال مردی از قریش که به بیت خدا پناهنده

۵۸ - حرّه، نام سرزمینی در نزدیکی مدینه است. (اعلام المنجد، ص ۲۳۲).

۵۹ - کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲ (حدیث ۳۸۶۹۸).

شده به سوی بیت هجوم می‌برند، چون به سرزمین بیدا برسند زمین آنها را در کام خود فرو می‌برد».

راوی می‌گوید: گفتیم ای رسول گرامی اسلام در این راه ممکن است افراد مختلفی باشد. فرمود:

«آری، در میان آنها برخی آگاه، برخی مجبور و برخی رهگذر هستند که همگی یکجا هلاک می‌شوند، ولی در روز قیامت هر کسی بر طبق نیت خود برانگیخته می‌شود».(۶۰)

حکومت بر سرتاسر جهان

﴿۲۸۰﴾

«مَلِكِ الدُّنْيَا مُؤْمِنَانِ وَكَافِرَانِ، أَمَّا الْمُؤْمِنَانِ فَذَوَا الْقُرْنَيْنِ وَسَلِيمَانَ، وَأَمَّا الْكَافِرَانِ فَنَمْرُودٌ وَبُخْتُ نَصْرٍ، وَسَيَمْلِكُهَا خَامِسٌ مِنْ عِثْرَتِي فَهُوَ الْمَهْدِيُّ».

«تاکنون چهار نفر بر همه جهان سلطنت کرده‌اند که دو نفرشان مؤمن و دو نفرشان کافر بوده‌اند. آنها که مؤمن بودند عبارتند از: ذوالقرنین و حضرت سلیمان. آنها که کافر بودند عبارتند از: نمرود و بختنصر. یک نفر پنجمی هم بر سرتاسر جهان حکومت خواهد کرد که او عبارت است از مهدی که از عترت منست».(۶۱)

۶۰ - صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۱۱ (حدیث ۲۸۸۴)

۶۱ - العطر الوردی، ص ۷۰.

پایتخت حکومت جهانی

﴿۲۸۱﴾

«إِنَّ أَسْعَدَ النَّاسِ بِالْمَهْدِيِّ أَهْلُ الْكُوفَةِ».

«خوشبخت‌ترین مردم در عصر حضرت مهدی مردم کوفه هستند.» (۶۲)

آری کوفه در عهد آن حضرت پایتخت حکومتی خواهد بود که بر تمام شرق و غرب جهان حکومت خواهد کرد. و لذا در احادیث شیعه آمده است که جای یک پا در کوفه از یک خانه مسکونی در مدینه بهتر است.

روش حضرت مهدی علیه السلام

﴿۲۸۲﴾

«الْمَهْدِيُّ يَقْفُو أَثَرِي وَلَا يُخْطِئُ».

«مهدی راه مرا دنبال می‌کند و هرگز گامی خطا نمی‌کند.» (۶۳)

در روایات شیعه نیز تکیه شده که روش حضرت ولی عصر روحی فداه دقیقاً طبق روش رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌باشد. اما آنچه مشهور است که با دین جدید و کتاب جدید می‌آید به این معنی است که پیش از ظهور آن حضرت دین فرسوده می‌شود، معارف اسلام تحریف می‌شود، هنگامی که آن حضرت متن دین را پیاده می‌کنند برای مردم دین تازه جلوه می‌کند.

۶۲ - طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۴.

۶۳ - مشارق الأنوار، ص ۱۱۳.

﴿۲۸۳﴾

«يَقْسِمُ الْمَالُ، يَعْمَلُ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامُ بِجِرَائِهِ إِلَى الْأَرْضِ».

«اموال را در میان مردم تقسیم می‌کند و در میان مردم به سنت پیامبر صلی الله علیه وآله رفتار می‌کند و اسلام را به طور کامل در روی زمین پیاده می‌کند».(۶۴)

تقسیم مساوی بیت المال

﴿۲۸۴﴾

«يَقْسِمُ الْمَالُ بِالسَّوِيَّةِ، وَيَعْدِلُ فِي الرَّعِيَّةِ، وَيَفْصِلُ فِي الْقَضِيَّةِ».

«بیت المال را به طور مساوی در میان مردم تقسیم می‌کند، عدالت را در میان امت پیاده می‌کند و به هنگام داوری حق و باطل را دقیقاً جدا می‌کند».(۶۵)

﴿۲۸۵﴾

«أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُنْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلَّازِلَ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِثْتُ جَوْرًا وَظُلْماً، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، يَقْسِمُ الْمَالُ صِحَاحاً».

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا صِحَاحاً؟ قَالَ: «بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ».

«شما را نوید می‌دهم با مهدی که به هنگام اختلاف مردم و بحران زندگی در میان امت من برانگیخته می‌شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و

۶۴ - التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۲.

۶۵ - الفتوحات المکیة، ج ۳، ص ۱۰۶.

ستم شده است. ساکنان زمین و آسمان از او خشنود می شوند و مال را «صَحاحاً» تقسیم می کند. یکی از اصحاب پرسید: «صَحاحاً» یعنی چه؟ فرمود: یعنی به طور مساوی در میان مردم». (۶۶)

بخشش بی نظیر

﴿۲۸۶﴾

«يَجِيءُ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِي أَعْطِنِي أَعْطِنِي. قَالَ: فَيَخْشِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ».

«ابو سعید خدری می گوید: رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: کسی می آید به خدمت حضرت مهدی و می گوید: ای مهدی! برای من انفاق کن. هر قدر بتواند ببرد به او عطا می فرماید». (۶۷)

در احادیث قبلی آمده بود که بیت المال را به طور مساوی تقسیم می کند، ولی این احادیث مربوط به بیت المال نیست، بلکه مربوط به اموال فراوانی است که در اختیار آن حضرت خواهد بود و هر کس مراجعه کند به مقداری که بتواند حمل کند به او عطا خواهد فرمود.

﴿۲۸۷﴾

«يَأْتِيهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي أَعْطِنِي، وَبَيْنَ يَدَيْهِ الْمَالُ، فَيَخْشِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ».

۶۶ - مسند امام حنبل، ج ۳، ص ۳۷.

۶۷ - سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۶ (حدیث ۲۲۳۲).

«شخصی به خدمت او می آید و می گوید: ای مهدی به من عطا کن، در برابر او اموالی گذاشته شده، از آن اموال بر می دارد. و هر قدر بتواند حمل کند در لباس و ظرف او می گذارد و به او می دهد.» (۶۸)

﴿۲۸۸﴾

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ».

«خلیفه‌ای در آخر الزمان خواهد بود که ثروت را در میان مردم تقسیم می کند بدون اینکه آن را بشمارد.» (۶۹)

این تعبیر در روایات فراوانی آمده و بی ارزشی مال را در عهد آن حضرت بیان می کند. بسیار روشن است که در زمانی که زکاتها را در طبقها نهاده در کنار جاده‌ها بگذارند، دیگر حساب و کتابی در تقسیم اموال و عطایا مطرح نخواهد بود. و شاید لفظ نشمردن به معنای ارج نهادن و ارزش قائل نشدن باشد.

فراوانی بی نظیر

﴿۲۸۹﴾

«تَنْعَمُ أُمَّتِي فِيهَا نِعْمَةٌ لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا، يُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِذْرَارًا، وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ، وَالْمَالُ كُدُوسٌ، يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِي أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ».

«امت من در عهد او آن چنان متنعم می شوند که هرگز در تاریخ نظیر ندارد. آسمان

۶۸ - البواقیت والجواهر، مبحث ۶۵.

۶۹ - مصابیح السنه، ج ۱، ص ۱۹۲.

سیل آسا بر آنها فرو می بارد و زمین چیزی از گیاهانش را ذخیره نمی کند، ثروت کلانی روی هم انباشته می شود و کسی رغبت نمی کند. هرکس بلند شود و بگوید: ای مهدی به من عطا کن، می فرماید: بگیر» (۷۰).

﴿۲۹۰﴾

«يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ ثَبَاتَهَا، وَيُعْطَى صِحَاحاً، وَتَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ، وَتَغْظُمُ الْأُمَّةُ، يَعِيشُ سَبْعاً أَوْ تِسْعاً».

«در آخر امت من مهدی خارج می شود، خداوند باران رحمتش را بر او فرو می ریزد و زمین گیاهانش را برای او بیرون می فرستد. مال را به طور مساوی تقسیم می کند، دام بسیار فراوان می شود، امت اسلامی بسیار شکوهمند می گردد. هفت یا نه سال در میان آنها حکومت می کند» (۷۱).

در این حدیث چون دهها حدیث دیگر مدّت حکومت حضرت بقیّة الله روحی فداه بین هفت الی نه سال تعیین شده است، ولی در احادیث دیگر چهل، هفتاد و سیصد سال نیز آمده است. ولی توضیح این نکته ضروری است که در احادیث شیعه تصریح شده که در زمان حضرت بقیّة الله روحی فداه هر سال معادل ده سال است و لذا هفت سال که حدّ اقل روایات است با سالهای ما معادل هفتاد سال خواهد بود. و از طرف دیگر اگر ارزش زندگی در چنین حکومتی را در نظر بگیریم هر لحظه اش با هزاران سال زندگی در زیر یوغ رژیمهای ستمگر، قابل مقایسه نیست.

۷۰ - عقیده اهل السنة والأثر، در مجله دانشگاه مدینه، سال اول، شماره سوم، ذی قعدة ۱۳۸۸ هـ.

۷۱ - نظرة في احاديث المهدي، در مجله التمدن الاسلامي، اکتبر ۱۹۵۰ م.

﴿۲۹۱﴾

«يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَأَرْبَعَةٌ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ نِسْوَةٌ فَيُظْهَرُ عَلَى كُلِّ جَبَّارٍ وَابْنِ جَبَّارٍ، وَيُظْهَرُ مِنَ الْعَدْلِ مَا يَتَمَنَّى لَهُ الْأَحْيَاءُ أَمْوَاتَهُمْ».

«سیصد و چهارده نفر در اطراف او گرد می آیند که در میان آنها زن هم هست. آنگاه بر همه ستمگران و ستمگرزاده ها پیروز می شود و عدالتش در تمام جهان آشکار گردد. چون مردم آن عدالت را ببینند مردگان خود را آرزو می کنند که ایکاش آنها نیز زنده بودند و این روز شکوهمند را می دیدند.» (۷۲)

جای تردید نیست که تعداد یاران اولیه حضرت ولی عصر روحی فداه ۳۱۳ تن می باشد، شاید در این حدیث یک نفر هم زن در نظر گرفته و با آن ۳۱۴ تن تعبیر کرده است و شاید هم این رقم از طرف راوی اشتباه شده است.

در مورد اینکه در نخستین بیعت ۳۱۳ تن با آن حضرت بیعت خواهند نمود جای هیچ شک و تردید نیست، ولی اینکه در میان آنها زن هم وجود داشته باشد فقط در همین حدیث آمده است. در روایات شیعه نیز فقط یک حدیث داریم که از وجود زن در میان آنها سخن گفته است. (۷۳)

﴿۲۹۲﴾

«يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلُ إِلَى يَغْسُوبِهَا».

«امت اسلامی در اطراف حضرت مهدی (علیه السلام) گرد می آیند، آنچنانکه زنبوران عسل در اطراف ملکه خود گرد می آیند و در حوادث به او پناه

۷۲ - مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵.

۷۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

می‌برند». (۷۴)

قدرت بی نظیر

﴿۲۹۳﴾

«إِنَّ اللَّهَ يُلْقِي فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا الرُّغْبَ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَظَهَرَ مَهْدِيُنَا كَانَ الرَّجُلُ أَجْرًا مِنْ لَيْثٍ وَأَمْضَى مِنْ سَنَانٍ».

«خداوند تبارک و تعالی ترس و لرز را در دل شیعیان ما می‌افکند (که تقیه کنند و خود را نگهدارند) چون قائم ما قیام کند و مهدی ما ظاهر شود، هر یک نفر از آنها از شیر دلیرتر و از نیزه نافذتر خواهد بود». (۷۵)

معجزات مهدی علیه السلام

﴿۲۹۴﴾

«يَوْمَ يَأْتِي الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الطَّيْرِ فَيَسْقُطُ عَلَى يَدِهِ، وَيَغْرُسُ قَضِيبًا فِي بُقْعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ، فَيَخْضِرُ وَيُورِقُ».

«مهدی علیه السلام به پرنده نگاه می‌کند در برابرش روی زمین قرار می‌گیرد. چوب خشک را در زمین می‌کارد، سبز می‌شود و برگ می‌آورد». (۷۶)

۷۴ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۷.

۷۵ - حلیة الأولیاء، ج ۳، ص ۱۸۴.

۷۶ - عقد الدرر، ص ۱۳۹.

نزول حضرت عیسی علیه السلام

﴿۲۹۵﴾

«لَنْ تُهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوَّلِهَا وَالْمَهْدِيُّ فِي أَوْسَطِهَا وَعِيسَى فِي آخِرِهَا»
 «امتی که من در اوّل آن، مهدی در وسط آن و عیسی در آخر آن باشد هرگز هلاک
 نمی شود». (۷۷)

تعبیر «عیسی در آخر آن» شاید به این مناسبت باشد که نزول حضرت عیسی
 علیه السلام بعد از ظهور حضرت بقیّة الله روحی فدا خواهد بود، وگرنه معلوم
 نیست که حضرت عیسی تا زمان بعد از حضرت ولیّ عصر عجل الله فرجه الشریف
 باقی بماند.

﴿۲۹۶﴾

«وَيَمُكُّثُ عِيسَى أَرْبَعِينَ سَنَةً وَيُصَلِّيْ خَلْفَ الْمَهْدِيِّ».

«حضرت عیسی مدّت چهل سال در روی زمین می ماند و در پشت سر حضرت
 مهدی نماز می خواند». (۷۸)

ملا علی قاری، در کتاب پر ارج «المشرب الوردی» برتری حضرت مهدی بر
 حضرت عیسی را اثبات می کند و نمازگزاردن حضرت عیسی در پشت سر حضرت
 مهدی را یکی از دلایل افضلیّت حضرت ولیّ عصر (عجل الله فرجه) بر حضرت

۷۷ - الاشاعة لأشراط الساعة، ص ۱۱۲.

۷۸ - البدء و التاریخ، ج ۱، ص ۱۹۲.

عیسی علیه السلام شمرده است. (۷۹)

﴿۲۹۷﴾

«يَجْتَمِعُ الْمَهْدِيُّ وَعِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَجِيءُ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ لِعِيسَى: تَقَدَّمْ، فَيَقُولُ عِيسَى: أَنْتَ أَوْلَى بِالصَّلَاةِ، فَيُصَلِّي عِيسَى وَرَاءَهُ مَأْمُومًا.»
 «حضرت مهدی با حضرت عیسی جمع می شوند، هنگام نماز فرا می رسد، حضرت مهدی به حضرت عیسی می فرماید: بفرمائید جلو، حضرت عیسی می فرماید: نه شما برای امامت نماز شایسته تر هستید. آنگاه حضرت عیسی به او اقتدا می کند و نماز را در پشت سر او می خواند.» (۸۰)

علايم ظهور

﴿۲۹۸﴾

«سَتَكُونُ فِتْنٌ، الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ، وَالْقَائِمُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْمَاشِي، وَالْمَاشِي فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي، مَنْ تَشَرَّفَ لَهَا تَشَتَّرَفَهُ، فَمَنْ وَجَدَ مَلْجَأً أَوْ مَعَاذًا فَلْيَعُذْ بِهِ.»
 «فتنه هائی پدید خواهد آمد که هر کس در آن روزگار نشسته باشد بهتر از آن است که بایستد. و هر کس ایستاده باشد بهتر از آن است که حرکت کند. و هر کس در حرکت باشد بهتر از آن است که تلاش کند. هر کس خود را در معرض آن فتنه ها قرار دهد، فتنه ها او را در کام خود فرو می برند. هر کس پناهگاه و محل امنی پیدا کند به آن پناه

۷۹ - المشرب الوردی، برگ دوم - مخطوط - .

۸۰ - تذكرة الخواص، ص ۳۲۵.

ببرد». (۸۱)

﴿۲۹۹﴾

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى الْعُلَمَاءِ زَمَانٌ، أَلَمَوْتُ أَحَبُّ إِلَيَّ أَحَدِهِمْ مِنَ الذَّهَبِ الْأَحْمَرِ، وَلَيَأْتِيَنَّ أَحَدُهُمْ قَبْرَ أَخِيهِ فَيَقُولُ: لَيْتَنِي مَكَانَهُ».

«زمانی برای دانشمندان پیش می‌آید که مرگ برای آنها از طلای سرخ محبوبتر می‌شود و هریک از آنها بر سر قبر برادرش آمده می‌گویند: ای‌کاش من جای او آرمیده بودم». (۸۲)

﴿۳۰۰﴾

«بَلَاءٌ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ، حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَيُبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

«بلای جانکاهی بر این امت روی می‌دهد که احدی پناهگاهی پیدا نمی‌کند که از ستمها به آن پناه ببرد. آنگاه خداوند مردی را از تبار من می‌فرستد که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده است». (۸۳)

﴿۳۰۱﴾

«سَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ، وَمِنْ بَعْدِ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ، وَمِنْ بَعْدِ الْأُمَرَاءِ مُلُوكٌ جَبَابِرَةٌ، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا».

۸۱ - صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۲۵.

۸۲ - فتح الباری، ج ۱۳، ص ۷۶.

۸۳ - مشکاة المصابیح، ص ۱۸۴.

«بعد از من خلفا، سپس امیران و بعد از آنها پادشاهان ستمگری خواهد بود. آنگاه مردی از اهل بیت من خارج می شود که زمین را پر از عدالت می کند، آنچنانکه پر از ستم شده است». (۸۴)

﴿۳۰۲﴾

«وَيَحْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ مُلُوكِ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَيَطْرُدُونَ، إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ، فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ يُضَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَيَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزاً قَصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ، وَأَصْلَحَ الْأُمَّةَ بَعْدَ فُسَادِهَا. يَا حُذَيْفَةُ! لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، الْمَلَا حِمٌّ فِي يَدَيْهِ وَيُظْهِرَ الْإِسْلَامَ، وَاللَّهُ لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ».

«وای به حال این امت از زمامداران ستمگر، که می کشند و دور می اندازند، جز کسانی را که اظهار فرمانبری نکنند. مؤمن پرهیزگار، با زبان با آنها سازش می کند ولی در دل از آنها بیزاری می جوید. هنگامی که خداوند بخواهد عزت اسلام را بازگرداند، ستمگران عنود را هلاک می سازد و کار امت را پس از تباهی اصلاح می نماید که او بر هر چیزی که بخواهد تواناست. (سپس فرمود): ای حذیفه! اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد خداوند به قدری آن را طولانی سازد که مردی از اهل بیت من سلطنت یابد و جنگهای سخت نماید و آئین اسلام را آشکار سازد، که خداوند هرگز در وعده خود تخلف ننماید و در حسابگری بسیار سریع است». (۸۵)

۸۴ - أسد الغابه، ج ۱، ص ۲۵۹.

۸۵ - اربعین ابونعیم، ص ۵۴ (حدیث ۲۸).

﴿۳۰۳﴾

«يَنْزِلُ بِأَمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ، لَمْ يُسْمَعْ بَلَاءٌ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ، وَحَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ جَوْرًا وَظُلْمًا، لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَأً يَلْتَجِي إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَذْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، وَلَا السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَذْرَارًا».

«بر امت من در آخر الزمان بلای سختی از سوی زمامدارانشان نازل می شود که بلائی سخت تر از آن شنیده نشده است. زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ می شود. زمین پر از جور و ستم می شود و شخص با ایمان پناهگاهی نمی یابد که به آن پناه ببرد. آنگاه خداوند مردی را از عترت من بر می انگیزد که زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود می شوند. زمین چیزی از باران رحمتش را نگه نمی دارد جز اینکه سیل آسا بر آنها فرو می ریزد» (۸۶).

﴿۳۰۴﴾

«إِذَا ضَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجًا وَمَرَجًا، وَتَظَاهَرَتِ الْفِتَنُ، وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلُ، وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا، وَلَا صَغِيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا، فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهُمَا (أَيَ الْحَسَنِينَ) مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَهُ الضَّلَالَةِ وَقُلُوبًا غُلْفًا، يَقُومُ بِالَّذِينَ آخَرَ الزَّمَانِ كَمَا

قُمْتُ بِهِ أَوَّلَ الزَّمَانِ، وَيَمْلَأُ الدُّنْيَا عَذْلًا كَمَا مُلِثْتُ جَوْرًا».

«هنگامی که جهان پر از هرج و مرج شود، فتنه‌ها آشکار شود و راهها ناامن شود و برخی بر برخی دیگر حمله‌ور شوند، دیگر بزرگی بر کوچک ترخم نکند و هیچ کوچکی احترام بزرگ را رعایت نکند، خداوند از این دو فرزندم (حسن و حسین) کسی را برمی‌انگیزد که سنگرهای ضلالت را درهم می‌شکند و دلهای مهر خورده را می‌گشاید. دین را در آخر زمان بر پای می‌دارد آنچنانکه من در اوّل زمان آن را بپا داشتم. زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آنچنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد» (۸۷).

در این حدیث تصریح شده که حضرت مهدی از نسل امام حسن و امام حسین است و آن صحیح است زیرا حضرت ولیّ عصر روحی فداه از طرف پدر از تبار امام حسین و از طرف مادر از تبار امام حسن می‌باشد، چون مادر امام باقر دختر امام حسن مجتبی است که درود خدا بر همه آنان باد.

﴿۳۰۵﴾

وَإِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَرَكِبَتْ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ وَأَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَوَاتِ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَاسْتَحَفُّوا بِالدَّمَاءِ وَتَعَامَلُوا بِالرِّبَا وَتَظَاهَرُوا بِالزُّنَا، وَشَيَّدُوا الْبِنَاءَ وَاسْتَحَلُّوا الْكِذْبَ وَأَخَذُوا الرِّشَاءَ وَاتَّبَعُوا الْهَوَىٰ وَبَاغُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا، وَقَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَضَنُّوا بِالطَّعَامِ، وَكَانَ الْجِلْمُ ضَعْفًا وَالظُّلْمُ فَخْرًا، وَالْأُمَرَاءُ فَجَرَةٌ وَالْوُزَرَاءُ كَذِبَةٌ وَالْأُمَنَاءُ خَوْنَةٌ وَالْأَعْوَانُ ظَلَمَةٌ وَالْقُرَاءُ فَسَقَةٌ، وَظَهَرَ الْجَوْرُ وَكَثُرَ الطَّلَاقُ وَبَدَأَ الْفُجُورُ وَقُبِلَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ وَشُرِبَتِ الْخُمُورُ وَرُكِبَتِ الذُّكُورُ وَاسْتَفْنَتِ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، وَاتَّخَذَ الْفَنَىٰ مُعْنَمًا وَالصَّدَقَةُ مَغْرَمًا، وَاتَّقَى الْأَشْرَارُ

مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ، وَخَرَجَ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الشَّامِ وَالْيَمَانِيُّ مِنَ الْيَمَنِ، وَخُسَيْفُ الْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، وَقُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَضَاحَ ضَائِحٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَمَعَ أَتْبَاعِهِ».

«هنگامی که مردها خود را به صورت زن در آورده، زنها به صورت مرد در آیند، زنها بر زینها سوار شوند، مردم نماز را ترک کنند و از شهوات پیروی کنند، خونها را سبک بشمارند و از ربا نهراهند، زنا علنی شود و ساختمانهای محکم و مرتفع ساخته شود، دروغ مباح شمرده شود و رشوه رائج گردد، از خواسته‌های نفس پیروی کنند و دین را به دنیا بفروشند، پیوند خویشاوندی را قطع کرده، از بذل طعام خودداری کنند، عقل و خود نگهداری نشانه ضعف، و ظلم و ستم وسیله مباحات گردد. امیران بدخو، وزیران دروغگو، امینان خائن، یاران ظالم و قاریان فاسق شوند. ستم علنی شده، طلاق فراوان گشته، روابط نامشروع شایع شده، گواهی دروغ پذیرفته می‌شود و مشروبات رائج می‌شود، همجنس بازی رواج می‌یابد و زنها نیز بیکدیگر اکتفاء کنند، بیت‌المال تاراج می‌شود و انفاق در راه خدا جریمه محسوب می‌شود و بدسرشتان برای ترس از زیانشان احترام می‌شوند، سفیانی از شام خارج می‌شود و یمانی از یمن خروج می‌کند، سرزمین پیدا در میان مکه و مدینه خسف می‌شود و جوانی از آل محمد (صلوات الله علیهم) در میان رکن و مقام به قتل می‌رسد و منادی آسمانی ندا سر می‌دهد که حق با او و پیروان اوست» (۸۸).

﴿۳۰۶﴾

«وَلَا يَخْرُجُ حَتَّى تَخْرُبَ حُوزُ وَكِزْمَانُ وَرُومٌ وَيُونَانُ».

«حضرت مهدی علیه السلام ظهور نمی‌کند جز اینکه خوزستان، کرمان، روم و یونان خراب شوند». (۸۹)

ویران خوزستان با آغاز جنگ خانمانسوز ایران و عراق تحقق یافت.

﴿۳۰۷﴾

«يُوشِكُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنْ لَا يَجِيءَ إِلَيْهِمْ قَفِيزٌ وَلَا دِرْهَمٌ، قُلْنَا: مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ؟ قَالَ: مِنْ قِبَلِ الْعَجَمِ يَمْنَعُونَ ذَلِكَ».

«انتظار می‌رود که یک قفیز گندم و یکدرهم پول به مردم عراق نرسد». (۹۰)

ابو نصره می‌گوید: من و دیگر حاضران پرسیدیم: چرا و چگونه؟ گفت: از ناحیه «عجم» که جلوگیری می‌کنند.

«قفیز» واحد وزن است که در زمانهای مختلف متغیر بود که طبق قانون مصوب ۱۳۰۴ شمسی یک قفیز مساوی یک دکا متر مربع است. (۹۱)

«عجم» به معنای غیر عرب است ولی معمولاً در مورد ایرانیان به کار می‌رود.

این حدیث نیز با جنگ ایران و عراق تا حدی تحقق یافته است.

﴿۳۰۸﴾

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ فَأْتَوْهَا فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ».

«هنگامی که پرچمهای سیاه از جانب خراسان به اهتزاز درآمد به سوی آنها بشتابید

۸۹ - فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۷۷.

۹۰ - مسند امام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۱۷.

۹۱ - فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۷۰۲.

که خلیفه خدا حضرت مهدی در میان آن است» (۹۲).

این روایت که به مضمون آن دهها روایت از طریق اهل سنت نقل شده است، اگر صحیح باشد ممکن است اشاره به قیام سید حسنی باشد که اهل خراسان است.

﴿۳۰۹﴾

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤْطَوْنَ لِلْمَهْدِيِّ».

«گروهی از خاور زمین بر می خیزند و راه را برای مهدی علیه السلام هموار می کنند» (۹۳).

با توجه به اینکه در احادیث فراوانی تعبیر مشرق در مورد خراسان به کار رفته است می توان این حدیث را نیز با جناب سید حسنی تطبیق نمود که طبق روایات شیعه از خراسان بر می خیزد و سپاهی فراهم می آورد و همه را یکجا به محضر مقدس حضرت بقیه الله روحی فداه تقدیم می کند.

﴿۳۱۰﴾

«تَجِيءُ فِتْنَةٌ غِبْرَاءُ مُظْلِمَةٌ ثُمَّ يَتَّبِعُ الْفِتْنِ بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، فَإِنْ أَدْرَكَتْهُ فَاتَّبِعْهُ وَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ».

«فتنه تیره و تاری پدید می آید که افق زندگی را تاریک می سازد، آنگاه فتنه ها پشت سرهم می آیند تا مردی از اهل بیت من به نام «مهدی» ظهور کند. اگر او را درک کردی از او پیروی کن تا از هدایت یافتگان باشی» (۹۴).

۹۲ - مرقاة المفاتیح، ج ۵، ص ۱۸۵.

۹۳ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸ (حدیث ۴۰۸۸).

۹۴ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷.

﴿۳۱۱﴾

«لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَةٌ».

«مهدی ظهور نمی کند جز اینکه نشانه‌ای با خورشید ظاهر شود» (۹۵)

این نشانه در احادیث شیعه به دو گونه نقل شده است:

۱ - سینه و صورتی همراه خورشید در آسمان ظاهر می شود. (۹۶)

۲ - دستی در آسمان ظاهر می شود. (۹۷)

تحقق این نشانه در حدیث فوق از علایم حتمی معرفی شده است.

﴿۳۱۲﴾

«إِنَّ لِمَهْدِيْنَا آيَتَيْنِ لَمْ يَكُونَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، يَنْكَسِفُ الْقَمَرُ لِأَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ وَتَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنْهُ».

«برای قائم ما دو نشانه است که هرگز از زمان آفرینش آسمانها و زمین چنین حادثه‌ای روی نداده است: ماه در اوّل رمضان می گیرد و خورشید نیز در وسط آن گرفته می شود» (۹۸)

﴿۳۱۳﴾

«يَطْلُعُ نَجْمٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قَبْلَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ لَهُ ذَنْبٌ يُضِيءُ».

۹۵ - المصنّف، ج ۱۱، ص ۲۸، (حدیث ۲۰۷۷۵).

۹۶ - يوم الخلاص، ص ۵۱۸.

۹۷ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

۹۸ - تذکره قرطبی، ص ۶۱۹.

«پیش از خروج حضرت مهدی ستاره دنباله‌داری از سمت مشرق طلوع می‌کند دنباله‌اش درخشان است» (۹۹)



چون تعداد یاران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده تن می‌باشند، ما نیز تعداد احادیث این کتاب را تیمناً و تبرکاً ۳۱۳ قرار دادیم، امیدواریم که هرچه زودتر آن روز شکوهمند فرا رسد و دیدگان نگران مشتاقان با دیدار آن مهر تابان و کعبه خوبان منور گردد، و همه خوانندگان این کتاب در ردیف بهترین یاران آن حضرت در حکومت حق و دولت عادلانه جهانی آن مصلح الهی قرار بگیرند. انشاءالله. (۱۰۰)

۹۹ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲.

۱۰۰ - ویرایش این بخش در بیستم ربیع الثانی ۱۴۰۵ هجری در حوزه علمیة قم پایان یافت.

منابع و مأخذ

- ۱- إبراز الوهم المكنون من كلام ابن خلدون، احمد بن محمد بن صديق شافعي، متوفای ۱۳۸۰ هـ چاپ ۱۳۴۷ هـ دمشق.
- ۲- إثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی (صاحب وسائل الشیعه) متوفای ۱۱۰۴ هـ با تحقیقات آقای تجلیل، چاپ ۱۳۹۹ هـ قم.
- ۳- إثبات الوصیّة، علی بن حسین مسعودی (صاحب مروج الذهب) متوفای ۳۴۹، چاپ نجف اشرف.
- ۴- احتجاج طبرسی، ابو منصور، احمد بن علی طبرسی، از علمای قرن ششم، با تعلیقات آقای سیّد محمد باقر خراسان، چاپ ۱۴۰۱ هـ بیروت.
- ۵- أخبار الدّول، احمد بن یوسف قرمانی، متوفای ۱۰۱۹ هـ چاپ ۱۲۸۲ هـ بغداد.
- ۶- الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة، محمد صديق حسن قنوجی بخاری، متوفای ۱۳۰۷ هـ چاپ قاهره.

- ۷- اربعین ابونعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی، متوفای ۴۳۰هـ ترجمه عبدالحجّه بلاغی، چاپ، ۱۳۸۳هـ تهران.
- ۸- اربعین خاتون آبادی (کشف الحق)، میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای ۱۲۷۲هـ چاپ ۱۳۶۱ش. تهران.
- ۹- إرشاد مفید، محمد بن نعمان، متوفای ۴۱۳هـ چاپ سوم ۱۳۹۹هـ بیروت.
- ۱۰- أسد الغابه، ابوالحسن عزالدین علی بن محمد، ابن اثیر، متوفای ۶۳۰هـ چاپ ۱۲۸۵هـ قاهره.
- ۱۱- إسعاف الراغبین، محمد ابن صبان مصری شافعی، متوفای ۱۳۰۶هـ در حاشیه نورالابصار.
- ۱۲- الإشاعة لأشراط الساعة، محمد بن رسول برزنجی، متوفای ۱۱۰۳هـ چاپ ۱۳۷۰هـ قاهره.
- ۱۳- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹هـ با تحقیقات آقای حسن زاده آملی، چاپ ۱۳۸۸هـ تهران.
- ۱۴- إعلام الوری، أمين الاسلام، ابو علی فضل بن حسن طبرسی، (صاحب مجمع البیان) از علمای قرن ششم، با تحقیقات آقای علی اکبر غفاری، چاپ ۱۳۹۹هـ بیروت.
- ۱۵- أعيان الشیعه، سید محسن جبل عاملی، متوفای ۱۳۷۱هـ چاپ لبنان. جلد حضرت ولی عصر روحی فداء.
- ۱۶- إلزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری، متوفای ۱۳۴۳هـ چاپ چهارم ۱۳۹۷هـ بیروت.
- ۱۷- الامامة و التبصرة، علی بن حسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق)، متوفای ۳۲۹هـ چاپ ۱۴۰۴هـ قم.

- ۱۸ - الامامة و قائم القيامة، دکتر مصطفی غالب، از دانشمندان اسماعیلیه، چاپ ۱۹۸۱ م. بیروت.
- ۱۹ - اُوپانیساد، ترجمه محمد دارا شکوه متوفای ۱۰۶۹ هـ از متن سانسکریت، چاپ ۱۳۹۸ هـ تهران.
- ۲۰ - او خواهد آمد، داود الهامی و علی اکبر مهدی پور، چاپ هشتم، ۱۴۰۳ هـ قم.
- ۲۱ - بحار الانوار، علامة مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ چاپ جدید ۱۱۰ جلدی، تهران.
- ۲۲ - البدء و التاریخ، ابوزید، احمد بن سهل بلخی، متوفای ۳۲۲ هـ چاپ ۱۸۹۹ م. پاریس.
- ۲۳ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی، متوفای ۹۷۵ هـ چاپ ۱۳۹۹ هـ قم.
- ۲۴ - بشارة الاسلام، سید مصطفی، آل سید حیدر کاظمی، تاریخ تألیف ۱۳۳۲ هـ چاپ نجف اشرف.
- ۲۵ - بُغیة الطالب فیمن رأى الامام الغائب، محمد باقر بیرجندی، متوفای ۱۳۵۲ هـ چاپ مشهد مقدس.
- ۲۶ - البیان فی اخبار صاحب الزمان، محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ هـ چاپ ۱۳۹۹ هـ بیروت.
- ۲۷ - التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، شیخ منصور بن علی ناصف، متوفای بعد از ۱۳۷۱ هـ چاپ دوم قاهره.
- ۲۸ - تحفة الأحوذی، عبدالرحمان، محمد بن عبدالرحیم مبارکفوری، در شرح سنن ترمذی، متوفای ۱۳۵۳ هـ چاپ قاهره.
- ۲۹ - تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، متوفای ۶۵۴ هـ چاپ ۱۳۸۳ هـ نجف اشرف.

- ۳۰ - تذکره قُرطُبی، محمد بن احمد بن ابی بکر انصاری خزر جی اندلسی، متوفای ۶۷۱ هـ چاپ قاهره.
- ۳۱ - تفسیر عیّاشی، محمد بن مسعود بن عیّاش سلمی، از علمای قرن سوم چاپ ۱۳۸۰ هـ تهران.
- ۳۲ - تلخیص البیان فی اخبار مهدی آخر الزّمان، متقی هندی، متوفای ۹۷۵ هـ تحقیق: علی اکبر مهدی پور، مجله «الهادی» سال ۷، ش ۵، چاپ قم.
- ۳۳ - جامع الاصول من احادیث الرّسول، ابن اثیر جزری، متوفای ۶۰۶ هـ چاپ ۱۴۰۰ هـ بیروت.
- ۳۴ - جزیره خُضراء، علی اکبر مهدی پور، چاپ دوم ۱۴۰۵ هـ قم.
- ۳۵ - الحاوی للفتاوی، بخش «العرف الوردی فی اخبار المهدی»، جلال الدین شیوطی، متوفای ۹۱۱ هـ چاپ دوم، ۱۳۹۵ هـ بیروت.
- ۳۶ - حلیة الأولیاء، ابونعیم، احمد بن عبد الله، متوفای ۴۳۰ هـ چاپ مطبعة سلفیه، ۱۳۵۷ هـ.
- ۳۷ - خریدة العجائب، سراج الدّین عمر بن مظفر بن عمر حلبی شافعی، معروف به ابن وردی، متوفای ۷۴۹ هـ چاپ ۱۳۰۹ هـ قاهره.
- ۳۸ - ذخائر العقبی، محبّ الدّین طبری، متوفای ۶۹۴ هـ چاپ ۱۳۵۶ هـ قاهره.
- ۳۹ - روزگار رهائی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۴۰۵ هـ تهران.
- ۴۰ - روضة کافی، محمد بن یعقوب کَلینی، متوفای ۳۲۹ هـ چاپ تهران.
- ۴۱ - سُلیم بن قیس، از اصحاب امیر مؤمنان علیه السّلام، متوفای حدود ۹۰ هجری، چاپ ۱۴۰۰ هـ بیروت.
- ۴۲ - سنن ابن ماجه، ابو عبد الله محمد بن یزید قزوینی ابن ماجه، متوفای ۲۷۵ هـ با

تحقیقات محمد فؤاد عبدالباقی، چاپ لبنان.

۴۳ - سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفای ۲۷۵هـ چاپ بیروت.

۴۴ - سنن ترمذی، ابو عیسی، محمد بن عیسی بن سوره، متوفای ۲۷۹هـ چاپ

۱۳۵۷هـ قاهره، با تحقیقات احمد شاکر.

۴۵ - سوشیانت، علی اصغر مصطفوی، چاپ ۱۳۶۱ش. تهران.

۴۶ - شرح ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید بن ابی الحدید مدائنی، متوفای

۶۵۶هـ چاپ ۱۳۷۸هـ با تحقیقات محمد ابوالفضل ابراهیم.

۴۷ - شرح المقاصد، مسعود بن عمر بن عبدالله تفتازانی، متوفای ۷۹۳هـ چاپ

۱۲۷۷هـ استانبول.

۴۸ - شواهد التنزیل، عبیدالله بن عبدالله حسکانی، از علمای قرن پنجم، چاپ

۱۳۹۳هـ بیروت.

۴۹ - صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، متوفای ۲۵۶هـ چاپ

بیروت، در چهار جلد با حاشیه سندی.

۵۰ - صحیح مسلم، ابوالحسین، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، متوفای

۲۶۱هـ چاپ بیروت، در ۵ جلد با تحقیقات محمد فؤاد عبدالباقی.

۵۱ - صحیفه المهدی، عیسی اهری، چاپ ۱۴۰۵هـ تهران.

۵۲ - الصواعق المحرقة، شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی، متوفای ۹۷۴هـ

چاپ ۱۳۱۴هـ قاهره.

۵۳ - طبقات ابن سعد، محمد بن سعد کاتب واقدی، متوفای ۲۳۰هـ چاپ

۱۳۲۲هـ لیدن.

۵۴ - طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان، علی اکبر مهدی پور، چاپ دوم

۱۴۰۴هـ تهران.

- ۵۵ - العَطر الوردی فی شرح القطر الشَّهدی، اثر طبع شهاب الدّین احمد بن اسماعیل خلوانی شافعی، متوفای ۱۳۰۸ هـ چاپ ۱۳۰۸ هـ بولاق.
- ۵۶ - عِقد الدُّرر، یوسف بن یحیی مقدّسی شافعی، از علمای قرن هفتم، چاپ ۱۳۹۹ هـ قاهره.
- ۵۷ - عقیده اهل السُّنة والاثَر فی المهدی المنتظر، عبدالمحسن بن عباد، در مجله دانشگاه اسلامی مدینه، سال اوّل شماره ۳، ذیقعدة ۱۳۸۸ هـ که اخیراً در سال ۱۴۰۲ هـ در مدینه به صورت کتاب مستقلّی چاپ شده است.
- ۵۸ - عَوْن المعبود، شرح سنن ابی داود، محمد شمس الحقّ عظیم آبادی متوفای ۱۳۲۹ هـ چاپ مدینه منوره.
- ۵۹ - عَهْدَین، شامل تورات و انجیل چاپ انجمن پخش کتب مقدّسه، ۱۹۶۹ م. لندن.
- ۶۰ - غالية المواعظ، نعمان بن محمود بن عبدالله، ابوالبرکات آلوسی حنفی، متوفای ۳۱۷ هـ چاپ ۱۳۰۱ هـ بولاق.
- ۶۱ - الغدير، علامه بزرگوار شیخ عبدالحسین امینی تبریزی، متوفای ۱۳۹۰ هـ چاپ سوّم ۱۳۸۷ هـ بیروت.
- ۶۲ - غیبت شیخ طوسی، ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ چاپ ۱۳۸۵ هـ نجف اشرف، با مقدّمه شیخ آغا بزرگ تهرانی.
- ۶۳ - غیبت نعمانی، ابراهیم بن جعفر نعمانی، از علمای قرن سوّم، چاپ ۱۳۸۲ هـ تبریز، با تحقیقات مرحوم حاج میرزا ولیّ الله اشراقی.
- ۶۴ - الفتاوی الحدیثه، ابن حجر هیثمی، متوفای ۹۷۴ هـ چاپ ۱۳۹۰ هـ قاهره.
- ۶۵ - فتح الباری، شرح بخاری، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ هـ چاپ بیروت.

- ۶۶- الفتوحات المکیّة، ابن عربی، متوفای ۶۳۸هـ چاپ بیروت.
- ۶۷- فرائد السّمطین، ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی خراسانی، متوفای ۷۳۰هـ چاپ ۱۳۹۸هـ بیروت.
- ۶۸- الفصول المهمّة، نورالدین علی بن محمد، ابن صباغ مالکی، متوفای ۸۵۵هـ چاپ نجف اشرف.
- ۶۹- فیض القدير، عبدالرؤف محمد مناوی، متوفای ۱۰۳۱هـ چاپ ۱۳۹۱هـ بیروت.
- ۷۰- قاموس مقدّس، مسترهاکس آمریکائی، چاپ تهران.
- ۷۱- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، متوفای ۳۶۷هـ چاپ ۱۳۵۶هـ نجف اشرف. با تحقیقات مرحوم علامه امینی.
- ۷۲- کشف الغمّه، علی بن عیسیٰ اربلی، متوفای ۶۹۳هـ چاپ ۱۳۸۱هـ تبریز.
- ۷۳- کفاية الأثر، علی بن محمد بن علی خرازی، از علمای قرن چهارم، چاپ ۱۴۰۱هـ قم.
- ۷۴- کلمة الامام المهدي، سید حسن شیرازی، مستشهد ۱۴۰۰هـ چاپ ۱۴۰۰هـ بیروت.
- ۷۵- کمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق) متوفای ۳۸۱هـ چاپ ۱۳۹۵هـ تهران.
- ۷۶- کنز العمال، علاءالدین علی بن حسام الدین، مشهور به متقی هندی، متوفای ۹۷۵هـ چاپ ۱۳۹۹هـ بیروت.
- ۷۷- لوائح الأنوار الالهیّه، شمس الدین محمد بن احمد بن سالم سفارینی حنبلی، متوفای ۱۱۸۸هـ چاپ ۱۳۲۴هـ قاهره.
- ۷۸- مجمع البیان، ابوعلی، فضل بن حسن طبرسی، از علمای قرن ششم، چاپ

۱۳۷۰هـ تهران

۷۹- مجمع الزوائد، نورالدین، علی بن ابی بکر، ابن حجر هیثمی، متوفای ۸۰۷هـ-
چاپ ۱۳۵۳هـ قاهره.

۸۰- الْمَحْجَّةُ فِيمَا نَزَلَ فِي الْقَائِمِ الْحَجَّةُ، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۷هـ-
چاپ ۱۴۰۳هـ بیروت.

۸۱- مختصر سنن ابی داود، عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری شافعی، متوفای
۶۵۶هـ چاپ بیروت.

۸۲- مدینه البلاغه، حاج شیخ موسی عباسی زنجانی، متوفای ۱۳۹۸هـ چاپ
۱۴۰۴هـ تهران.

۸۳- مرقاة المفاتیح، علی بن سلطان محمد هروی، معروف به ملا علی قاری،
متوفای ۱۰۱۴هـ چاپ قاهره.

۸۴- مستدرک الصحیحین، ابو عبدالله محمد بن عبدالله نیشابوری، متوفای
۴۰۵هـ چاپ ۱۳۲۴هـ حیدرآباد دکن.

۸۵- مسند احمد حنبل، متوفای ۲۴۱هـ چاپ ۱۳۱۳هـ قاهره.

۸۶- مشارق الأنوار، شیخ حسن عدوی حمزوی مالکی مصری، متوفای ۱۳۰۳هـ-
چاپ ۱۳۰۷هـ مطبعة عثمانیه.

۸۷- المشرب الوردی فی اخبار المهدی، ملا علی قاری، متوفای ۱۰۱۴هـ نسخه
خطی کتابخانه سلطنتی برلین به شماره ۲۷۳۱.

۸۸- مشکاة المصابیح، ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب عمری، متوفای بعد از
۷۴۱هـ چاپ ۱۳۸۲هـ دمشق.

۸۹- مصابیح السنّة، حسین بن مسعود بغوی شافعی، متوفای ۵۱۰هـ چاپ
۱۳۱۸هـ قاهره.

- ۹۰ - المصنّف، ابوبکر، عبدالرزاق بن همام صنعانی، متوفای ۲۱۱هـ با تحقیقات حبیب الرحمن اعظمی.
- ۹۱ - مطالب السُّؤل، کمال الدّین محمّد بن طلحه قرشی شافعی، متوفای ۶۵۲هـ چاپ نجف اشرف.
- ۹۲ - معالم السنن، شرح سنن ابی داود، ابی سلیمان حمد بن محمّد خطابی بستی، متوفای ۳۳۸هـ چاپ ۱۳۵۲هـ حلب.
- ۹۳ - معانی الاخبار، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱هـ چاپ ۱۳۶۱هـ قم.
- ۹۴ - معجم کبیر، ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰هـ چاپ بغداد.
- ۹۵ - معرفت امام، لطف الله صافی، چاپ تهران.
- ۹۶ - ملاقات با امام زمان (ارواحنا فداه) سید حسن ابطحی، چاپ ۱۴۰۴هـ تهران.
- ۹۷ - المنار المنیف، شمس الدّین محمّد بن ابی بکر، ابن قیّم جوزیه، متوفای ۷۵۱هـ چاپ حلب.
- ۹۸ - منتخب الأثر، لطف الله صافی، چاپ هفتم قم.
- ۹۹ - المهدی فی القرآن، سیّد صادق شیرازی، چاپ ۱۳۹۸هـ بیروت.
- ۱۰۰ - مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی، چاپ ۱۴۰۳هـ تهران.
- ۱۰۱ - موارد الظّمان، ابن حجر هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، متوفای ۸۰۷هـ چاپ مکه.
- ۱۰۲ - موعود قرآن، ترجمه المهدی فی القرآن، چاپ ۱۳۶۰ ش. تهران.
- ۱۰۳ - النّجم الثاقب، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰هـ چاپ تهران.
- ۱۰۴ - نظرة فی احادیث المهدی، محمّد خضر حسین مصری، متوفای ۱۳۷۷هـ مجله: التمدّن الاسلامی، چاپ اکتبر ۱۹۵۰ م. دمشق.
- ۱۰۵ - نهایه ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، متوفای ۷۷۴هـ چاپ ۱۳۸۸هـ

قاهره.

- ۱۰۶ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، چاپ تهران.
- ۱۰۷ - نورالابصار، سید مؤمن شبلنجی، متوفای بعد از ۱۳۰۸ هـ چاپ بیروت.
- ۱۰۸ - ینابیع المودة، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ هـ چاپ هشتم ۱۳۸۵ هـ قم.
- ۱۰۹ - الیواقیت والجواهر، عبدالوهاب شعرانی، متوفای ۹۷۳ هـ چاپ قاهره.
- ۱۱۰ - يوم الخلاص، کامل سلیمان، چاپ چهارم ۱۴۰۲ هـ بیروت.